



زمینه‌ها، عوامل و بازتاب جهانی
انقلاب اسلامی ایران
رهیافت فرهنگی



مصطفی ملکوتیان

زمینه ها، عوامل و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران

رهیافت فرهنگی

مصطفی ملکوتیان

در بررسی های نظری درباره انقلابها باید در دو امر تفاوت قائل شد: بررسی یک انقلاب در چارچوب نظریهای خاص، و بررسیهای مبتنی بر رهیافتی خاص. واضح است، بررسیهای مبتنی بر نظریه ها نیز می تواند مبتنی بر رهیافت علمی ویژه ای باشد.

هدف این کتاب بررسی انقلاب اسلامی ایران بر مبنای نظریهای خاص از انقلاب نیست که در آن با طرح مجموعه ای از مفاهیم، معمولاً به سوال هایی مانند چرایی و چگونگی وقوع انقلاب اشاره می شود. این اثر در نظر دارد ضمن معرفی زمینه ها، علل و عوامل وقوع، و بازتابهای مختلف انقلاب اسلامی در جهان، از میان رهیافتهای علمی مختلف به رهیافت فرهنگی در این زمینه تاکید و ادله و مستندات آن را ارائه نماید

در عین حال، چینش قسمتها و فصل های کتاب براساس یک نظم نظری صورت گرفته است؛ مانند قرار گرفتن دو قسمت قدرت سیاسی و نیروی اجتماعی در کتاب با توجه به این واقعیت که در وقوع هر انقلابی این دو نیرو مقابل هم قرار می گیرند.

Scanned with CamScanner

گفتار اول:

تحلیل وقوع انقلاب اسلامی با کدام رهیافت؟

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون، دیدگاه‌ها و نوشته‌های فراوانی درباره علل و عوامل وقوع انقلاب به رشته تحریر درآمده است که می‌توان آنها را در رهیافتها و رویکردهای فرهنگی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، اقتصادی و سیاسی دسته‌بندی کرد.

در رهیافت فرهنگی، بر نقش عوامل فرهنگی مانند دین‌مبین اسلام و مذهب شیعه و محتوای درونی و نهادهای آن و نقش رهبری امام خمینی + تاکید شده است. در رهیافت جامعه‌شناختی، به نقش اصلی متغیرهای کلان اجتماعی مانند نظام اجتماعی، طبقات و قشرهای اجتماعی توجه شده است. در رهیافت روانشناختی به نقش عوامل شخصیتی و فرایندهای ذهنی توجه شده است. در رهیافت اقتصادی بر اساس جهان بینی طرفدارانش، گاه ساخت اقتصادی و شیوه تولید، و گاه عوامل اقتصادی در درجه نخست اهمیت قرار می‌گیرد و بالاخره در رهیافت سیاسی، نقش عوامل سیاسی و مسئله قدرت اهمیت یافته است.

الف) رهیافت تحلیلی کتاب حاضر

این پژوهش، اگرچه نقش عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روان‌شناختی در وقوع انقلاب اسلامی را نادیده نمی‌گیرد، معتقد است، مهم‌ترین عامل چه در زمینه سازی، چه در

برای ملاحظه مشروح دیدگاه‌های فوق و معتقدان آنها و نقد دیدگاههای جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، سیاسی و اقتصادی رجوع کنید به ملکوتیان، بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه پردازی‌های تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۱۳۸۷ وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی و چه در تحولات پس از آن، عامل فرهنگی برگرفته از فرهنگ اسلامی مردم ایران، نقش اساسی و اصلی داشته است.

در اینجا منظور از فرهنگ، جنبه‌های مختلف این عامل است. فرهنگ اسلامی - تاریخی مردم ایران، هم از نظر مفهومی و هم از نظر نهادی در وقوع انقلاب اسلامی نقش اصلی برعهده داشته است.

همچنین، فرهنگ از دو طریق، این نقش را ایفا نموده است؛ نخست به منزله عامل مستقل، نقشی اساسی و بسیار برجسته تر از عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روان شناختی داشت، مانند مبارزه طولانی روحانیت و قشرهای مذهبی با اقدامات ضد مذهبی حکومت همچون کشف حجاب به دستور رضاشاه با تحقیر فرهنگی و تلاشهای ضد مذهبی حکومت در زمان محمدرضاشاه؛ دوم به منزله عامل پیونددهنده و هماهنگ کننده عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روان شناختی از این نظر، نقش فرهنگ که شامل ظهور و ایفای نقش امام خمینی + رهبر انقلاب اسلامی نیز می شود، مانند نقش ملاط دربرگیرنده آجرهای مختلف تشکیل دهنده یک دیوار است که اگر نباشد آن دیوار نیز شکل نمی گیرد. ضمن آنکه بخش در خور توجهی از این آجرها نیز، خود، عوامل فرهنگی اند.

همچنین، منظور از نقش مفهومی فرهنگ، محتوای معنایی آن و نقش عناصری مانند شهادت طلبی، عدالت طلبی، ظلم ستیزی و انتظار، و منظور از نقش نهادی آن، نقش نهادها و عواملی مانند نهاد روحانیت، مسجد و مراسم مذهبی و روزهای تاریخی تاسوعا، عاشورا، نماز عید فطر و بزرگداشت شهدا و مانند آن است.

بیشک اگر نقش فرهنگ به منزله یک عامل مستقل قدرتمند و نقش های مفهومی و نهادی فرهنگ اسلامی - تاریخی کشور از یک طرف، و نقش بسیار مهم هماهنگ کننده آن از طرف دیگر نبود، انقلاب اسلامی ایران به سرانجام نمیرسید.

این توجه نشان میدهد که دیدگاه ها و نوشته هایی که بر نقش یک یا چند عامل جامعه شناختی، روان شناختی، سیاسی یا اقتصادی تاکید می کنند، در تفسیر وقوع انقلاب اسلدر راستای تاکید بر نقش محوری و بارز عوامل فرهنگی در وقوع انقلاب اسلامی، مباحث بعدی به چهار موضوع ماهیت انقلاب اسلامی و راههای شناخت آن، نارسایی عمده در بحثهای نظری درباره انقلاب، غافل گیری نویسندگان از پیشگویی وقوع انقلاب اسلامی و علل آن، و فراوانی نوشته ها درباره انقلاب اسلامی و ادله آن اختصاص دارد.

افزون بر این مطالب و موضوعات، اشاره ها و مستندات بیان شده در فصل های مختلف کتاب نیز بر رهیافت فرهنگی در تحلیل انقلاب اسلامی ایران تاکید کرده

است.

ب) ماهیت انقلاب اسلامی و راه های شناخت آن

شناخت ماهیت یک انقلاب راه مستقیمی برای شناخت رهیافت علمی مربوط به آن انقلاب است.

توجه به مفاد درونی آرمان یا ایدئولوژی انقلابی، یکی از راههای شناخت ماهیت انقلاب است. عناصر تشکیل دهنده آرمان انقلاب ۱۳۵۷ ایران از ماهیت اسلامی این انقلاب حکایت می کند. همچنین، شناخت ماهیت هر انقلاب، از جمله انقلاب اسلامی ایران، از طریق توجه به شعارها، ماهیت و ویژگیهای رهبری و اعتقادات همراهان آن انقلاب امکان پذیر است.

یک. شعارها

در انقلاب اسلامی، گسترش و طرح شعارهایی مانند: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی - نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی - حزب فقط حزب الله رهبر فقط روح الله - الله اکبر خمینی رهبر - نهضت ما حسینیه رهبر ما خمینیه - حسین حسین شعار ماست شهادت افتخار ماست - اسلام پیروز است چپ و راست نابود است و در مقابل، ناکامی شعارهای گروه های ملی گرا و مارکسیستی در جذب توده ها و هم ردیف خواندن امپریالیسم و کمونیسم از سوی انقلابیهای مسلمان، گویای ماهیت اسلامی این انقلاب است

بر مبنای یک تحلیل آماری از دیوار نوشته های سال ۱۳۵۷، از مجموع ۱۰۷۷ شعار دیواری بیش از ۹۰ درصد درباره حمله به رژیم پیشین و کارگزارانش، حمایت از امام، تایید اسلام و حکومت اسلامی، شهدای اسلام، تلاش در جهت وحدت مردم برای تداوم مبارزه و ازامی به دور از واقعیت اند. ده درصد بقیه، ۸ / ۵ درصد، شعارهای متفرقه ای بود که اگرچه محور خاصی نداشت، در جهت تخریب رژیم پهلوی بود.

دو. رهبری و ساختارهای بسیج گر

ویژگیهای رهبری امام خمینی + در همه جنبه های شخصیتی، اعتقادی و

عملکردی گویای ماهیت اسلامی انقلاب ایران است. او تربیت یافته مکتب اسلام بود و تنها به تکلیف الهی خود عمل می کرد و زندگی ای زاهدانه و دور از تجمل داشت. حضرت امام مقابله با محمدرضاشاه را وظیفه دینی خود و مردم می دانست و منبع القاکننده روشهای مبارزاتی وی نیز، اندیشه اسلامی بود. ایشان به حرکت توده ها و نخبگان بر اساس مرجعیت عامه اعتقاد داشت، و حرکتهای دیگر را ناموفق می دانست. |

امام در تحلیل های سیاسی نیز بسیار دقیق بود و این تصور را در اذهان پدید می آورد که به گونه ای الهام گونه، از منبع الهی سخن می گوید. پیش بینی های او درباره سقوط محمدرضاشاه مدت هاست که میدانم شاه رفتنی است)، شکست جیمی کارتر از رونالد ریگان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا (آقای کارتر دارد نزد ملتش مطرود می شود و باید کاری غیر از ریاست جمهوری پیدا کند)، ناکامی صدام در جنگ تحمیلی، ناتوانی آمریکا در مسئله اشغال لانه جاسوسی و پیش بینی سقوط مارکسیسم، همگی به تحقق پیوست؟

نقش گروههای روحانیت در شهرها و روستاها و نقش مساجد در بسیج و سازماندهی اعتراضات علیه رژیم محمدرضاشاه نیز، اساسا بیانگر ماهیت دینی این انقلاب است.

سه. ویژگی ها و اعتقادات همراهان انقلاب

منظور از همراهان انقلاب، توده ها و نخبگان شرکت کننده در انقلاب است. از این نظر، حداقل سه مطلب ماهیت اسلامی این انقلاب را نشان میدهد. ۱. همراهی مردمی کاملا مذهبی و معتقد با انقلاب که در تاریخ معاصر کشور، بارها، به درخواست علمای مذهبی، برای آمدن به صحنه، پاسخ مثبت داده اند؛

۲. همراهی بیشتر مردم و طبقات مختلف، نه یک یا دو طبقه یا قشر خاص، با انقلاب. این امر تنها زمانی اتفاق می افتد که یک ایدئولوژی فراگیر و مشترک میان طبقات و قشرهای مختلف اجتماعی گسترش یابد؛

۳. نقش نمادها و الگوهای فرهنگی و روزهای تاریخی تاسوعا، عاشورا، عید فطر و غیره در بسیج انقلابی نخبگان و توده ها و پیشبرد انقلاب.

به جز روشهای مرسوم در شناخت ماهیت یک انقلاب - که در اینجا آمد - در بسیاری از مواقع نوع حکومت پس از انقلاب و تحولاتی که اتفاق می افتد نیز گویاست. استقبال بی نظیر مردم ایران از ورود امام خمینی به میهن و رای بیش از ۹۸ درصدی کلیه کسانی که در سال ۵۸ حق رای داشتند، به تشکیل نظام جمهوری اسلامی و حتی شرکت و حضور بسیار گسترده و بی سابقه مردم در مراسم خاکسپاری امام خمینی + در سال ۱۳۶۸، گویای نقش برتر عوامل فرهنگی در وقوع، پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی ایران است.

افزون بر این، به گفته ماکس وبر، جامعه شناس معاصر، برای اینکه بدانیم یک عامل ویژه در وقوع پدیده‌های اجتماعی تا چه اندازه نقش داشته است، باید لحظه ای فکر کنیم که اگر آن عامل نمی بود، وضع چگونه میشد و آیا آن پدیده رخ میداد؟

درباره وقوع انقلاب اسلامی می توان گفت، اگر نقش عوامل متعدد فرهنگی، از جمله نقش رهبری حضرت امام + نبود، هیچ نیرویی توان مقابله با رژیم شاه را نداشت؛ رژیمی که امکانات و عواملی چون حمایت خارجی، پول نفت، نیروهای نظامی قوی و قدرت زیاد سرکوب مخالفین از طریق ساواک و گاردها را در اختیار داشت.

اگر چنین است، باید به نوشته های غربیان و نویسندگان غرب محور درباره انقلاب اسلامی - که اساسا به تحلیل های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا روان شناختی می پردازند - با دیده تردید نگریم و بر نقش عوامل فرهنگی توجه و تاکید کرد.

ج) اصلی ترین نارسایی در بحث های نظری درباره انقلابها

در ادامه توجه به رهیافت فرهنگی در وقوع انقلاب اسلامی، بحث ذیل می تواند راهگشا باشد. نارسایی عمده در نظریه پردازی در خصوص انقلابها، به ویژه انقلاب اسلامی ایران، از

- در اینجا با این نگرش که آسیب شناسی بخش در خور توجه از آثار و نوشته های غربی درباره انقلاب اسلامی از آسیب شناسی نظر بدهای غربی درباره

پدیده انقلاب جدا نیست، به بررسی تعدادی از ایرادات نظریه های انقلاب می پردازیم و اثره آسیب شناسی (**Pathology** به معنای شناخت بیماری هایی که موجود زنده را از کارکرد مناسب و شرایط عادی خارج می سازد، از علم پزشکی گرفته شده است. اکنون برخی از شرایط اعتبار نظریه ها را که در نظریه های غربی درباره پدیده انقلاب به آنها بی توجهی شده است، بازگو می کنیم یک. بیشتر نظریه های انقلاب مبتنی بر بررسی تعداد معدودی از انقلاب های معاصراند. واضح است به دلیل تفاوت های ماهوی بین انقلاب ها، نمی توان نتیجه به دست آمده از بررسی تعداد کمی از انقلاب را به آسانی به همه آنها تعمیم داد. نظریه های کرین بریستون، آکسی دوتوکویل، منحنی د (جیمز دیویس). تدا اسکاچول و ساموئل هانتینگتون از این تعاند دو. برخی دیگر از نظریه های انقلاب تحلیل خود را بر پایه عقایدی نادرست یا غیر معتبر درباره انسان، جامعه انسانی، دولت و تاریخ بشری بنا کرده اند که در صورت ارتباط تنگاتنگ مفاد این نظریه ها با این میانی، این نظریه نیز غیر معتبر خواهد بود؛ مانند نظریه مارکسی انقلاب مارکس بر اساس نظریه خود پیش بینی کرده بود که حتی در زمان زندگی اش شاهد وقوع انقلاب های سوسیالیستی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری خواهد بود. مارکسیسم به دلیل عدم تحقق وعده ها و شعارهایش که مستقیماً از نظریه مارکسی انقلاب برمی خاست، دوبار یا بحران فکری و سیاسی مواجه شد که به فروپاشی رژیم های مبتنی بر اندیشه مارکسیستی انجامید. برای بررسی عدم انطباق شعارها با عمل مارکسیسم، مطالعه کتاب مارکس و مارکسیسم، تالیف آندره پیتر توصیه می شود در حقیقت، نادرستی برداشت های مارکس و سپس پیروانش از عامل انسانی به منزله عاملی مادی و مادی گراه و برداشت خاص آنها از جامعه، دولت و تاریخ، برداشت های نادرست آنها از پدیده انقلاب و تغییر و تحولات اجتماعی را در پی داشت. به افزون بر شرایط بالا، شرایط دیگری نیز برای اعتبار نظریه ها وجود دارد که گهگاه، به آنها بی توجهی می شود؛ شرایطی مانند همگونی و انسجام شبکه مفهومی و صدر و ذیل یک نظریه؛ نظریه نباید با اصول منطقی ناسازگار باشد؛ شواهد کافی و موجود باید آن را تایید کند و نهایتاً، اگر موارد خاصی از پدیده مزبور را از دایره خود خارج

می‌کند، به خوبی باید ویژگی‌های این موارد را بیان کند. در این میان، مهم‌ترین و اساسی‌ترین مشکلات نظریه‌های غربی در باب پدیده انقلاب، مغایرت وقوع بسیاری از انقلابها با مفاد این نظریه‌ها و گزینش مبناهای مادی صرف است. اکنون پس از بیان مطالب بالا در آسیب‌شناسی نظریه‌های انقلاب، بیان این نکته نیز حائز اهمیت است که پخش در خور توجهی از آثار و نوشته‌ها درباره رخداد انقلاب اسلامی، دقیقاً بر مبنای یکی از نظریه‌های انقلاب بنا شده‌اند؛ بنابراین، نقاط ضعف این نظریه‌ها - که در کتابهای نویسندگان مختلف بر آن تاکید شده - تحلیل نویسنده مزبور درباره انقلاب اسلامی ایران را نیزه خدشه دار کرده است. مثلاً نوشته‌هایی که بر مبنای نظریه مارکسی، نظریه کاریزما (ماکس وبر)، نظریه کارکردگرا ساختاری

این واقعیت ناشی می‌شود که تعدادی از نظریه پردازان در ورود به بحث وقوع و پیروزی انقلاب، به مراحل مختلف انقلاب به طور جدا از هم توجه می‌کنند. به عبارت دیگر، هرچند ممکن است در یک دوره طولانی، زمینه‌ها، علل و عوامل وقوع یک انقلاب شکل گرفته، انقلابی آغاز گردد و از آن پس نیز رهبری آن انقلاب، آرمان انقلابی، شعارها و اهداف انقلاب کارکردهایی انجام دهند که در سرنوشت نهایی مسئله، اهمیت دارد، اما جدا کردن این دو مرحله از یکدیگر اشتباه است. برخی نظریه پردازان بدون توجه به ارتباط منطقی تنگاتنگ بین این دو مرحله، دچار خطای فاحش تحلیلی شده‌اند.

باید بدانیم، در فراهم شدن شرایط وقوع یک انقلاب، هم مجموعه‌ای از اقدامات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دولت مداخله دارند و هم مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و اقدامات نیروی اجتماعی از جمله نقش و ماهیت آرمان انقلابی، راهبرد و تاکتیک‌های رهبری و ویژگیهای فرهنگی و تاریخی توده‌ها. حال، زمانی که یک حرکت آغاز شد، پیشرفت آن تا پیروزی یا شکست نیز با ویژگی‌ها و اقدامات هر دو طرف، یعنی قدرت سیاسی و نیروی اجتماعی مرتبط است. نکته در خور توجه اینکه انقلاب زمانی اتفاق می‌افتد که توده‌ها مسیر جریان‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی جامعه را با محتویات ذهنی، ارزشها

و باورهای خود در تعارض می یابند؛ ارزش ها و باورهایی که ممکن است در مسیر تاریخ یک کشور شکل گرفته باشد. از این رو، برای مشخص کردن عامل اصلی وقوع انقلاب، آیا باید به اقدامات حکومت و یا به نقش فرهنگ و ارزش های عمومی به منزله عامل اصلی توجه کرد؟ افزون بر آن، نقش ساختارهایی مانند ارتش با روحیه دولتمردان و غیره در کجا مطرح می شود؟ در پاسخ می توان گفت: تاریخ، فرهنگ و آموزش، ذهنیتی همراه با باورها و اعتقاداتی خاص در افراد یک کشور شکل می دهد که نقشی قاطع در وقوع و پیشبرد حرکت انقلابی ایفا می کند.

این گفته بیش از هر انقلاب دیگری با روند وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی ایران سازگار است. یعنی انقلابی که بیشتر توده ها و نخبگان کشور را همراه خود یافت. پرورش یافتگان مکتب اسلام به ویژه اندیشه تشیع در طول زندگی خود با تصویری از عدالت طلبی و حقیقت ناب که در عملکرد و مبارزات پیامبر و امامان معصوم شیعه^۸ ظهور و بروز داشت، آشنا شده بودند. ولی سیر جریانات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی جامعه، آشکارا با این برداشت ناسازگار می نمود. از نظر فرهنگی، حکومت با غرب گرایی و خودباختگی مقابل فرهنگ غرب و طرح ایدئولوژی شاهنشاهی و اقداماتی از قبیل کشف حجاب، به کار گماردن بهائیان در مناصب کلیدی (مانند نخست وزیر شدن امیرعباس هویدا)، برگزاری جشن های ۲۵۰۰ ساله، تغییر تاریخ هجری شمسی به شاهنشاهی، نمایش فیلم های مبتذل در تلویزیون و سینما، باز کردن فاحشه خانه ها، آزادی فروش مشروبات الکلی، برگزاری نمایشهای مبتذل در خیابان تحت عنوان جشن هنر شیراز و غیره آشکارا، مقابل این حق طلبی نهادینه شده قرار می گرفت.

از نظر سیاسی، حکومتی خودکامه و مستند بر سر قدرت بود که افزون بر گماردن عناصر فراماسون در پست های کلیدی کشور، با تبدیل شدن به ژاندارم آمریکا در منطقه (حافظ منافع آمریکا در منطقه)، تصویب لایحه کاپیتولاسیون (اعطای مصونیت کنسولی به نظامیان آمریکایی و خانواده های آنان)، روابط صمیمانه با رژیم صهیونیستی و حکومت آپارتاید آفریقای جنوبی

حکومت نژادپرست تحت حاکمیت سفیدپوستان انگلیسی و هلندی مهاجر به این کشور)، بر وابستگی خود به بیگانگان تاکید داشت

از نظر اقتصادی، سیاست های دولت باعث ایجاد فاصله طبقاتی زیاد، تبدیل کشور به بازار مصرف کشورهای غربی و سلطه سرمایه داران یهودی بر صنایع کشور شده بود و از توسعه اقتصادی، علمی و فناوری خبری نبود.

زمانی که انقلاب آغاز شد، صرف نظر از نقش نیروی اجتماعی و عناصر تشکل دهنده آن، این عوامل در پیشبرد حرکت، نقش تعیین کننده ای داشتند؛ عواملی همچون، نقش نیروی اجتماعی از جمله آرمان انقلابی و محتوای باطنی آن، مانند مفاهیم از خودگذشتگی، ایثار و شهادت طلبی و نقش رهبری انقلابی با توجه به ویژگی هایی مانند اعتماد به نفس و قاطعیت امام خمینی + و راهبردها و تاکتیک های حرکت انقلابی، مانند راهبرد مبارزه منفی، همایش های میلیونی و عدم درگیری با ارتش و شکستن حکومت نظامی با سردادن بانگ الله اکبر در پشت بامها | .

در این مرحله نیز نمی توان نقش ویژگی ها و اقدامات دولتمردان و ساختارهای سیاسی را نادیده گرفت. در صورتی که ارتش و نیروهای مسلح به طور کامل در اختیار دولتمردان باقی می ماند و دولتمردان روحیه های قوی و اعتماد به نفس کافی داشتند، پیشرفت انقلابی ها با مشکل روبه رو می شد. اما با توجه به تاثیر نوع آرمان انقلابی و روشهای رهبری، و همراهی بخش در خور توجه توده ها با انقلاب، ارتش و دولتمردان متزلزل شدند؛ امری که به خوبی در جریان وقوع انقلاب اسلامی هویدا بود. سرعت پیروزی انقلاب اسلامی به سرعت و با کمترین میزان تلفات به پیروزی رسید که بیانگر نقش آرمان این انقلاب و رهبری آن در مرحله پیروزی انقلاب است

همان گونه که بیان شد نقش عوامل فرهنگی - تاریخی که در مرحله پیروزی انقلاب اسلامی بر آن تاکید شد، پیش از وقوع این انقلاب نیز دیده میشود. در این دوره، افزون بر وجود چارچوب فکری فرهنگی، باید از اقدامات انقلابیها، از جمله رهبری انقلاب نیز نام ببریم. رهبری انقلاب و گروه هایی از روحانیت در

دو دهه پیش از وقوع انقلاب اسلامی با برانگیختن نارضایتی ها، بیان و گسترش آرمان یا ایدئولوژی جدید جایگزین و گسترش روحیه انقلابی در هدایت جامعه به سوی انقلاب، ایفای نقش نمودند.

د) غافل گیری نویسندگان از پیشگویی وقوع انقلاب اسلامی و علل آن

وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ م) صاحب نظران پدیده انقلاب، دولت‌ها و سازمان های اطلاعاتی غرب را که چنین رخدادی را پیش بینی نمی کردند، غافل گیر نمود. سازمان جاسوسی آمریکا (CIA) در سال ۱۳۵۷ بر این اعتقاد بود که ایران نه تنها در موقعیت وقوع یک انقلاب قرار ندارد، بلکه محمدرضا شاه حداقل ده سال دیگر با مشکل بی ثباتی مواجه نخواهد شد. پیش از آن نیز، کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا، در بازدید از تهران، ایران را جزیره ثبات در دریای متلاطم جهانی خوانده بود.

علت یا علل اصلی این غافل گیری چه بود؟ چرا انقلاب شناسان و سازمان های اطلاعاتی نتوانسته بودند وقوع سریع یک انقلاب را در ایران پیش بینی کنند؟ این غافل گیری از وقوع انقلاب، در کشورهای دیگر نیز دیده شده بود. آلکسی دوتوکویل حدود پنجاه سال پس از وقوع انقلاب سال ۱۷۸۹ فرانسه، در کتابی تحت عنوان انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن، اشاره می کند که انقلاب فرانسه بسیار پیش بینی نشده رخ داد؛ این امر باید به دولتمردان بیاموزد، در تاملاتشان کاملا محتاط باشند. او می خواست فرضیه جدیدی طرح نماید که تا آن زمان کمتر کسی بدان معتقد بود. زیرا به نظر وی، انقلاب فرانسه نشان داد، این دیدگاه که انقلاب همیشه در اثر تبدیل وضع از بد به بدتر اتفاق می افتد، درست نیست؛ بلکه انقلابها بیشتر زمانی رخ می دهند که یک وضع بد طولانی مدت، یکباره دچار بهبودی گردد. در این زمان مردم دچار افزایش انتظارات شده، خواهان از بین رفتن باقی مانده وضع سابق می گردند. با وجود نظریه هایی که به نقش بهبودی یا کاهش سختیهای اقتصادی - سیاسی معتقداند، در زمان وقوع انقلاب اسلامی، نظریه پردازان انقلاب و سازمان های اطلاعاتی وقوع این انقلاب را پیش بینی نکرده بودند.

علت این امر را باید در پارادایم علمی ای که در زمان وقوع انقلاب اسلامی بر ذهن نظریه پردازان پدیده انقلاب مسلط بود، جستجو کرد. در آن موقع، از یک سو، در دوره نسل سوم

نظریه های انقلاب که به گفته جک گلدستون بر مبنای نظریه هایی است که ویژگی آنها جبر ساختاری و عدم ایفای نقش جدی رهبری و ایدئولوژی است، قرار داشتیم و از سوی دیگر، از نظر زمانی، دوران انقلابهای دنیوی بود؛ یعنی انقلابهایی که به گفته هانا آرننت در کتاب انقلاب، یکی از ویژگی های بارز آنها دنیوی بودن است. ایدئولوژی این انقلابها یا مارکسیسم بود یا ناسیونالیسم لیبرال غرب گرا. اما انقلابی های ایرانی به این ایدئولوژی ها اعتنا نمی کردند. در ایران پیش از انقلاب، تصور به حق و غالب این بود که هم مارکسیسم و هم لیبرالیسم به استثمار و بردگی انسان می انجامند.

افزون بر آن، تاریخ معاصر کشور، آزمایشگاه خوبی برای شکست سه ایدئولوژی تجددطلبی، لیبرالیسم (ملی گرایی) و مارکسیسم بود؛ چرا که تجددطلبی در مشروطه به صحنه آمد و با به قدرت رسیدن رضاخان به پایان رسید. البته این شکست، درسی فراموش نشدنی به مردم ایران نیز داد و آن اینکه نیروهای مذهبی نباید با اعتماد به نیروهای ناشناس که بسیاری از آنها فراماسون و عناصر وابسته به بیگانه بودند، صحنه را برای آنها خالی می کردند. ناسیونالیسم لیبرال نیز با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به پایان خود رسید. مارکسیست های ایرانی نیز، از یک طرف، به دلیل ناسازگاری عقایدشان با عقاید مذهبی مردم، و از طرف دیگر، وابستگی بیشتر گروههای مارکسیست به قدرتهای بیگانه، از جمله وابستگی حزب توده به اتحاد شوروی، موفقیتی کسب نکردند؟

با توجه به اینکه وقوع پدیده انقلاب در جهان سوم در آن زمان در انحصار گروههای خاصی مانند مارکسیست ها یا ناسیونالیست ها بود، در ایران «سازمان اطلاعات و امنیت

کشور» (ساواک) می توانست آنها را شناسایی و مهار کند. این سازمان، در عمل، توانایی خود در کشف و خنثی سازی حرکت های ضد دولتی مارکسیستی و

ناسیونالیستی را ثابت کرده بود.]

بنابراین، غافل‌گیری نویسندگان و سازمان‌های اطلاعاتی از وقوع انقلاب را باید در نوع آن، یعنی انقلاب اسلامی جستجو کرد. ماهیت دینی انقلاب ایران، در ادامه وقوع عصر بازگشت به اندیشه‌ها و آرمانهای خودی حداقل در دو دهه پایانی حکومت پهلوی، باعث گسترش بسیار سریع انقلاب و ورود توده‌های معتقد و مسلمان به صحنه و در اختیار گرفتن ابتکار عمل شد و انقلاب، با سرعتی شگفت‌آور به پیروزی رسید.

این ماهیت ویژه نه تنها باعث پیشرفت و پیروزی سریع انقلاب اسلامی شد، بلکه تلفات انسانی آن را نیز کاهش داد. افزون بر آن، برخلاف برخی انقلابهای دنیوی مانند انقلاب فرانسه که پس از پیروزی، بی‌ثباتی‌ها و درگیری‌های بسیار طولانی مدتی از خود به نمایش گذاشت یا انقلاب روسیه که در دوره استالین به کشتارهای میلیونی و وسیع انجامید، انقلاب اسلامی توانست، به سرعت برخی مسائل و مشکلات پس از انقلاب، مانند مسئله بازرگان و بنی‌صدر را حل نموده، ثباتی واقعی و مطمئن را تجربه کند و در سایه این ثبات، در مدت عمر ۳۲ ساله خود به پیشرفتهای علمی و فناوری بسیار خوبی نائل آید.

به رغم آشکار بودن نقش قاطع دین در وقوع انقلاب اسلامی، نویسندگان غربی و غرب محور چه به دلیل چشم بستن از واقعیت به منظور کوچک شمردن این رخداد و جلوگیری از تکرار یا تاثیر آن در سرزمین‌های دیگر، و چه وجود پارادایم‌های مسلط موجود در ذهن خود، در تحلیل، بررسی و معرفی علل وقوع انقلاب اسلامی به خطا رفته‌اند. پیدایش نسل چهارم نظریه‌های انقلاب در پایان قرن بیستم و آغاز قرن ۲۱، در ابتدای بخش دوم به نسل‌های چهارگانه فوق اشاره خواهد شد) حاکی از مشخص شدن خطاهای این نویسندگان و تلاش‌هایی هرچند اندک برای ترمیم این خطاها بوده است. هر چند نسل جدید، به نقش عناصری چون رهبری، آرمان و فرهنگ در تحقق پدیده انقلاب توجه می‌کند، همچنان بسیاری از آنها این نقش را مبنایی و اولی ندانسته، آن را در لابه‌لای دیگر عوامل مطرح می‌کنند

ه) فراوانی نوشته ها درباره انقلاب اسلامی و ادله آن

اکنون انباشته بزرگی از نوشته ها در خصوص انقلاب اسلامی ایران وجود دارد؛ به گونه ای که در مدت کوتاه ۳۲ سال، این تعداد گسترده از آثار و نوشته ها درباره جنبه های مختلف آن، به ویژه درباره چرایی و چگونگی وقوعش به رشته تحریر در آمد.

این امر دلیل های مختلفی داشت که عبارت اند از:

۱. ماهیت، آرمان و شعارهای اسلامی انقلاب ایران و هدف آن در مبارزه با غده سرطانی اسرائیل، بازتاب آن بر شرایط سیاسی منطقه و تاثیر آن بر ملتها، دولتها، نخبگان و احزاب سیاسی در جهان به ویژه جهان اسلام.

افزون بر این، تصور نظریه پردازان انقلاب مبنی بر دنیوی بودن انقلابهای جدید و درک وقوع یک انقلاب با آرمان دینی - که با عقیده مسلط زمانه سازگار نبود - باعث رویکرد نویسندگان به تحلیل و بررسی انقلاب اسلامی ایران گردید.

۲. جایگاه محوری ایران پیش از انقلاب در دستیابی غرب به اهدافش در منطقه؛ وقوع انقلاب اسلامی، به منظور برهم زدن بازی سلطه بین المللی در کشوری که حافظ منافع آمریکا و سایر کشورهای غربی بوده است، ضمن به چالش کشیدن منافع غرب و آمریکا، موجب بروز خلا بزرگ قدرت بوده، تهدید بزرگی است که میتواند لرزهاها و بحران های بزرگی را برای غربیان در پی داشته باشد. کما اینکه شاهد آن هستیم و با گذشت زمان شدت بیشتر و ابعاد گسترده تری یافته، آینده ای مبهم و حتی ترسناک برای غرب، به ویژه آمریکا پدید آورده است.

۳. وابستگی و نیاز جهان به نفت خاورمیانه و خلیج فارس نیز بر اهمیت جهانی ایران افزوده است. می دانیم که امروزه حتی بخش شایان توجهی از نفت مصرفی آمریکا از خلیج فارس تامین می شود. طول عمر منابع نفتی این منطقه اندکی کمتر از یکصد سال برآورده شده است؛ در حالی که در سایر مناطق جهان، عمر بسیار کمتری خواهد داشت. از این رو، حوادث و وقایع این منطقه، به ویژه کشور ما، به سرعت، در کانون توجه تحلیل گران و نظریه پردازان قرار می گیرد.

نه تنها حجم وسیع نوشته ها درباره انقلاب اسلامی وجود دارد، بلکه موضوعات مرتبط با آن مانند حرکت های اسلامی، اندیشه ها و آموزه های تشیع، ویژگی ها و دیدگاه های امام خمینی + و موضوعات مربوط به شناخت ایران و ویژگیهای فرهنگی اجتماعی آن نیز تاکنون موضوع بررسی بسیاری از نوشته ها، همایشها و رساله های دانشگاهی بوده است.

شایان توجه اینکه به رغم فراوانی نوشته ها درباره انقلاب اسلامی، بسیاری از آنها علمی و جامع نبوده، به ویژه در نوشته های غربیان و نویسندگان غرب محور، مشکلات و نارسایی ها آشکار است.

نفت، این منطقه را به منطقه منافع حیاتی برای نظام بین المللی و آمریکا تبدیل کرده است. کاهش ذخایر نفت دریای شمال و آلاسکا، کیفیت بهتر نفت خلیج فارس، کاهش ذخایر داخلی آمریکا، کاهش واردات نفت آمریکا از کانادا و ونزوئلا و افزایش مصرف جهانی از ادله اهمیت روزافزون نفت خلیج فارس برای آمریکا و جهانیان است

گفتار دوم:

معرفی چند دیدگاه مشهور فرهنگی

در ادامه چهار دیدگاه از مهم ترین دیدگاه های فرهنگی بزرگترین اندیشمندان مشهور داخلی از جمله نظریه پرداز بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی + اشاره می شود.

الف) نظریه پرداز بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی +

امام خمینی +، که نقش هایی همچون، ایدئولوگ، فرمانده انقلاب و معمار نظام جدید و کارکردهای مختلف رهبری نظیر تدوین راهبردها و تاکتیک های حرکت انقلابی را به دقت تدوین و اجرا کرد، در اعلامیه ها و سخنرانیهای پیش و بعد از

وقوع انقلاب در پاسخ به چیستی، چرایی و چگونگی وقوع انقلاب اسلامی به یک رهیافت تمام عیار فرهنگی معتقد است. ایشان انقلابهای پیشین معاصر را انقلابهای دنیوی، ولی انقلاب ایران را الهی و نتیجه یک نهضت اسلامی می داند. به نظر ایشان، آسیبهای انقلاب و جمهوری اسلامی بیشتر درونی است و یکی از مهم ترین آنها می تواند تفرقه میان نخبگان، مسئولان، نهادهای نظام یا میان مردم و دولتمردان باشد.

در دیدگاه حضرت امام، صدور انقلاب یک وظیفه حتمی است؛ زیرا اسلام دینی جامع و جهانی است. البته ملتها باید داوطلبانه پذیرای این پیام باشند نه با شیوه های نظامی و مداخله گرانه. ایشان تعقیب راهبرد وحدت در جهان اسلام و تبلیغات فرامرزی را از شیوه های صدور انقلاب دانسته، بر این باور بودند که اگر نیت خالص باشد، انقلاب به همه جا میرسد.

به نظر امام خمینی رمز وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی را باید در تغییر درونی یا تغییر نفس های مردم، یعنی ایمان و اسلام خواهی، درخواست تشکیل حکومت اسلامی، اتکال به خداوند، شهادت طلبی، وحدت ملت بر مبنای اسلام و اعتماد به نفس آنان جستجو کردن

رمز پیروزی شما اول ایمان ثابت و بعد وحدت کلمه ابودا. " اساس این نهضت از دو جا سرچشمه گرفت: یکی از شدت فشار خارجی و داخلی و اختناکهای فوق العاده ... و یکی دیگر آرزوی ما برای یک حکومت اسلامی و یک حکومت عدل ما به قدرت طبیعی بر این مشاغل و بر این مصیبت هایی که وارد شده است، فائق نیامده ایم ... ما به اینها که غلبه کردیم، ملت ما که در این نهضت پیروز شد، این فقط برای اتکال به خدا بوده. ما می دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهان خواران و ستمگران را از

ایران بزرگ کوتاه کرد، با تاییدات غیبی الهی پیروز گردید. در ادامه به بیان دیدگاههای امام درباره اوضاع ایران پیش از انقلاب و چند نقطه اشتراک و افتراق میان دیدگاههای ایشان و نویسندگان خارجی می پردازیم.

یک. اوضاع ایران پیش از انقلاب

به نظر امام خمینی +، ویژگی های رژیم پهلوی و اوضاع ایران پیش از انقلاب را که در وقوع انقلاب موثر بود، می توان چنین بیان کرد:

۱. **ترویج انواع فساد مانند کشف حجاب و غیره) به منظور تخریب قوه تفکر مردم و خودباختگی و انحراف اذهان از مسائل واقعی**

آنقدری که مراکز فساد در تهران الان هست بیشتر از کتابخانه است، بیشتر از مراکزی است که برای تعلیم و تربیت است. این امر برای این است که می خواهند به جوان ها به طرق مختلفه، بیکاره و بیچار بار بیایند او دیگر در مقابل این استفاده جوهای خارجی نتوانند کاری بکنند). |

۲. **حاکمیت مستشاران آمریکایی بر کشور**

چهل و پنج هزار یا شصت هزار یا در یک نوشته ای هم بود که هشتاد هزار آمریکایی که مستشارهای زیاد ایا در آنها هست، اینها دارند نظام ما را اداره می کنند ... در ایران آنها قدرت دارند، نه شاه؟

۳. **فشار، سرکوبی و اختناق شدید شاه**

آنچه که به طور مختصر می توان گفت این است که فشار بیش از حد شاه، مردم را چنان در تنگنا قرار داد که آنان دست به یک قیام همگانی زدند. ۳

۴. **حمایت شاه از اسرائیل غاصب**

یکی از علل قیام مردم مسلمان ایران علیه شاه، حمایت بی دریغ او از اسرائیل غاصب است و شاه نفت اسرائیل را تامین می کند، شاه ایران را بازار مصرف کالاهای اسرائیل کرده است...

۵. **جدا کردن ملت از روحانیت**

نقطه اساسی که اینها برای خودشان خطر می دیدند اسلام بود. اگر اسلام را ... از بین ببرند، دیگر آسوده خاطر می شوند و هرکاری بخواهند در اینجا می کنند و سلطه خودشان را حفظ می کنند . و راه اینکه اسلام را از بین ببرند این بود که روحانیت را از

بین ببرند. اینها می دانستند که تا روحانیون هستند . حفظ می کنند اسلام را. نقشه، بردن اسلام و راهش، بردن روحانیت و جدا کردن ملت از روحانیون بوده است و لذا با تبلیغات دامنه داری مشغول شدند - و حالا هم مشغول اند - که روحانیون را از ملت جدا کنند. وقتی ملت از روحانیین جدا بشود و اینها پشتوانه نداشته باشند ... آنها به مقاصد خودشان می رسند. خود ملت به تنهایی نمی تواند کاری بکند".

||

۰۶ ویرانی اقتصاد از راه تخریب کشاورزی، وابستگی به واردات مواد غذایی و غارت بیت المال

اصلا برنامه، برنامه ای بوده است که خراب بکنند، کشاورزی را به اسم اصلاحات ارضی به کلی از بین ببرند و بازار درست بکنند برای آفروش گندمهای تولیدی آمریکا؟

دو. امام خمینی + و آرای نویسندگان خارجی

یکی از نویسندگان، به چند نقطه اشتراک و افتراق دیدگاههای حضرت امام و تعدادی از نویسندگان خارجی درباره انقلاب اسلامی اشاره کرده است که بیان آنها در اینجا به نظر مفید میرسد؛ زیرا امام خمینی + رهبر و معمار انقلاب اسلامی بود و توجه به نقاطی که ایشان بر آن تاکید داشتند، در شناخت این انقلاب و نقاط قوت و ضعف نوشته ها درباره آن مفید و راهگشاست.

۱. نقاط اشتراک

از نقاط مشترک می توان بر اعتقادی بودن، آرمان مذهبی و پیوند سیاست با مذهب، عدم خشونت، سرعت پیروزی، سیاست های ضد اسلامی شاه و استکبارستیزی و مخالفت با آمریکا تاکید کرد که پیش از آن، در کلام امام خمینی از ویژگی های انقلاب اسلامی شمرده شده بود.

۲. نقاط افتراق

امام خمینی + با تاکید بر ماهیت معنوی انقلاب اسلامی و تاثیرپذیری آن از

شرایط داخلی و نقش روحانیت در انقلاب و خاستگاه مردمی آن، سرکوب انقلابیها توسط حکومت و خرد شدن حکومت مقابل اراده مردم را از عوامل اصلی وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی ایران دانسته اند.

با بررسی مجموع آرای تعدادی از نظریه پردازان مزبور در می یابیم که آنان به ویژگی اعتقادی و دینی بودن انقلاب اسلامی، نه به منزله عامل اصلی، بلکه در کنار عوامل دیگر، یا به منزله عامل درجه دوم، اشاره کرده اند. این امر درباره دیدگاه های کسانی مانند فرد هالیدی، تدا اسکاچپول، جان فوران و نیکی کدی درست است. اما نویسندگانی مانند حامد الگار، اصف حسین و میشل فوکو به عوامل فرهنگی اصالت داده و در نقطه مقابل آرای این افراد قرار می گیرند

ب) آیت الله استاد مرتضی مطهری &

دیدگاه ها و نوشته های استاد مطهری درباره انقلاب اسلامی ایران را نیز می توان در گروه نوشته های فرهنگی قرار داد.

یک. سه مفهوم کلیدی در پدیده انقلاب

۱. تعریف انقلاب

به نظر استاد مطهری، انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه یا یک سرزمین ضد نظم حاکم برای ایجاد نظم مطلوب، به بیانی دیگر، انقلاب از مقوله عصیان و طغیان است ضد وضع حاکم به منظور استقرار وضعی دیگر. به این ترتیب، ریشه هر انقلاب دو چیز است: نارضایتی و خشم از وضع موجود؛ و آرمان یک وضع مطلوب.

ایشان هر انقلابی را معلول یک سلسله نارضایتی ها و ناراحتیها میدانند؛ یعنی وقتی مردم از وضع حاکم ناراضی و خشمگین باشند و وضع مطلوبی را آرزو کنند، زمینه انقلاب به وجود می آید؛ اما نارضایتی تنها، کافی نیست. ممکن است مردم مدتی از وضع موجود ناراضی بوده، وضع دیگر را هم آرزو کنند، ولی انقلاب نکنند، چرا؟ برای اینکه آن ملت دارای روحیه رضا و تمکین بوده، روحیه

ظلم پذیری در میان اعضایش رواج دارد. چنین مردمی ناراضی، و در عین حال تسلیم ظلماند. اگر ملتی ناراضی بوده، روحیه پرخاشگری، طرد و انکار داشت، انقلاب می کند. اینجا است که نقش مکتبها روشن می شود. اسلام با توصیه به جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، حس پرخاشگری، مبارزه، طرد و نفی وضع نامطلوب را بر می انگیزد.

۲. ماهیت انقلاب

ایشان، برخلاف نظر برخی از مکاتب که اقتصاد را ریشه همه انقلابها می دانند، معتقد است، ماهیت همه انقلابها مادی نیست؛ و هرچند ممکن است ریشه پاره ای از انقلابها دوقطبی شدن جامعه از نظر اقتصادی باشد، بسیاری از انقلابها، ماهیتی سیاسی یا اعتقادی و ایدئولوژیک داشته اند. ماهیت اعتقادی؛ یعنی، وقتی مردم مومن و معتقد به یک مکتب، آن مکتب را در معرض آسیب می بینند، برای برقراری مکتب، دست به قیام می زنند که این انقلاب به سیر یا گرسنه بودن آنان ربطی ندارد.

۳. جهت گیری و خاستگاه نهضت‌های الهی

استاد مطهری & درباره نهضت‌های الهی چنین می نویسد:

اسلام جهت گیری نهضت‌های الهی را به سوی مستضعفین می داند، اما خاستگاه انقلاب را صرفا مستضعفین نمی داند. اسلام نهضت پیامبران را به سود محرومان میداند، اما آن را منحصرآ به دوش محرومان نمی داند. عدم درک این تفاوت

میان جهت گیری و خاستگاه انقلاب، منشا بسیاری از اشتباهات شده است. ایشان در ادامه می گوید:

مخاطب اسلام، همه گروهها و طبقات اجتماعی هستند، چه محرومان و چه غیر محرومان؛ زیرا در درون هر استضعافگری و هر فرعونی، یک انسان در غل و زنجیر هست. در عین حال، طبعا محرومان بیشتر به دعوت الهی لبیک می گویند؛ زیرا ظالم باید با پذیرش این دعوت، حق دیگران را پس بدهد و روی

مطامع خود پا بگذارد، اما محروم با این عمل هم به فطرتش پاسخ گفته و هم چیزی نصیبش شده است.

دو. ماهیت انقلاب ایران استاد مطهری درباره ابعاد مختلف ماهیت انقلاب اسلامی و گستردگی مفاهیم آن می گوید:

انقلاب ایران به اعتراف بسیاری، یک انقلاب مخصوص به خود است، یعنی برای آن نظیری در دنیا نمی توان پیدا کرد ... از نظر ما این انقلاب، اسلامی بوده است. اما منظور از اسلامی بودن باید روشن گردد ... بر ما روشن است که اسلام معنویت محض، آن چنان که غربی ها درباره مذهب می اندیشند، نیست. این حقیقت، نه تنها درباره انقلاب فعلی، بلکه در مورد انقلاب صدر اسلام نیز صادق است. انقلاب صدر اسلام، در همان حال که انقلابی مذهبی و اسلامی بود، در همان حال انقلابی سیاسی نیز بود؛ و در همان حال که انقلابی معنوی و سیاسی نیز بود، انقلابی اقتصادی و مادی نیز بود. یعنی حریت، آزادی، عدالت، نبودن تبعیض های اجتماعی و شکاف های طبقاتی در متن تعلیمات اسلامی است ... این گنجینه عظیم از ارزش های انسانی که در معارف اسلامی نهفته بود، تقریباً از سده بیست به بعد در ایران به وسیله یک عده از اسلام شناس های خوب و واقعی وارد خود آگاهی مردم شد. یعنی به مردم گفته شد، اسلام دین عدالت است، اسلام با تبعیض های طبقاتی مخالف است، اسلام دین حریت و آزادی است. به این ترتیب، علاوه بر معنویت، آرمانها و مفاهیم دیگر نظیر برابری، آزادی خواهی و عدالت، رنگ اسلامی به خود گرفته، و در ذهن مردم

جایگزین شد. درست به دلیل جایگزینی این مفاهیم در ذهن توده بود که نهضت اخیر ما، نهضتی شامل و همه گیر شد. این نهضت هم روستایی بود هم شهری. شهری و روستایی، محروم و ثروتمند، کارگر و کشاورز، بازاری و غیر بازاری، روشنفکر و عامی، همه و همه، در این نهضت شرکت کرده بودند و این به دلیل اسلامی بودن نهضت بود که همه گروه های مختلف در یک مسیر و یک صف قرار گرفتند ... بالاتر از این، ایجاد هماهنگی، نهضت ما توانست موفقیت بسیار بزرگ دیگری کسب بکند و آن از بین بردن خودباختگی ملت ما در برابر

غرب به معنی اعم آن، یعنی بلوک غرب و شرق بود. نهضت ما توانست به مردم بگوید که شما خود، یک مکتب و یک فکر مستقل دارید،

خود می توانید بر روی پای خود بایستید و تنها به خود اتکا داشته باشید. ۱ به نظر ایشان، در ایران انقلاب نوظهوری رخ داد که خاستگاه آن مسجد بود. راههای بررسی و شناخت این انقلاب عبارت اند از:

..کیفیت رهبری انقلاب

واقعیت این است که گروههای زیادی کوشیدند رهبری نهضت را بر عهده گیرند، ولی موفقیتی کسب نکردند و رهبر، خودبه خود، انتخاب شد. چه شد که جامعه، امام خمینی را به رهبری برگزید؟ امام خمینی از آن رو رهبر بلامعارض انقلاب شد که افزون بر داشتن شرایط و مزایای یک رهبر، مانند صداقت، شجاعت، روشن بینی و قاطعیت، به جهت فکری و روحی، در مسیر نیازهای مردم ایران قرار داشت. شهید مطهری در این باره می گوید:

اگر امام عنوان پیشوایی مذهبی و اسلامی را نمی داشت و اگر مردم ایران در عمق روحشان یک نوع آشنایی و انس و الفتی با اسلام نداشت و اگر عشقی که مردم ما با خاندان پیامبر | دارند وجود نمی داشت و اگر نبود که مردم حس کردند که این ندای پیامبر او ندای حضرت علی ~ و یا ندای امام حسین x است که از دهان این مرد بیرون می آید، محال بود نهضت و انقلابی به این وسعت در مملکت ما به وجود آید. رمز موفقیت رهبر در این بود که مبارزه را در قالب مفاهیم اسلامی به پیش برد.

۲. حمل کنندگان انقلاب

استاد مطهری درباره همراهان انقلاب می گوید:

در این انقلاب پرچم انقلاب را چه کسانی به دوش کشیدند؟ آیا یک طبقه یا همه مردم؟ تردیدی نیست که این انقلاب گسترده و فراگیر، همه گروهها و طبقات را در بر گرفته بود. حتی گروههای محروم که در تظاهرات شرکت می کردند، اصرار داشتند که تظاهراتشان به جهت کمی مزد و حقوق نبوده، برای اجرای

احکام اسلام است. آنها برای خود ننگ و عار می دانستند که بگویند انقلاب ما جنبه رفاهی و مادی دارد. استاد مطهری در بحث نیروهای حامل انقلاب، به نقش روحانیت شیعه و ادله نقش آفرینی تاریخی آن نیز اشاره کرده است:

اینکه روحانیت شیعه توانسته در طول تاریخ منشا حرکتهای بزرگ بشود دو دلیل عمده داشته: دلیل اول ویژگی خاص فرهنگ روحانیت شیعه است. خود فرهنگ شیعی یک فرهنگ زنده و حرکت زا و انقلاب آفرین است. این فرهنگ از روش علی * و اندیشه های او تغذیه می کند. فرهنگی است که در تاریخ خود عاشورا را دارد. صحیفه سجادیه و دوره امامت و عصمت دویست و پنجاه ساله دارد. هیچ یک از فرهنگ های دیگر چنین عناصر حرکت زایی در خود ندارند. دلیل دوم اینکه روحانیت شیعه از ابتدا اساسش مخالفت با قدرت های سلطه گر حاکم بوده است؛ روحانیتی که از دولت مستقل است. ۲

۳. ریشه های وقوع انقلاب

به نظر استاد مطهری، برای شناخت ریشه های وقوع انقلاب اسلامی باید تاریخ پنجاه ساله، بلکه صد ساله اخیر را به خوبی تحلیل کنیم. آن عامل تعیین کننده ای که همه عوامل دیگر را در بر گرفت و توانست همه طبقات را به طور هماهنگ در مسیر واحد منقلب بکند، جریحه دار شدن عواطف اسلامی این مردم بود. به نظر ایشان، در رژیم پیشین جریان هایی در کشور رخ داد که ضد اهداف عالییه اسلامی و مخالف آرمان های مصلحان کشور بود که عبارت اند از:

۱. استبداد خشن و سلب آزادی ها؛ ۲. نفوذ استعمار نو، یعنی شکل ناپیدای استعمار؛ ۳. دور نگهداشتن و بیرون کردن دین از صحنه سیاست؛ ۴. تلاش برای باز گرداندن ایران به جاهلیت قبل از اسلام و میراندن شعارهای اسلامی ۵. تحریف میراث گران قدر اسلامی ۶. تبلیغ و اشاعه مارکسیسم دولتی ۷.

کشتارهای بی رحمانه، زندانها، شکنجه ها و تبعیدهای غیرقانونی ۸، تبعیض و افزایش روز افزون شکاف طبقاتی به رغم ادعای اصلاحات؛

تسلط عناصر غیرمسلمان بر مسلمان در دولت و ادارات؛ ۱۰. نقض آشکار قوانین و مقررات دین مبین اسلام؛

۱۱. مبارزه با ادبیات فارسی اسلامی که حافظ و نگهبان روح اسلامی ایران است، به نام مبارزه با واژه های بیگانه

۱۲. قطع رابطه با کشورهای اسلامی و برقرار کردن ارتباط با دولتهای غیر مسلمان مانند اسرائیل و آمریکا؟

به نظر ایشان، باید سرخوردگی از لیبرالیسم غربی و ناامیدی از سوسیالیسم شرقی در میان ملت را نیز به موارد بالا افزود. افزون بر این، از شهریور ۱۳۲۰ گویندگان و نویسندگان اسلامی موفق شدند، تاحدودی چهره زیبا و جذاب اسلام واقعی را به نسل معاصر نشان دهند.

ج) آیت الله عباسعلی عمید زنجانی

آیت الله عمید زنجانی در کتاب انقلاب اسلامی و ریشه های آن، به معرفی ویژگیها و جنبه های مختلف وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته است که در ادامه آرا و اندیشه های ایشان به تفکیک بیان می شود.

یک. انقلاب اسلامی؛ ماهیت، ویژگی ها و ریشه های وقوع

۱. ماهیت انقلاب اسلامی

به نظر ایشان دیدگاه اسلام درباره انقلاب با تفسیرها و تحلیل های غربی و مارکسیستی کاملا متفاوت بوده، در این مکتب عامل اصلی انقلاب را باید در آرمان خواهی و عقیده به مکتب اسلام جستجو کرد. حال اگر انقلاب ها را به اقتصادی، انسانی (آزادی خواهانه)، مذهبی و عقیدتی تقسیم کنیم، باید بگوییم که انقلاب اسلامی دارای همه این عناصر است".

۲. ویژگی های انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی شامل ویژگی هایی چون عقیده و ایمان، معنویت، قدرت رهبری و

نفوذ معنوی آن، نقش مساجد در حرکت آفرینی، نقش حوزه علمیه در پیشبرد آرمان های اسلام و انقلاب و رسالت دانشگاه، وحدت پیام و هماهنگی همه مراکز الهام بخش انقلاب اسلامی، مشخص

بودن راه آینده از همان آغاز حرکت، ایثار و شهادت و پیشتاز بودن روحانیت مبارز از ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران بود.

لالایی

۳. ریشه های عقیدتی انقلاب اسلامی

ایشان در بیان ریشه های عقیدتی انقلاب اسلامی، به مبانی تفکر سیاسی در قرآن (از جمله خلافت الهی، امت واحد، امامت و رهبری، آزادی توأم با مسئولیت انسان، حقوق انسان، عقل و تجربه سیاسی، کار شورایی، مسئولیت همگانی، ظلم زدایی، برپایی و گسترش عدالت، نفی استکبار، استضعاف زدایی، ستیز با دشمنان خدا، نفی سلطه بیگانه و استبداد، اصل مشارکت و تعاون در فعالیتهای سیاسی، پاسداری از امنیت و غیره) و امامت انبیا و معصومین^۸، ولایت فقیه به منزله تداوم امامت، سیره سیاسی پیامبر و ائمه و خطوط کلی موضع گیری های سیاسی ائمه^۸ اشاره نموده است.

۴. ریشه های تاریخی انقلاب اسلامی

ایشان در بیان ریشه های تاریخی انقلاب اسلامی نیز به موضوعات و مباحثی مانند تشیع سنگر مقاومت و مبارزه، نهضت های شیعه در زمان ائمه، تشکیل دولت های انقلابی شیعی، حرکت های اسلامی در دوره مغولها، جنبش های اسلامی در ایران از انقراض صفویه تا دوره قاجار، نهضت های نوگرایانه در تفکر سیاسی، و نهضت های اسلامی در تاریخ سیاسی ایران در قرن گذشته، به صورت مشروح توجه نموده است.

۵- نهضت امام خمینی نقطه اوج جنبش های اسلامی

عمید زنجانی در ادامه می گوید:

نهضت امام خمینی، اوج همه حرکتها و جنبش های اسلامی تاریخ اسلام و تشیع،

و تبلور آمال و آرمان های انقلابی نهضت‌های گذشته بود. جرقه آغاز حرکت نهایی انقلاب اسلامی با

درگذشت مشکوک فرزندان بزرگ امام، آیت الله حاج آقامصطفی در نجف اشرف، زده شد. زیرا مردم در این مورد رژیم شاه را مقصر می دانستند. امام از این حادثه به منزله لطف خفی الهی یاد کرد. این امر موجی از تاثیر توأم با خشم را در اقشار مختلف ملت ایران به وجود آورد و بیشتر مردم، رژیم را به توطئه در این فاجعه متهم کردند.

ع عوامل خارج از ماهیت انقلاب اسلامی به نظر ایشان تعدادی از عوامل خارج از ماهیت انقلاب اسلامی نیز در وقوع انقلاب ایفای نقش کرده اند. دو. علل و عوامل اصلی رخداد انقلاب اسلامی

به طور خلاصه، روش دستیابی به علل و عوامل اصلی رخداد انقلاب اسلامی به نظر آیت الله عمید زنجانی چنین است:

بیشک علل و عواملی بسیار متنوع و پیچیده، هرکدام به گونه ای در روند آن انقلاب اسلامی موثر بوده و از زمان تولد تا پیروزی آن می تواند نقشی قابل توجه داشته باشد. ولی هنگامی که بحث از علل و عوامل سقوط شاه یا پیروزی انقلاب اسلامی مطرح می شود، کافی نیست که ما هر نوع عاملی را که به هر نحو در وقوع حادثه موثر بوده، نشان دهیم. تحلیل اصولی آن است که بتوانیم در میان انبوه علل و عوامل متعدد، علت یا علت های اصلی و تعیین کننده و دست اول را که عوامل دیگر از آنها ناشی می شود بیابیم؛ و اگر علت آنها وجود دارد آن را با دلیل و قرائن و شواهد تاریخی به طور مستند ارائه دهیم؟
وی می افزاید:

برای دستیابی به علل واقعی و عوامل ریشه دار وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی ابتدا باید علل فاعلی آن را یافت که تحت عنوان ویژگی های انقلاب اسلامی از آنها یاد شد، سپس باید با مطالعه انگیزه ها و آرمانها، آن علل و عوامل را از درون ایدئولوژی انقلاب اسلامی استنتاج نمود که در اینجا تحت عنوان ریشه های

عقیدتی انقلاب اسلامی آمد. در مرحله سوم، علل و عوامل انقلاب اسلامی را باید در ریشه های تاریخی آن جستجو کرد. اما اگر ما به جستجوی علل و عواملی که خارج از این سه دسته علل و عوامل هستند، بپردازیم، تنها عاملی که به عنوان علت اصلی و عامل اول می توان از جریان انقلاب، از تولد تا پیروزی آن استنباط نمود، اعمال سیاست اسلام زدایی توسط شاه بود که ادامه رژیم خود را به منظور هرچه بیشتر جلب نمودن حمایت خارجی و تحکیم هرچه عمیق تر سلطنت و

دیکتاتوری در داخل کشور در گرو آن میدید. | شاه با این تصور که می تواند با اسلام زدایی و جایگزین کردن فرهنگ غربی، افزون بر حفظ و ادامه رژیم اش، مشکل سیاست خارجی و سیاست داخلی خود را برطرف کند، با کتمان انگیزه اصلی این سیاست، از سال ۱۳۴۰ با پوشش اصلاحات پا به عرصه مبارزه نهاد، اما از آنجا که مردم به اسلام و روحانیت پایبند بودند، در همان گام نخست با مقاومت روحانیت و مردم مواجه شد.؟

عمید زنجانی در کتاب علل، مسائل و نظام سیاسی، پس از بیان خلاصه ای از مطالب کتاب انقلاب اسلامی و ریشه های آن، مباحث جدیدی مانند بازتابها، دستاوردها و آسیب شناسی انقلاب اسلامی و بحثهایی درباره اسلامیت و جمهوریت نظام را اضافه نموده است".

د) دکتر منوچهر محمدی

کتاب دکتر محمدی تحت عنوان تحلیلی بر انقلاب اسلامی که در سال ۱۳۶۵ انتشار یافت، یکی از نخستین نوشته هایی بود که به زبان فارسی به تحلیل انقلاب اسلامی ایران پرداخت و جایگاه مناسبی در مراکز علمی به دست آورد. ایشان دومین کتاب خود درباره انقلاب اسلامی را در سال ۱۳۷۰ با عنوان انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلابهای فرانسه و روسیه به چاپ رساند. با نگاهی به مطالب این دو کتاب می توان به دیدگاه نویسنده درباره نقش قاطع عوامل فرهنگی در وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی پی برد. در اینجا سه عنوان اصلی مطالب این دو کتاب را بیان می کنیم.

یک. علل وقوع انقلاب اسلامی

ایشان در کتاب تحلیلی بر انقلاب اسلامی در بیان علل وقوع انقلاب، شرایط سیاسی - اجتماعی ایران قبل از انقلاب را زمینه ساز وقوع انقلاب دانسته، و به بررسی عوامل پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته است. در این زمینه، در هر دو مقطع، نقش عوامل فرهنگی قاطع و آشکار است.

به نظر نویسنده، تبدیل جامعه به حالت دوقطبی و از بین رفتن امکان التیام و نزدیکی قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی، وقوع یک تحول سیاسی - اجتماعی را اجتناب ناپذیر می سازد که این حالت، در ایران اتفاق افتاده بود:

پیش از انقلاب، شاهی خودکامه و در عین حال ضعیف النفس، محور قدرت سیاسی ایران بود. ویژگی های نظام سیاسی ایران در آن دوران عبارت بود از: داشتن ارتشی بسیار مجهز و دستگاه مخوف ساواک؛ تکیه بر قدرت های بیگانه، به ویژه آمریکا و انگلیس؛ فساد و رشوه خواری در نظام اداری؛ انزوا از گروه های اجتماعی؛ بی توجهی به ارزشها، سنتها و اعتقادات جامعه و تلاش در از بین بردن آنها. در چنین شرایطی، گروه های اجتماعی از نظام سیاسی مایوس گردیده و گرد رهبران خود حلقه زدند.

از سوی دیگر، مذهب به منزله مهم ترین و تنها عامل فرهنگی ایرانیان، اعم از شهری و روستایی، فقیر و غنی، باسواد و بی سواد را در اقصی نقاط کشور به هم مرتبط ساخته است. در جامعه ایران، قدرت اجتماعی در مذهب نهفته است و هیچ جنبش سیاسی - اجتماعی ای جدا از ارزشها و معیارهای مذهبی نمی تواند با موفقیت همراه باشد.

عوامل نارضایتی اجتماعی که زمینه را برای انقلاب فراهم کرده بود متعدد است بی توجهی به ارزشهای مسلط مذهبی و بی تفاوتی در قبال خواسته های رهبران مذهبی، آزادی و بی بند و باری زیاده از حد، رواج فساد و فحشا، عدم مراعات عفت عمومی و اشتغال بهائیها و صهیونیستها در پست های کلیدی و حساس دولتی و کنترل اقتصاد جامعه توسط ثابت پاسال های بهائی و القانیان های صهیونیست، تغییر تاریخ اسلامی و بازگشت به ارزش ها و سنت های قبل از

اسلام و ترویج و تبلیغ آنها، موجبات جریحه دار ساختن احساسات مذهبی جامعه ایران را فراهم کرده بود. بر این عوامل باید حضور خیل عظیم خارجیان، به خصوص آمریکایی ها، نارسایی خدمات اجتماعی، بیکاری روزافزون طبقات و افشار متوسط و پایین و وسیع تر شدن شکاف

میان طبقه مرفه و طبقات دیگر اجتماع را افزود بدین ترتیب، بیگانه شدن روزافزون مردم از نظام سیاسی و ناتوانی قدرت سیاسی از تأمین حداقل خواسته ها و نیازهای اجتماعی، زمینه را برای وقوع انقلاب اسلامی فراهم کرد. .
دو. علل پیروزی انقلاب اسلامی به نظر ایشان، برای درک علل پیروزی انقلاب اسلامی باید به دو مسئله اساسی توجه کردن

۱ سابقه تاریخی مبارزات مردم ایران

تجربه شکست حرکتهای انقلابی پیشین ثابت کرد، تا حرکتی اساسی و بنیادین به منظور قطع کامل ریشه های فساد سیستم سیاسی، و برقراری نظامی جدید بر پایه ایدئال ها و ارزشهای قلبی مردم صورت نگیرد، یک دگرگونی واقعی در ایران رخ نخواهد داد.

۲. حضور همزمان و کامل سه رکن اصلی انقلاب ۱-۴. مردم

دکتر محمدی درباره مشارکت عمومی و گسترده مردم در انقلاب و خواسته ها و شعارهای آنان می گوید: برخلاف سایر انقلابهای بزرگ که تنها قشر یا اقشار خاصی از مردم در آنها شرکت داشتند، در انقلاب اسلامی، به جز عده معدودی که وابستگی بسیار نزدیک به رژیم شاه داشتند تقریباً همه مردم اعم از کشاورز، کارگر، کارکنان دولت، دانشجویان و دانش آموزان شهری و روستایی و سایر اصناف در همه نقاط کشور با شعارهای واحد قیام کردند. تبلور این وحدت و یکپارچگی را می توان در تظاهرات روزهای عید فطر، تاسوعا و عاشورا دید.
هرچند مردم از فاصله طبقاتی موجود در جامعه ناراضی بودند، در شعارهایشان خواسته های مادی و اقتصادی را مطرح نمی کردند. آنها تحت لوای مذهب و شعارهای آن و از مسجد که عبادتگاه همه مسلمانان است، تحت رهبری روحانیون

قیام کرده، پیروز شدند.

ایشان در اینجا با اشاره به نقش محوری روحانیون، این قشر را همواره بخشی از مردم و رابط مردم و مجتهدان دانسته است:

مسجد از دیرزمان در تاریخ مبارزات ملت های مسلمان و به ویژه ایرانیان نقش حساس و مهمی داشته و پیونددهنده اعمال سیاسی و عبادی بوده است. نقش روحانیون و علمای مذهبی در رهبری و سازماندهی حرکت های انقلابی می باشد. روحانیت در ایران به ویژه روحانیت شیعه، دارای ویژگیهای خاصی است که در اجرای نقش مردمی - انقلابی آنها فوق العاده موثر بوده است. این ویژگی ها عبارت اند از: برخاستن از میان مردم و زندگی با آنها و لمس عینی مشکلات مردم، استقلال اقتصادی از دولت و ایفای نقش رابط بین مردم و مجتهدان؟

۲-۴. رهبری

دکتر منوچهر محمدی درباره صفات، نوع زندگی، اهداف عالی و دوره های رهبری امام خمینی + می گوید:

رهبر انقلاب اسلامی یک انسان ایدئال با همه صفات و ویژگی های برجسته و تبلور سنتی علمای شیعه، و شیوه رهبری او، نتیجه یک سنت تاریخی طولانی از صدر اسلام بود. ایشان زندگی ساده و بی پیرایه و هوش و استعداد سرشاری داشت و نظم خاصی بر زندگی اش حاکم بود. از آغاز جوانی به تهذیب نفس و خودسازی پرداخت و از ابتدا اهداف خود را نه در پیروزی و تحقق خواسته های خود و مردم، بلکه در اجرا و ادای تکلیف شرعی قرار داد. او می گفت که ما صرفاً به تکلیف الهی و شرعی خود عمل می کنیم، یا پیروز و یا کشته می شویم، که

در هر دو صورت پیروزیم. امام در ایجاد ارتباط با اقشار و توده های مردم نبوغ خاصی داشت، به طوری که با کلامی بسیار ساده و قابل درک برای همه حتی بیسوادترین انسان ها، پیچیده ترین مسائل اجتماعی - سیاسی را مطرح و با بیان خود در اعماق قلوب انسان های معتقد و مومن نفوذ می کرد. رهبری امام

در انقلاب اسلامی به چهار دوره قابل تقسیم است:

دوره نخست: این دوره با اعلامیه مخالفت با لایحه انجمنهای ایالتی - ولایتی آغاز شد و نتیجه آن ظهور امام به منزله رهبر سیاسی - مذهبی و کسب مقبولیت عمومی از طرف توده های مردم بود. در این دوره امام تقیه را تحریم و مبارزه را به کانون اصلی فعالیت های مذهبی کشاند و بر عقیده جدایی دین از سیاست خط بطلان کشید. همچنین در این دوره، مبارزه را به کانون اصلی فساد، یعنی سلطنت و شخص شاه کشید و با حمله مستقیم به همه قدرت های بزرگ خارجی و در رأس آنها آمریکا، هر نوع ملاحظه کاری سیاسی که در حرکت های پیشین دیده میشد، مطرود گردید.

دوره دوم: این دوره که پانزده سال طول کشید، دوره تبعید ایشان به ترکیه و عراق است، در این دوره امام به منزله ایدئولوگ انقلاب، با تدریس دروس حوزوی تحت عنوان حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، شالوده اصلی حکومت بعد از انقلاب را پایه ریزی کرد.

دوره سوم: این دوره از زمان اولین جرقه های انقلاب در دی ماه ۱۳۵۶ در قم آغاز شد. امام در این دوره با برخورد قاطع و عدم سازش، با استفاده از وسایل موجود، در کوتاه ترین زمان ممکن، بدون دست بردن به اسلحه سبب پیروزی انقلاب گردید.

دوره چهارم: در این دوره که با پیروزی انقلاب آغاز شد، با درایت و قدرت و برگزاری انتخابات متعدد، از جمله همه پرسی جمهوری اسلامی، انتخابات خبرگان قانون اساسی، رفراندوم قانون اساسی، انتخابات مجلس خبرگان رهبری، انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس شورای اسلامی، به سرعت پایه های نظام اسلامی را تثبیت و مستحکم کرد.

۳-۲، ایدئولوژی

دکتر منوچهر محمدی در بحث ایدئولوژی انقلاب اسلامی به موانع به کارگیری اسلام به منزله ایدئولوژی انقلاب اسلامی و تلاش های امام در رفع این موانع اشاره نموده است.

یکی از وظایف رهبری انقلاب، تدوین و ارائه ایدئولوژی انقلاب است که باید ضمن نفی نظام و ارزش های موجود، آینده مطلوبی پیش روی انقلابیان ترسیم کند.

اسلام مکتبی الهی است که در اعماق جان اقشار وسیع جامعه نفوذ تاریخی دارد؛ و بزرگترین مانع به کارگیری این ایدئولوژی به منزله ایدئولوژی انقلاب، تبلیغ طولانی مدت استعمار غرب مبنی بر جدایی دین از سیاست، و عدم توانایی اسلام در تحقق جامعه مطلوب اسلامی در این زمان بود. برخی برداشتهای از اصولی مانند اصل تقیه و انتظار فرج نیز، در میان شیعیان، از موانع این راه بود.

امام خمینی + با شناخت دقیق مشکلات مزبور، قدم به قدم در جهت از میان برداشتن موانع گام برداشته، اسلام را به منزله مطلوب ترین ایدئولوژی در جامعه مطرح کرد. ایشان ابتدا تقیه را حرام نموده، موضوع جدایی دین و سیاست را مطرود دانست؛ سپس در دوران تبعید به نجف اشرف، با طرح حکومت اسلامی و اصل ولایت فقیه، در نگرش به اسلام به عنوان یک ایدئولوژی پویا و اجرایی در عصر حاضر تحولی اساسی ایجاد کرد. امام بر تعطیل بردار نبودن احکام خدا، در هیچ شرایطی حتی در عصر غیبت کبرا تاکید کرده، این مسئولیت را بر عهده علما و به ویژه فقهای بزرگ نهاد.

حضرت امام در ارائه ایدئولوژی انقلاب، ارزشهای مسلط بر نظام را به چالش طلبیده، مفاد قانون اساسی مشروطه و متمم آن را که شاه را سایه خدا میدانست، ضد اسلامی خواند و حکومت جایگزین را معرفی کرد. راهبرد مبارزاتی امام، شیوه مبارزه دسته جمعی مسالمت آمیز و بهره گیری از تبلیغ بود و در عین حال حرکت مسلحانه را نفی نمی کرد ولی در آغاز مبارزه، آن را جایز نمی دانست.

در کتاب تحلیلی بر انقلاب اسلامی، اجرای سیاست حقوق بشر کارتر، بروز مرض سرطان

در شاه، انتشار مقاله توهین آمیز در روزنامه اطلاعات نسبت به رهبر انقلاب، جریحه دار ساختن احساسات مذهبی مردم و ... از عوامل شتابزا در حرکت انقلابی مردم تلقی شده است.

سه. مقایسه انقلاب اسلامی با انقلاب های فرانسه و روسیه

دکتر محمدی در کتاب انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلابهای فرانسه و روسیه ضمن مقایسه انقلاب اسلامی با آن دو انقلاب، بار دیگر به نقش عوامل فرهنگی در وقوع انقلاب اسلامی تاکید کرد.

وی در این کتاب، به مقایسه سه انقلاب مزبور در دو مقطع پیش و پس از پیروزی می پردازد. در یک طرف هر یک از این انقلابها قدرت سیاسی، و در طرف دیگر آن قدرت اجتماعی قرار دارد. بنابراین، در بحث شرایط پیش از انقلاب، از یک طرف، در هر کشور، عوامل چهارگانه قدرت اقتصادی، مدیریت سیاسی، حمایت بین المللی و قدرت نظامی را تحت عنوان قدرت سیاسی رژیم های پیشین، و از طرف دیگر، سه عامل مردم، رهبری و ایدئولوژی را تحت عنوان قدرت اجتماعی معرفی و با هم مقایسه می کند که نتیجه این بررسی و مقایسه، بدین قرار است:

برخلاف دولتهای دو کشور فرانسه و روسیه پیش از انقلاب که از نظر سیاسی ضعیف بودند رژیم پیشین ایران قدرتمند بود؛ و در حالی که تعداد اندک انقلابی ها در دو انقلاب فرانسه و روسیه، به دلیل ضعف قدرت رژیمها قادر بودند حکومت ها را ساقط کنند، در ایران برای ساقط کردن حکومت قدرتمند موجود، باید نیروی اجتماعی بسیار مقتدری به صحنه می آمد. در سال های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ در ایران سه عامل «مردم»، «رهبری» و «ایدئولوژی» به دلیل ویژگی های خود، به گونه ای بسیار قدرتمند در صحنه ظاهر شده، پیروزی انقلاب و تشکیل نظام جمهوری اسلامی را رقم زدند. ۲

سومین اثر دکتر محمدی درباره انقلاب اسلامی کتابی است تحت عنوان انقلاب اسلامی، زمینه ها و پیامدها که جمع مطالب دو کتاب قبلی و مقداری مطالب جدید است.

فصل دوم: پیشینه تحولات کشور

گفتار اول: صفویه و نقش بارز فرهنگی و سیاسی آن در تاریخ معاصر کشور
گفتار دوم: دوره قاجار و حرکتهای انقلابی

برای شناخت یک انقلاب مطالعه تحولات مختلف در تاریخ آن کشور ضروری است. اما چون در این باره نمی توان به بررسی کل تاریخ یک کشور بسنده کرد، ناگزیر با انتخاب یک نقطه عطف تاریخی به زمان پیروزی انقلاب که در آن نقطه، حکومت دارای ثبات و واجد حمایت مردمی نسبی بود، با اطمینان کامل می توان مسیر حوادث و تحولات پس از آن را که به وقوع انقلاب انجامید، ردیابی نمود.

این نقطه در انقلاب اسلامی ایران تشکیل دولت صفوی است که نقطه عطفی در تاریخ کشور ماست. ادله انتخاب این دوره در متن آمده است.

در این قسمت، در یک بررسی تاریخی - که با تشکیل دولت صفوی آغاز می شود - زمینه های علل و عوامل وقوع انقلاب اسلامی را جستجو می کنیم.

گفتار اول:

صفویه و نقش بارز فرهنگی و سیاسی آن در تاریخ معاصر کشور

صفویه اولین دولت مرکزی در ایران پس از حمله مغول ها بود. در این دوره زبان فارسی و مذهب شیعه دوازده امامی، زبان و مذهب رسمی کشور اعلام شد به قدرت رسیدن صفویان با کمک صوفیان شبه جزیره آناتولی که با رهبر خود رابطه مرید و مرشد داشتند، صورت گرفت. سپس آنها به تدریج، دست صوفیان را از حکومت کوتاه نموده، مقامات حکومتی را در اختیار ایرانیان قرار دادند. این روند در دوره شاه عباس اول تکمیل شده

صفویان از یک سو با ازبکها در شرق، و از سوی دیگر، با ترکان عثمانی در غرب، درگیر بودند. عثمانی ها با پیروزی های خود امپراطوری بزرگی پدید

آوردند که یک سر آن در اروپای شرقی و بالکان و سر دیگر آن در شمال آفریقا بود، آنها بارها کوشیدند ایران را نیز به سرزمین های تحت سلطه خود منضم کنند شاهان اولیه صفوی به دلیل قدرت بالای عثمانی ها از رویارویی با آنها خودداری می کردند. آنان آن قدر آنها را در کوه ها و بیابانها معطل کرده، به آنها شبیخون میزدند که در پایان با از دست دادن بخش عظیمی از نیروهای خود، خاک ایران را ترک کردند.

به طور کلی، صفویان کشور را از خطر خارجی - ازبکها و عثمانی ها - حفظ کرده، موجب برقراری امنیت در کشور شدند.

تشکیل دولت صفویه در ایران و نزدیک شدن نسبی سیاست و مذهب در این زمان از مهم ترین وقایع تاریخ کشور است که همزمان با تبدیل خلافت عثمانی به قدرتی جهانی

صورت گرفت. البته مقدمات این نزدیکی پس از گرویدن ایلخانان مغول به اسلام فراهم شده بود، اما صفویان به آن شدت بخشیدند.

شیخ جنید و شیخ حیدر که از اجداد شاه اسماعیل، بنیان گذار سلسله صفوی بودند، به مذهب تشیع گرویده، نسبت خود را به امام هفتم شیعیان، حضرت امام موسی کاظم، می رساندند.

صفویه یک حکومت مذهبی نبوده، کارنامه برخی از حکمرانان آن در رعایت آداب دینی نیز، چندان مطلوب نبود. اما دولتی باجذبه و عاطفه دینی بود. والتر هنتس در این باره می نویسد:

دوستداری خاندان علی **[x]** که در جبهه مظلومیت و طلب حق بودند، با دشمنی نسبت به حاکمان و والیان مستولی که در حکومت خود جانب حق و عدالت را مراعات نمی کردند، قرنها در رگ و پی مردم ایران ریشه دوانیده، و بارها در گوشه و کنار کشور حکومت های محلی شیعی روی کار آمده بود. بدین ترتیب، با توجه به وجود برخی جنبه های مذهبی در این دولت، مردم به حکمرانان احترام می گذاردند.

در این دوره، مجتهدان و علما پایگاه اجتماعی بالایی داشتند. صفویان، نظارت بر امور مذهبی را از طریق مقام صدر اعمال می کردند. آن لمبتون می نویسد: |
طبق کتاب جامع مفیدی تألیف محمد مفیدی، در قرن یازدهم هجری، در دوره صفویه، عالی ترین طبقه مرکب بود از سلاطین، امرا، صدور، وزراء نزدیکان دربار سلطنتی و کسانی که عهده دار امور سلطنتی بودند. طبقه بعد شامل سادات، شیوخ، علما، فضلا و کسانی می شد که مشاغل شرعی را در دست داشتند و طبقه سوم شامل زمین داران، تاجران و صنعتگران ماهر و طبقه چهارم شامل صنعتگران، بازاریان و کارگران بودند. ۲

در دوره صفویه بخشی از علما، از جمله محقق کرکی با حکومت همکاری کردند. به طور کلی، نزدیک شدن علما به حکومت به معنای پذیرش مشروعیت صفویه نبود، بلکه آنها می گفتند، در دوره صفویه موقعیتی تاریخی فراهم شده است که با بهره گیری از آن می توان به تحکیم پایه های تشیع در کشور و ایمن نمودن مردم از خطر همسایگان پرداخت. |

در حالی که روحیه رهبران اولیه صفوی مساوات طلبی بود، رفته رفته شاه از رعایای خود جدا و به وسیله یک دربار خوش گذران در بر گرفته شد. همزمان در میان حکمرانان نیز، گرایشی به دور شدن از مذهب پدید آمد، از این رو، علمای شیعه از شرکت در امور دولت کناره گرفتند.

در جهان تشیع، برخلاف نظر بخشی از علمای اهل تسنن که به استناد آرای ماوردی و غزالی پادشاهان را هرچند، ظالم و شرور باشند، برای حیثیت و تداوم حکومت اسلام لازم می دانند، طرد حکام ظالم به صورت اصلی غیر قابل تغییر، همچنان باقی مانده است.

آرام آرام، به ویژه در دوره قاجار و پس از آن، نقش نهادهای مذهبی و سیاسی آشکارا از یکدیگر متمایز گردید و مجتهدان به قدرتی مستقل، خارج از نهاد سیاسی و پناه مردم، مقابل حکمرانان فاسد تبدیل شدند

با توجه به اینکه همزمان با به قدرت رسیدن شاه اسماعیل صفوی بیشتر مردم ایران سنی مذهب بودند و سپس مذهب شیعه گسترش یافت، در دوره صفویه یک

تغییر عقیدتی و

مذهبی که افزایش نفوذ مردمی علما را در پی داشت، به وقوع پیوست که تاثیر آن تا زمان پیروزی انقلاب و پس از آن، در تاریخ معاصر ایران به جا مانده است.

به طور کلی، تشکیل دولت صفویه، وحدت سیاسی و فرهنگی، حفظ استقلال کشور مقابل بیگانگان و ورود نیروهای مذهبی به صحنه سیاسی کشور را در پی داشت.

پس از آن عواملی همچون، پیروزی اصولیها بر اخباری ها در دوره فتحعلی شاه قاجار، قرار داشتن مراکز شیعه خارج از قلمرو ایران، یعنی عراق که مانع دسترسی مستقیم دولت به آنها و در نتیجه آزادی عمل بیشتر آنها مقابل حکومت می شد، و نظارت مجتهدان و علما بر موقوفات و مالیاتهای اسلامی مانند: خمس و زکات و بی نیازی اقتصادی از حکومت، موجب افزایش نفوذ علما و مجتهدان شد.

گفتار دوم:

دوره قاجار و حرکت های انقلابی

خلاصه حوادث

دوره طولانی حکومت قاجارها با مجموعه گسترده ای از تغییر و تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی همراه بود. طرح و توضیح تمامی این تحولات از عهده این پژوهش خارج است. در اینجا پس از بیان خلاصه حوادث دوره قاجار، به بیان زمینه ها، علل، عوامل و تاثیر دو حرکت انقلابی تعیین کننده در تاریخ معاصر ایران، یعنی قیام تنباکو و انقلاب مشروطه می پردازیم.

دوره قاجار با حکومت آقا محمد خان آغاز شد و با فتحعلی شاه ادامه یافت. این زمان قرن رقابت های استعماری اروپاییان بود و چهار دولت بیگانه یعنی فرانسه، انگلیس، روسیه و عثمانی در صحنه سیاسی ایران حاضر بودند. یکی از ادله اهمیت ایران قرار گرفتن بر سر راه شبه قاره هند بود که سه کشور استعماری انگلیس، فرانسه و روسیه بر سر دستیابی به منابع آن با هم رقابت

داشتند.

در زمان فتحعلی شاه، دو جنگ با روسیه رخ داد که اولی پس از ده سال به شکست ایران و امضای عهدنامه گلستان انجامید و دومی با قرارداد ترکمنچای و تحمیل کاپیتولاسیون - حق قضاوت کنسولی روس ها - به ایران پایان یافت.

در جنگ دوم، پیروزی های ایران که به فرماندهی عباس میرزا و حکم جهاد علما به دست آمد، وسیع و شگفت آور بود. اما فتحعلی شاه به این بهانه که خرج جنگ را باید استان

آذربایجان تامین کند، از پشتیبانی کامل نیروها دریغ کرد و ایران دوباره شکست خورد.

در همین زمان ها، پس از صدور یک فتوای مذهبی مبنی بر وجوب نجات زنهای مسلمان، مردم گریبایدوف روسی و ۳۷ تا ۸۰ نفر روسی دیگر را که برای فشار به دولت جهت پرداخت غرامت جنگی، به ایران آمده و می خواستند زنان گرجی ای که شوهران غیر گرجی داشتند را به اجبار به سرزمینهای منضم شده به روسیه ببرند، کشتند. با عذرخواهی ایران، دولت روسیه برآن شد که از ایران در گذرد. اهمیت این حادثه از آن روست که اولین واقعه ای بود که با الهام مذهبی بر علیه خارجیها به وقوع پیوست و بیانگر تنفر ایرانیان از نحوه رفتار قدرت های خارجی با آنها بود.

در زمان جنگ های ایران و روس، ابتدا روابط فرانسه با ایران خوب بود، اما به دلیل نزدیک شدن فرانسه به روسیه، براساس معاهده صلح تیلیست، ژنرال گاردان فرانسوی که طبق عهدنامه فین کن اشتاین (۱۸۰۱ م) به ایران آمده بود تا مقابل روسیه و انگلیس از ایران حمایت کند، یکباره از ایران رفت و ایران را در جنگ تنها گذاشت. در این زمان انگلیسی ها با این تصور که ایران تحت سلطه روسیه قرار خواهد گرفت، سرجان ملکم را با هدایای زیاد به دربار ایران فرستادند.

شکست در جنگ با روسیه، افزون بر از دست رفتن سرزمینها، نتایج اقتصادی و سیاسی زیانباری نیز در پی داشت: روسها از ایران غرامت دریافت کردند. همچنین، ایران به وضع تعرفه اندک روی اجناس وارداتی روسی مجبور شد.

افراد روسی و ایرانیان تحت الحمایه روسیه نیز از قوانین ایران معاف گردیده، فقط توسط محکمه کنسولی خود محاکمه می شدند. تعرفه ثابت و اندک بعداً در خصوص قدرتهای غربی دیگر نیز اعمال، و درهای کشور به طور کامل به روی تجار غربی باز شد. براساس معاهده با اروپایی ها وضع تعرفه برای حمایت از صنایع داخلی نیز غیرممکن بود. بنابراین، رشد صنایع ملی متوقف شد و تجار ایرانی که برخلاف اروپایی ها از پرداخت تعرفه های داخلی و مالیات معاف نبودند، آسیب دیدند.

در نتیجه، از حدود دهه ۱۲۱۰ش، صاحبان صنایع دستی و تجار کشور علیه موج رو به افزایش ورود کالاهای خارجی اعتراض نموده، از دولت می خواستند مقرراتی برای منع ورود آن کالاها و حمایت از صنایع داخلی وضع کند. بعد از فتحعلی شاه، به ترتیب، محمدشاه، ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به قدرت رسیدند که در زمان هر کدام، مسائل ذیل حائز اهمیت اند؛ در دوره محمدشاه سه مسئله آقاخان محلاتی سیدعلی محمد شیرازی (باب) و مسئله هرات؛ در دوره ناصرالدین شاه، جنگ هرات، قرارداد رویترو و قیام تنباکو و در دوره مظفرالدین شاه، انقلاب مشروطه.

مظفرالدین شاه، که در پنج سالگی ولیعهد شد، به ناچار آنقدر در آذربایجان به انتظار پادشاهی نشست که رنگ صورتش در رنج طولانی محو شود، وی چهل سال ولیعهد ماند و یازده سال سلطنت کرده، ده روز بعد از صدور فرمان مشروطه مرد.

سپس محمدعلی شاه به جای او نشست. در آغاز سلطنت وی و در زمانی که دولت های فرانسه، انگلیس و روسیه گروه با جبهه اتفاق مثلث را مقابل اتحاد مثلث پدید آوردند، ایران طبق قرارداد ۱۹۰۷م به سه منطقه نفوذ تقسیم شد. در دوره وی مشروعه خواهان و مشروطه خواهان مقابل هم قرار گرفتند. با به توپ بستن مجلس به دستور محمدعلی شاه، توسط لیاخوف روسی، استبداد صغیر حاکم شد. سپس مشروطه خواهان از تبریز، اصفهان و رشت به سوی تهران حرکت و تهران را تصرف نمودند و محمدعلی شاه نیز به سفارت روسیه پناهنده شد. با

پناهنده شدن محمدعلی شاه، فرزند دوازده ساله اش، احمد به قدرت رسید.
با شروع جنگ جهانی اول، ایران از شمال و جنوب مورد هجوم قرار گرفت. پس از جنگ، مشکل انگلیسیها و فرانسوی ها انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م روسیه بود. آنها می خواستند با استفاده از خاک ایران به روسهای سفید - ضد انقلابها - کمک کنند. در همین زمان، فعالان نهضتهای ضد بیگانه، مانند نهضت جنگل و قیام شیخ محمد خیابانی، به قرارداد سال ۱۹۱۹م و ثوق الدوله و انگلیسی ها می تاختند.

قرارداد و ثوق الدوله، در شرایط افزایش قدرت انگلیسی ها در ایران به دلیل وقوع انقلاب در روسیه، پس از جنگ جهانی اول به امضا رسید. طبق یکی از مفاد این قرارداد، انگلیس مقامات ایران را تحت الحمایه خود قرار می داد. مشهور است که مقامات ایران برای انعقاد این

پیمان رشوه گرفته بودند. سپس علما و مردم با این قرارداد به مخالفت برخاستند. از جمله مدرس و میرزا کوچک خان برای مقابله با قرارداد، توافق نموده و آیت الله کاشانی در ملاقاتی که در عراق با احمدشاه داشت، مخالفت خود را ابراز داشت. از سوی دیگر، امریکا، فرانسه و شوروی نیز به مخالفت با قرارداد برخاستند. سرانجام، احمدشاه، و ثوق الدوله را از کار برکنار کرده، قرارداد در کابینه سیدضیاء لغو شد

اینک به بررسی دو حرکت انقلابی دوره قاجار - قیام تنباکو و انقلاب مشروطه - و نتایج و بازتاب آنها بر محیط اجتماعی و سیاسی ایران معاصر می پردازیم.

الف) قیام تنباکو و نتایج و آثار آن

قیام تنباکو که اولین حرکت عمومی، گسترده و موفق در تاریخ جدید ایران بود، تاثیرات درخور توجهی در تحولات بعدی داشت که میتوان در چهار محور زیر آن را بررسی کرد

یک. شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی ایران در زمان اعطاء امتیاز تنباکو

در این زمان، یک رژیم استبدادی بر ایران حاکم بود که در آن شخص شاه هر سه وظیفه حکومت‌های امروزی یعنی: قانون‌گذاری، اجرا و قضا را، در اختیار داشت. وزرا و همه صاحب‌منصبان و اتباع کشور، تحت قدرت شاه قرار داشتند و وی همه عزل و نصبها را خود، برعهده داشت. او می‌توانست برای هر کسی که می‌خواست حکم مجازات صادر کند و این حکم بلادرنگ اجرا می‌شد. شاه، به ویژه در دوره طولانی سلطنت ناصرالدین شاه، تحت تاثیر مادر و همسرانش بود.

بعد از شاه، موقعیت وزیر اعظم اهمیت زیادی داشت و کلید سیاست کشور در دست او بود. البته وی همیشه در معرض توطئه مخالفانش در دربار بوده، نارضایتی شاه از او پیش در آمدی بر سقوطش بود. شاه با سیاست تفرقه افکنی بین دولتمردان و بزرگان سعی داشت از خرده‌گیری آنان در کار دولت جلوگیری نماید. یحیی دولت‌آبادی که خود، از معاصران قیام تنباکوست، در کتاب تاریخ معاصر یا حیات یحیی، ضمن اشاره به این نکته می‌نویسد:

به جز شاه، حکام ولایات نیز در رسیدن به آمال خویش از این راه استفاده می‌کنند و در نتیجه آتش نفاق، سراسر کشور را فرا گرفته است در این دوران، مقامات دولتی و درباریان به دو دسته رجال طرفدار یا تحت‌الحمایه روسیه و رجال طرفدار یا تحت‌الحمایه انگلیس تقسیم می‌شدند و به هیچ وجه معتقد به استقلال کشور نبودند.

از مسائل اساسی دیگر، فساد شاه و درباریان بود. ناصرالدین شاه تا پیش از مرگش ۸۳ امتیاز تجاری - سیاسی و غیره به خارجیان واگذار کرده بود که ۳۵ مورد آن با اخذ رشوه اعطا شده بود. وی دائماً بر زنهاى حرمسرای خود می‌افزود و با اینکه در این زمان حدود ۱۸۰ زن داشت، دوشیزگان و فاحشه‌هایی توسط امین اقدس، از همسران شاه، به دربار آورده می‌شد. امین السلطان وزیر اعظم وی نیز افزون بر سوء استفاده از خزانه دولتی، هیچ صاحب نفوذی را از درگاه خود دور نمی‌کرد و هر کس طالب مقام و شغلی بود، می‌توانست به ازای

پرداخت پول به او، آن را به دست آورد.

مسئله فروش مشاغل و وضع دریافت و میزان مالیاتها نیز، از مسائل مهم این دوران بود. از زمان فتحعلی شاه قاجار رسم بر این بود که در هر نوروز، شاه کلیه مناصب را به مزایده می نهاد؛ و تنها کسانی می توانستند مشاغل مهم را به دست آورند که همراه با شرکت در مزایده، هدایای بیشتری نیز به شاه و وزیر اعظم بدهند. در آن زمان کشور به ایالاتی تقسیم می شد. والی پس از خرید این شغل، افزون بر اخذ مالیاتی که میزان آن در دفترچه ای مخصوص آمده بود، پولی را نیز که بابت پیشکش و رشوه پرداخته بود، از مردم وصول می کرد. گاه وی این شغل را گرانتر از مقداری که خریده بود به دیگری می فروخت؛ بنابراین، هزینه دیگری، بر مردم تحمیل می شد؛ در بعضی از موارد، والی برای کسب پول و عوارض از مردم، دستور راهزنی و جنایت میداد. ژنرال سرپرسی ساکس، که چندین سال در خراسان و

کرمان کنسول انگلیس بود و در سیستان و بلوچستان هم مشاغل مهمی داشت، در کتاب تاریخ ایران می نویسد:

صفحات این قسمت از تاریخ ایران پر از ظلم، حق کشی، رشوه و ارتشا می باشد. غیر از مالیات هایی که حکام برای پرداخت اجاره بهای ایالت از مردم می گرفتند، در هر ایالت به اقتضای منطقه، عوارض و مالیات های بسیار دیگری نیز از مردم اخذ می شد. سیستم خرید و فروش مشاغل و گرفتن اقسام و انواع مالیاتها و عوارض، باعث عدم امنیت درآمد روستائیان و عقب ماندگی آنان می شد. در یکصد سال پیش از انقلاب مشروطه، مالکیت خصوصی زمین افزایش، و مالکیت دهقانی کاهش یافت. ملاکین در مسیر رفع نیازهای خارجیافتادند و چندین مورد قحطی اتفاق افتاد. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، جامعه هرچه بیشتر به سمت طبقاتی شدن پیش می رفت.

به طور کلی، در آن زمان به سهولت امکان حرکت برای طبقات اجتماعی وجود نداشت. البته وضع تهران در دوره های پایانی قاجاریه کمی بهتر بود.

در این دوران وضع ارتش ایران نیز بسیار غم انگیز بود؛ و در حقیقت، کشور

فاقد ارتش به معنای واقعی کلمه بود. در این نیروی هشتاد هزار نفری شاید هزار مرد جنگی و آماده رزم وجود نداشت. این عدم کارایی ناشی از ندانستن فنون نظامی، نداشتن اسلحه موثر و ذخیره کافی بود. فرماندهان و افسران، حقوق نظامیان را می دزدیدند و راه را برای آنان باز می گذاردند تا برای امرار معاش به هر شغلی روی آورند؛ از این رو، فرصتی برای آموزش فراهم نمیشد و دولت به نیروهای مسلح قبایل متوسل می گردید که به آزادی تاخت و تاز و غارت اموال مردم می انجامید. در دوره قاجار، تنها اندکی از دولتمردان مانند عباس میرزا به اهمیت یک ارتش مدرن واقف بودند که مرگ او اقداماتش را ناتمام گذاشته

همچنین در این زمان، وضع ایران به لحاظ بهداشت و آموزش اسفبار بود. تنها پنج درصد

مردم باسواد بودند و گاه بیماریهای واگیر، جان هزاران نفر را می گرفت. در حالی که خود شاه پزشکان ویژه ای داشت که از اروپا می آمدند.

در این زمان ساختار قبیل‌های دولت و جامعه ایرانی نیز از مسائل اساسی تاریخ کشور بود. نیکی کدی در این باره می نویسد:

تمام سلسله های ایرانی از زمان آل بویه تا زمان حکومت قاجار یا اجداد و دودمانی قبیل‌ه ای داشتند، یا آنکه برای رسیدن به قدرت، بر قدرتهای نظامی قبیل‌های تکیه کرده اند. بنابر یکی از تخمینها، قبایل کوچ نشین در ابتدای قرن نوزدهم حدود نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می دادند که این

رقم در اواخر قرن مزبور به مرز یک چهارم رسید. قبایل کوچ نشین با توجه به برتری نظامی خود نسبت به اهالی شهرهای ایران را صحنه تاخت و تاز خود قرار داده بودند و قدرت قبایل متعدد از ادله عدم قدرت حکومت مرکزی بود.

موقعیت راهبردی ایران نیز به گونه ای بود که برای هر دو قدرت رقیب، یعنی روسیه و انگلیس اهمیت ویژه ای داشت. ایران به جهت دسترسی به سراسر مرزهای شمالی خلیج فارس و قرار گرفتن در حد فاصل قاره اروپا و شبه قاره هند برای انگلیس اهمیت بسیاری داشت. فروش کالاهای انگلیسی در ایران نیز

می توانست برای انگلستان منافع اقتصادی خوبی داشته باشد. اهمیت ایران برای روسیه از وصیت نامه پطرکبیر - که همیشه مورد نظر رهبران روسیه بود - آشکار است:

در کارشکنی امور مربوط به ایران تسریع نمایید؛ به خلیج فارس راه یابید؛ تجارت قدیمی حوزه شرق نزدیک و مدیترانه را احیا کنید؛ به سوی هند که انبار گنج های جهان است پیش بتازید.؟ مهم ترین راه های نفوذ و اعمال نظر این دو دولت در ایران عبارت بود از: نفوذ در شخص شاه و صدراعظم های وی، بازرگانی، گرفتن امتیازات، اعطای وامها و تهدیدات.

انگلیسی ها در سال ۱۸۶۲م موفق شدند با رضایت شاه خط تلگراف لندن به کراچی را از خاک ایران عبور دهند. بنابراین، مامورین انگلیسی به بهانه اداره این خط، مدت سی سال در سرزمینهای عبور کننده این خط پراکنده شده و اطلاعات با ارزشی از مسائل جغرافیایی و اجتماعی - سیاسی ایران کسب نمودند. آنان در رفتار با مردم و به منظور نفوذ در آنها بسیار آرام و خوش برخورد بودند و همیشه سعی داشتند خود را در اختلافات مردم میانجی نمایند. آنها به مردم می گفتند، هر کسی به هر دلیلی به دفاتر تلگرافی انگلیس پناهنده شود، در امان خواهد بود. از این رو، بعدها گاه تلگراف خانه ها محل بست نشستن می گردید. در سال وقوع قیام تنباکو (۱۲۶۹ش) مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف، و ولز انگلیسی مدیرکل تلگراف ایران بود. انگلیسیها نقل کرده اند که خدمات جاسوسی مخبرالدوله در تلگرافخانه برایشان بسیار ارزشمند بود.

قرارداد رویتر، در سال ۱۸۷۲م بین بارون ژولیوس دورویتر انگلیسی و دولت ایران امضا شده مفاد این قرارداد آن قدر رسوا بود که دولت انگلیس به زودی دریافت، اجرای آن ممکن است به نفوذش در ایران لطمه زند. مردم به رهبری حاج ملاعلی کنی علیه آن شوریدند. همچنین، دولت روسیه با اعمال فشار بر ناصرالدین شاه برای لغو آن کوشید. بدین ترتیب، دولت انگلیس از قرارداد دفاع نکرد و سرانجام شاه آن را لغو نمود.

تعدادی از مفاد قرارداد رویتر عبارت بود از: حق ساختن اختصاصی راه آهن و

بهره برداری از آن، استفاده از سواحل دریای مازندران، استفاده از معادن مس و نفت، حق تغییر مسیر رودخانه ها، حق استفاده از همه جنگل ها، حق کشت و زرع زمین های بایر، حق اداره گمرکات، حق تاسیس بانک، حق ساختن خیابان، حق تاسیس کارخانجات و غیره.

برای اغوای ناصرالدین شاه در موافقت با این قرارداد، به او گفته بودند. در حقیقت، ما با از دست دادن مثنی خاک، همه چیز به دست می آوریم.

سپس روسها امتیاز احداث خط آهن از مرزهایشان تا تبریز و امتیاز انحصار شیلات به ویژه خاویار در دریای مازندران را کسب کردند

از سال ۱۸۸۱م در پی نصب ولف به منزله وزیر مختار انگلیس در ایران، رقابت دو دولت

برای کسب امتیازات شدیدتر شد. در سال بعد، ولف موفق شد امتیاز تاسیس بانک شاهنشاهی را برای رویتز به دست آورد. انگلیسی ها از طریق این بانک با انتشار اسکناس و دادن مساعده به دولت و وزرا و افراد خصوصی، ضمن نفوذ در آنها، منافع اقتصادی و سیاسی سرشاری به دست آوردند

روسها نیز در رقابت با انگلیسی ها به امتیازهایی دست یافتند که عبارت اند از: کشتیرانی در مرداب انزلی، حق ساختن جاده در شمال کشور، تعهد ایران مبنی بر عدم اعطای امتیاز راه آهن به دیگران به مدت پنج سال که بعدا به مدت ده سال دیگر تمدید شد، امتیاز کمپانی حمل و نقل و بیمه، و تاسیس بانک استقراضی به مدت ۷۵ سال.

به دلیل اهمیت امتیاز تاسیس بانک، وزیر خارجه روسیه پادرمیانی کرد و آن را به دولت روسیه انتقال داد. به جز چاپ اسکناس - که فقط در اختیار بانک شاهنشاهی بود - بقیه کارهای دو بانک روسی و انگلیسی مشابه بود، مشهور است که بانک روسی، شدیداً در اقدامات سیاسی نیز تلاش داشت به طوری که برای خود یک سازمان جاسوسی پدید آورده بود.

امتیاز مهم دیگری که در همین زمان داده شد و باعث حرکت انقلابی مردم ایران

گردید، امتیاز انحصار توتون و تنباکو بود که پس از این بیان می شود. همان طور که گفته شد، نقش دیگری که این دو قدرت بیگانه برای گسترش نفوذشان در ایران بازی می کردند، اعطای وامها بود. این وام ها به هیچ وجه صرف آبادی کشور نمی شد بلکه صرف ولخرجی درباریان می گردید. خارجیان در ازای دادن این وام ها وثیقه هایی دریافت می کردند که عملاً منابع مالی ایران را در اختیار آنان قرار می داد.

دو. چگونگی اعطای امتیاز انحصار توتون و تنباکو

محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، وزیر انطباعات ناصرالدین شاه، اولین کسی بود که به فکر انحصار توتون و تنباکو افتاد. این فرد، قانونی تحت عنوان «قانون اداره انحصاریه تنباکو و توتون و متفرعات آن» شامل نه فصل نوشت و هدف از این کار را گرفتن مالیات از مصرف کنندگان توتون و تنباکو اعلام کرد. ناصرالدین شاه با این قانون موافقت نکرد. همین

شخص، در سال بعد قانون دیگری در این زمینه تهیه کرد که شاه با آن هم موافقت نکرد.

فکر انحصار دخانیات به جایی نرسید تا آنکه در ماه شعبان ۱۳۰۶ ق ناصرالدین شاه عزم سفر اروپا کرد. انگلیسی ها به منظور کسب امتیازی دیگر، در تحریک شاه برای رفتن به این سفر بسیار کوشیدند

در طی سفر، آنها بیش از پیش، از شاه پذیرایی کرده، همزمان، از طریق ماژور تالبوت، از مشاوران و نزدیکان لرد سالیسبوری نخست وزیر انگلیس، از شاه و امین السلطان، صدراعظم اعطای امتیاز توتون و تنباکو را خواستار شدند. تالبوت ابتدا با دادن وعده های فراوان نظر مساعد امین السلطان را جلب کرد، امین السلطان هم موضوع را با شاه در میان نهاد و نتایج اعطای این امتیاز را یک گنج بادآورده خواند. ناصرالدین شاه که فکر می کرد با پولی که بدین وسیله به دست می آید، می تواند خرج سفر فعلی و سفر بعدی خود را تامین کند، تصمیم گرفت با واگذاری این امتیاز موافقت نماید. بنابراین، تالبوت را به تهران دعوت کرد تا درباره مفاد قرارداد گفت و گو کنند.

وقتی تالبوت به تهران آمد، صورت امتیازنامه را که اصول کلی آن قبلاً تهیه شده بود، با کمک وزیر مختار انگلیس در تهران نوشت؛ امین السلطان نیز با کمی جرح و تعدیل، آن را همراه با مبلغ هنگفت رشوهای - که صاحب امتیاز برای امضا پیشکش میداد - نزد ناصرالدین شاه برد و اضافه کرد، شرکت رژی هر ساله پانزده هزار لیره و یک چهارم منافع کمپانی را به خزانه شاه پرداخت خواهد کرد. شاه در نوروز ۱۲۶۹ ش امتیاز نامه را امضاء و از امین السلطان نیز تقدیر نمود.

شرکت رژی برای کسب این امتیاز مبلغ چهارصد هزار تومان به امین السلطان و سایر درباریان رشوه داد. در یکی از اسناد به جا مانده آمده است: تالبوت در راه تهران این نامه را برای امین السلطان ارسال نمود:

اینجانب ماژور تالبوت تعهد می کنم که برای حضرت اشرف، امین السلطان و اعلیحضرت، شاه ایران به حضرت اشراف مبلغ ۴۰ هزار لیره استرلینگ بپردازم؛ ۱۰ هزار لیره از این مبلغ را روز تفویض امتیازنامه رژی، ۱۰ هزار لیره دیگر از

این مبلغ را در اولین روزی که امتیاز رژی به موقع اجرا گذارده شود، ۲۰ هزار لیره بقیه را دو ماه پس از اجرای امتیاز نامه رژی. پاریس ۱۸۸۹ افزون بر اعطای رشوهای کلان، ماژور تالبوت برای گرفتن این امتیاز، از نقاط ضعف شاه نیز استفاده نموده، دخترش را به شاه معرفی کرد. شاه هوسران - که به همه چیز جز منافع کشور می اندیشید - شرمنده از آن همه محبت، استقلال و منافع کشور را بخشید.

سه. ادله نهایی و فوری آغاز قیام

افزون بر زمینه ها و شرایط پیش گفته که در وقوع قیام نقش داشتند، ادله زیر به منزله دلیل های فوری و نهایی وقوع این قیام مطرح اند.

..ادله فرهنگی - مذهبی

شرکت انگلیسی ابتدا در حوالی ارک تهران باغ معروف ایلخانی را به قیمت ۴۵

هزار تومان خرید و ساختمان بزرگی برای اداره مرکزی شرکت بنا کرد و دیوار بلندی در اطراف آن احداث کرد. همزمان مردان و زنان انگلیسی یا شرقی بسیاری از مستعمران انگلیس) به عنوان کارکنان شرکت به ایران آمده، به شهرهای مختلف فرستاده شدند که طرز رفتار آنان برای ایرانیان هشداردهنده بود. ابراهم تیموری از شیخ ذبیح الله محلاتی نقل می کند:

در این موقع از طرف فرنگیان حدود صد هزار مبلغ دیانت مسیح بین شهرهای ایران پخش شدند و کلیساها ساختند و دختران ایرانی را به امور پرستاری در بیمارستانها و بی حجابی واداشتند. مردم نیز درصدد مخالفت برآمدند.؟
محمدرضا زنجانی نیز در کتاب تحریم تنباکو اشاره می کند، در مجموع دویست هزار نفر در رابطه با امتیاز تنباکو به ایران آمدند. به طوری که در همه جا بودند، در خانه، در بیرون، بازار، کوچه، اینها در تمام ایران منتشر شدند و در هر شهر به ویژه در تهران چند تئاتر و فاحشه خانه

به وجود آورده، کافه هایی باز نمودند که در آن انواع وسایل قمار، رقص های محلی و مشروبات الکلی در دسترس بود. در تهران شاید صد مغازه مشروب فروشی باز شده بود و مبلغان مسیحی در کمال اقتدار برای صید مسلمین دام افکنده بودند.

بدین ترتیب، هجوم عناصر مسیحی زیر پرچم کمپانی رژی، این تصور را در کشور ایجاد نمود که کمپانی رژی می خواهد در ایران نقش کمپانی هند شرقی را بازی کند؛ نقشی که به استعمار هند منجر شد، ایجاد ساختمان های عظیم، استخدام ماموران و مسلح کردن آنها و غیره سیاستهای مکارانه کمپانی هند شرقی را تداعی می کرد و به عاقلان هشدار می داد که خطر در پیش است.

۲. ادله اقتصادی - ایاسی

مخالفت با سیاست امتیاز بخشی از مدتها قبل از اعطای امتیاز توتون و تنباکو در ایران مشاهده می شد. مثلا می توان از مخالفت حاج ملاعلی کنی با امتیاز رویتر که باعث لغو آن گردید، یاد کرد.

امتیاز توتون و تنباکو می توانست تاثیر نامطلوبی بر جامعه ایران بر جای نهد. باتوجه به نوشته محمدرضا زنجانی - که خود از معاصران قیام تنباکو بود - در کتاب تحریم تنباکو، اصناف طرف دادوستد دخانیات یک پنجم مملکت بودند. انحصار خرید و فروش دخانیات ایران به دست یک شرکت انگلیسی، می توانست منافع بخش بزرگی از مردم ایران را که در رابطه با توتون و تنباکو قرار می گرفتند، به خطر اندازد. زیرا شرکت رژی باتوجه به اینکه تنها خریدار یا تنها فروشنده توتون و تنباکو بود، ممکن بود این محصولات را به هر قیمت اندکی که مایل بود خریده یا به گران ترین قیمت به مردم بفروشد.

این مطلب موقعی روشن تر می شود که به نوشته روزنامه اختر - که در آن زمان در استانبول منتشر می شد - توجه کنیم: صاحب امتیاز برآورد کرده بود که سالانه پانصد هزار لیره سود خواهد برد.

فوریه، پزشک مخصوص شاه نیز در خاطرات خود امتیاز تنباکو را لقمه چرب و نرمی برای انگلیسی ها قلمداد نموده است که ارزش بردن رنج و پرداخت خرج آن را داشت.

با توجه به امتیازی که دولت عثمانی در این مورد داده بود، به خوبی مشخص می شود که کلاه بزرگی بر سر دولت ایران رفته بود. حق الامتیاز دولت عثمانی، سالیانه ۶۳۰ هزار لیره بود و یک پنجم منافع نیز به این دولت داده می شد. حتی توتونی که از عثمانی صادر میشد از قید انحصار آزاد بوده، دولت نیز مالیاتی بابت صادرات این محصول از رعیت و تاجر نمی گرفت. در حالی که میزان توتون و تنباکوی تولیدی ایران خیلی از عثمانی بیشتر بود ولی طبق قرارداد، سالیانه تنها پانزده هزار لیره و یک چهارم منافع کمپانی باید به ایران پرداخت می گردید. محمدرضا زنجانی به نقل از سرمقاله روزنامه اختر مینویسد:

باتوجه به اینکه امروزه چند تن از تجار ایرانی حاضراند فقط برای انحصار تنباکوی اصفهان، به استثنای داخل مملکت، سالانه بیست هزار لیره به دولت بدهند،

می توان فهمید که در شرایط قرارداد تنباکو، بر سر منافع ایران چه آمده است؟

از این رو، باتوجه به ادله فوق، مخالفت با این امتیاز آغاز شد، مخالفت عمومی به رهبری علما از شیراز شروع شده، به تبریز، مشهد، اصفهان، تهران و سایر نقاط کشور گسترش یافت. متن فتوای تحریم عبارت بود از|:

بسم الله الرحمن الرحيم

اليوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان # است. این فتوا را مرجع بزرگ شیعه، میرزای شیرازی در عراق صادر کرد و افزون بر مردم، حتی همسران شاه و غیر مسلمانان نیز، از آن اطاعت کردند، بنابراین، دولت پس از مقاومت های اولیه، به اجبار کل امتیاز را لغو کرد.

چهار. اهمیت، نتایج و تاثیرات

پیروزی قیام تنباکو به منزله اولین مقاومت عمومی مردم ایران علیه بیگانگان و استبداد شاه تاثیرهای گسترده ای در مسیر تحولات آینده کشور داشت. این پیروزی مرهون پیوند ویژه علما و مردم بود.

یکی از نتایج بزرگ پیروزی این قیام، نمایش و افزایش قدرت سیاسی علما بود؛ قدرتی که نه تنها خارجیان بلکه سردمداران حکومت ایران نیز از آن بی خبر بودند. علما علت تحریم و قیام مردم را متزلزل شدن استقلال و اساس دین مبین در اثر امتیازات و مغایرت آن با قرآن مجید میدانستند. اثبات عملی قدرت بیکران علما، از آن پس در خاطره ملت ایران باقی ماند و به ویژه بار دیگر در جریان انقلاب اسلامی در سالهای ۵۷ - ۱۳۵۶ به صحنه آمد.

از دیگر نتایج قیام تنباکو، امکان پیروزی حرکتهای مردمی بر شاه و خارجیان بود. این قیام با ترسیم مواردی مانند ناتوانی پادشاهان در برابر مردم، مهم ترین عامل آغاز انقلاب مشروطه بود.

همچنین در قیام تنباکو تعدادی از نیروهای متجدد غیر مذهبی دیده می شدند. بین سال های ۱۲۶۹ تا ۱۲۹۱ش از شدت اختلافات دو جناح مذهبی و متجدد کاسته شد که در پیشبرد جریان انقلاب مشروطه نقش داشت. یکی از افرادی که در رفع این اختلاف تلاش می نمود، سیدجمال الدین اسدآبادی بود.

به رغم این اتحاد، نمی توان در قیام تنباکو به نیروهای متجدد (روشنفکران عصر تنباکو و مشروطه که برای حل مشکل عقب ماندگی نسخه غربی شدن را تجویز می کردند مانند ملکم خان، که کوشش او را فرصت طلبی برای رسیدن به اغراض شخصی خوانده اند، نقش مهمی اختصاص داد؛ زیرا این حرکت با رهبری روحانیان و انگیزه های قوی مذهبی صورت پذیرفت. صرف نظر از مخالفت مردم و روحانیت با این قرارداد، قرارداد توتون و تنباکو مخالفینی دیگر داشت که عبارت بودند از:

..روسها که با فشار به دولت استدلال می کردند، وضع انحصار جویانه قرارداد ناقض ماده یک منضم به عهدنامه ترکمن چای است؛

۲. بعضی از درباریان، مانند امین الدوله، وزیر پست و رئیس شورای دولتی، اعتمادالسلطنه، وزیر انطباعات، یحیی خان مشیرالدوله، وزیر عدلیه و نایب السلطنه، فرزند قدرتمند شاه، به دلیل همدستی با روسها.

اما روسها و درباریان ناراضی از قرارداد نیز در حاشیه بوده و نقش مهم در قیام نداشتند

۲. ب) انقلاب مشروطه و نتایج و آثار آن

در بررسی انقلاب مشروطه نیز به زمینه ها، علل و عوامل وقوع، چگونگی آغاز و انجام، و اهمیت، نتایج و آثار آن اشاره می کنیم.

یک. زمینه ها، علل و عوامل وقوع

پیش از این گفتیم که حرکت قیام تنباکو در یک شرایط ویژه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی صورت پذیرفت. این شرایط، در سال ۱۲۸۵ ش - که انقلاب مشروطه به وقوع پیوست - با تغییراتی در زمینه اعطای امتیازات، همچنان بر جامعه ایران حکم فرما بود.

زمینه ها، علل و عوامل وقوع انقلاب مشروطه را می توان در سه گروه فکری، سیاسی و اقتصادی طبقه بندی کرد:

..از نظر فکری می توان به تلاش های مراجع مذهبی در آگاه کردن مردم،

توسعه ارتباط

ایران و اروپا و نقش روزنامه‌هایی مانند قانون، ثریا و پرورش که برخی در داخل و بعضی در خارج منتشر، و وارد کشور می‌شدند و از اداره امور کشور شکایت داشتند اشاره کرد. البته روزنامه اختر نسبتاً معتدل بود.

۲. به جهت سیاسی، نتایج حرکت موفق قیام تنباکو، نگرانی و نفرت مردم از چگونگی اداره کشور، ظلم و جور عمال حکومت، شکست ایران در جنگ روسیه و تحمیل کاپیتولاسیون به کشور، از دست رفتن قسمتهای زیادی از خاک ایران در شمال و شرق، امتیازات روسها و انگلیسی‌ها، شکست روسیه از ژاپن و ریختن ترس مردم از مداخله احتمالی روسها، در صورت اقدام علیه حکومت قاجار - که در این زمان روسها حامی اش بودند و نهایتاً ضعف قدرت مرکزی - که جولان قبایل مسلح را در کشور در پی داشت - حائز اهمیت است.

۳. بعضی عوامل اقتصادی وقوع انقلاب مشروطه عبارت اند از: فشار شدید مالیاتی (دریافت حدود ۴۰ نوع مالیات از دهقانان)، امتیازات اقتصادی روسها و انگلیسی‌ها، اعمال تبعیض مالیاتی و گمرکی به تجار و تولید کنندگان ایرانی مقابل خارجیان، مسافرت های زائد و پرخرج شاه و صدراعظم به اروپا و گرفتن قرضهای اسارت بار از روسیه و انگلیس توسط حکومت و درباریان.

دو. چگونگی آغاز و انجام قیام

مظفرالدین میرزا که پس از کشته شدن پدرش ناصرالدین شاه، به سلطنت رسید، فردی بیمار بود. وی امین السلطان را که عامه مردم از او متنفر بودند، برکناری و امین الدوله را به جای او منصوب کرد. شاه که به دلیل پرداخت حقوق حرم سرای پدرش و پاسخ مثبت به درخواستهای مالی پیاپی در باریان و تامین هزینه مسافرت خود به چشمه های آب گرم اروپا، به توصیه پزشکان، به پول نیاز داشت، امین الدوله، صدراعظم وقت را که در کسب یک وام جدید از انگلیس توفیق نیافته بود، از کار برکنار، و امین السلطان را صدراعظم خود کرد.

در زمان امین السلطان، فردی بلژیکی به نام مسیو نوز رئیس گمرکات ایران شد. نفوذ نوز به زودی از حد گمرک فراتر رفته، تقریباً به وزیر مالیه تبدیل شد. با تسلط عناصر بلژیکی بر گمرک ایران، شکایتهای گسترده ای از تجار ایرانی می رسید که نسبت به آنها در مقابل خارجیها به ویژه روسها که با بلژیکیها روابط نزدیکی با روسها داشتند - تبعیض قائل می شوند. آنها که اکنون باید حقوق گمرکی بیشتری می پرداختند، شاه، صدراعظم و خارجیها را سرزنش می کردند.

امین السلطان، دو وام بزرگ از روسها گرفت. در وام نخست، ایران تعهد کرد تمام بدهی خود را به انگلستان بپردازد و از این به بعد نیز بدون جلب رضایت روسها از کسی قرض نکند و به ازای وام دوم، امتیازات اقتصادی فراوانی به روسها داد. همچنین، روسها بر امضای یک معاهده گمرکی که در سال ۱۹۰۲م به امضا رسید، اصرار داشتند. براساس این معاهده، تعرفه کالاهای اصلی وارداتی از روسیه کمتر از پنج درصد ارزش کالا بود. وامهای فوق، و بیشتر درآمد ناشی از گمرک، صرف سه سفر شاه به اروپا در دوره سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۷م شد و شرایط اقتصادی کشور بیش از پیش رو به وخامت نهاد.

در این شرایط در پی نارضایتی از سلطه افراد بیگانه بر گمرک و افزایش نفوذ روسها - که با اعطای وامها و دریافت امتیازات اقتصادی صورت می گرفت - کم فشار مخالفان به حدی رسید

که در سال ۱۹۰۳م به عزل امین السلطان - که اکنون به بالاترین لقب یعنی اتابک دست یافته بود - انجامید.

شاه عین الدوله را به صدراعظمی برگزید، اما نارضایتی ها پایان نیافت. در این وضعیت، تشکیل انجمنهای مخفی مخالفین و پخش شب نامه ها و جزوه های تحریک آمیز ضد دولتی و انتشار نوشته های انتقادی به زبان فارسی - که در خارج از کشور به چاپ می رسید - گسترش یافت.

در این زمان در حادثه که برای روسیه اتفاق افتاد، به مردم جسارت و روحیه بخشید. ایرانیان می دانستند که روس ها به دلیل حفظ منافعشان، مقابل تلاش هایی که برای سرنگونی یا تضعیف حکومت قاجاریه صورت پذیرد، خواهند ایستاد. اما

شکست روسیه از ژاپن، (۱۹۰۴ و ۱۹۰۵م) یعنی پیروزی یک کشور کوچک آسیایی بر یک کشور بزرگ اروپایی - آسیایی و وقوع تحولات انقلابی در روسیه (۱۹۰۵م) موجب شد آنها از مقابله روسها نهراسنده

در ادامه، دو واقعه موجب تشدید حرکت شد: عمل نوز در پوشیدن لباس روحانیت برای توهین که باعث ایجاد هیاهوی عجیبی در شهر شده، بسته شدن بازار و تجمع مردم در کنار روحانیان را در پی داشت؛ و دوم، فلک کردن دو نفر از بازرگانان محترم، به جرم گران نمودن قیمت شکر و عدم فروش آن به قیمت تعیین شده. بازرگانان می گفتند علت گرانی شکر افزایش بهای شکر وارداتی بوده است.

از این رو، گروه های بزرگی از علما، بازاریان، تجار و غیره در مکان های مختلف دست به تحصن زدند. تاسیس عدالت خانه در خواست اولیه روحانیان بود که مورد پذیرش شاه قرار گرفت، اما چون بدان عمل نشد و خشونت ماموران حکومتی علیه مردم نیز ادامه یافت، با سخنرانی خطبایی مانند سیدجمال الدین اصفهانی و شیخ محمد واعظ علیه حکومت، طغیان انقلابی تشدید شد. در مرداد ۱۲۸۵ش، شاه عین الدوله را از کار برکنار کرده، با تاسیس مجلس موافقت نمود".

در انقلاب مشروطه نقش علما به طور کلی و علمایی مانند بهبهانی، طباطبایی، نوری و ... بارز بود و علما رهبری نهضت را در دست داشتند. به نظر لمبتون، برخی از علل تبدیل علما به رهبران جنبش مشروطه عبارت بود از:

۱. تماس های مداوم و متعدد مردم با علما؛ مثلا در حل دعاوی، ازدواج، آموزش و روضه ها؛ درحالی که تماس مردم و حکومت در موقع مالیات گیری بود؛
۲. ارتباط و تماس تجار، اصناف و دهقانان با اقشار مذهبی ۳. نقش مهم نوگرایان اسلامی مانند سیدجمال الدین اسدآبادی در نهضت؛
۴. نگرش علما به اعمال روس ها به منزله تهدیدی علیه اسلام و تلاشهای

حکومت علیه علما و اعمال فشار به آنها، مانند ممنوع شدن حق بست نشینی در منزل آنان؛

۵ گسترش حوزه قضایی غیرمذهبی. از این رو، بیشتر افرادی که تصمیم گرفتند به این وضع خاتمه دهند، از اقتدار مذهبی بودند. آنچه بیشتر موجب برانگیخته شدن اعتراضها شد، احساس مغایرت شرایط موجود با حکومت راستین اسلام بود. شعار «پس مسلمانی چه شده؟ بیانگر همین مطلب است

از سوی دیگر، به عقیده صاحب نظران انقلاب مشروطه و به گواهی اسناد تاریخی موجود، انگلیسی ها از طریق فراماسون ها و غیره در آن رخنه نموده، نهضت را مخفیانه به مسیرهای دلخواه خود سوق می دادند.

در مجلس اول، اصناف که علما را بیشتر به نمایندگی برمی گزیدند، بیشترین تعداد نمایندگی را داشتند. این مجلس، در مهرماه سال ۱۳۸۵ش بلافاصله پس از انتخاب وکلای تهران افتتاح، و کمیته ای مشغول تدوین و نوشتن قانون اساسی شد و نوشتن آن را به اتمام رساند. سپس، متمم قانون اساسی نیز تدوین شد و محمدعلی شاه آن را امضا کرد. این متمم که در آن حق نظارت پنج مجتهد بر قوانین در نظر گرفته شده بود، به اصرار روحانیانی مانند شیخ فضل الله نوری نوشته شده

سه. درس های مشروطه و شکست آن

هرچند انقلاب مشروطه بیشتر به انقلاب های سیاسی شبیه بود تا انقلاب های اجتماعی و بزرگ که در آنها به جز تغییر رژیم سیاسی، در ساخت های فرهنگی رسمی، اقتصادی و اجتماعی نیز تغییر رخ می دهد، این حرکت نیز، همچون قیام تنباکو، نتایج و آثار کوتاه مدت و بلندمدت مهمی بر تاریخ معاصر ایران برجای نهاد.

در نهایت، انقلاب مشروطه به دلیل های مختلفی چون اختلافات داخلی، توطئه ها و نفوذهای خارجی، نفوذ عناصر وابسته و تلاش متجددین در حذف نیروهای روحانی - مانند اعدام شیخ فضل الله نوری و ترور بهبهانی - ناکام ماند و به کودتای رضاخان انجامید.

شیخ فضل الله نوری، خود، از رهبران اصلی انقلاب مشروطه بود و زمانی که نیروهای متجدد با بهره‌بری از آزادی‌های به دست آمده در نوشته‌ها و روزنامه‌های خود شروع به فحاشی علیه دین و ایمان مردم نمودند، مقابل آنها ایستاد و از مشروطه مشروع دفاع نمود. او حاضر نشد به سفارت بیگانه پناه برده و از خطر اعدام مصون بماند.

بر اساس متمم قانون اساسی باید پنج نفر از مجتهدان دارای شرایط بر سازگاری مصوبات مجلس با قوانین اسلام نظارت نمایند. مخالفت متجددین و دولت‌های پس از مشروطه با اجرای این ماده موجب بی‌اعتمادی و دوری نیروهای مذهبی نسبت به آنها شده

مهم‌ترین درس شکست انقلاب مشروطه این بود که تا از پای در آوردن کامل نظام شاهنشاهی و کنترل کامل بر دستگاه قدرت نباید از پای نشست و در جریان انقلاب و پس از پیروزی آن بیش از حد نباید به عناصر ناشناس اعتماد کرد. همچنین، هر چند مجلس به زودی مورد هجوم قرار گرفته، به صورت یک ارگان تشریفاتی به کارش ادامه داد، در مقاطعی حضور تعدادی از نمایندگان مخالف در آن وضعیت و شرایط سیاسی کشور، تأثیراتی مهم به جای گذارد. نکته پایانی اینکه شکست مشروطه در حقیقت، شکست اندیشه تجددطلبی و اثبات‌ناکارآمدی آن بود. طرفداران این اندیشه با خوش‌خیالی یا به دلیل وابستگی، غربی شدن از «فرق سر تا ناخن پا» را برگزیدند و در میدان عمل به شکستی تاریخی تن دادند.

فصل سوم: قدرت سیاسی؛ ویژگیها و

اقدامات

گفتار اول: دوره سلطنت شاه گفتار دوم: دوره سلطنت محمدرضا شاه

در رخداد انقلاب دو نیرو در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. قدرت سیاسی و

نیروی اجتماعی بررسی وضعیت، اقدامات و ویژگی های قدرت سیاسی در انقلاب اسلامی موضوع این بخش از کتاب است

هرچند مفهوم قدرت سیاسی دربرگیرنده همه خاندان های حکومتگر پیش از انقلاب است باتوجه به اینکه در قسمت دوم به پیشینه تحولات انقلابی کشور توجه شد و نیز دورتر بودن خاندان های پیشین از زمان وقوع انقلاب و رودررویی نیروی اجتماعی با خاندان پهلوی، در اینجا منظور از قدرت سیاسی، آخرین دودمان سلطنتی ایران، یعنی خاندان پهلوی، به ویژه دوره محمدرضاشاه است که با پیروزی انقلاب اسلامی، از قدرت سیاسی سرنگون گردید. در این فصل به بررسی قدرت سیاسی دوره سلطنت رضاشاه و محمدرضاشاه پرداخته می شود.

گفتار اول:

دوره سلطنت رضاشاه

دوره سلطنت رضاشاه را در سه موضوع مهم «چگونگی رسیدن به قدرت»، «اعمال ضد فرهنگی و پیروی از آتاتورک» و «اوضاع اقتصادی - سیاسی کشور»، پی می گیریم.

الف) چگونگی رسیدن به قدرت و نقش انگلیسی ها در آن

در پایان جنگ جهانی اول، باتوجه به تحولاتی مانند وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه، عدم تصویب قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق الدوله در مجلس شورای ملی و پذیرفته نشدن آن از سوی احمدشاه که طبق مفاد آن انگلیس مقامات ایران را تحت حمایت خود قرار می داد و اداره امور اقتصادی، مالی و اداری ایران به مستشاران انگلیسی واگذار می شد، و اهمیت روزافزون نفت، انگلیسی ها به فکر تغییر سیاست قبلی خود و تغییر حکومت در ایران افتادند.

به عبارت دیگر، وقتی آنها دریافتند که تبدیل ایران به یک کشور تحت الحمایه غیرممکن است، تشکیل یک دولت مرکزی قوی وابسته در ایران را در دستور کار خود قرار دادند، تا ضمن سرکوب نهضت جنگل، با تهدیدات نیروهای چپ یا حرکت های مطالب خودمختاری مقابله کرده، بر منابع نفتی ایران نیز سلطه یابند.

از این رو، آنان رضاخان را که افسری جاه طلب بود و با کمک و پشتیبانی آنها فرمانده تیپ قزاق شده بود، برگزیدند

رضاخان در سوم اسفند ۱۲۹۹ش، ضمن تسخیر تهران با تهدید، فرمان سردار سپه‌ی را از احمدشاه گرفت. سیدضیا نیز که یک سیاستمدار طرفدار انگلیس بود، نخست وزیر شد. رضاخان سپس خود را به عنوان نخست وزیر به احمدشاه تحمیل کرد و بدین ترتیب دوره ۹۳ روزه کابینه اسیدضیا به پایان رسید.

در سال ۱۳۰۴ش، مجلسی که طبق میل رضاخان بازسازی شده بود، انقراض سلسله قاجار را اعلام نمود. بدین صورت که انتخابات مجلس پنجم قبل از پایان مهلت قانونی مجلس چهارم و در بیشتر مراکز به دست امرای ارتش و گروه‌های متنفذ صورت گرفت. این مجلس در ۲۲ بهمن ۱۳۰۲ش افتتاح گردید. رضاخان سرانجام با کمک طرفدارانش در مجلس که برخی با ارباب و برخی با تبلیغات او در زمینه ایجاد امنیت و باتوجه به اینکه وی، خود را مذهبی متعصب عنوان می کرد، به وی گرویده بودند، توانست در نهم آبان سال ۱۳۰۴ ماده واحدهای مبنی بر انقراض سلطنت قاجار و واگذاری موقت حکومت به خود، تا تعیین تکلیف

قطعی از سوی مجلس موسسان، طرح نماید. در پانزدهم آذر سال ۱۳۰۴ نیز مجلس موسسان که در شرایطی خاص و طبق میل رضاخان تشکیل شد، با تفسیر مواد ۳۶، ۳۷ و ۴۰ متمم قانون اساسی، وی را به منزله وارث تاج و تخت معرفی کرد.

(ب) اعمال ضد فرهنگی رضاشاه و پیروی از آتاتورک

رضاشاه تا زمانی که هنوز قدرتش کاملاً تثبیت نشده بود، وظیفه اش را سربلندی اسلام معرفی مینمود و در این راستا، فروش مشروبات الکلی را ممنوع کرده، به زیارت عتبات می رفت، مدال مولای متقیان بر گردن می آویخت، در زمان

عزاداری حضرت امام حسین * کاهگل به سر میریخت و مجلس روضه خوانی تشکیل می داد. این اعمال او باعث شد افراد زیادی به وی روی خوش نشان دهند. اما هنگامی که وارث تاج و تخت شد، مخالفتش با اسلام و روحانیت آشکار شد. وی به دنبال تلاش در جهت منزوی کردن روحانیت و طرد کامل دین از حوزه سیاست، مدرس را به شهادت رساند و حتی به لباس ملی ایرانیان و حجاب زنان حمله برد.

پیشوای او در این زمینه مصطفی کمال مشهور به آتاتورک بود. از این رو، به عقیده رضاشاه لازمه صدرنیزه شدن، ممنوع شدن لباس بومی است. مخالفین او که در راس آنها روحانیان بودند، به ویژه در مشهد، با صدای بلند سر به اعتراض برداشتند. وی این اعتراضات را منکوب کرد؟

ج) شرایط و اوضاع اقتصادی - سیاسی کشور در دوره رضاشاه در دوره رضاشاه موقعیت زمین داران بزرگ تقویت شد و سطح زندگی روستایی سقوط کرد. هر

دهکده ای که به مدت سی سال در اختیار یک نفر بود، ملک شخصی او بشمار می آمد و سلطه

طبقات بالا در دادگاهها و سازمانهای دولتی باعث سلب مالکیت کشاورزان بر زمین هایی میشد که روی آنها حق داشتند. در این زمان حدود ۹۵ تا ۹۸ درصد کشاورزان بدون زمین بودند.

رضاشاه نه تنها موقعیت زمین داران بزرگ را تقویت کرد، بلکه با اختصاص تعدادی از کارخانه های دولتی به خود و ضبط زمین های با ارزش، از جمله مقدار وسیعی از زمین های سواحل دریای مازندران، حدود ۴۴ هزار سند مالکیت به نام خود صادر کرد. او همچنین دارایی زمین دارانی را که از دستورهایش سرپیچی می کردند، تصاحب می کرد

درحالی که در آمد ریالی طبقات محروم بین سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۰ تقریباً ثابت بود، بودجه دولت بیشتر از یازده برابر شد؛ بودجه ای که بوروکراسی آن را می بلعید و در کارهای عام المنفعه مصرف نمی گشت.

در زمان سلطنت رضاشاه، گسترش شبکه حمل و نقل مورد تشویق دولتهای خارجی قرار گرفت، زیرا به فروش محصولات آنها کمک می نمود. راه آهن، بیشتر وسیله ای برای کسب اطمینان برای کنترل سیاسی و نظامی دولت بود و هزینه احداث شبکه راه آهن کشور و راههای زمینی، بیشتر از جیب فقرا پرداخت شد.

در این دوره، در بخش صنعت اقدامات کمی صورت گرفت و تعداد کارخانه ها به سی کارخانه بزرگ دولتی و دویست کارخانه کوچک - که برخی دولتی و برخی خصوصی بودند به افزایش یافت؛ مانند کارخانه های برق، تصفیه خانه های شکر، کارخانه های ریسندهی و بافندگی و آسیابها. اما ایجاد نهادهای اقتصادی، بیشتر از راههایی صورت می پذیرفت که به عدم کارایی، فساد، اختلاس و استثمار می انجامید. رضاشاه و بسیاری از زیردستان وی از بنگاه های اقتصادی تحت سرپرستی دولت، سودهای کلان بردند.

کدی در این رابطه می نویسد: شکی نیست که هزینه ایجاد بنگاه های اقتصادی به طور عمده از جیب مردم فقیر و بیشتر، به نفع یک بورژوازی مرفه، که رژیم رضاشاه برای نخستین بار آن را پدید آورد، پرداخت شد.

همچنین، ساعات طولانی کار همراه با دستمزدهای کم، باعث استثمار بیشتر کارگران و به خصوص زنان و کودکان بود. اعتبارات مالی - که عبارت از سرمایه بانک ها و در حقیقت مالیاتی بود که مردم فقیر می پرداختند - با شرایط مطلوب در اختیار طبقات بالا قرار می گرفت، اما دیگران در این زمینه با محدودیت و بهره های سرسام آور مواجه بودند.

همچنین در دوره رضاشاه و در سال ۱۳۱۲ش و مصادف با ۱۹۳۳م امتیاز انگلیسی ها در زمینه نفت، یعنی امتیاز نفت جنوب با امتیاز داری که ۲۸ سال دیگر از مدت آن باقی مانده بود، تحت عنوان «الغای امتیاز داری برای استیفای حقوق ملت ایران» لغو، و سپس با شرایط بدتری تا سال ۱۹۹۳م تمدید شد.؟ حاصل مجموعه اقدامات رضاشاه، ایجاد و تشدید نارضایتی های عمومی بود، اما وی با یک استبداد خشن و سرکوبگر از آشکار شدن آنها ممانعت مینمود.

دوره سلطنت رضاشاه یکی از تیره ترین دوره های استبداد و سرکوبی در تاریخ ایران است. حتی اگر او به یکی از دولتمردانی که سالها به او خدمت کرده بود خشم می گرفت، وی می فهمید که زمان مرگش فرا رسیده است.

(د) سرانجام حکومت رضاشاه

پس از آغاز جنگ دوم جهانی، ناگهان حکومت رضاشاه به پایان رسید. تا هنگام آغاز جنگ در مهر ماه ۱۳۱۸ش (سپتامبر ۱۹۳۹م)، آلمانها نفوذ فوق العاده ای در ایران کسب کرده و مامورین آلمانی در ایران فعال بودند و رضاشاه نیز به آنها تمایل یافته بود.

در این شرایط، از سوی انگلیسیها و روس ها یادداشتی برای دولت ایران رسید که خواستار

اخراج آلمانی ها از ایران بود. وقتی در اجرای این درخواست تعلل شد، در سوم شهریور ۱۳۲۰ش قوای روسیه شوروی و انگلیس وارد خاک ایران شدند. بدین ترتیب، رضاشاه برکنار، و به جزیره موریس در اقیانوس هند تبعید شد.

رضاشاه که در ابتدا به انگلیسیها وابسته و توسط آنها روی کار آمده بود، با مشاهده افزایش قدرت آلمانها در سال های پیش از جنگ جهانی دوم با این تصور که آنها در جنگ از رقبا پیشی خواهند گرفت، به آلمان ها گرایش یافته بود؛ غافل از اینکه کسانی که برای دستیابی به مقاصدشان حکومت او را بر سر کار آورده اند، آن قدر در تار و پود حکومتش نفوذ و رخنه کرده اند که بتوانند از غلطیدن وی در دامن کشورهای رقیب جلوگیری کنند.

روز بعد از برکناری رضاشاه، ۲۶ شهریور، ولیعهد او محمدرضا، در مجلس حاضر شد و سوگند یاد کرد.

یکی از نتایج فوری برکناری رضاشاه، افشای دامنه دار سیاست های او بود. ارتشبد فردوست مشاهدات خود در این زمینه چنین بازگو کرده است

با فرار رضاخان، روزنامه ها و نشریات کشور به افشای دوران سلطنت او پرداختند و در صدها شماره، صدها و هزاران مطلب علیه او منتشر شد که در

اوج ناسزاگویی به رضاخان بود و اکثر اعمالی که طی دوران حکومتش انجام شده بود، افشا شد. این جو سال ها به طول کشید. این امر حاکی از اختناق و ترس شدید و سلطه بر مردم ناراضی در دوره وی بوده است.

گفتار دوم:

دوره سلطنت محمدرضاشاه

محمدرضاشاه از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ش حکومت کرد و با پیروزی انقلاب اسلامی سرنگون شد. در اینجا به بررسی موضوعی مهم ترین مسائل دوره سلطنت ۳۷ ساله وی می پردازیم که عبارت اند از: دو حرکت بزرگ «ملی شدن صنعت نفت» و «قیام پانزده خرداد»، «اقدامات ضد فرهنگی حکومت»، «اوضاع اقتصادی»، «آموزش عالی» و «شرایط سیاسی حاکم بر کشور.»

الف) دو حرکت بزرگ

بررسی حوادث و تغییر و تحولات دوره حکومت محمدرضاشاه را با اشاره ای به نهضت ملی شدن صنعت نفت و قیام پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ و نتایج آنها - که شکست اولی به معنای شکست ایدئولوژی ملی گرایی زناسیونالیسم) و وقوع دومی به معنای ظهور گرایش های دینی در حرکت های انقلابی مردم ایران است - آغاز می کنیم.

یک. نهضت ملی شدن صنعت نفت در پایان دهه ۱۳۲۰ش عصر جدیدی از حرکت های اجتماعی برای مقابله با سلطه خارجی در

کشور آغاز شد که روحانیان، روشنفکران مسلمان و ملی گرا و بخشی از کسبه و اصناف شهری پرچم دار آن بودند.

در مجلس شانزدهم، یک فراکسیون هشت نفری - که آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی و دکتر محمد مصدق در راس آن بودند به مبارزه ضد سلطه انگلیسی ها بر نفت ایران را با شعار ملی شدن صنعت نفت آغاز کرد. همزمان، خارج از مجلس، حرکت اسلامی فدائیان اسلام نیز در جریان بود که به یاری نمایندگان اقلیت

شتافت. آیت الله کاشانی فدائیان اسلام و حمایت توده های مسلمان را در کنار نهضت و فراکسیون فوق قرار داده

فدائیان اسلام با ترور مقامات حکومتی، حکومت را تضعیف نمودند. ضربه های فدائیان اسلام که با ترور سپهبد رزم آرا به اوج خود رسیده و آزادی به وجود آمده از آشفتگی ناشی از اختلاف منافع آمریکا و انگلیس در ایران، باعث شد مصدق به نخست وزیری برسد.

دوره زمامداری دکتر مصدق جمعا دو سال و چهار ماه و شامل دو دوره بود که دوره نخست آن از هفتم اردیبهشت ۱۳۳۰ تا ۲۵ تیر ۱۳۳۱ و دوره دوم آن از سی تیر ۱۳۳۱ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به طول انجامید.

دوره نخست زمامداری او، بیشتر متوجه اخراج انگلیس از «شرکت نفت ایران و انگلیس» بود که با موفقیت همراه شد. اما مصدق به دنبال مقاومت شاه و مجلس هفدهم مقابل درخواست وی مبنی بر کسب فرماندهی کل قوا و اختیارات تام، بدون اینکه با رهبران دیگر نهضت مشورت کند، استعفا داد. به جای وی احمد قوام به نخست وزیری رسید و در برابر نهضت، راه شدت و خشونت را در پیش گرفت.

در این شرایط، آیت الله کاشانی مردم را به مقاومت فرا خوانده از ارتشیان نیز خواست خود را کنار بکشند. کاشانی و فراکسیون نهضت ملی از مردم خواستند روز سی تیر دست به اعتراض بزنند.

در پی اوج گیری اعتراضات و کشتار صدها نفر در تهران و شهرستانها در سی تیر ۱۳۳۱، مردم بر اوضاع مسلط شده، قوام فرار کرد. مصدق دوباره نخست وزیر شد و سمت فرماندهی کل قوا را به دست آورد. مجلس نیز به مدت شش ماه به وی اختیارات قانونی داد.

در دوره دوم، بین جناح دکتر مصدق و آیت الله کاشانی اختلاف بروز کرد. کاشانی پس از سی تیر به انتصابات جدید در ارتش توسط مصدق، از جمله انتصاب سرلشکر بدنام، احمد وثوق، اعتراض نمود. مصدق نیز در نامه ای از او خواست در امور مداخله نکند و سپس تلاش کرد وی و نیروهای مذهبی را از

صحنه سیاسی کشور خارج کند|.

ادله اصلی شکست نهضت عبارت اند از:

۱. اختلافات دو جناح ملی و مذهبی و عدم توجه دکتر مصدق به تاثیر چشمگیر نیروهای مذهبی در به قدرت رسیدن او

۲. بلوکه شدن طلاهای ایران در اتحاد شوروی ۳. فعالیت آزادانه اعضا حزب توده وابسته به شوروی در راستای اهداف و خواسته های مسکو

روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ کودتای آمریکایی در طرحی به نام آژاکس (Ajax) با همراهی عدهای از اوباش به رهبری شعبان جعفری مشهور به بیخ - که در میان آنان زنان بدکاره نیز حضور داشتند . به ازای دریافت مبلغ پنجاه تومان با آمریکایی ها همکاری کردند، صورت گرفت. سازمان سیا کودتای مزبور را با کمترین هزینه به یک میلیون دلار در مرحله نهایی آن به انجام رساند. علت اصلی موفقیت کودتا، اختلافات رهبران نهضت بود.

گفتنی است که آمریکا در ابتدا برای کسب سهمی از نفت ایران، خود را مخالف انگلیس نشان داد. زمانی که انگلیسی ها به آنها اطمینان دادند که آمریکا را در نفت ایران سهم خواهند کرده برای انجام کودتا دست به کار شدند. دکتر مصدق با ساده لوحی فکر می کرد در مقابل انگلستان می تواند روی حمایت آمریکا حساب کند. انگلیسی ها برای تحت فشار گذاردن ایران، مهندسان نفتی خود را از ایران خارج نموده و خرید نفت ایران را تحریم نمودند.

شکست نهضت ملی، نقطه پایان گرایشات ملی و آغاز حرکت بازگشت به خویشتن در کشور بود که به انقلاب اسلامی انجامید.

در تاریخ معاصر کشور، افکار تجددطلبی و ملی گرایی - در مشروطه و نهضت ملی شدن صنعت نفت به قدرت را به دست آوردند، اما به علت های مختلف، از جمله ناسازگاری آنها با فرهنگ، آیین و عقاید عمومی، پس از اندک زمانی شکست خورده، از دور تحولات خارج شدند. به عبارت دیگر، دو اندیشه مزبور در عمل نتوانستند موفقیتی به دست آورند و هر دو، تجربه ای شکست خورده و

درسی برای تاریخ معاصر کشور هستند.

دو. قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲۱

پس از کودتای ۲۸ مرداد، نیروهای مذهبی و ملی حاضر در نهضت ملی منزوی شدند و بخشی از حزب توده - که تشکیلات زیرزمینی داشتند - از بین رفته، بخشی هم به خدمت رژیم شاه در آمدند. همچنین علی امینی، وزیر کابینه زاهدی، قرارداد نفتی ای با اصل ۵۰ - ۵۰ امضا کرد که عملاً مانند قبل از ملی شدن نفت بود.

از سوی دیگر، به منظور برقراری امنیت داخلی مطمئن تر، در سال ۱۳۳۵ سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) جای فرمانداری نظامی سابق را گرفت. افزون بر این، ایران در راستای

سیاست سدیندی یا سد نفوذ» آمریکا در اطراف شوروی - یعنی سیاست ایجاد پیمان های زنجیرهای دفاعی ناتو، سنتو (ابتدا بغداد) و سیتو در اطراف اتحاد شوروی برای جلوگیری از گسترش نفوذ کمونیسم - وارد پیمان بغداد شد که بعداً به دلیل کودتای ۱۹۵۸م عراق و خروج عراق از آن، به پیمان مرکزی یا سنتو" تغییر نام داد. پیمان ناتو شامل تعدادی از کشورهای اروپایی مانند: انگلیس، آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا و ترکیه، پیمان سنتو شامل سه کشور ترکیه، ایران و پاکستان و پیمان سیتو شامل پاکستان و تعدادی از کشورهای آسیای شرقی بود.

در سال ۱۳۳۹ جان. اف. کندی، رئیس جمهور دموکرات آمریکا، بر اجرای نوعی اصلاحات اجتماعی - اقتصادی هدف دار، به منظور کسب ثبات پایدار» در راستای حفظ منافع این کشور در ایران، اصرار می ورزید.

بدین ترتیب، محمدرضا شاه علی امینی را که طرفدار سیاست های آمریکا قلمداد می شد، به نخست وزیری منصوب کرد. وی در مجلس شورای ملی و سنا را منحل، و قانون اصلاحات ارضی را در هیئت دولت تصویب کرد. اما، استقبال آمریکا از اقدامات امینی، شاه را ترساند، زیرا تصور می کرد کودتایی خزنده علیه وی در جریان است. بنابراین، ضمن سفر به آمریکا به آنان قول داد،

خود، شخصا خواسته های آنها را اجرا کند. بنابراین، پس از چندی امینی برکنار و اسداله علم، یار نزدیک شاه، جانشین او شد.

اولین اقدام دولت علم، تصویب نامه انجمنهای ایالتی و ولایتی بود که در آن شرط مسلمان بودن از انتخاب شوندگان حذف، و قسم به قرآن به قسم به کتاب آسمانی تبدیل شد. بنابراین، این اقدام در جهت حذف اسلام به عنوان دین رسمی و ایجاد زمینه به رسمیت شناختن سایر ادیان، حتی بافته های جعلی بهائیت بود. همچنین، در این لایحه در حالی که مردان در کشور حق رای واقعی نداشتند، مزورانه به زنان حق رای داده شد. این لایحه با مخالفت شدید بخشی از روحانیت به ویژه امام خمینی + که گروه هایی از روحانیت را پشتیبان خود یافت - مواجه شد و سرانجام رژیم شاه موفق به اجرای مصوبه مزبور نشد.

پس از این قضیه، «انقلاب سفید» شاه و رفراندم وی - که از سوی علما تحریم شد - موضوع درگیریها بود. با ادامه جریان ها، امام خمینی + قبل از آغاز سال نو اعلام کرد، به دلیل رفتارهای ضد اسلامی و غیر قانونی محمدرضاشاه، امسال عید نداریم. نیروهای رژیم شاه در دوم فروردین ۱۳۴۲ با تغییر قیافه به شکل کارگر و کشاورز به ضرب و جرح افراد در مدرسه فیضیه قم پرداختند. امام نیز به حملات خود افزود و ضمن حرام نمودن تقیه، شاه دوستی را مرادف غارتگری، حمله به مراکز علم و ضربه زدن به پیکر اسلام و قرآن خواند.

با فرا رسیدن ماه محرم، رژیم شاه با استفاده از روشهای مختلف کوشید سخنرانان این ماه را ملزم کند که در سخنرانی ها از شاه و اسرائیل بدگویی نکرده، نگویند اسلام در خطر است. اما در روز عاشورای این سال در تهران تظاهرکنندگان با بالا بردن عکسهای امام، شعار خمینی خدا نگهدار تو، ملت طرف دار تو، سر دادند. آنها مقابل کاخ مرمر شعار «مرگ بر دیکتاتور» سر میدادند. امام نیز در سخنرانی روز عاشورا در شهر قم، به مقایسه حکومت محمدرضاشاه با حکومت بنی امیه پرداخته، هر دو را مخالف اساس اسلام خواند؛ و به بیان دسیسه های اسرائیل پرداخت.

به دنبال این حوادث، صبح روز پانزدهم خرداد، امام خمینی + و جمعی دیگر از

روحانیان دستگیر شدند. در پی این اتفاق، مردم پس از آگاهی از آن، در نقاط مختلف کشور، از جمله در مراکز متعددی در تهران و در شهرهای قم، ورامین و ... با شعار «یا مرگ یا خمینی» دست به قیام و اعتراض زدند. از جمله، دهقانان کفن پوش ورامینی با شعار یا مرگ یا خمینی وارد تهران شدند.

مشهور است که پس از وقوع قیام، علم فرماندهان نظامی را فرا خواند و به آنها دستور داده با کشتار تظاهرکنندگان خیابان ها را پاک کنند. به دنبال قیام پانزده خرداد، در تهران و حومه به مدت ۵۰ روز حکومت نظامی اعلام شد و در جریان سرکوبی آن، عده زیادی از مردم کشته و مجروح شدند

در پی قیام پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲ و فشارهای اجتماعی برای آزادی امام، دولت علم شکست خورد و حسنعلی منصور به نخست وزیری رسید. امام نیز پس از ده ماه آزاد شده

لایحه کاپیتولاسیون یا اعطای مصونیت کنسولی به مستشاران نظامی آمریکایی و خانواده هایشان - که حتی در مجلس با اکثریت ضعیف به تصویب رسید - موضوع بعدی اختلافات بود. روز چهارم آبان ۱۳۴۳، امام در سخنرانی خود از رژیم شاه به خاطر فروختن استقلال کشور انتقاد کرد.

امام خمینی در نیمه شب روز سیزده آبان ۱۳۴۳، از منزل خود در قم ربوده شده، ابتدا به ترکیه و سپس به نجف اشرف در عراق تبعید گردید.

از فردای قیام پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ انجمن های اسلامی متعدد دانشجویی، دانش آموزی، بازار و ... به وجود آمد. در دانشگاهها، آرام آرام جو غیر مذهبی شکسته شده، بر طرفداران سخنرانیهای مذهبی با رنگ و بوی سیاسی افزوده شد. همچنین فعالیت تلاشگران مذهبی باعث پیدایش مدارس دین و دانش در نقاط مختلف، از جمله مدارس رفاه و علوی در تهران گردید.

افزون بر این، قیام پانزده خرداد آثار عمده دیگری از خود برجای نهاد که عبارت اند از:

..انتقال رهبری حرکت مخالف رژیم پهلوی به نیروهای مذهبی و به حاشیه

راندن ملی گراها و چپ ها از متن جریانات سیاسی؛

۲. روی گردانی انقلابیان از راههای اصلاح طلبانه و تلاش در جهت سرنگونی نظام سلطنت؛ 3. طرد همه قدرتهای بیگانه و مقابله با نفوذ آنها در ایران. ب) اقدامات ضد فرهنگی

محمدرضا شاه نیز، مانند پدرش با سیاست های مختلف، فرهنگ مذهبی مردم ایران را تحقیر نموده، آداب و بدعتهای جدیدی را - که عموماً مخالف اصول و اعتقادات اسلامی ایرانیان بود - به جامعه ایرانی تحمیل کرد.

علمای مذهبی و مردم از ابتدا با این سیاستها مخالفت کرده، این امر گاه به درگیری های وسیع می انجامید، تصویب کاپیتولاسیون در زمان محمدرضا شاه، اقدامات وی در زمینه ایجاد یک ایدئولوژی شاهنشاهی، مانند تغییر تاریخ هجری شمسی به شاهنشاهی، جشنهای دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران»، جشنهای پنجاهمین سال سلطنت پهلوی و ... از ابتدا، با مخالفت علما و گروههای مذهبی مواجه شد. علما به دلیل ماهیت ضد اسلامی رژیم پهلوی، به آن می تاختند.

در این باره به جز موارد بالا، ادله دیگری نیز مبنی بر ماهیت ضد اسلامی رژیم وجود داشت؛ از جمله ترجیح عناصر وابسته، خارجیان و ایرانیان غیرمسلمان در توزیع نقش های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، بر افراد طرفدار استقلال کشور و مردم مسلمان ایران. به گونه ای که

تعدادی از چهره های مشهور دولت از عناصر فراماسونی بوده، بهائیان در حکومت دارای ارج و قرب و در کسب موقعیت های بالای سیاسی - اقتصادی کشور اولویت داشتند و روابط شاه با رژیم صهیونیستی بسیار حسنه بوده، تعدادی از یهودیان ثروتمند بر بعضی صنایع کشور نیز سلطه داشتند.

همچنین، رژیم شاه با آزادی و گشودن مراکز فحشا، قماربازی و مشروب خواری و نمایش فیلم های مبتذل و غیراخلاقی در سینما و تلویزیون، بی بندوباری اخلاقی

را در جامعه رواج میداد. نمونه ای از این تلاش ها، برگزاری سالانه جشن هنر در شیراز بود. انجام عمل منافی عفت در ملا عام در جشن هنر یازدهم (تابستان ۱۳۵۶) که تحت عنوان نمایش هنری صورت گرفت، با مخالفت های شدید علمای انقلابی و مردم همراه بود.

همان طور که گفته شد، فرهنگ در وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی نقشی کلیدی و قاطع ای داشت؛ عوامل فرهنگی ای که در پیروزی انقلاب اسلامی نقش داشتند عبارت اند از:

۱. ایجاد تصویری از جامعه آرمانی اسلامی در اذهان عمومی براساس آموزه های ناب اسلامی و رفتار سیاسی پیامبر و ائمه هدی |

۲. عکس العمل در مقابل تحقیر فرهنگی کشور؛ ۳. نقش مفهومی و معنایی فرهنگ اسلامی ۴. مراسم، نهادها و ساختارهای فرهنگی؛

۵. نقش هماهنگ کننده فرهنگ در میان علل جامعه شناختی، روانشناختی، سیاسی و اقتصادی در ایجاد نارضایتی انقلابی

تحقیر فرهنگی کشور در زمان پهلوی، از همان ابتدا به عنوان یکی از علل اساسی رودررویی روحانیت و مردم با رژیم پهلوی بود.

ج) شرایط و اوضاع عمومی اقتصادی

در این بخش به دو عنوان «اصلاحات ارضی» و «برنامه های بخش صنعت» و نتایج آنها می پردازیم.

یک، اصلاحات ارضی و نتایج آن

اصلاحات ارضی، در زمان محمدرضاشاه با اهداف سیاسی و طی چند مرحله، با توجه به کمبودها، مسائل و مشکلات و در پی داشتن نتایج خاص، اجرا شده

نخستین مرحله اصلاحات ارضی را وزیر کشاورزی (حسن ارسنجانی) آغاز کرد. طبق مصوبه مجلس، زمین های مالکینی که بیش از یک دهکده داشتند، بر مبنای مالیاتی که از محصول می گرفتند به کشاورزان فروخته میشد.

با توجه به اینکه طبق آمارهای مختلف بین ۲۵ تا ۴۰ درصد کشاورزان به

صورت دستمزدی کار می کردند، در این مرحله زمینی به آنها تعلق نمی گرفت؛ همچنین، از آنجا که باغهای میوه، مراتع، نهالستان ها و مزارع مکانیزه از شمول قانون اصلاحات ارضی مستثنا شده بود، و مالک می توانست زمین هایش را به این موارد تبدیل کند، عملاً فقط ۹ درصد کشاورزان صاحب زمین شدند؟

مرحله دوم اصلاحات ارضی، بیش از مرحله نخست محافظه کارانه بود. در این مرحله که طبق برنامه قرار بود پس از ششم بهمن ۱۳۴۱ اجرا شود، به مالکی که یکپارچه آبادی یا کمتر داشت، پنج حق انتخاب داده شده بود؛ از جمله اجاره، تقسیم زمین بر مبنای تقسیم قبلی محصول و فروش زمین به کشاورزان؛ اما بیشتر مالکین با انتخاب راه نخست، اجاره سی ساله

را برگزیدند که به معنای عقب نشینی از کوتاه کردن دست مالکان بود. در عمل و به زودی بخش در خور توجهی از این زمینها، دوباره تحت اختیار مالکین درآمد.

در مرحله سوم اصلاحات ارضی، که در سال ۱۳۴۸ اجرا شد، کشاورزان می توانستند به صورت قسطی برای خرید زمین اقدام کنند ولی مقدار آن معادل سهم قبلی کشاورز از محصول بود؛ بنابراین، بیشتر آنها برای امرار معاش به کار دیگری نیز اشتغال داشتند.

به طور کلی، هدف از برنامه اصلاحات ارضی یک مانور سیاسی برای جلب نظر روستاییان و کاستن از قدرت و نفوذ مالکان بزرگ بود. اما اجرای آن باعث گسترش نارضایتی ها شد.

برنامه اصلاحات ارضی موجب افزایش اختلاف طبقاتی شد؛ زیرا افراد متمکن با هزینه کسانی که دارایی کمتری داشتند یا دارایی ای نداشتند، منتفع گردیدند. در این میان، گروه بزرگی از نیروی کار کشاورزی را کارگران بدون زمین تشکیل می دادند که زمینی دریافت نکردند؛ و مالکان نیز، بهترین زمین ها با بهترین شرایط زیربنایی مانند جاده و برق را برای خود نگه داشتند،

برنامه اصلاحات ارضی همراه با موارد دیگری مانند کمبود بودجه های مربوط به وام کشاورزی، نبودن خدمات توسعه کشاورزی، حفر چاه های عمیق و کنترل یک یا چند نفر بر آن و آسیب رساندن به سیستم قنوات یعنی سیستم توزیع عادلانه

آب، کنترل قیمت ها از طریق خرید گندم به قیمت بین المللی - که به معنای دادن یارانه به کشاورزان خارجی بود - کمتر شدن شانش استخدام کشاورزان بدون زمین توسط مالکین، کافی نبودن بهره برداری از زمین های کوچک برای باقی ماندن در روستا و نهایتاً ملی شدن مراتع و جنگل ها و پاکسازی چراگاه ها و مراتع از چوپانان به دست ژاندارمها، موجب محروم شدن قبایل کوچ نشین از منبع ارتزاقشان و متوقف شدن کوچ نشینی شده، میزان تولید گوسفند پایین آمد و واردات جایگزین آن شده و مهاجرت وسیع روستاییان به شهرها شدت گرفت.

در اوایل دهه ۱۳۵۰ نرخ مهاجرت به ۸ درصد رسید که بسیار بیشتر از رقم متوسط مربوط به سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ بود. مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها تأثیرات سوئی بر تولید مواد غذایی کشور گذارد و واردات گسترده مواد خوراکی را در پی داشت که موجب وابستگی روستاها از نظر مواد غذایی به شهرها شد که خود، به خارج وابسته بودند. مهاجران در شهرها با فقدان کار کافی و مسکن مناسب و غیره مواجه و بیشتر در حاشیه شهرها و در محلات فقیرنشین و نامناسب، مستقر گردیدند.

دو. برنامه های بخش صنعت و مشکلات و نتایج آن

تا سال ۱۳۵۲ش بخش صنعت با مشکلاتی مانند فقدان تاسیسات زیربنایی (راه، آب، برق و تلفن)، فقدان نیروی کار ماهر و عدم مدیریت و سازماندهی نادرست مواجه بود؛ در نتیجه، از طرفی طرح ها دیرتر از موعد به پایان می رسید؛ و از طرف دیگر، به دلیل بالا بودن تقاضا و افزایش روزافزون آن، عرضه، پاسخگوی تقاضا نبود؛ از این رو، برنامه ریزی صنعتی، به صورت کوتاه مدت و برای برآوردن تقاضاهای روزمره صورت می گرفت.

وقتی در سال ۱۳۵۲ قیمت نفت افزایش یافت، درآمدهای نفتی پیش بینی شده طی برنامه عمرانی پنجم از ۲۲ میلیارد دلار به ۹۸ میلیارد دلار رسید. در این زمان، به جای حل مشکلات موجود از قبیل: کمبود بنادر، راهها، برق و فقدان امور زیربنایی در روستاها، کمبود مصالح ساختمانی مانند سیمان، کمبود نیروی انسانی ماهر و نرخ پایین رشد کشاورزی، به هدف های مغرورانه فوری مانند: رشد و

نه توسعه و افزایش قدرت نظامی (البته وابسته به غرب چه از نظر راهبرد و چه تسلیحات) گرایش یافتند.

عوامل متعددی موجب بروز تورم شدید در کشور شد که عبارت اند از: آزاد کردن پولهای به دست آمده از گران شدن قیمت نفت، کمبود بنادر و انبارها که باعث بالا رفتن هزینه سرمایه گذاری می شد، افزایش بهای زمین و مسکن، کمبود نیروی انسانی ماهر و استخدام

خارجیان و افزایش دستمزدها که از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ تقریباً هشت برابر شده بود.

افزون بر این، هزینه های سرسام آور نظامی بر مشکلات صنعت افزود. طبق گزارش کمیته خارجی سنای آمریکا، بودجه دفاعی ایران از ۸۸۰ میلیون دلار در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰م) به ۳۶۸۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴م) و ۹۴۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۶ (۱۹۷۷م) افزایش یافت. حجم زیادی از بودجه نیز صرف صنایع وابسته به امور نظامی می شد که در ارقام دفاعی رسمی منعکس نمی شد.؟

تورم شدید - که نرخ سالانه آن ۴۰ تا ۵۰ درصد (۲۵ درصد وارداتی و ۷۵ درصد داخلی) بود - با مسائل دیگری مانند اتلاف، فساد و دزدی بلندپایگان و نابرابری در توزیع درآمدها همراه شد. یک رساله دانشگاه درباره تشدید نابرابری در توزیع درآمدها نوشته است:

نابرابری های اقتصادی بین مناطق مختلف و همچنین بین طبقات اجتماعی مختلف تشدید گردید. شکاف بین درآمد شهری و روستایی از ۱

/

۹۱ در ۱۳۴۴ (۱۹۶۵م) به ۱۶ / ۳ در ۱۳۵۲ (۱۹۷۳م) رسید و پیش بینی می شد تا رقم ۱۲ افزایش یابد. این نابرابری، میلیونها دهقان را به ترک روستاها برای کسب درآمد بیشتر تشویق نمود. در درون شهرها نیز نابرابری های اقتصادی تشدید شد

بدین ترتیب، شاه فروش ۴۹ درصد سهام کارخانه ها و شرکتهای کشاورزی صنعتی (در وهله اول به کارگران آن کارخانه ها یا شرکت های کشاورزی صنعتی و در مرحله بعد به مردم و مبارزه با گران فروشی را - که هر دو شکست خوردند - به عنوان اصول ۱۳ و ۱۴ «انقلاب سفید» اعلام کرد. در این شرایط، کاهش درآمدهای نفتی به دلیل رکود اقتصادی در غرب و هوای ملایم زمستانی در اروپا نیز اندکی بر مسائل و مشکلات کشور افزود.

به طور کلی، صنعت مورد توجه در آن زمان نه یک صنعت مستقل، بلکه صنعت مونتاژ و اساسا مبتنی بر مواد اولیه خارجی بود و نمی توانست دورنمای خوبی برای توسعه صنعتی کشور ترسیم نماید.

نکته پایانی اینکه به رغم نقش مشکلات اقتصادی در افزایش نارضایتی ها در زمان محمدرضا شاه، نمی توان مانند تعدادی از نویسندگان غربی اقتصاد را عامل اصلی سقوط شاه دانست و یا همچون گروههای چپ، نقش عامل اقتصاد را مطلق دانست.

د) وضع سواد عمومی و آموزش عالی در سال پایانی رژیم پهلوی (۱۳۵۷) تنها ۱۵۴ / ۰۰۰ دانشجو در چند دانشگاه مراکز استانها

مشغول تحصیل بودند؛ میزان باسوادی همچنان پایین بود و هنوز ۸ درصد بزرگسالان کشور بیسواد بوده، کمتر از چهل درصد کودکان، دوره دبستان را می گذرانند؟

در حقیقت، ورود کشور ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به ویژه بعد از ناکام گذاردن عراق در جنگ تحمیلی پا به عرصه توسعه علمی فناوری گذارد. اکنون (۱۳۹۰) بیش از ۳

۸/ میلیون دانشجو در ۱۱۹ دانشگاه و مرکز آموزش عالی دولتی، ۲۹۵ دانشگاه و موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی، ۵۵۰ دانشگاه پیام نور، ۳۸۵ دانشگاه آزاد اسلامی، ۷۳۹ مرکز آموزش عالی علمی - کاربردی، ۲۷۴ مرکز آموزش فنی - حرفه ای و تربیت معلم و ۲۸ دانشکده و مرکز آموزش عالی وابسته به دستگاههای اجرایی کشور در حال تحصیل اند.

نتیجه رشد آموزش عالی در کشور، پیشرفت های بزرگ در دانشها و فناوری های برتر و گوناگون از هوافضا و انرژی هسته ای گرفته تا پزشکی، سلولهای بنیادی، شبیه سازی حیوانات، نانو، لیزر، تسلیحات نظامی، کالاهای مصرفی، صنایع خودروسازی و غیره بوده است.

همچنین، میزان باسوادی در کشور به عدد صددرصد نزدیک می شود و از نظر بهداشت عمومی، در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی متوسط طول عمر ایرانیان حدود بیست سال افزایش یافته است.

ه) شرایط و اوضاع سیاسی

در این قسمت به دو موضوع «استبداد شاه، روشها، ابزار و نتایج آن» و «وابستگی به بیگانگان» اشاره می شود.

یک. استبداد شاه، روشها، ابزار و نتایج آن

استبداد شدید شاه و به تبع او دولتمردان، امری آشکار و زبانزد همگان بود. او قدرتی جز قدرت خویش را بر نمی تابید و با هرگونه نفوذ مردمی مقابله می کرد، به طوری که اگر کسی از

مقامات رسمی در بین مردم محبوب میشد، بلادرنگ او را برکنار می کرد؛ و حتی ممکن بود او را نابود کند. شاه تا می توانست با فشارهای داخلی یا خارجی برای کاهش استبداد مقابله می کرد. وی حتی به تصفیه با تمام کسانی که در برابرش مقاومت به خرج داده بودند، مباحثات می کرد؟

۱. روشهای سوء استفاده شده از قدرت

در زمان محمدرضا شاه، قانون اساسی کاملاً مورد سوء استفاده وی قرار می گرفت و عملاً از استقلال قوا خبری نبود. تمام تصمیمات مهم، از جمله انتصاب و برکناری نخست وزیر و وزراء صاحبان پست های بالا، استانداران و ... توسط شاه اخذ میشد.

همچنین، انتخاب نخست وزیر و وزیران عمدتاً از بین افراد وابسته به ساواک، سیا و فراماسونری صورت می گرفت. سیروس پرهام در کتاب «انقلاب ایران و

مبانی رهبری امام خمینی» که در گرماگرم درگیری های زمان انقلاب به صورت پاورقی در یکی از روزنامه ها منتشر می شد، در این باره می نویسد:

آماری که از وابستگی های افراد شناخته شده هیئت وزیران، هویدا، آموزگار، شریف امامی و از هاری به دست آمده ... حکایت از آن دارد که ۳۸ درصد فراماسون، ۲۴ درصد عضو سیا و ۲۱ درصد عضو ساواک بوده اند. در این دوره، شاه با ایجاد تفرقه بین افراد و سازمانهای دارای وظایف متداخل، و ایجاد و تحریک دشمنی و حسادت بین آنها حکومت می کرد

همچنین نهادهایی مانند بازرسی شاهنشاهی، ساواک، نیروهای مسلح شاهنشاهی، دادگاههای نظامی، افراد ذی نفوذ خاص و قدرت اقتصادی و سیاسی خانواده سلطنتی در راستای هدایت ارگان هایی مانند دفتر نخست وزیری و وزرا، مجلس و مطبوعات و در جهت منافع و خواسته شاه عمل می کردند و گاه، خود، وظایف اینها را انجام می دادند. کابینه هیچ تصمیم مهمی نمی گرفت و وزرا، حداکثر برای اجرای تصمیمات شاه مشورت می کردند. شاه یک نخست وزیر تشریفاتی می خواست و هویدا که از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۵ این سمت را در اختیار داشت، به خوبی این نقش را ایفا نمود.

یکی از نتایج استبداد شاه، تلاش وزرا جهت جلب رضایت شاه، برای باقی ماندن در کابینه بود؛ از این رو، آمار و حقایق قلب میشده

نکته دیگر اینکه نخست وزیر یا وزرا قربانی سیاستهای غلط شاه بودند. مثلا هویدا مسئول شکست های متوالی برنامه عمرانی پنجم مانند خاموشیهای برق در بهار و تابستان سال ۱۳۵۶ معرفی گردید.

۲. استخدام سیاسی و کنترل نخبگان

در دوره محمدرضا شاه، حدود ۴۰ خانواده خیلی نیرومند، از نظر سیاسی و ثروت وجود داشتند که بیشتر نخبگان سیاسی از این خانواده ها برگزیده می شدند. یک بررسی نشان میدهد که ۷۵ درصد نخبگان سیاسی، حداقل یک خویشاوند ذی نفوذ

داشته اند.

البته استخدام سیاسی نخبگان محدود به اعضای خانواده های فوق نبود، بلکه گروه کوچکی از تکنوکراتهای طبقه متوسط نیز به همکاری پذیرفته شدند. اما نخبگان سیاسی مهم تر به دلیل احساس عدم امنیت شاه و بی اعتمادی او، بدون توجه به توانایی و لیاقت، دست چین می شدند و تعداد آنها به کسانی که قابل کنترل باشند و تهدیدی برای رژیم شاه نباشند، کاهش می یافت. مثلاً، فرح دیبا، همسر محمدرضا، رئیس ۲۶ سازمان حکومتی بود و هزاران تصمیم معمولی حکومتی به جای اینکه در رسته های پایین تر تصویب و اجرا شود، توسط شاه اخذ میشد. از سوی دیگر، روش های کنترل نخبگان با انواع مختلفی از مجازات برای نخبگان

خطا کار»، تغییر متناوب افراد برای جلوگیری از بروز حمایت مردمی از آنها و ایجاد تفرقه بین آنان از طریق گماردن افراد رقیب به ریاست سازمانهای حکومتی و برعهده گرفتن نقش موازنه بین آنها توسط شاه، تکمیل می شد. عدم امنیت شغلی نخبگان، باعث بروز فساد مالی و جمع آوری پول برای روز مبادا میشد.

۳. سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)

سازمان اطلاعات و امنیت کشور با ساواک که آمریکا و رژیم اشغالگر قدس در شکل گیری آن نقش عمده ای داشتند، از اواخر سال ۱۳۳۵ کار خود را آغاز کرد این سازمان به ویژه در دوره ریاست نصیری (دوره نخست وزیری هویدا)، با استخدام هزاران مامور رسمی و تعداد بسیار زیادی خبرچین و بهره گیری از شیوه های متنوع در شکنجه و سرکوبی، کار کنترل تمامی محافل، سازمانها، نهادها، مراکز و افراد مظنون را برعهده داشت.

بدین وسیله، ساواک در تمام روزنامه ها حضور داشت و برای آنها سرمقاله می نوشت یا مطالب را دیکته می کرد؛ همه کارمندان ادارات تحت مراقبت بودند. در ضیافت ها، هرکس به فرد مجاور خود بدگمان بود و در اطاقهای هتل ها دستگاہهای شنود کار گذاشته شده بود.

ساواک گاهی برای دستگیری گروهی کوچک به منظور جلوگیری از فرار فرد یا افراد مورد نظر دهها نفر را دستگیر می کرد. |

محمدرضا شاه افزون بر بهره گیری از نیروهای گارد، مانند گارد شاهنشاهی، گارد دانشگاه و غیره، در سرکوبیها، از نیروهای ارتش، ژاندارمری و شهربانی نیز بهره می برد.؟

همچنین، ساواک بر القای ترس و حضور دائمی در افکار مردم می کوشید. به عنوان مثال،

ایجاد «کمیته مشترک ضد خرابکاری» با کمک شهربانی در سال ۱۳۵۰ به حضور بیشتر ساواک می انجامید.

بدین ترتیب، ساواک توانسته بود به جز تعدادی از رهبران مذهبی و برخی روشنفکران و تبعیدشدگان به خارج، همه مردم را بترساند.

همچنین در راستای کنترل مخالفین در خارج از کشور، پول های هنگفتی برای روسای ساواک در خارج ارسال می شد؛ و به اشخاص داخلی یا سیاستمداران خارجی، از جمله یکصد روزنامه و نشریه خارجی، مبالغ بسیاری حق السکوت داده می شد.

در مجموع، چهار نفر به ترتیب، تیمور بختیار، پاکروان، نصیری و مقدم به ریاست ساواک منصوب شدند. نفر اول در سال ۱۳۴۰ به دلیل احساس خطر شاه از وی برکنار شد و به دست یکی از ماموران ساواک در عراق به قتل رسید و پاکروان به ریاست ساواک منصوب شد. به دنبال سوء قصد به شاه در ۲۱ فروردین ۱۳۴۴ در کاخ مرمر، پاکروان عزل شد و نصیری - که قبلا مامور برکناری مصدق، فرماندار نظامی تهران در جریان قیام ۱۵ خرداد و از مهره های مطمئن شاه بود - به ریاست ساواک رسید. در جریان انقلاب - که شاه به قربانی نیاز داشت - نصیری قربانی شد و مقدم به جایش منصوب گردید. سه نفر اخیر، با پیروزی انقلاب اسلامی دستگیر، و در دادگاههای انقلاب اسلامی

محاكمه و اعدام شدند؟

به طور کلی، القای ترس شدید باعث مخفی شدن تنفر عمومی از رژیم شاه شده بود. هنگامی که با تحولات انقلابی در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ در این ترس تزلزل ایجاد شد و روحیه انقلابی پدید آمد، ساواک مهاجم، به هدف حملات انقلابیان تبدیل شد و افشای گسترده اعمال و شکنجه های روحی و جسمی ساواک دهان به دهان نقل شده بر طغیانهای عمومی افزود.

مجموعه اوضاع و شرایط سیاسی ای که تاکنون تشریح شد، در ایجاد و تقویت زمینه های

نارضایتی موثر بود. اما همان طور که در بخش تحولات اقتصادی آمد، نمی توان همچون بعضی منابع به طور مطلق، ریشه انقلاب اسلامی ایران را تنها در استبداد و دیکتاتوری رژیم گذشته جستجو کرد.

دو. وابستگی به بیگانگان و فقدان استقلال

رژیم شاه عمیقا در جنبه های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی به آمریکا و کشورهای که در اردوی این کشور بودند، پیوند خورده بود. این پیوند یک رابطه سالم دوجانبه نبود، بلکه موجب وابستگی گسترده این رژیم به بیگانگان شده بود. نیروهای انقلاب با استناد پیاپی به مفاد آیه شریف «لن يجعل الله للكافرين على المومنين سبيلا» از این وابستگی انتقاد می کردند.

مبارزه با نفوذ بیگانه در ایران به زمان جنگ های ایران و روس و تحمیل قراردادهای گلستان و ترکمن چای به کشور برمی گردد و یکی از نمودهای آن قتل گریبایدوف روسی بود. پس از سقوط دکتور مصدق و جایگزینی آمریکا به جای انگلیس و نوع نگاه ایرانیان به آمریکا به منزله حاکم نامرئی کشور، این مخالفت سابقه دار با نفوذ خارجی در ایران با شعار شاه آمریکایی، ادامه یافت و در زمان انقلاب به اوج خود رسید.

پس از جنگ دوم جهانی و هم زمان با تشدید جنگ سرد (جنگ سیاسی تبلیغاتی و نه نظامی) بین شرق و غرب، آمریکا در راستای حفظ منافع خود، از جمله

جلوگیری از توسعه نفوذ اتحاد شوروی (سابق)، کمک های سیاسی، اقتصادی و نظامی به رژیم شاه را در دستور کار خود قرار داد.

از این رو، براساس یک پیمان نظامی دو جانبه در سال ۱۹۴۷م، یک ماموریت نظامی آمریکایی برای «رشد کارایی ارتش ایران» شکل گرفت. این قرارداد تا پایان سلطنت محمدرضاشاه ادامه یافت. آمریکا پس از سرنگونی دکتر مصدق تا سال ۱۹۶۷م حدود یک میلیارد دلار، به رژیم شاه کمک اقتصادی کرد، تا به گفته آن کشور، ضعف اقتصادی

باعث نفوذ کمونیسم و روس ها در ایران نشود. همان گونه که پیش از این آمد، همچنین آمریکا در راستای سیاست سدبندی» در اطراف اتحاد شوروی، ایران را وارد پیمان بغداد کرد که بعدا با خروج بغداد از آن به پیمان مرکزی یا سنتو تغییر نام داد.

افزون بر این، براساس اسناد موجود، در سال ۱۹۵۹م یک قرارداد سری نظامی بین آمریکا و ایران به امضا رسید که براساس آن، در صورت وقوع تجاوز به ایران، آمریکا به یاری ایران می شتافت.

هرچند تلاشهای آمریکایی ها در ایران، تحت عنوان کمک صورت می گرفت، این تلاشها عملا ایران را به آمریکا وابسته کرد. همراهی و خودباختگی شاه و دولتمردان ایرانی نیز، موجب تشدید روند وابستگی شد

آمریکا از این وابستگی در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و راهبردی بهره می برد. براساس دکترین نیکسون، ایران به ژاندارم آمریکا در منطقه تبدیل شد. قصد این دکترین حمایت از منافع بین المللی آمریکا و سایر کشورهای غربی در برابر روسها توسط کشورهای وابسته بود. در نتیجه، رئیس جمهور آمریکا، ریچارد نیکسون، با فروش هر نوع تسلیحات مرسوم به ایران موافقت نمود؛ و تا اواسط دهه ۱۳۵۰، ایران به بزرگترین خریدار اسلحه آمریکایی تبدیل شده بود. در مجموع، از سال ۱۹۵۰م تا زمان سقوط شاه، ارزش قراردادهای خرید تجهیزات و خدمات نظامی ایران از آمریکا حدود بیست میلیارد دلار بود. از سوی دیگر، آمریکا ۴۰ درصد سهام کنسرسیوم نفت ایران را به

دست آورد و به برخی سرمایه‌گذاری‌ها در ایران اقدام نمود. روابط اقتصادی ایران و آمریکا، برداشت ایرانی‌ها را مبنی بر سلطه جویانه بودن ماهیت آن روابط تایید کرد. مثلاً، برای هر دلاری که ایران از تجارت با آمریکا به دست می‌آورد، دو دلار برای کالاهای آمریکایی می‌پرداخت.

همچنین، آمریکا و کشورهای اروپایی حامی آن، ضمن حمایت از شاه، در سرکوبی مخالفان به او کمک می‌کردند.

بعضی از تلاش‌های آمریکا در ایران - که بیانگر وابستگی شاه به آمریکا بود و بیش از پیش بر اطمینان ایرانیان بر آن حقیقت می‌افزود - عبارت‌اند از: درخواست آمریکا برای کسب مصونیت دیپلماتیک برای اتباع آمریکایی در ایران و تصویب لایحه کاپیتولاسیون؛ ورود هزاران متخصص نظامی آمریکایی و ارزش‌هایی که به کشور تزریق می‌کردند؛ مداخله نظامی شاه در عمان (ظفار) برای سرکوبی شورشیان ارسال تجهیزات نظامی توسط شاه به مراکش، اردن و زئیر؛ درگیری نظامی ایران در سومالی؛ عملیات نظامی علیه ناراضیان بلوچ در پاکستان و ارسال جت‌های فانتوم برای حفظ رئیس‌جمهور تیو در ویتنام جنوبی همه این مداخله‌ها و درگیری‌های نظامی با تجهیزات ارسالی، براساس دکترین ژاندارم‌های منطقه‌های نیکسون و به اشاره آمریکا، در راستای منافع بین‌المللی این کشور صورت می‌گرفت. از این رو، به محمدرضاشاه به عنوان یک عنصر آمریکایی نگریسته می‌شد.

وابستگی، راه هرگونه ابتکار عمل و پیشرفت‌های واقعی کشور را بسته، کشور را به عاملی برای اجرای مطامع و خواسته‌های بیگانگان تبدیل کرده بود.

و روابط با اسرائیل و آفریقای جنوبی

روابط شاه و رژیم صهیونیستی یکی از موضوعات مهم مخالفت‌های عمومی با وی بود. برخلاف نظر عموم مردم ایران و افکار عمومی در جهان عرب که خواستار نابودی رژیم صهیونیستی اسرائیل بودند، شاه روابطی گسترده با این رژیم داشت. در یکی از منابع طرفدار رژیم شاه آمده بود، هدف کنونی حکومت‌های تندروی عربی؛ یعنی نابودی اسرائیل، مقابل دکترین سیاست خارجی

ایران قرار دارد | .

بدین ترتیب، محمد رضاشاه ۶۵ درصد نفت مورد نیاز رژیم صهیونیستی را تامین می کرد، کالاهای این رژیم به سوی ایران سرازیر بود، ساواک و موساد همکاری گسترده ای با هم داشتند و آژانس یهود که فعالیت عمده اش مهاجرت دادن یهودیان به سرزمین فلسطین بود، در تهران، دفتر نمایندگی داشت.

همچنین، مشهور است که در جنگ سال ۱۹۶۷م که رژیم صهیونیستی صحرای سینا، نوار غزه، ساحل غربی رود اردن و بیت المقدس شرقی و بلندی های جولان را با کمک آمریکا اشغال کرد، هواپیماهای آمریکایی در ایران فرود آمده، پس از تغییر رنگ و آرم، به کمک رژیم صهیونیستی می شتافتند.

از سوی دیگر، محمدرضاشاه به رغم مخالفت های داخلی و جهانی و انتقاد نیم میلیارد نفر از مردم قاره آفریقا، با رژیم نژادپرست (آپارتاید) آفریقای جنوبی روابط حسنه داشت و ۹۵ درصد نفت مورد نیاز آن را تامین می کرد

به طور کلی، متهورانه ترین حملات علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی، از طرف امام خمینی + صورت می گرفت. ایشان در سخنرانی ها و اعلامیه های پیش از انقلاب به طور پیاپی رژیم شاه را به دلیل وابستگی سیاسی، اقتصادی و نظامی به آمریکا و رابطه با اسرائیل مورد نکوهش قرار میدادند.

فصل چهارم: نیروی اجتماعی؛ ویژگی ها و

اقدامات

گفتار اول: آرمان انقلاب اسلامی ایران گفتار دوم: رهبری امام خمینی در انقلاب اسلامی؛ روشهای راهبردها و کارکردها گفتار سوم: امام خمینی و رویدادهای بزرگ ایران معاصر پیش از انقلاب اسلامی) گفتار چهارم: گسترش روحیه انقلابی و وقوع انقلاب

منظور از نیروی اجتماعی، معارضان و مخالفان نظم موجود است که شامل رهبری انقلاب، گروهها و اقشار شرکت کننده یا همراهان انقلاب می شود.

ویژگی مهم این افراد حمل آرمان

ایدئولوژی) انقلابی است. در اینجا گفتار ویژه ای به همراهان انقلاب اختصاص نخواهد یافت؛ زیرا در فصل‌های مختلف به موضوع مردم پرداخته، و اشاره شد که تقریباً همه مردم، به جز افراد اندکی که از وابستگان رژیم پهلوی و طبقه حاکم بودند، در انقلاب اسلامی شرکت داشتند؛ و این یک انقلاب فراطبقاتی بود. همچنین به این نکته اشاره شد که آرمان انقلابی و رهبری انقلاب به دلیل داشتن اصالت تاریخی و فرهنگی، به سرعت در بین عموم مردم پذیرفته شد و با ورود گسترده و سراسری توده‌ها به صحنه، ابتکار عمل از رژیم شاه و حامیان بیگانه اش گرفته شد و انقلاب اسلامی به پیروزی رسید.

مطالب این فصل در چهار گفتار با عناوین «آرمان انقلاب اسلامی»، «رهبری امام خمینی»، رویدادهای بزرگ ایران معاصر» و «گسترش روحیه انقلابی» ارائه می‌شود.

در میان عوامل پدید آورنده انقلاب، دو عامل «آرمان انقلاب اسلامی» و «رهبری امام خمینی» جایگاه ویژه ای دارند. ایفای نقش آرمان و رهبری با پیروزی انقلاب پایان نمی‌یابد و مسیر تحولات آینده در حد بالایی با وضعیت آرمان انقلابی و رهبری انقلاب، مرتبط است.

به گونه ای دقیق تر، این دو عامل از یک سو، بر حوادث منجر به وقوع انقلاب، و از سوی دیگر، بر زمان و سرعت پیروزی، و در نهایت بر شرایط و تحولات پس از آن، از جمله میزان ثبات و بازتاب انقلاب نقش اساسی دارند.

دو عامل آرمان و رهبری بر یکدیگر نیز، تأثیری آشکار دارند: رهبری انقلاب با تولید یا شفاف سازی ایدئولوژی انقلابی و تبلیغ آن، خود، در تنظیم راهبردها و روشهای مبارزه و طرح نظام سیاسی و اقتصادی جدید نقش دارد؛ و اگر یک آرمان انقلابی درونزا بوده، از بطن تاریخ و فرهنگ کشور بیرون آمده باشد، می‌تواند نقش قاطعی در تربیت و ساختن رهبری انقلاب داشته باشد.

به طور کلی، تفکیک دو عامل آرمان و رهبری انقلابی در ایفای نقش در انقلاب قدری مشکل است و این دو را می‌توان همچون دو قسمت یک عامل واحد، در

حوادث و شرایط پیش و پس از وقوع و پیروزی انقلاب موثر دانست.

از این رو، هرچند پس از وقوع انقلاب های پایانی قرن بیستم، از جمله انقلاب اسلامی ایران، نسل چهارم نظریه های انقلاب پدید آمده است که بر نقش فرهنگ و هویت، آرمان و رهبری در وقوع انقلاب توجه دارد، تا پایان دهه ۱۳۵۰ش / ۱۹۷۰م نسل سوم نظریه های انقلاب، بر افکار و پیش بینی مسائل و تحولات اجتماعی - سیاسی سلطه داشت و به عوامل فرهنگ، ایدئولوژی و رهبری بهائی نمودار.

در این فصل برآنیم تا با معرفی و کنکاش در دو عامل آرمان و رهبری انقلابی در انقلاب اسلامی ایران، پیروزی سریع، ثبات پایدار پس از پیروزی و بازتاب گسترده جهانی آن را بررسی و معرفی نماییم.

گفتار اول: آرمان انقلاب اسلامی ایران

نقش اندیشه در تحولات اجتماعی بشر، بی بدیل و آشکار است؛ چرا که آنچه موجب تفاوت انسان از سایر جانداران می شود، موهبتها و استعداد های فکری، ذهنی و توانایی اندیشیدن و انتخاب اوست. اندیشه ها به دو بخش جهان بینی به معنای هستها و نیستها و ایدئولوژی به معنای بایدها و نبایدها تقسیم شده، همواره رابطه ای تنگاتنگ بین جهان بینی و ایدئولوژی برقرار است.

وقتی از هستها و نیستهای ویژه ای سخن می گوئیم، بایدها و نبایدهایی خاص را نیز در برابر خود می یابیم و البته واضح است که منطقی نمی توان از یک گروه هست و نیست (یک جهان بینی خاص) هر نوع باید و نبایدی (ایدئولوژی های متفاوت را استخراج کرد

مطالعه انقلاب ها این نکته را به ما می آموزد که در دوره های پایانی رژیم های پیشین آرمان جدیدی در بین نخبگان و توده ها جایگزین شده است که شاید در میان عوامل ایجاد کننده انقلاب مهمترین عامل بشمار آید:

قرن هجدهم در فرانسه، پیش از انقلاب ۱۷۸۹م، به دلیل بیان و گسترش آرمان های جدید و اقبال عمومی به آنها، قرن روشنفکری خوانده شده است؛ دانشمندان و

روشنفکرانی که این آرمان‌ها را طرح و گسترش داده‌اند عبارت‌اند از:
منتسکیو، ولتر، روسو، دیدرو، رنال، دل‌باخ،

ولنه، هلوسیوس، کندورسه، برناردن دو سن پیر، بومارشه، دالامبر، علمای
اقتصاد (کسنی، گورنی، تورگو، نکر و ...)، علمای دایره‌المعارف، رهبران
انقلابی (میرابو، دانتون و روبسپیر).

در روسیه، پیش از انقلاب ۱۹۱۷م به ویژه پایان قرن نوزدهم میلادی و آغاز
قرن بیستم نیز، گروه‌های مختلفی مانند کادتها (مشروطه‌خواهان)، سوسیالیست
های انقلابی (معتقدین غیر مارکسیستی تقسیم زمین میان دهقانان)، سوسیال
دموکرات‌ها (مارکسیست‌های روسی که در سال ۱۹۰۳م به دلیل اختلافات به دو
گروه بلشویک به معنای اکثریت، به رهبری لنین و منشویک به معنای اقلیت،
تقسیم شدند)، لیبرال‌ها، غرب‌گرایان و ضد غرب‌گرایان به پراکندن افکار جدید و
نفوذ بر نخبگان و توده‌ها مشغول بودند و این تلاشها در فراهم کردن شرایط
وقوع انقلاب ۱۹۱۷م نقش به‌سزایی داشت. ۲

این وضعیت به گونه‌ای خاص، در دهه‌های پایانی رژیم پهلوی در ایران نیز
دیده می‌شد؛ به طوری که در دو دهه آخر این رژیم، تلاش‌های گسترده
روحانیت انقلابی و روشنفکران مسلمان را در فراهم آوردن زمینه‌های بازگشت
به خویشتن و فرهنگ و درون‌مایه‌های خودی در برابر هجوم همه‌جانبه
فرهنگی غرب و اندیشه‌های غربی، می‌بینیم. بی‌تردید اگر این مرحله نبود،
انقلاب اسلامی نیز اتفاق نمی‌افتاد.

اینک به محتوا و ماهیت، تکوین و عوامل فراگیر شدن آرمان انقلاب اسلامی می
پردازیم: الف) عناصر تشکیل‌دهنده آرمان انقلاب اسلامی

اسلام دینی جامع و کامل و دربرگیرنده تمام جنبه‌های فردی و اجتماعی زندگی
بشر بوده، در همه حیطه‌ها از جمله در سیاست، اقتصاد، جامعه، فرهنگ،
عرفان، اخلاق، علم و ... آموزه‌های ناب الهی دارد. از این رو، انقلاب اسلامی
ایران نیز، در مقایسه با انقلاب‌های دیگر، یک آرمان انقلابی منحصر به فردی
دارد که افزون بر تاکید بر جنبه‌های الهی ویژه، یعنی تشکیل جمهوری

اسلامی و ولایت فقیه، نقاط مثبت ایدئولوژی های انقلاب های دیگر، مانند آزادی، برابری، استقلال و توسعه را نیز در بر می گیرد. در حقیقت، همه این عناصر بخش جدایی ناپذیر آرمان انقلاب اسلامی بوده، نمی توان ادعا کرد، از آرمان دیگر برداشت و یا رونویسی شده است.

آرمان انقلاب اسلامی بیانگر ارائه طرح و راه جدید به ملت‌های استعمار زده جهان برای کسب استقلال و ساختن جامعه ای آزاد و توسعه یافته است. در این میان، کسب استقلال - که از عناصر مهم تشکیل دهنده آرمان انقلاب اسلامی است - یک پیش شرط لازم برای دستیابی به جامعه ایدئال است. تحولات تاریخ معاصر جهان نشان داده است، انقلاب‌هایی که پس از پیروزی، با دولت‌های استعمارگر ممانعت کرده، به طور جدی از نفوذ دوباره آنها جلوگیری نکرده‌اند، استقلال و دستیابی به توسعه را فدا نموده اند.

به طور کلی، آرمان انقلاب اسلامی از نظر مبنا یک آرمان درون زا و دارای اصالت فرهنگی، و از نظر همراهان، بسیار فراگیر و دربرگیرنده بیشتر نزدیک به همه مردم بوده است.

ب) تکوین آرمان انقلاب اسلامی در تاریخ معاصر کشور و پیش از گسترش آرمان انقلاب اسلامی، سه تفکر به صحنه آمده، هر کدام به دلایلی شکست خوردند. ابتدا تجددخواهی با افرادی همچون، میرزا ملکم خان، آخوندزاده و طالبوف در دوره نهضت مشروطه پدید آمد. این افراد راه گریز از عقب ماندگی را در غربی شدن می دیدند که به قدرت رسیدن رضاخان، پایان کارشان بود.

ملی گرایان ایرانی نیز در دهه ۱۳۲۰ ش پیش از نهضت ملی شدن صنعت نفت پدید آمدند. اگرچه این افراد قادر به ربایش بخشی از قدرت شدند، در زمینه های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آرمانی مبتنی بر شرایط و نیازهای واقعی کشور نداشتند و نسخه های دیگران را تجویز کرده، عملاً غرب گرا بودند. اینها نیز با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش به پایان راه رسیدند.

مارکسیست های ایرانی نیز از زمان رضاشاه، به صورت مقطعی مجالی برای حضور یافتند؛ اما به دلیل وابستگی به قدرت های بیگانه مانند اتحاد جماهیر

شوروی با چین و کارنامه ناموفق

احزاب کمونیستی در سایر نقاط جهان و مهم تر از همه، به دلیل ناسازگاری عقایدشان با جامعه مذهبی ایران، از صحنه طرد شدند.

یکی از مهم ترین زمینه های وقوع انقلاب اسلامی، روح ظلم ستیزی، عدالت خواهی و تجربیات تاریخی تشیع بود. شیعیان در طول تاریخ، براساس آرمان عدالت خواهی و ظلم ستیزی با قدرت های حاکم، مبارزه کرده اند و به حق، به حضرت علی X به عنوان اسوه عدالت می نگرند و خاطره جهاد حضرت امام حسین X با یزد را به منزله یک خاطره عظیم از ایثار و فداکاری در راه هدف، هر ساله گرامی میدارند.

یکی از منابع درباره زمینه های تاریخی و فرهنگی گرایش مردم به امام خمینی + و اندیشه هایش می نویسد:

ندای امام خمینی از قلب فرهنگ و از اعماق تاریخ و از ژرفای روح این ملت برمی خاست؛ مردمی که در طول چهارده قرن، حماسه محمد، علی، زهراء حسین، زینب، سلمان و ابوذر و صدها هزار زن و مرد دیگر را شنیده بودند و این حماسه ها با روحشان عجین شده بود، بار دیگر همان ندای آشنا را از حلقوم این مرد شنیدند. علی را و حسین را در چهره او دیدند. او را آینه تمام نمای فرهنگ خود که تحقیر شده بود تشخیص دادند. امام چه کرد؟ او به مردم ما شخصیت داد. خود واقعی و هویت اسلامی آنها را به آنان باز گرداند ... او توانست به مردم را به خودشان مومن کند. او با صراحت اعلام کرد که تنها اسلام نجات بخش شماست ؛ مردمی که سالها این آرزو را داشتند که در زمره یاران امام حسین به باشند ... به ناگاه خود

را در صحنه ای مشاهده کردند که حسین را به عینه می دیدند؟ تلاش های روحانیت انقلابی و نیروهای مذهبی و در راس آنها حضرت امام، به ویژه در دو دهه پایانی رژیم پهلوی، باعث تکوین آرمان انقلاب اسلامی شد. این تلاش ها عبارت اند از:

۱. مبارزه با شبهات فلسفی و سیاسی علیه نقش مذهب در سیاست و تعارض علم

و دین که حکومت، مارکسیست ها و غیره در جامعه می پراکنند؛
امام خمینی شعار جدایی سیاست از دین را ترفندی استعماری خواند که متحجرین
نیز آن را پذیرفته و به آن دامن می زنند. ایشان پس از آزادی از زندان در ۲۱
فروردین ۱۳۴۳ فرمود:

اسلام تمامش سیاست است. اسلام را بد معرفی کرده اند. سیاست من از اسلام
سرچشمه می گیرد. من از آن آخوندهایی نیستم که در اینجا بنشینم و تسبیح دست
بگیرم. من پاپ نیستم که فقط روزهای یکشنبه مراسمی انجام دهم. ... باید این
مملکت را از این گرفتاری ها نجات داد. نمی خواهند

این مملکت اصلاح بشود. اجانب نمی خواهند این مملکت آباد شود. امام خمینی با
تاکید بر رابطه سیاست و مذهب، احکام سیاسی و اجتماعی اسلام را بیش از
احکام عبادی اش دانسته، معتقداند حکومت، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی
زوایای زندگی بشر، و فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور
است.

۲. تلاشهای دامنه دار انقلابی های مذهبی در راستای طرح معنای واقعی و
انقلابی گروهی از مفاهیم اسلامی مانند: انتظار، عاشورا و تقیه

۳. درسهای حکومت اسلامی امام خمینی + در سال ۱۳۴۸ش در نجف اشرف که
حاصل آن سرمایه نظری بدیع و استواری برای حرکت مبارزان مسلمان بوده،
دستمایه

ایدئولوژیک آنان را تکمیل کرد. امام در کتاب کشف الاسرار، ضمن حمله شدید
به سیاستهای رضاشاه، به طرح اجمالی به اصل ولایت فقیه پرداخته بود. در آن
کتاب نهاد سلطنت را مشروط بر آنکه شاه به وسیله جمعی از مجتهدان واجد
شرایط انتخاب شود، فقط تا زمانی مجاز شناخته بود که امکان جایگزین کردن
نظامی بهتر فراهم آید. ۳۵ سال بعد، خود ایشان اعلام نمود که چنین امکانی
فراهم آمده است.؟

به طور کلی درباره نقش روشنفکران مسلمان می توان گفت، آنان از طریق

مخالفت با گرایش حکومت به غرب و مبارزه با گسترش مارکسیسم - که ایدئولوژی خیلی از حرکت‌های انقلابی عصر بود - و زدودن شبهات ناسازگاری علم و دین، در فراهم کردن شرایط بازگشت به خویشتن در بخشی از روشنفکران موثر بودند؛ هرچند، برخی از آنان صرفاً خواستار رفرم بوده، تمایل به وقوع انقلاب نداشتند.

بیشک، رابطه خاص مردم و رهبران مذهبی، از جمله مرجعیت، و اعتماد مردم به علما به دلیل های مختلفی مانند زندگی ساده و بدون تجمل و همراهی آنان با قشرهای محروم، در بازگشت به خویشتن اقشار مختلف جامعه، نقش به سزایی داشته است.

ج) عوامل پذیرش همگانی آرمان انقلاب اسلامی

به طور کلی، این عوامل در پذیرش همگانی و فراگیر شدن آرمان انقلاب اسلامی نقش داشتند:

.. بومی و درون زا بودن و پیوند آن با فرهنگ اسلامی - تاریخی مردم ایران؛ ۲. تلاش های گروه‌های اسلامی در زدودن شبهات پیش گفته از اذهان و طرح معنای انقلابی مفاهیم اسلامی؛ ۳. شخصیت، اندیشه، افکار، راهبردها و عملکردهای امام خمینی + ۴، اعتماد توده ها و نخبگان به امام و روحانیت و اندیشه های آنان. بدین ترتیب، در وضعیت نارضایتی عمومی از شرایط موجود، مردم کاملاً مذهبی ایران که مسیر جریان‌ات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشور را با اعتقادات بنیادینی - که محصول فرهنگ دینی و تاریخی شان بود - در تعارض دیده، امام خمینی + را مردی الهی، با اراده پولادین و آینه افکار و خواسته های خود می دیدند، به سرعت آرمان انقلاب اسلامی را پذیرفته، با تجمع در خیابان ها، فرصت هرگونه ابتکار عمل را از رژیم محمدرضاشاه و حامیان خارجی آن سلب کردند و رژیم می که خود را وارث «۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران» می دانست، و ژاندارم ابرقدرت غرب در خاورمیانه بود، با وجود در اختیار داشتن و انواع تسلیحات پیشرفته نظامی و نیروهای امنیتی فراوان، فرو ریخت.

گفتار دوم: رهبری امام خمینی در انقلاب اسلامی؛ روشها، راهبردها و کارکردها هرچند، در هر انقلابی نقش رهبری به گونه ای خاص جلوه گر می شود، در همه انقلابها شناخته شده بوده، هیچ انقلابی نمی توان یافت که فاقد رهبری باشد. مثلا در انقلاب ۱۷۸۹م فرانسه، میرابو، دانتون و روبسپیر، به ترتیب و با سختی ها و مشکلات بسیار، ایفای نقش کردند در انقلاب ۱۹۶۲م الجزایر، یک ساختار، یعنی جبهه نجات ملی الجزایر این نقش را ایفا کرد؛ و در انقلاب ۱۹۱۷م روسیه، لنین و حزب بلشویک به طور مشترک، نقش رهبری را عملی کردند و در انقلاب ۱۹۵۹م کوبا و ۱۳۵۷ش انقلاب اسلامی ایران، نقش طراز اول برعهده فیدل کاسترو و امام خمینی + بود.

در این میان، امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران در جریان انقلاب، اقتدار و توانایی ویژه ای از خود نشان داد و به صورتی خاص ایفای نقش نمود. امام با شناخت کامل از قدرت رژیم شاه و خصوصیات فرهنگی ملت ایران، راه رهایی را در تاکید بر نقش مرجعیت عامه دید و تا زمانی که خود، به چنین مرجعیتی نرسیده بود، از مرجعیت عامه زمانه پیروی می کرد. به طور کلی، در پیروزی انقلاب و تحولات پس از آن، نقش امام بی بدیل و تعیین کننده بود.

اینک به چند موضوع مهم درباره رهبری ایشان در انقلاب اسلامی اشاره می شود: الف) مبنای رهبری امام: عمل به وظیفه و تکلیف الله امام خمینی + انسانی کامل و تربیت شده مکتب اسلام و بنده واقعی خداوند بود و در همه

امور براساس وظیفه دینی خود عمل می کرد و می توان مبارزه ایشان با رژیم طاغوتی محمدرضاشاه و تشکیل نظام اسلامی را در همین راستا تحلیل کرد.

این امر بر تلاش های امام پس از پیروزی انقلاب، از جمله ادامه دادن و سپس پایان بخشیدن به جنگ نیز ساری بود. جنگ باعث آب دیده شدن نیروها و زمینه ای برای توسعه و خودکفایی کشور و سرعت صدور انقلاب شد. در این باره امام می فرمود: | :

ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده ایم، ما در جنگ به این نتیجه رسیده ایم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق

و غرب را شکستیم و به جهانیان ثابت کردیم که سلطه گران جهانی در مقابل اراده ملتی مصمم، ناتوان و ضعیف هستند.

ب) نقش ویژگی های شخصیتی امام در رهبری

امام خمینی دارای اراده ای پولادین و اعتماد به نفس بالایی بود و به درستی راه خود اطمینان داشت. در مقابل، سردمداران رژیم پهلوی، بسیار متزلزل و به توانایی خود بی اعتماد، و فاقد اعتماد به نفس بودند.

دلیری و جرئت امام به الگویی برای نخبگان و توده‌ها تبدیل شد و در آفرینش روحیه انقلابی و گسترش آن - که یکی از شرایط اصلی وقوع و تداوم انقلاب است - بسیار تاثیرگذار بود.

ایشان، هم پیش از آغاز حرکت نهایی انقلاب که از نوزدهم دی ماه ۱۳۵۶ آغاز شد، و هم در جریان حرکت انقلاب در سالهای ۵۶ و ۵۷، بسیار قاطع بود. مثلا در مرحله پایانی انقلاب، امام در واکنش به درخواست ملاقات برخی مقامات سیاسی رژیم پهلوی، با پافشاری بر غیرقانونی بودن حکومت پهلوی استعفا آنان را شرط تا ملاقات قرار داد. از جمله، سیدجلال تهرانی رئیس شورای سلطنت، تنها پس از استعفا توانست با امام ملاقات نماید.

ج) تلاش های امام در رهبری نهضت اسلامی از دهه ۴۰ تا سال ۱۳۵۷

امام خمینی در این مدت، با توانایی شایسته و نتایج خیره کننده ای، وظایف مختلف رهبری در حرکت انقلابی را به انجام رسانید. در اینجا به طور کوتاه، به این تلاش ها اشاره می شود:

یک. تربیت نیروهای انقلابی

امام در سالهای پیش از انقلاب چه قبل و چه بعد از تبعید به نجف اشرف به تربیت گروهی از شاگردان معتمد و معتقد همت گمارد که با حضور خود در شهرها و مناطق مختلف کشور در زمینه سازی و تداوم حرکت انقلاب، از جمله در بسیج عمومی و گسترش آرمان انقلاب نقش گستردهای برعهده داشت. با توجه به اینکه، برخلاف دیگر انقلابهای معاصر، در وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی

نقش احزاب و گروه‌های حرفه‌ای انقلابی دیده نمی‌شود، هنگام وقوع انقلاب، شاگردان مکتب امام و روحانیونی که توسط آنان تربیت شده بودند، در شهرها و روستاهای کشور نقش موثر و مهمی داشتند.

Li

دو. بیان و گسترش آرمان انقلاب اسلامی

گسترش آرمان انقلابی یکی از شرایط بنیادی وقوع انقلاب است. گسترش آرمان بسته به شرایط، ممکن است زودن برخی افکار موجود در میان گروه‌های مرجع و تلاش‌های تبلیغی خاصی ضروری باشد.

امام خمینی + از یک طرف با حرام کردن تقیه در دوره پیش از انقلاب، یعنی مبارزه با سکوت حوزه‌های علوم دینی در برابر حکومت پهلوی و بیان این نکته که «اسلام همه‌اش سیاسی است»؛ و از طرف دیگر، با یادآوری جنبه‌های انقلابی مفاهیم مذهبی، مانند عاشورا، به بیان وظیفه‌قشرهای مختلف در مبارزه با رژیم شاه می‌پرداخت.

همچنین، ایشان با درسهای حکومت اسلامی و ولایت فقیه در سال ۱۳۴۸ در دوران تبعید در نجف اشرف، حکومت جایگزین را معرفی کرد. بیان و سپس گسترش آرمان انقلاب

اسلامی - که با تلاش‌های امام و مراکز مختلف روحانیت در سراسر کشور صورت گرفت - مرحله بسیار مهمی در رخداد انقلاب اسلامی بود و بدون این تلاشها، پیروزی انقلاب و تشکیل نظام جمهوری اسلامی امکان‌پذیر نبود.

سه. تنظیم و اجرای راهبردها و تاکتیک‌های حرکت انقلابی

تلاش‌های امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی در گزینش روشهای مبارزه نیز دقیق بود. ایشان در هر مرحله از انقلاب، با توجه به شرایط موجود، راهبردها و تاکتیک‌هایی را برگزید که در صورت انتخاب راهبردی دیگر، وقوع و پیروزی سریع انقلاب اسلامی غیر ممکن بود؛ از جمله تربیت نیروهای انقلابی در سالهای پیش از وقوع انقلاب و مبارزه منفی، یعنی بهره‌گیری از همایش‌های میلیونی و

اعتصابات سراسری و راهبرد عدم درگیری با نیروهای مسلح هنگام وقوع انقلاب این راهبردها، باعث سرعت در پیروزی انقلاب و تلفات نسبتاً کم نیروهای انقلابی گردید. درگیری مسلحانه با رژیم می که ژاندارم آمریکا در منطقه بود، می توانست زمان پیروزی را به تاخیر انداخته، ضمن افزایش تلفات، نتایج ناخواسته در پی داشته باشد.

چهار. بسیج عمومی و ورود نخبگان و توده ها به صحنه

امام هنگام وقوع انقلاب توانست با بسیج عمومی گسترده، گروههای مختلف مردم، شامل توده ها و نخبگان را به صحنه بیاورد. انقلاب اسلامی از نظر میزان نخبگان و توده های شرکت کننده، در میان انقلابهای معاصر بی نظیر است. به جز وابستگان به رژیم سابق - که در مقابل انقلاب قرار داشتند - تقریباً همه اقشار و افراد با پذیرش فرمان امام در صحنه حاضر شدند. اعتماد مردم به امام خمینی و روش های ایشان در رهبری، همچنین تبدیل مساجد و تکایا به مراکز آغاز تظاهرات، و نقش گروههای روحانیت در سراسر کشور مبتنی بر نقش امام در رهبری انقلاب، حرکت بسیار گسترده ای ایجاد کرد که رژیم شاه و حامیان خارجی آن را غافلگیر، و از اجرای هر گونه عکس العمل بازدارندهای ناتوان کرد

پنج. تشکیل نظام جمهوری اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی، امام با تکیه بر همراهی عمومی و رد خواسته های تعدادی از گروههای کوچک سیاسی - که در راه استقرار نظام اسلامی مانع تراشی می کردند و فاقد پشتوانه مردمی و بعضاً وابسته به قدرت های بیرونی بودند - زمینه قانونی استقرار نظام جدید را فراهم آورد.

بدین ترتیب، ابتدا ایشان تشکیل نظام جدید را به رفراندوم عمومی گذاشت؛ سپس با فراهم آوردن شرایط تشکیل مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی و تصویب اصول این قانون، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را نیز به آرای عمومی گذارد.

در نتیجه، نظامی نوین و اسلامی جمهوری اسلامی) پدید آمد که همه ساختارها و

مقامات عالی رتبه آن، یعنی رهبری، رئیس جمهور و نمایندگان مجلس و حتی برخی مسئولان پائین تر آن مانند نمایندگان شوراهای شهری و روستایی با رای مستقیم مردم برگزیده می شوند.

امام در عصر نظامهای حکومتی دنیوی، با تشکیل نظام مردم سالاری دینی راه جدیدی به ملت های مسلمان و جهانیان نشان داد که ضمن اجرای فرامین الهی، بر نقش مردم در سیاست تاکید می کند.

د) امام خمینی و حوادث پس از پیروزی انقلاب

امام در رویارویی با حوادث داخلی و خارجی بعد از پیروزی انقلاب نیز، تیزبینی، آینده نگری و اعتماد به نفس فوق العاده ای از خود نشان داد که راهگشای حل مشکلات وسیع پس از پیروزی است.

در حوادث و تحولات داخلی، امام با پشتوانه مردمی به حل مشکلات پیش آمده پرداخت و نظام را تثبیت نمود. در مسائل خارجی نیز، این توانایی دیده می شود. از جمله زمانی که (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) صدام حسین با حمایت قدرت های جهانی با حمله هوایی به فرودگاه های کشور، جنگ علیه ایران را آغاز کرد، امام با اعتماد به نفسی فوق العاده، وعده داد که سیلی محکمی به صدام خواهد زد. صدام به زودی از پیروزی ناامید گردید و تقریباً در تمام طول مدت جنگ برای پایان دادن به جنگ التماس می کرد.

امام همچنین در زمان اشغال لانه جاسوسی آمریکا در تهران (سفارت سابق آمریکا) و تهدیدهای آمریکاییها، حرکت دانشجویان را انقلاب دوم نامیده، اعلام کرد، «آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند.»

توانایی و هوشمندی امام در رویارویی با حوادث مختلف دیگر پس از پیروزی انقلاب نیز آشکار بود. از جمله، ایشان قبل از رحلت، جنگ را به پایان برد و اصلاحات لازم در قانون اساسی را نیز به انجام رسانید. جمله ذیل از وصیت نامه امام گویای رضایت و اطمینان ایشان به آینده نظام جمهوری اسلامی است:

با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم.؟ به طور کلی، امام خمینی + اندیشمندی بزرگ و تاریخ ساز، معتقد به عدم جدایی سیاست از دین، ایدئولوگ و فرمانده انقلاب و معمار نظام جدید بود که با برنامه ریزی و تنظیم شایسته راهبردها و تاکتیک های حرکت انقلابی و اعتماد به نفس فوق العاده و اراده پولادین خود توانست با سرعت رژیم وابسته پهلوی را سرنگون، و نظام جمهوری اسلامی ایران را بنیاد نهد و کشتی انقلاب را در برابر طوفان حوادث داخلی و خارجی پس از انقلاب به سوی ساحل هدایت کند].

مباحث مربوط به رهبری انقلاب اسلامی در گفتار بعدی ادامه می‌یابد. در این گفتار به گونه ای خاص به معرفی آرا و دیدگاههای امام خمینی درباره تحولات عمده تاریخ معاصر کشور پیش از انقلاب اسلامی اختصاص یافته است.

گفتار سوم: امام خمینی و رویدادهای بزرگ ایران معاصر (پیش از انقلاب اسلامی)

هر انقلابی، پس از زنجیره ای از حوادث و تحولات مختلف تاریخی اتفاق می‌افتد. انقلاب اسلامی ایران نیز - که با رهبری امام خمینی + در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و خود، باعث تغییرات شگرف داخلی و بین المللی شد - پس از سلسله ای از حوادث و تحولات خاص در تاریخ معاصر کشور به وقوع پیوست، برای شناخت زمینه ها و علل وقوع هر انقلاب، شناخت دیدگاه رهبری انقلاب درباره تحولات و حوادث مهم پیش از وقوع اش، آن گونه که رهبری انقلاب و نخبگان و توده های همراه وی به آن می‌نگریسته اند، مفید است؛ زیرا پژوهشگر را به شرایط و موقعیت عاملان آن انقلاب نزدیک می‌کند.

افزون بر این، دانستن آن برای شناخت نقش رهبری انقلاب در تحولات پس از پیروزی بسیار مفید و راهگشاست. این کتاب در تاکید بر رهیافت فرهنگی، هم به زمینه ها و عوامل وقوع انقلاب، و هم به تحولات پس از پیروزی توجه دارد. در این گفتار، به دیدگاه امام خمینی + درباره حوادث عمده پیش از وقوع انقلاب اسلامی، به ویژه، حوادث انقلابی، توجه شده است. در اینجا توجه به دو نکته

لازم است: ۱. در ابتدای هر بحث، نگارنده به طور خلاصه به معرفی آغاز و انجام موضوع پرداخته است؛ ۲. امام خمینی + به مناسبت ها و ضرورت های پیش آمده، در سخنرانی های خود درباره

جنبه های خاص هر موضوع اظهار نظر کرده‌اند که در اینجا این نظرها از منابع اصلی آن استخراج و معرفی می شوند.

الف) نزدیک شدن علما به حکومت در دوره صفویان از منظر امام خمینی همان گونه که در گفتار اول فصل دوم گفته آمد، بررسی تحولات تاریخ معاصر کشور را می توان از به قدرت رسیدن صفویان در سال ۱۵۰۱م آغاز کرد، زیرا اولین دولت ملی پس از آشفتگی های ناشی از حمله مغول ها در ایران را صفویان بنا کرده، توانستند از سلطه دو دشمن زمانه، یعنی عثمانی ها و ازبکها در غرب و شرق بر ایران جلوگیری نمایند.

همچنین، از این زمان به بعد نهاد روحانیت شیعه به دلیل وجود مراکز شیعه در خارج از قلمرو ایران، یعنی عراق، استقلال مالی روحانیت از دولت، پیروزی اصولی ها بر اخباری ها در دوره فتحعلی شاه قاجار و ... با اقتدار توانست در مسائل سیاسی ایفای نقش کرده، بارها در برابر حکومتها بایستد و در نهایت امام خمینی + با رهبری شایسته خود انقلاب اسلامی ایران را به پیش برده، به پیروزی رساند.

همچنین به همان طور که پیش از این گفتیم - در دوره صفویه شاهد نوعی همگرایی بین تعدادی از روحانیون و حکومت هستیم. علت نزدیکی علما به حکومت در دوره صفویه، براساس مصلحت، و بهره گیری از شرایط مساعد ایجاد شده و از جمله گسترش مذهب تشیع بود. صفویان در دوره های آغازین حکومت برای این گسترش تلاش می نمودند و علمایی مانند محقق کرکی، مجلسی و شیخ بهایی برای ترویج مذهب و ممانعت از سلطه عثمانیها و ازبکها بر ایران، به دولت نزدیک شده، با آن همکاری کردند. در همین زمان، علمای دیگری با این همراهی مخالفت نمودند. از اواسط و به ویژه در دوران پایانی دوره صفویه - که دو هدف پیش گفته محقق شده و پادشاهان صفوی نیز از آرمانهای عدالت خواهانه

و مذهبی اولیه دور

و اسیر دربار خوش گذران شدند - علما خود را از دولت کنار کشیده، به پناهگاه مردم در مقابل دولتهای ظالم تبدیل شدند.

امام خمینی + در یکی از سخنرانی های خود در سال ۱۳۵۶، بر این عقیده که در زمان صفویان شرایطی در کشور فراهم شده بود که مذهب شیعه گسترش یابد، نزدیک شدن تعدادی از علما به حکومت را به خاطر دفاع از مصالح اسلام دانسته، تاکید کردند:

نباید ... کسی تا به گوشش خورد که مثلا مجلسی &، محقق ثانی & ... شیخ بهایی & با اینها رابطه داشتند و ... همراهی شان می کردند، خیال کند که اینها آمده بودند برای جاه و ... عزت و احتیاج داشتند به اینکه سلطان حسین و شاه عباس به آنها عنایتی بکنند؛ آنها ... یک مجاهده نفسانی کردند برای اینکه این مذهب را به وسیله آنها، به دست آنها ترویج کنند. در یک محیطی که اجازه می گرفتند که شش ماه دیگر اجازه بدهد ما حضرت امیر را سلب کنیم ... اینها رفته اند و مجاهده کرده اند . مصالح اسلام فوق

این مسائلی است که ما خیال می کنیم. امام در سال ۱۳۵۸ نیز در سخنرانی خود بر همین نکته تاکید کرد:

...خواجه نصیر که در این دستگاه ها وارد می شد، نمیرفت وزارت کند، می رفت آنها را آدم کند... کارهایی که خواجه نصیر برای مذهب کرد، آن کارهاست که

خواجه نصیر را خواجه نصیر کرد، نه طب خواجه نصیر و نه ریاضیات خواجه نصیر ... و امثال او مثل محقق ثانی، مثل مرحوم مجلسی ... که در دستگاه صفویه بود، صفویه را آخوند کرد، نه خودش را صفویه کرد . اگر انسان بتواند که

محمدرضا را انسان کند، بسیار کار خوبی است. انبیا برای همین آمده اند. ایشان در یکی از سخنرانیهایش در سال ۱۳۶۴، بر این نکته نیز تاکید می کند:

گمان ندارم حتی یک نفر از سلسله سلاطین، آدم حسابی و خوب بوده اند، ولی تبلیغات باعث شده است که شاه عباس که شاید در صفویه آدمی بدتر از او نبود، آدمی خوب خوانده شود یا انوشیروان، که عدالت گستری او مانند صلح دوستی رئیس جمهور آمریکاست، آدمی عادل خوانده شود. امام در این زمینه داستانی از شاهنامه نقل می کند که: در زمان انوشیروان، بوذرجمهر به وی گفت که احتیاج به پول داریم و می توان آن را از برخی افراد طبقه پایین گرفت. ماموران رفتند و یک کفشگر را یافتند که می توانست کمک کند، اما شرط کرد که در ازای کمک وی، باید اجازه دهند پسرش درس بخواند. وقتی ماجرا را به انوشیروان گفتند، او گفت: نه پولش را می خواهم نه می گذاریم پسرش درس بخواند، زیرا اگر آدم پایینی درس بخواند، سپس می خواهد در امور مداخله کند. این عدالت انوشیروان بوده است. ۲ |

ب) حرکت‌های انقلابی در دوره قاجار از منظر امام خمینی

جدایی روحانیت از حکومت و مقاومت در مقابل دولت - که از اواسط دوره صفویان آغاز شده بود. در زمان قاجارها تشدید شد و خود را در حرکت های اعتراضی و انقلابی، مانند قتل گریبایدوف، " قیام علیه امتیاز رویتر به رهبری حاج ملاعلی کنی، قیام تنباکو به رهبری آیت الله میرزای شیرازی، انقلاب مشروطه و قیام شیخ محمد خیابانی، نشان داد. در اینجا به دیدگاه امام درباره قیام تنباکو و انقلاب مشروطه که اهمیت بیشتری دارند، توجه می شود.

یک. امام خمینی و قیام تنباکو

پیش از این در گفتار دوم از فصل دوم درباره زمینه ها و عوامل وقوع قیام تنباکو در زمان ناصرالدین شاه قاجار و کلاه بزرگی که بر سر دولت ایران رفته بود و حکم تحریم مصرف توتون و تنباکو توسط آیت الله میرزای شیرازی و نتایج آن مطالبی ارائه شده

میرزای شیرازی با صدور حکم تحریم توتون و تنباکو، بازی سلطه گرانه انگلیسیها را برهم زده، قدرت روحانیت شیعه را به نمایش گذاشت.

با صدور حکم تحریم، همگان و حتی غیرمسلمانان، عناصر درباری و غیره، از مصرف توتون و تنباکو خودداری کردند و ناصرالدین شاه - که در ابتدا به بهانه هایی مانند نیاز کشور به پول و ناتوانی در دادن غرامت مقاومت می کرد - مجبور شد قرارداد را فسخ نماید.

آیت الله میرزای شیرازی حتی پس از فسخ قرارداد بر فسخ قراردادهای دیگر از جمله بانک شاهنشاهی اصرار می کرد، اما ناصرالدین شاه فشار طاقت فرسایی بر علمای تهران به ویژه میرزای آشتیانی جهت درخواست از میرزا برای لغو حکم تحریم وارد آورد و بدین وسیله حکم تحریم لغو شد.

قیام تنباکو اولین مقاومت عمومی گسترده مردم ایران در مقابل استبداد داخلی و استعمار خارجی و پس از وقوع، دارای آثار و نتایج ویژه ای بر سراسر تاریخ معاصر کشور بود. این قیام را به جهت شباهتهایی که با انقلاب اسلامی، به ویژه شباهت در نیروها و رهبری داشت، می توان تمرین انقلاب اسلامی دانست. از نتایج عمده آن، پی بردن دولت و خارجیها به قدرت فوق العاده علما و قرار گرفتن در زمره علل اصلی حرکت مشروطه بود.

امام خمینی + قیام تنباکو را از حرکت های مهم و تاثیر گذار در وقوع انقلاب اسلامی میدانست.

همچنین ایشان در دفاع از نقش ها و کارکردهای روحانیت در دوره معاصر، با تاکید بر این نکته که کسی که در این صد سال اخیر با سلاطین وقت در افتاده، ابتدایش از روحانی شروع شده و ادامه آن نیز توسط روحانیت بوده است، چندین بار به نقش میرزای شیرازی اشاره نموده اند. به نظر ایشان، دو قدرت ضد استعماری اسلام و روحانیت، از دستیابی استعمارگران به اهدافشان

جلوگیری می کنند؛ از این رو، به هر دو حمله شده، می خواهند. قدرت اسلام را با این شعار که دین افیون جامعه است بشکنند. از سوی دیگر قلم به دستان و روزنامه نویسان وابسته نیز، بر قدرت روحانیت هجوم آورده اند.

۱۴۲ - انقلاب اسلامی ایران (رهیافت فرهنگی)
پیش از آن نیز امام خمینی با اشاره به نقش بی بدیل علما در دفاع از استقلال کشور و نقش میرزای شیرازی در آن، به هدف بیگانگان، یعنی درهم شکستن سنگر روحانی ت اشاره نموده بود:

باید ملت اسلام بدانند خدمت هایی که علمای دین به کشورهای اسلامی در طول تاریخ کرده اند، قابل شمارش نیست. در همین اعصار اخیر، نجات کشور از سقوط قطعی، مرهون مرجع وقت مرحوم میرزای شیرازی و همت علمای مرکز بود... در نظر اجانب و عمال خائن آنها، باید این سنگر شکسته شود، تا با خیال راحت به تاخت و تاز و چپاول و عیاشی به زندگانی ننگین خود ادامه دهند. امام تاکید می کند که بیگانگان با شکست در برابر فتوای میرزای شیرازی - که در یک روستایی در عراق سکونت داشت - به قدرت بزرگ روحانیت پی برده، شروع به تبلیغ علیه آن نمودند؟

امام خمینی تاریخ را عبرتی برای آیندگان دانسته، اشاره می کند که در درسهای میرزای شیرازی مناقشه های علمی وجود داشت، اما مخاصمه و دشمنی وجود نداشت. ما نیز باید از رویارویی روحانیون مقابل یکدیگر جلوگیری کنیم تا آنچه در مشروطه اتفاق افتاد، تکرار نشود؟

در گفته های امام درباره قیام تنباکو، به نقش گروههای تأثیرگذار دیگر در حرکت های تاریخ معاصر کشور، از جمله زنان و بازاریان نیز اشاره شده است. به نظر ایشان علت عدم ادامه قیام تنباکو، نبودن یک ایدئولوژی انقلابی برای سرنگونی رژیم سلطنتی بود.

جنبش تنباکو بر ضد سلطان آن وقت بود، جنبش مشروطه بر ضد رژیم بود؛ البته با قبول داشتن رژیم، عدالت می خواستند ایجاد کنند."
نیروی اجتماعی؛ ویژگیها و اقدامات - ۱۴۳
دو. امام خمینی و انقلاب مشروطه

انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ش، مصادف با ۱۹۰۶م در شرایطی روی داد که روس ها نسبت به انگلیسیها، قدرت و نفوذ بیشتری در دربار ایران داشتند. قبلا در گفتار دوم از فصل دوم به زمینه ها، علل و عوامل فکری، فرهنگی، سیاسی (داخلی و خارجی و اقتصادی و وقوع انقلاب مشروطه اشاره شد که باید روشها و عکس العمل های دولتمردان مقابل اغتشاش و ناآرامی، به ویژه رفتار خشن عین الدوله مستبد را نیز، به آن افزود. او تا می توانست، از رسیدن خبر ناآرامیها و اعتراضات به مظفرالدین شاه جلوگیری می کرد.

در جریان انقلاب مشروطه، دو تحصن توسط علما و گروههای مذهبی و یک تحصن توسط گروههای روشنفکری و گروهی از تجار صورت گرفت. علما همراه با گروه هایی از مردم، ابتدا به حرم حضرت عبدالعظیم^X در ری رفته و درخواست عدالت خانه کردند. مظفرالدین شاه این درخواست را پذیرفت؛ سپس عین الدوله صدراعظم در برابر این امر ایستادگی کرد.

این بار، علما به قم رفته در حرم حضرت معصومه تحصن کردند. همزمان، گروهی از روشنفکران و با کمک آنها بخشی از نیروی کار تهران راه سفارت روسیه را در پیش گرفتند؛ اما روسها به آنان اجازه ورود ندادند. اما به یکباره درب سفارت انگلیس به روی آنها باز شد.

سفارت انگلیس در روزهای بست نشینی، به کلاس درس تبدیل شده بود و در هر گوشه آن گروهی جمع شده، درس مشروطه خواهی می گرفتند.

در این شرایط، مظفرالدین شاه چاره ای جز تسلیم در برابر روحانیت - که به رهبران حرکت تبدیل شده بودند - نداشت. وی اعلام کرد، تشکیل مجلس شورای اسلامی را می پذیرد، اما بست نشینان سفارت با خطدهی عناصر وابسته به بیگانه، ایستادگی کرده و خواستار تشکیل مجلس شورای ملی و نه اسلامی شدند. مظفرالدین شاه این خواسته را پذیرفت و فرمان مشروطه را صادر کرد و خود پس از ده روز فوت نمود. ۱۴۴ - انقلاب اسلامی ایران (رهیافت فرهنگی)

اختلاف در صف مشروطه از همان آغاز پیروزی و حتی پیش از آن شروع شد. همان گونه که گفته شد، تعدادی از روشنفکران وابسته با استفاده از آزادی های به دست آمده، در روزنامه هایشان با فحاشی علیه مذهب و روحانیت، محیط را متشنج کردند. در این شرایط، محمدعلی شاه از موقعیت استفاده کرد و با همکاری لیاخوف روسی، فرمانده سرتیپ قزاق، تنها نیروی مدرن ایران، مجلس را به توپ بست.

بعد از این حادثه، مشروطه خواهان، از جمله ستارخان و باقرخان از تبریز، اصفهان و رشت به تهران حمله نموده و تهران را اشغال کردند. محمدعلی شاه به سفارت روسیه پناهنده شد و فرزند دوازده ساله اش، احمد، به قدرت رسید.

در این شرایط شیخ فضل الله نوری به جرم مخالفت با مشروطه اعدام و سال بعد آیت الله بهبهانی ترور شد. این اقدامات مشروطه خواهان، روحانیت را به طور کامل از مشروطه دور کرد. قبلا علمای ایرانی مشهور عراق مانند آخوند خراسانی، تهرانی و مازندرانی از مشروطه دفاع نموده بودند.

آیت الله میرزای نائینی نیز که با نظریه قدر مقدور خود در کتاب تنبیه الامه و تنزیه

المه به دفاع از مشروطه پرداخته بود، نسخه های کتابش را جمع کرده به رودخانه ریخت؟

نیروی اجتماعی؛ وی ژگیها و اقدامات د ۱۴۵ و اندیشه مشروطه و مشروعه، نه فقط در تهران، بلکه در شهرهای بزرگ دیگر نیز رویاروی هم قرار داشتند. در رشت آیت الله حاج ملا محمد خمایی رشتی، در زنجان آخوند ملا قربان علی زنجانی، در تبریز میرزا محمدحسن مجتهد تبریزی و میرهاشم دوچی از طرفداران مشروطه مشروعه بودند.

در تهران نیز آخوند رستم آبادی، سید احمد طباطبایی، ملا محمد آملی، شیخ عبدالنوری نوری، سید محمد یزدی، شیخ محمد بروجردی، حاج میرزا لطف الله، حاج آقا نور الله مجتهد عراقی، شیخ علی اکبر مجتهد، سید علی قطب نخجوانی، شیخ محمدعلی پیشنماز، آقا جمال الدین لافجه ای، شیخ علی اکبر طالقانی و ... از شیخ فضل الله و مشروطه مشروعه حمایت می کردند. با این همه، تبلیغات مشروطه طلبان چنان قوی و گمراه کننده بود که جو سیاسی و اجتماعی به طور کامل موافق مشروطه خواهان بود؛ از این رو، جمعی خواهان تبعید شیخ شده، گروهی حمله به منزل او را طرح ریزی کردند. شیخ فضل الله نیز برای اینکه پیام خود را بهتر به مردم برساند با همراهان خویش به حضرت عبدالعظیم به هجرت کرد و در آنجا متحصن شد.

امام خمینی + با به یاد داشتن آموزه های قرآنی و بیان اینکه تاریخ برای ما درس عبرت است، یافته هایی ویژه از مطالعه تاریخ مشروطه در ذهن خود داشت و سعی می کرد از آنها در هدایت و رهبری انقلاب اسلامی بهره گیرد. به نظر ایشان، تفرقه در صف مشروطه، بیرون

۱۴۶ - انقلاب اسلامی ایران (رهیافت فرهنگی)

رفتن روحانیون از صحنه و نقش وابستگان به بیگانه و استفاده از قوانین غربی، از عوامل شکست مشروطه بود.

امام خمینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ترور استاد مرتضی مطهری و امثال ایشان را تکرار نقشه دشمنان در انقلاب مشروطه دانسته و می گوید: همان گونه که در صدر مشروطه با کشتن نوری و بهبهانی مسیر ملت را برگرداندند، اکنون نیز با کشتن مطهری و دیگران همان نقشه را در سر می پروراند؟

امام تاکید می کند. اگرچه مشروطه به دست علمای نجف و ایران آغاز شد و پیروزی هایی به دست آورد، وابستگان دولتهای خارجی به ویژه انگلیس، با ترور و تبلیغات، روحانیون را از صحنه خارج کردند و با سلطه غرب زدگان و شرقزدگان، استبداد بازگشت؛ اکنون نیز، اگر ملت، علماء نویسندگان و روشنفکران سستی کنند، انقلاب به سرنوشت مشروطه دچار خواهد شد. | امام وجود تفرقه در صف مشروطه و علت و

نتایج آن را چنین توصیف کرده است:

تاریخ یک درس عبرت است برای ما ... در مشروطه بعد از اینکه ابتدا پیش رفت، دستهایی آمده و تمام مردم ایران را به دو طبقه تقسیم کرد، نه ایران تنها، از روحانیون بزرگ نجف یک دسته طرفدار مشروطیت، یک دسته دشمن مشروطه. اهل منبری یک دسته بر ضد مشروطه صحبت می کردند، یک دسته بر ضد استبداد. در هر خانه ای دو تا برادر اگر بودند، مثلاً در بسیاری از جاها، این مشروطه ای بود، آن مستبد. و این، یکنیروی اجتماعی؛ ویژگیها و اقدامات ۱۴۷

نقشه ای بود که ... تاثیر کرد و نگذاشت که مشروطه به آن طوری که علمای بزرگ، طرحش را ریخته بودند، عملی بشود. به آنجا رساندند که آنهایی که مشروطه خواه بودند به دست یک عده کوبیده شدند. تا آنجا که مثل مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری در ایران، برای خاطر اینکه می گفت، باید مشروطه مشروع باشد و آن مشروطه ای که از غرب و شرق به ما برسد قبول نداریم،

در همین تهران به دار زدند. یکی از درس های مهم مشروطه - که امام خمینی + و انقلا بایی های مسلمان بدان توجه کردند - عدم کناره گیری نیروهای انقلابی پس از پیروزی بود. امام تاکید می کند، اگر در صدر مشروطه، علما، مومنین و روشنفکران متعهد به میدان آمده بودند و مجلس را قبضه می کردند، جایی برای خانها و مستبدان و قلدرها - که با ارباب رعیت و گرفتن رای آنها مجلس را در اختیار گرفتند - نمی ماند و مشروطه شکست نمی خورد؟ ایشان دور شدن نیروهای متدین از صحنه، پس از انقلاب مشروطه را چنین توصیف کرده است:

اکنون ما باید از آن توطئه ها و مفاسدی که از انزوای متدینین پیش آمد و سیلی ای که اسلام و مسلمین خوردند، عبرت بگیریم؟ امام علت اجرا نشدن اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه را خدعه و نیرنگ شیاطینی میداند که بر انقلاب مشروطه مسلط شدند؛ اصلی که به اصرار افرادی چون آیت الله شیخ فضل الله نوری نوشته شد و بر مبنای آن باید پنج مجتهد دارای شرایط بر مصوبات مجلس نظارت می کردند؟

ایشان در وصیت نامه خود نیز به دولتمردان و نیروهای انقلابی توصیه می کند، از افتادن ۱۴۸ - انقلاب اسلامی ایران (رهیافت فرهنگی) انقلاب به دست ناهالان و نامحرمان جلوگیری کنند و با اطمینان می توان گفت: یکی از علت های پذیرش استعفای دولت موقت و پایین آوردن بنی صدر از مقاماتش در سالهای نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی، توجه به درسهای مشروطه بوده است.

ج) امام خمینی و تحولات و حوادث دوره پهلوی

دوره حکومت پهلوی و اقدامات رضاشاه و پسرش محمدرضا به طور مستقیم زمینه ساز وقوع انقلاب اسلامی بوده است. در اینجا به دیدگاه امام خمینی + درباره چند موضوع عمده این زمان، توجه می کنیم.

یک. امام خمینی و دوره رضاشاه

به قدرت رسیدن رضاخان بر مبنای برنامه و تلاش انگلیسیها و به دلیل نیاز آنها که پی شتر آمد، صورت گرفت.

رضاشاه پس از رسیدن به قدرت، به مخالفت با اعتقادات و فرهنگ مذهبی مردم و روحانیت پرداخت. مهم ترین مخالف رضاشاه، مدرس بود که به دست وی تبعید و سرانجام به شهادت رسید. روحانیت، در برابر برنامه های ضد اسلامی رضاشاه، از جمله کشف حجاب با صدای بلند به اعتراض برخاست، اما به شدت منکوب شده، به فاجعه مسجد گوهرشاد مشهد انجامید.

رضاشاه حکومتی قلدرمآبانه و مستبد بنیان نهاد و هرگونه صدای مخالف را به شدت سرکوب کرد. وی حتی تعدادی از روشنفکران را - که در بنیان گذاری حکومتش نقش داشتند - از میان برداشت. چنین حکومت هایی معمولاً توسط قدرت های خارجی بس یار قوی تر از خود فرو می پاشند و این امر با گرایش رضاشاه به آلمان در جنگ جهانی دوم، با مداخله نظامی متفقین در ایران روی داد. امام خمینی + کودتای ۱۲۹۹ش رضاخان را نقشه انگلیسیها دانسته و تحکیم پایه های اقتدار رضاخان را از یک سو، به دلیل ریاکاری های او و از سوی دیگر، به دلیل سکوت کسانی که نیروی اجتماعی؛ و یژگیها و اقدامات - ۱۴۹ او را می شناختند (به جز مدرس) قلمداد می کند:

در طول سلطنت این سلسله، اشتباهاتی شده است که خیلی موجب تاسف است ... از اول که کودتا شد ... و با امر انگلیس ها این امر واقع شد، اشتباه این بود که آنهایی که اطلاعات داشتند و مسائل را می توانستند بفهمند، مردم را مطلع نکردند. رضاشاه هم بعضی از این کارهایی که این آدم امحمدرضاشاه) می کند، در اوایل امرش شروع کرد، روضه خوانی شروع کرد، ... دسته های ارتش را روز عاشورا برای سینه زنی بیرون آورد، خودش این تکیه هایی که در تهران بود راه می افتاد دوره یکی از غفلت هایی که شده است این است که اینها شروع نکردند که به مردم، به ملت، چهره او را نمایش بدهند. دنبال این کارهایی که ریاکارانه انجام داد، آن چهره دیگرش را نمایش داد که تمام پایگاه های مذهبی را تعطیل کرد، و باز در

همان زمان، یکی از اشتباهات این بود که ... آنهایی که باید مردم را آگاه کنند، پشتی بانی از مدرس نکردند ... اگر پشتیبانی کرده بودند، مدرس مردی بود ... با منطق قوی و اطلاعات خوب و شجاعت ... و ممکن بود که در همان وقت شر این خانواده کنده بشود. امام کشف حجاب توسط رضاشاه را اقدامی در جهت مبارزه با مذهب معرفی می نماید که در جریان آن جنایات بسیاری صورت گرفت؟

امام خمینی در سخنرانیهای خود بارها از شخصیت، توانایی و تلاش های مدرس به نیکوی یاد کرده است. ایشان با اشاره به اینکه القاب برای شهید بزرگ ما، مدرس، کوتاه و کوچک است، مدرس را ستاره درخشانی بر تارک کشوری که از ظلم و جور رضاشاه تاریک می نمود، تصویر کرده، ملت را مرهون خدمات و فداکاری های او می داند؛ مردی که در زمانی که قلمها شکسته و زبان ها بسته و گلوها فشرده بود، از اظهار حق و ابطال باطل دریغ نمی کرد؟

۱۵۰ - انقلاب اسلامی ایران (رهیافت فرهنگی)

امام خمینی مدرس را شخصیتی بسیار شجاع و با شهامت، ساده زیست، دارای قدرت روحی بالا، و افتخار مجلس میدانست. ۲

دو. امام خمینی و نهضت ملی شدن صنعت نفت

همان گونه که در گفتار دوم از فصل سوم آمد، در اواخر دهه ۱۳۲۰ شرایطی در کشور پدید آمد که گروه های فکری، سیاسی در آن ظهور کرده، تا کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ در صحنه حضور داشتند. در همین زمان جنبش اسلام گرای فداییان اسلام، به رهبری نواب صفوی مشغول فعالیت بودند. فداییان اسلام با ترورهای خود، از جمله ترور هژیر و رزم آرا، شرایط را برای نخست وزیر دکتور محمد مصدق فراهم کردند.

همچنین با ملی شدن صنعت نفت، در دوره اول نخست وزیر مصدق حرف ایران در دادگاه لاهه مبنی بر محدود بودن صلاحیت دادگاه لاهه در رسیدگی به اختلاف دولتها، نه اختلاف یک شرکت و یک دولت، پذیرفته شد. در عین حال، در دوره دوم، بدین سران نهضت اختلافات جدی بروز کرد. مصدق به انتصاب افراد بدسابقه در ارتش مبادرت ورزید و فداییان اسلام در بیشتر دوره زمامداری مصدق در زندان بودند؛ امری که با مخالفت جناح مذهبی نهضت آیت الله کاشانی مواجه شد. مصدق به اشتباه تصور می کرد، موفقیت های نهضت به خاطر اوست. همچنین، وی دست توده ای های کمونیست و وابسته به شوروی را باز گذارده، آنها با جولان دادن در صحنه، زمینه نگرانی نیروهای مذهبی را فراهم می کردند. افزون بر این، اتحاد شوروی از دادن یازده تن طلایی که به ازای اشغال ایران در زمان جنگ دوم جهانی با ید به ایران می پرداخت، خودداری کرد. تحریم خرید نفت ایران نیز به اقتصاد کشور ضربه زده بود. در این شرایط، کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد توسط گروهی از نظامیان

و همراهی او باش اتفاق افتاد و محمدرضا شاه به قدرت بازگشت.

به نظر امام خمینی + جداسازی سیاست از دین، کنار زدن روحانیت از صحنه سیاسی کشور و رنگ ملی دادن به نهضت و محروم نمودن آن از پشتوانه مذهبی، از آفات ملی شدن صنعت نفت بود. امام ضمن اشاره به شناخت نزدیک خود از آیت الله کاشانی او را یک روحانی مبارز و ضد استعمار می داند و می گوید: «جرم او این بود که میخواست اسلام در ایران پیاده شود.» ۲ افزون بر این، امام در یکی از سخنرانیها یش به چند اشتباه دکتر مصدق چنین اشاره کرده است:

اگر آن وقت یک نفر مثلا از رجال و یک نفر از علما، یک جمعی از مردم (گفته) بودند که ما نمی خواهیم این سلسله را ... اگر این غفلت نشده بود ... ما حالا ابتلابه این صحبت ها اینجا نداشتیم... این غفلت بزرگ از رجال سیاسی و علما و ... سائراقشار مملکت ما واقع شد و این آدم را تحمیل کردند بر ما و دنباله اش آرا) هم گرفتند که قدرتمندش کنند. از آن وقت تا حالا هم غفلتها شده است. قوام السلطنه می توانست این کارها را بکند، لکن با غفلتها یا ضعف نفسها نکرد. از او بالاتر دکتر مصدق بود، قدرت دست دکتر مصدق آمد، لکن اشتباهات هم داشت ... یکی از اشتباهات این بود که آن وقتی که قدرت دستش آمد، این را خفه اش نکرد تا تمام کند قضیه را، این کاری برای او نداشت آن وقت، هیچ کاری برای او نداشت، بلکه ارتش دست او بود، همه قدرت ها دست او بود و این امحمدرضا شاه) هم . آن وقت ضعیف بود و زیر چنگال او بود، لکن غفلت شد. غفلت دیگر اینکه مجلس را ایشان منحل کرد و یکی یکی وکلا را وادار کرد که بروید استعفا بدهید. وقتی استعفا دادند، ایک طریق قانونی برای شاه پیدا شد ... شاه تعیین کرد نخست وزیر را. این اشتباه بود که از دکتر واقع شد و دنبال او این مرد را دوباره برگرداندند به ایران، به قول بعضی که محمدرضا شاه رفت و رضاشاه آمد. امام در این سخنرانی که در واپسین روزهای رژیم محمدرضا شاه صورت گرفت، این حوادث را درسی برای ما و روزگار ما میداند و ادامه میدهد که من میترسم، رجال علمی، سیاسی، روشنفکران و اقشار ملت ما دوباره دستخوش اشتباه شوند؛ و بدین وسیله آنان را به هوشیاری تا پیروزی بر دشمن فرا می خواند.

سه. امام خمینی و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ پیش

از این درباره حوادث و مسائلی که به قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ انجامید و نیز به سرکوبی خشن و بی رحمانه این قیام توسط رژیم شاه اشاره شد.

قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ به رغم سرکوب شدن، تاثیرات عمده ای از خود بر جای نهاد و آغاز حرکت «بازگشت به خویشتن» در کشور بود.

به نظر امام خمینی، این قیام قیامی برای اسلام بود که اسطوره قدرت ستم شاهی راشکست و افسانه‌ها و افسون‌ها را باطل کرده، راه قیام را برای نسل‌های آینده گشود و ناشدنی‌ها را شدنی کرد. این واقعه [کشتار مردم ننگ بزرگی برای هیئت حاکمه بود که تاریخ آن را فراموش نخواهد کرد؟

امام بعد از ده ماه که از زندان آزاد شد در سخنرانی خود در اردیبهشت ۱۳۴۳، با نشانه رفتن به تبلیغات منفی رژیم شاه مبنی بر ارتجاعی بودن قیام پانزده خرداد، و با اشاره به شهدا و مجروحان این قیام چنین گفت:

اینها علامت تمدن آقایان است و ارتجاع ما، افسوس که دست ما از عالم کوتاه است، افسوس که صدای ما به عالم نمی‌رسد.

چهار. امام خمینی و نتایج انقلاب سفید

امام خمینی + «انقلاب سفید» شاه را یک پدیده استعماری میدانند که با عوام فریبی بدان نام انقلاب سفید داده‌اند؛ و نتیجه‌ای جز فقر، ذلت، اختناق، اعدام‌های غیرقانونی، انباشتن زندانها از علما و جوانان، هتک مقدسات اسلامی، هجوم به مدرسه فیضیه و دانشگاهها، کشتار فجیع پانزده خرداد، مصونیت بخشی به نظامیان آمریکایی و بستگان آنها، خرد کردن حیثیت و استقلال قضایی کشور و مسلط کردن غارتگران آمریکایی و صهیونیستی بر کلیه شئون نظامی، سیاسی، تجاری، صنعتی، زراعی و بازارها، نداشته است؟

همچنین ایشان این حرکت محمدرضا شاه را یک نمایش مبتذل با هدف وابسته کردن هر چه بیشتر کشور به آمریکا و فریفتن دهقانان با طرح اصلاحات ارضی، و زنان با طرح آزادی زنان می‌داند. به نظر ایشان، مثلاً نتیجه سیاست دولت در خصوص مراتع، ویران شدن دامداری و تبدیل ایران به واردکننده گوشت بود.

امام با تاکید بر این نکته که آنچه مردم ایران در این زمان انجام دادند، یک انقلاب واقعی و انقلاب سفید است، نه آنچه محمدرضا انجام دادن انقلاب ایران بحمدالله از تمام انقلاب‌هایی که در دنیا واقع شده است، بهتر است و این را باید انقلاب سفید اسمش ... گذاشت نه آن انقلابی که محمدرضا می‌گفت. یعنی انقلابی که ضایعاتش کم بوده ... (یعنی) نسبت به انقلابات دیگر بسیار کم بوده است و آن چیزهایی که به دست آمده بسیار زیاد، یعنی قدرتی را که هیچ تصور نمیشد که شکسته بشود، این انقلاب شکست

پنج. امام خمینی و نتایج اصلاحات ارضی به نظر امام خمینی + اصلاحات ارضی

برنامه ای بود برای از بین بردن کشاورزی، وابسته کردن ایران و تحمیل اقتصاد تک محصولی بر کشور. " امام همچنین وابستگی اقتصادی را منشا وابستگی سیاسی و نظامی می داند.

امام تاکید می کند که با اصلاحات ارضی، ما مصرف کننده گندمی که باید خارجی ها به دریا میریختند، شدیم؛ و براساس آمارهای خود رژیم، اکنون ۹۳ درصد مواد غذایی را از خارج وارد میکنیم؛ در حالی که تا پیش از آن، تولید کشاورزی ما بیش از مقدار نیازمان بود. به نظر ایشان نتیجه دیگر اصلاحات ارضی هجوم زارعین بیچاره‌های که دیگر نمی توانستند در روستا زندگی کنند، به شهرها و زندگی در خانه های گلی و بدون امکانات بوده

امام در پاسخ به خبرنگاری که گفته بود شوروی ها می گویند علت انقلاب شما علیه شاه این است که اصلاحات ارضی املاک روحانیون را گرفته است، چنین گفت: اگر کسی از وضع زندگی روحانیون مطلع باشد، خوب میداند که روحانیون

املاکی نداشته و ندارند او روحانیون از طبقه سوم می باشند. ایشان در پاسخ به سوال خبرنگار دیگری که پرسیده بود، برنامه شما برای اصلاحات ارضی و صنعتی کردن کشور چیست؟ چنین پاسخ میدهد:

ایران به سرعت می تواند مشکل کشاورزی خود را حل کند، به طوری که هم کشاورز به یک زندگی انسانی در حد دیگران برسد و هم مملکت از واردات مواد غذایی بی نیازی گردد؛ و ما برای صنعتی کردن کشور تلاش می کنیم. ولکن نه صنعت مونتاژ که هم کشور را هر چه بیشتر به اجانب وابسته کرده است و هم اکثریت فقیر و محروم را در خدمت مشتی ثروت اندوز متجاوز قرار داده است.؟ شایان توجه است که امام خمینی به هیچ وجه، با اصلاحات ارضی، ملی کردن جنگلها و سهمیم کردن کارگران در سود کارخانه ها مخالف نبود. از جمله، به پاکروان رئیس ساواک - که برای حل مسئله نزد ایشان آمده بود . گفت: من به عنوان حاکم شرع، اکثر این مالکین دهات را مالک نمیدانم؛ ولی نحوه اجرای اصلاحات ارضی، کشور را به واردکننده مواد غذایی تبدیل خواهد کرد و کشاورزی را از بین برده، ما را مجبور خواهد کرد دست نیاز به سوی آمریکا دراز کنیم."

شش. امام خمینی و آزادی زنان

امام با بیان این مطلب که اسلام نه تنها با آزادی زن موافق، بلکه خود، پایه گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی وی است، درباره دروغ گویی پهلوی ها در زمینه اعتقاد به آزادی زنان می گوید:

در زمان این پدر و پسر آن اختناق بود که شاید در طول تاریخ ما سابقه نداشت. نه مرد آزاد بود نه زن، همه در اختناق بودند. آزادی زن در منطق شاه، یعنی به انحطاط کشانیدن زن از مقام انسانی او و در حد یک وسیله با او رفتار کردن. آزادی زن در منطق شاه، یعنی پر کردن زندانها از زنان ایرانی که حاضر نیستند به پستی های اخلاقی شاهانه تن بدهند. ایشان در جای دیگر نیز با اشاره به هدف رژیم پهلوی از مطرح کردن آزادی زنان و نیرنگ بودن آن، می فرماید:

ما با ترقی زنان مخالف نیستیم، با این فحشا مخالفیم ... مگر مردها آزاداند که زنها م
ی خواهند آزاد باشند؟ آزاد مرد و آزاد زن با لفظ درست میشود؟۳

هفت. امام خمینی و احیای کاپیتولاسیون

پیش تر گفتیم که بعد از آزادی امام از زندان، موضوع بعدی درگیری های ایشان با رژیم شاه، اعطای مصونیت کنسولی به مستشاران آمریکایی و خانواده های آنان یا احیای کاپیتولاسیون بود. امام خمینی+ در سخنرانی های خود به ویژه در روز چهارم آبان ۱۳۴۳، به شدت به فروختن استقلال کشور به وسیله این رژیم اعتراض نمودند:

ملت ایران را از سگهای آمریکایی پست تر کردند، اگر چنانچه کسی سگ آمریکایی را زیر بگیرد، بازخواست از او می کنند. چنانچه یک آشپز آمریکایی شاه ایران را زیر بگیرد هیچ کس حق تعرض ندارد؟ در همین سخنرانی بود که ایشان جمله را ادا کردند:

آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر، همه از هم بدتر، همه از هم پلیدتر، اما امروز سروکار ما با این خبیث هاست، با آمریکاست. دستگیری و تبعید امام به ترکیه و سپس عراق به دلیل مخالفت های ایشان با احیای کاپیتولاسیون صورت گرفت.

ایشان بعد از تبعید نیز، مخالفت شدید خود را با موضوعات دیگری اعلام کردند که عبارت اند از: ایجاد حزب رستاخیز و الزام محمدرضا شاه به ورود همه افراد به آن، برگزاری جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، تغییر مبدا تاریخ کشور از هجری شمسی به شاهنشاهی و همکاری رژیم شاه با رژیم صهیونیستی. ایشان ضمن حرام خواندن پیوستن ملت به حزب رستاخیز، آن را نشانه شکست فاحش انقلاب سفید و مخالف قانون اساسی و موازین بین المللی دانست.۲

۱. در پی تظاهرات گسترده، از ساعت شش بامداد روز هفدهم شهریور سال ۱۳۵۷ به مدت شش ماه در شهرهای تهران، قم، تبریزی مشهد، اصفهان، شیراز، آبادان، اهواز، قزوین، کازرون، جهرم و کرج مقررات حکومت نظامی اعلام شده ۲. صبح روز هفدهم شهریور ۱۳۵۷، تظاهرات مردم در میدان ژاله تهران میدان شهدا کنونی) به

گلوله بسته شد و جمع بسیاری از مردم شهید و مجروح شدند. فرمانداری نظامی تهران برای ممانعت از گسترش اعتراضات، تعداد کشته‌ها را ۵۸ و مجروحین را ۲۰۵ نفر اعلام کرد. ۳. پس از فاجعه هفدهم شهریور، انتظار عمومی ورود به نبرد مسلحانه بود. دار و دسته اویسی، آزمون و ثابتی نیز درصدد بودند نهضت را به این میدان بکشانند. اما رهبر انقلاب با نیروهای مسلح وارد جنگ نشد، بلکه ستون فقرات و ارکان اقتصادی رژیم شاه را آماج حمله قرار داد. اولین موج اعتصابات دو روز پس از جمعه سیاه در پالایشگاه نفت تهران به حرکت درآمد و در کمتر از دو هفته به پالایشگاه بزرگ آبادان رسید. موج دوم اعتصابات از ۲۸ شهریور تا نهم مهر راه آهن، شبکه آب و برق و بانک ملی را فرا گرفت. موج سوم در روز پانزدهم مهرماه با اعتصاب سراسری دانشگاهیان و فرهنگیان به اوج خود رسید و از آن پس، سایر دستگاهها و تاسیسات دولتی، یکی پس از دیگری، به اعتصاب پیوستند؛ اعتصابات به ارتش نیز سرایت کرد. (پرهام، انقلاب ایران و مبانی رهبری امام خمینی، ص ۵۱ و ۵۲ و ۸۱) ۴. منابع مختلف حتی دیدگاههای غیراسلامی درباره نقش بازاریها در انقلاب مطالبی نوشته‌اند. براساس نوشته یکی از منابع: بستن دکانها به عنوان اعتراض به حکومت خودکامه شاهنشاهی، کمک مالی به محافل انقلابی، تشکیل مجالس سخنرانی و مبارزه جویی، شرکت در تظاهرات ضد ظلم و ستم دربار و حکومت استبدادی و سهیم شدن در نهضت، از جمله کارهایی بود که بازاریهای مبارز انجام دادند. (عتیق پور، نقش بازار و بازاریها در انقلاب ایران، ص

6) د. در مذاکرات شورای فرماندهان ارتش

که در ماههای دی و بهمن سال ۱۳۵۷ صورت گرفت، بر نداشتن نیروی کافی برای مقابله با تظاهرات، به ویژه در تهران و وجود تصاویر امام خمینی در جیب افسران و عدم توان کافی برای مقابله با تظاهرات و عدم توان ارتش در جذب سربازان جدید اشاره شده است. همچنین گفته شد، بسیاری از نظامیان به دلیل ترسی که بر آنان حاکم شده به خارج از کشور گریخته‌اند. در یکی از آخرین مذاکرات، پس از اینکه بر قاطعیت امام خمینی + در پیشبرد اهداف انقلاب اشاره شد، درباره ارتش و پلیس چنین گفته شده است: مثل برف آب خواهیم شد. (مثل برف آب خواهیم شد، ص ۱۷۰ و ۲۴۳ - ۲۴۰) پاورقی
گفتار چهارم:

گسترش روحیه انقلابی و وقوع انقلاب

منظور از روحیه انقلابی، روحیه اقدام و احساس نوعی اعتماد به نفس در افراد است که تا پیروزی انقلاب و حتی بعد از آن ادامه می‌یابد و به اقدامات حکومت در رویارویی با اعتراضات و رفرم بی توجه است. در صورت ضعف این روحیه، به هر دل

یل، از جمله نداشتن اصالت و عمق یا تعداد کم افراد یا ضعف نسبی قدرت حاملان آن نسبت به همراهان حکومت و قدرت بالای حکومت، حاملان این روحیه به شکست تن خواهند داد.

استاد مرتضی مطهری + از این روحیه انقلابی تحت عنوان «حس پرخاشگری» یاد کرده است؛ حسی که به جز بخشی از روحانیان و تعدادی از روشنفکران، عامه مردم تا قبل از قیام مردم قم در نوزدهم دی ماه سال ۱۳۵۶، و به ویژه تا برگزاری مراسم چهلم شهدای قم (۲۹ بهمن همان سال) موجب بروز اغتشاشات گسترده ای در تبریز شده بود، فاقد آن بودند

از آن زمان به بعد که آرام آرام قشرهای مختلف اجتماعی به انقلاب می پیوستند، به طور آشکار چنین روحیه هایی مشاهده میشود. همه مردم و انقلابیها برخلاف سال ها ی اولیه دهه ۱۳۳۰ | منتظر سقوط شاه بودند.

بدین ترتیب، افراد پس از شرکت در مراسم هفتم یا چهلم شهدا و سایر مراسم مذهب ی و راهپیماییهای گوناگون، زمان و محل برگزاری تظاهرات و راهپیمایی بعدی را به یکدیگر می گفتند. آنها هرشب با گفتن الله اکبر بر پشت بامها، تنور نهضت را داغ نگه میداشتند.

برقراری حکومت نظامی در شهرهای مختلف و کشتار هفدهم شهریور نیز، نه تنها موجب از بین رفتن این روحیه در مردم نشد، بلکه آن را تشدید کرد. اعتصابات گسترده در سراسر کشور به وقوع پیوست، صنایع نفتی، ادارات، دانشگاهها، مدارس، بازارها و هواپیمایی در اعتصاب فرو رفتند و با فرمان رهبری انقلاب، حضرت امام خمینی + سربازان و گروه هایی از درجه داران و افسران از ارتش فرار کرده، به مردم پیوستند. روحیهشدید انقلابی تمام کشور را در اعتصاب و اغتشاش فرو برد و بدین ترتیب نظام شاهنشاهی فرو ریخت.

یکی از نکته های درخور توجه در اثبات این روحیه در انقلاب اسلامی ایران، سخنرازی محمدرضاشاه، مبنی بر شنیدن صدای انقلاب ایران و احترام به خواستههای انقلابی ان بود که کسی به این درخواست عاجزانه شاه برای برقراری آرامش توجه نکرد. تغییر پیاپی نخست وزیرها نیز نتوانست او را نجات دهد. روحیه انقلابی پدید آمده با قدرت و سرعت بسیار به سوی هدف - که نابودی رژیم پادشاهی و جایگزینی آن با نظام اسلامی بود - پیش می رفت و به سرنگونی آن انجامید.

چگونگی پیدایش و گسترش روحیه انقلابی

به جز تاثیر انتشار نامه ضد امام خمینی + در روزنامه اطلاعات با امضای جعلی رشید

دی مطلق - که تظاهرات و سرکوبی روز نوزدهم دی ماه سال ۱۳۵۶ قم را در پی داشت - درباره زمینه ها و ادله پیدایش، فراگیری، تداوم و شدت این روحیه می توان موارد زیر را نام برد:

۱. نگرانی و نارضایتی عمومی از برخی اقدامات مشکوک حکومت، از جمله فوت ناگهانی دکتر علی شریعتی و فرزند امام حاج آقا مصطفی خمینی که افکار عمومی، آن را توطئه ساواک میدانست. در پی این دو واقعه، به ویژه فوت فرزند امام، ناآرامی و اغتشاش هایی در حوزه های علمیه و برخی دانشگاه ها به وقوع پیوست؛

۲. تلاشهای موفق گروه های مذهبی در گسترش آرمان وضع مطلوب و بازگشت به خویشتن که حداقل دو دهه از آغاز آن می گذشت؛

۳. تکیه نهضت بر آرمان های اسلامی و نقش مذهب تشیع و مفاهیمی مانند عدالت طلبی، شهادت طلبی و فداکاری، ایثار و مبارزه در راه خدا؛

۴. رهبری قاطع، اراده پولادین، دلیری، جرئت و اعتماد به نفس امام خمینی + که از زمان آغاز مبارزه ایشان با رژیم پهلوی تا پایان عمر وی مشاهده می شد و درسی بود برای همگان در ایستادگی مقابل رژیم پهلوی و مقاومت در برابر توطئه ها و نقشه ها ی استکبار جهانی؛

۵. رابطه مقلد و مجتهد و موضوع تقلید که در مذهب شیعه جنبه عمومی و همگانی دارد، که این امر پیروی مردم از علما را در پی داشت؛

۶. شرکت عمومی و همه ساله مردم در مراسم ماه محرم و دسته های عزاداری تاسوعا و عاشورا و اربعین حسینی؛ رژیم شاه نمی توانست از این مراسم و حرکت دسته ها ممانعت کند و مشاهده انبوه مردم در شرایط جدید پیش آمده، به مردم روحیه می بخشید.

بدین ترتیب، دولت نظامی از هاری - که با فرار و غیبت سربازان مواجه شده بود و آنها نیز که در ارتش باقی مانده بودند، تحت تاثیر تبلیغات مذهبی واقع شده بودند - به ناچار مراسم تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ را آزاد اعلام کرد. انقلابیها راه پیمایی های تاسوعا و عاشورا در این سال را با شکوه ترین رفراندم تاریخ معاصر ایران خواندند.

۷. اجتماع مردم در مراسم بزرگداشت شهدا، مانند شب هفتم و چهلم بر ناتوانی حکومت در ممانعت از برگزاری آنها و گسترش روحیه انقلابی تاثیر داشت؛

۸. تاثیر سیاست حقوق بشر کارتر در ایران؛ هر چند به منظور تداوم ثبات در ایران و

حفظ منافع ابرقدرت غرب، تذکرهاى پراکنده اى در زمينه حقوق بشر به ايران، داده مى شد، هرگز آمريکاييها به طور جدى تهديد نکردند که ميزان کمکها و حمايت خود از رژيم شاه را به دليل پايمال شدن حقوق بشر در ايران کاهش خواهند داد. باوجود اين، شاه ترسيده بود و بعضى از مخالفان هم شهادت يافته بودند، نامه ها و عريضه هاى سرگشادهاى انتشار دهند که با کشتار هفدهم شهريور سال ۵۷ و تاييد کارتر، ادعاى حقوق بشر وى نزد مردم به يک دروغ بزرگ تبديل شد.

فروش هواپيماهاى آواکس و F۱۶ به شاه در سال ۱۳۵۶ نیز، دورويى آمريکا را نشان داده بود؟

بازديد صليب سرخ جهانى از زندانهاى ايران و آزادى تعدادى از زندانيان سياسى،" بحثهاى انجمن شهر و انتقاد از شرکت واحد و گران فروشى، اشاره پيايى شاه، همسر وى و دولتمردان مبنى بر پذيرش «انتقادهاى سازنده» و بيان اين سخن که کميسيون شاهنشاهى سخت گير ترين و هوشيارترين ناظر و آگاهترين منتقد است يا اينکه انتقاد بايد از درون حزب رستاخير صورت گيرد، انتقاد مقامات از خاموشيهاى برق و اعلام نگرانى شاه در اين زمينه، درخواست مجيدى رئيس «جناح پيشرو» حزب رستاخيز در زمينه توزيع عادلانه ثروت و تاکيد جمشيد آموزگار، نخست وزير جديد، بر همين مطلب، کاهش اختلاف حقوقها، اشاره دولتمردان به لزوم انقلاب ادارى و توجه به کشاورزى و غيره، از يک سو بيانگر باز شدن محدود و کنترل شده فضاى سياسى کشور بود؛ زيرا انتقادات تحت عنوان «پرتوى از انقلاب شاه و ملت» تصوير شده و فقط از کانال هاى خصوصى صورت گرفته و منعکس مى شد، مثلاً در اين باره محمد باهرى دبيرکل حزب رستاخير در آبان ۱۳۵۶ گفت، اين حزب با احزاب سياسى دنيا شباهتى ندارد، زيرا وظيفه حزب رستاخيز انتقال افکار و خواسته هاى مردم به دستگاههاى دولتى، اجرايى و قانون گذارى است و از سوى ديگر، نشان دهنده مشکلات زيادى بود که با برنامه هاى شاه در کشور پديد آمده بود.

نکته در خور توجه درباره سياست هاى آمريکا در زمان وقوع انقلاب اسلامى ايران اين است که هر دو گروه موجود در کاخ سفيد، يعنى سايروس ونس وزير خارجه، که طرفدار سياست هاى معتدل و زيبگنيو برژينسکى مشاور امنيت مى کارتر، که طرفدار بهره گيرى از خشونت در برابر انقلاب بود، در تلاش بودند تا منافع کشور خود را با تداوم سلطه بر ايران حفظ کنند. تلاشها و اقدامات و گفت و گوهاى اين دو گروه اين نکته را تاييد مى کند.

9. روشهاى مبارزه انقلابيان مانند گفتن الله اکبر بر پشت بام ها در شبها که تنور انقلاب ب را گرم نگه مى داشت، تهديد امام خمينى + به احتمال بروز نبرد مسلحانه عمومى، در صورتى که تظاهرات و اعتصابات کارساز نباشد و موفقيت انقلابيها در جذب

ارتش.

امام خمینی از درگیری مردم با ارتشیان جلوگیری کرده، از ارتش‌یها میخواست با فرار از پادگان‌ها به مردم بپیوندند. مردم در حالی که از کنار تانکها عبور می‌کردند، شعارهای «برادر ارتشی، چرا برادر کشی!»! «ارتش برادر ماست»؛ و «ای سرباز مسلمان، به فرمان خمینی، فرار کن از پادگان» را سر می‌دادند.

نفوذ انقلابیان حتی به داخل مطمئن‌ترین نیروهای رژیم شاه، یعنی گارد شاهنشاهی نیز کشیده شد. در روز عاشورای سال ۱۳۵۷، گروهی از درجه داران و سربازان گارد به سوی افسران، درجه داران و سربازان گارد در لویزان حمله کرده و دهها نفر از آنان را به قتل رساندند. بعدا چنین شایع شد که این افراد به منظور آغاز حمله ای بزرگ، توسط هلیکوپتر به تظاهرات روز عاشورا در تهران، گرد آمده بودند، که بدین وسیله طرح آنها خنثی گردید.

۱۰. عقب نشینی های پیاپی شاه و دولتمردان وی و حالت انفعال او در جریان نهضت. تغییر پیاپی نخست وزیران، تلاشهای نمایندگان مجلس در آزاد و دموکراتیک جلوه دادن مجلس با وجودی که مردم آن را خیمه شب بازی تلقی می نمودند، بازداشت تعدادی از مقامات به اتهام فساد و ایجاد نارضایتی، سخنرانی محمدرضا شاه مبنی بر شنیدن صدای انقلاب ملتایران و گذاردن احترام به آن و غیره، همگی به جای اینکه برای شاه ثبات بیاورد، ناتوانی رژیم او را اثبات و بر روحیه عمومی انقلابی افزود.

به طور کلی، شاه عقب نشینی کرده و شدیداً ترسیده بود. ماروین زونیس در کتاب شکست شاهانه درباره بروز تزلزل در منابع قدرت روانی شاه، هنگام انقلاب نوشته است:

نقش قبلی اشرف به دلیل بدنامی اش کاهش یافته بود، علم، یار دیرین و مورد اعتماد وی مرده بود، سرطان شاه عقیده ادعایی وی مبنی بر حمایت الله از او را در وی از بین برد و با روی کار آمدن کارتر، اعتماد شاه به مقاصد و حسن نیت آمریکا سست شده بود. بنابراین، او دیگر نمی توانست تصمیمی

قاطعانه در جهت حفظ رژیم خود بگیرد. همچنین، ملاقات کنندگان شاه در آبان ماه ۱۳۵۷، گفته اند که وی ناامید و افسرده به نظر میرسیده است.؟

مایکل بلومنتال، وزیر خزانه داری آمریکا هم - که قبل از ملاقاتها او را دیده بود. وقت ی به آمریکا بازگشت به دولتمردان آمریکایی گفت: شما یک مرده متحرک در ایران دارید. به گفته وی، شاه که یک سال قبل در دیدار با وی مغرور و خوش قیافه به نظر می رسید، در این ملاقات گیج و بیمار بود."

۱۱. گسترش این احساس عمومی که مخالفان شاه در همه جا هستند و در تمام نهادها ی کشوری و لشکری حضور دارند و اثبات روزافزون پوشالی بودن قدرت وی.

در لیست یازده گانه بالا برخی از موارد دیده میشوند که از سال ها پیش از انقلاب وجود داشتند، اما باعث پیدایی روحیه عمومی انقلابی نشده بودند. معرفی این زمینه ها در اینجا به این خاطر صورت گرفته است که اگر چنین مواردی وجود نمی داشتند، چنین روحیه ای با ویژگیهای خاص خود نیز به وجود نمی آمد. در جریان انقلاب، افرادی که گرایش مذهبی قوی تری داشتند و نیز روشنفکران ناراضی، زودتر به انقلاب پیوستند. اما زمانی فرا رسید که مردم، گروه گروه، به انقلاب پیوسته و شهر به شهر و روستا به روستا، در اغتشاش فرو می رفت.

نکته مهم در این زمینه، مراسم بزرگداشت چهلمین روز شهادت قربانیان حوادث نوزدهم دی قم در تبریز بود که باعث کشته شدن تعدادی از تظاهر کنندگان گردید، مردم منتظر شورش دیگری در مراسم چهلم شهدای تبریز در جایی دیگر بودند که شهر یزد در اغتشاش فرو رفت و کشته ها از تداوم انقلاب در شهرهای دیگر خبر داد. رفته رفته، تمامی شهرها و روستاها در ناآرامی و تظاهرات فرو رفتند و این روند تا پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ ادامه یافت.

در دوران انقلاب شعارهای «مرگ بر شاه»، «مرگ بر سلطنت پهلوی»، «درود بر خمینی»، «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» و ... بر دیوارها و اعلامیه ها و بر زبان عموم مردم جاری شدند و همه جا از مساجد گرفته تا دانشگاه ها و خیابانها، مرکز تجمع و سخنرانیهای سیاسی با حضور گسترده مردم شد. انقلاب ارتش را نیز از حکومت جدا نمود. در مراحل پایانی انقلاب، کارکنان روزنامه ها و رادیو و تلویزیون نیز به اعتصاب کنندگان پیوستند.

بدین ترتیب، رژیمی که به دلیل وابستگی به طور جدی از طرف غرب حمایت میشد و انواع نیروها را در اختیار داشت و جزیره ثبات در یکی از ناآرام ترین نقاط جهان خوانده می شد، با حرکت مردمی که جز عقیده خود (اسلام) چیزی نداشتند، فرو ریخت.

نتیجه

در این قسمت به مباحث آرمان و رهبری انقلاب و روحیه انقلابی عمومی - که عناصر مهم نیروی اجتماعی هستند - توجه شده است. نیروی اجتماعی در انقلاب اسلامی توانست با توجه به اصالت فرهنگی خود، ضمن دستیابی به قدرتی فوق تصور، به برتری قاطعی نسبت به قدرت سیاسی ای که دارای نیروهای نظامی قوی، پول نفت و حمایت خارجی بود، نائل آید که نتیجه آن به طور مستقیم در چند محور در قبل و بعد از پیروزی انقلاب بروز کرد.

اینک به صورت گذرا به بررسی تاثیر نیروی اجتماعی به ویژه نقش دو عامل آرمان و رهبری انقلاب در زمان پیروزی»، «ثبات پس از پیروزی» و «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی» می پردازیم. اشاره کمتر به نقش «روحیه انقلابی» به معنای عدم اهمیت آن نیست، بلکه دو عامل آرمان و رهبری، خود، جنبه مبنایی برای روحیه انقلابی نیز دارند. همچنین واضح است که در اینجا وقتی از آرمان انقلابی سخن می گوئیم معنایی فراتر از ایدئولوژی انقلاب به معنای شعارها و اهداف انقلابیها و محتوای درونی ایدئولوژی در نظر است.

نقش آرمان و رهبری انقلاب

یک. در زمان پیروزی انقلاب اسلامی

بسیاری از حرکت های انقلابی مسلحانه و حتی شورشهای بزرگ به سرعت یا به مرور زمان فرو می نشینند و پیروزی را تجربه نمی کنند. کشورهای آمریکای لاتین، نمونه های بارز چنین حرکت هایی هستند.

در خصوص حرکت هایی که به پیروزی میرسند، زمان و سرعت پیروزی انقلاب تابعی از عوامل مختلف، از قبیل میزان قدرت رژیم سیاسی، انسجام یا تباهی طبقه حاکم (از دست دادن اعتقاد به حقانیت خود و اعتماد به نفس)، میزان و نوع حمایت خارجی از رژیم سیاسی، میزان گسترش، مبنا و محتوای آرمان انقلابی و راهبردها و تاکتیک های رهبری انقلاب است.

در این میان نقش دو عامل آرمان و رهبری انقلاب قاطع و تعیین کننده است؛ و در صورتی که آرمان انقلابی به فرهنگ کشور پیوند خورده، اصیل و غیر وارداتی بوده، قادر باشد جمعیتی عظیم از توده ها و نخبگان را با خود همراه کند، زمینه ای بسیار قوی در اختیار رهبران انقلابی قرار میدهد تا به سازمان دهی و بسیج توده ها پرداخته، امکان ابتکار عمل را از رژیم سیاسی بگیرند. این وضعیت در زمان وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی آشکار بود. حرکت بسیار گسترده مردمی در جریان انقلاب اسلامی به سرعت شرایط را برگشت ناپذیر کرده، رژیمی را که تصور پیروزی بر آن وجود نداشت، در مدت تقریبی یک سال و یک ماه از پای در آورد.

در این باره، نقش رهبری امام خمینی + که از ابتدا به نقش مرجعیت عامه تاکید داشت و در زمان انقلاب از راهبرد مبارزه منفی، یعنی بهره گیری از تظاهرات و اعتصابات سراسری و عدم درگیری با نیروهای مسلح استفاده کرد نیز مهم و تعیین کننده بود.

دو. در ثبات پس از پیروزی انقلاب اسلامی

انقلابها پس از پیروزی، معمولاً با طوفانی از حوادث مواجه میشوند. این حوادث در سرعت و میزان ایجاد ثبات موثراند. پس از پیروزی انقلاب، مجموعه مخالفان انقلاب، از جمله بازماندگان رژیم سابق، معمولاً با کمک و سازماندهی قدرت های خارجی معارض انقلاب، مقابل انقلاب صف آرای می کنند.

سرعت ایجاد و میزان ثبات پس از پیروزی انقلاب نیز، تابعی از وضعیت نیروی اجتماعی و عناصر آن، یعنی آرمان، رهبری و روحیه انقلابی است. آرمان هرچه بیشتر با فرهنگ کشوری پیوند خورده و بین انقلابیها، از جمله رهبران انقلابی کشمکش کمتری وجود داشته باشد، بعد از پیروزی، ثبات سریع تر و مطمئن تر، پدید می آید.

یکی از نمونه های پراکندگی آرمانی و رهبری را می توان در انقلاب سال ۱۷۸۹م فرانسه مشاهده کرد که به بی ثباتی های بسیاری پس از وقوع انقلاب انجامید ابتدا با نقش رهبری میرابو، این کشور در ۱۷۹۱ به مشروطه تبدیل شد، سپس در ۱۷۹۲ دانتون، رهبر ژیروندنها - که به میانه روها مشهور بودند به کشور را به «جمهوری بور ژوازی» تبدیل کرد. پس از آن در ۱۷۹۳ روبسپیر، رهبر ژاکوبنها - که رادیکال بودند - «جمهوری مساوات» را پدید آورد. در سال بعد، حکومت پنج نفره «هیئت مدیره» آمد که ناپلئون یکی از آن پنج نفر بود. وی در ۱۷۹۹ کشور را به امپراطوری تبدیل کرد. در سال ۱۸۱۵م و بعد از شکست فرانسه در جنگ های ناپلئونی، قدرتهای پیروز بر مبنای تصمیمات کنگره وین، لوئی هجدهم را پادشاه فرانسه کردند. فرانسه دوباره در سالهای ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸م با انقلاب، به ترتیب تبدیل به مشروطه و جمهوری شد.

در این بی ثباتی های پیاپی، بی شک نقش آرمان و رهبری انقلاب آشکار بود. زیرا در قرن هجدهم - که در فرانسه قرن روشنفکری نام گرفته بود - هرچند نویسندگان توانسته بودند مردم و روشنفکران را از نظر اعتقاد از حکومت دور کنند، نتوانسته بودند برداشت مشترکی از مفاهیمی مانند آزادی را - که افراد درصدد رسیدن به آن بودند - در ذهن آنان وارد کنند

برخلاف فرانسه، انقلاب اسلامی ایران به دلیل وحدت در آرمان و رهبری، پیوند ویژ ه آرمان و رهبری انقلاب با فرهنگ تاریخی و دینی مردم، و رابطه مردم و روحانیت و اعتماد بالای توده ها و نخبگان به امام خمینی و روحیه عمیق انقلابی عمومی، بعد از پیروزی توانست به سرعت نظام جدید و نهادهای قانونی آن را مستقر کرده، از بی ثباتی های بنیان برانداز پیش گفته در امان باشد. |

افزون بر این، آرمان، رهبری و روحیه انقلابی و نتیجه آن، یعنی نیروی اجتماعی مقتدر، در زمان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، توانست دشمن متجاوز را برای اولین

بار در تاریخ معاصر کشور از دستیابی به اهدافشان ناکام گذارد. نیز فشارها و سختی های ناشی از جنگ، راهی به سوی توسعه علمی و فناوری کشور گشود.

سه. در بازتاب جهانی انقلاب اسلامی

قبل از بازگویی این نقش ابتدا به طور کوتاه به میزان و موضوعات بازتاب انقلاب اسلامی می پردازیم.

آقای فرد هالیدی از پژوهشگران پدیده انقلاب به نکته ای جالب در باب بازتاب انقلاب بها اشاره کرده است. وی می نویسد، هرچند در غرب درباره زمینه ها، علل و عوامل وقوع انقلاب مقاله و نوشته های زیادی وجود دارد، غربیان درباره نتایج و بازتاب انقلاب بسیار کم نوشته اند. به نظر وی، علت آن را باید در این نکته دید که از دید آنها اگر پژوهش در این باره صورت گیرد، به معنای تبلیغ وقوع انقلاب در جهان سوم خواهد بود؛ و با توجه به اینکه انقلابها معمولا مبارزه با منافع غرب را پیگیری می نمایند، پژوهش در نتایج انقلابها یک حیطة ممنوعه قلمداد می شود. ۲. بنابراین، پژوهشگران غربی اشتیاقی به اعلام حجم بزرگ بازتاب انقلاب اسلامی ندارند.

با بررسی و مقایسه واقعیت ها و شرایط امروز منطقه ای و جهانی با زمان پیروزی انقلاب اسلامی، می توانیم میزان و موضوعات مختلف بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران را ببینیم

با توجه به اینکه در بخش دوم کتاب به طور مشروح به معرفی موضوع بازتاب انقلاب خواهیم پرداخت، در این مقام تنها عنوان مهم ترین بازتاب ها بیان می شود که عبارت اند از:

نظریه های سیاسی؛ امنیت و راهبردهای قدرت های بزرگ و دولتهای وابسته به آنها؛ حرکت های رهایی بخش مردمی در مناطق مختلف جهان به ویژه جهان اسلام، از جمله حرکت های اعتراضی مردم در سال ۲۰۱۱ در جهان عرب که این حرکت ها در آمریکای لاتین خود را به صورت گسترش الهیات رهایی بخش مسیحی نشان داده است؛ دولتها و نخبگان سیاسی در جهان اسلام؛ سازمانهای بین المللی و تصمیمات آنها؛ چهره عمومی جوامع اسلامی؛ تلاش های علمی بسیار در سطح جهان برای شناخت اسلام و به ویژه تشیع، انقلاب اسلامی، امام خمینی + و ایران.

حال به بررسی نقش آرمان و رهبری در بازتاب انقلاب اسلامی می پردازیم: براساس دیدگاه یکی از جامعه شناسان سیاسی پس از بررسی تاریخ انقلابها و اغتشاشات اروپایی از دوره های باستانی تا دهه ۱۹۳۰م، به ندرت، یک انقلاب در مرزهایش محصور می شود، یا هرگز محصور نمی شود؛ زیرا انقلابها بر سرزمین های دارای اقلی

م مشابه فرهنگی با کشور انقلابی، به صورت جدی تاثیر می گذارند.

از عواملی که مستقیماً با بازتاب انقلاب رابطه دارند، آرمان و رهبری انقلاب نقش واضح تری دارند. اساساً بازتاب انقلابها در درجه اول مربوط به تاثیر آرمان انقلابی در سرزمین های دیگر است. دیدگاه رهبران انقلابی نیز در میزان تلاش ها برای بازتاب یک انقلاب نقش اساسی دارد؛ زیرا این تلاشها مستقیماً به نوع تفکر رهبری به نحوه و میزان بازتاب و سرعت آن در ارتباط است.

آرمان انقلاب اسلامی به دلیل محتوا و مفادش، مانند تاکید بر نقش دین، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و توسعه همه جانبه، و به عبارت بهتر، تاکید بر اسلام که در بطن خود مفاهیم استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و توسعه را نیز در بر دارد، نمونه ای منحصر به فرد در میان آرمان های انقلابی معاصر است، که تنها به یکی از موارد استقلال، آزادی یا عدالت اجتماعی تاکید کرده اند. از این رو، در میان مسلمانان جهان جذابیت ویژه ای دارد. این جذابیت بر مبنای میزان نقاط مشترک فرهنگی ملت ایران با ملت های مختلف متفاوت است. مثلاً شیعیان سریع تر از سایر گروهها تحت تاثیر آن قرار گرفتند و از میان اهل سنت نیز، گروه هایی که به لحاظ فکری به تشیع نزدیکتر بودند، سریع تر تاثیر پذیرفتند؛ به گونه ای که حنبلیها - که وهابی ها از میان آنان پدید آمدند - کمتر از سایر گروههای اهل سنت به انقلاب اسلامی گرایش یافتند.

به جز نقش آرمان انقلاب، در بازتاب انقلاب اسلامی باید به نقش رهبری امام خمینی + نیز اشاره کرد. جمله مشهور ایشان «ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم» و «ما مسلمانیم و شرق و غرب برایمان مطرح نیست. ما از مظلوم دفاع می کنیم و بر ظالم می تازیم. این یک وظیفه اسلامی است» و همان گونه که پیش از این آمد، این جمله که «ما در جنگ، ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم» بیانگر توجه ویژه امام به بازتاب انقلاب اسلامی است. همچنین، ایشان هم زمان بر بازتاب و ساختن جامعه آرمانی انقلاب اسلامی تاکید داشت.

بخش دوم: بازتاب جهانی انقلاب اسلامی

فصل اول: محورهای مختلف در بازتاب های نظری و عملی انقلاب اسلامی

فصل دوم: انقلاب اسلامی؛ نظام بین الملل و آینده غرب

فصل اول: محورهای مختلف در بازتاب های نظری و عملی انقلاب

اسلامی

گفتار اول: بازتاب انقلاب اسلامی بر نظریه های سیاسی گفتار دوم: انقلاب اسلامی و مسائل راهبردی قدرتهای بزرگ گفتار سوم: انقلاب اسلامی و حرکت های انقلابی در جهان اسلام گفتار چهارم: بازتاب انقلاب اسلامی بر سایر مسائل

مقدمه

پرسشهای مرتبط با پدیده انقلاب را می توان در چهار زمینه چستی (تعریف ویژگی های انقلاب و انواع آن)، چرایی رخداد، چگونگی وقوع و نهایتا مسیر، مراحل، آثار و بازتابهایی آن پس از پیروزی، خلاصه کرد. در عین حال، بیشتر دیدگاه ها و نظریه ها ی انقلاب تنها به دو پرسش چرایی و چگونگی پرداخته اند و به طور جدی به مطالعه مسیرها و تحولات پس از پیروزی، و بررسی اثرات و بازتابهای انقلاب بر محیط بین الملل پرداخته اند.

در عین حال، همان طور که مارتین وایت در کتاب سیاست قدرت گفته است، نباید تحولات سیاسی غیرانقلابی را در صحنه بین المللی عادی تر و طبیعی تر از انقلابها و تحولات سیاسی انقلاب دانست؛ زیرا اگر تحولات سالهای ۱۵۱۷ - ۱۴۹۲، ۱۷۹۲ - ۱۶۴۳ و ۱۹۱۴ - ۱۸۷۱ میلادی تحولاتی غیرانقلابی بوده اند، تحولات سالهای ۱۶۴۸ - ۱۵۱۷، ۱۸۷۱ - ۱۷۹۲ و ۱۹۶۰ - ۱۹۱۶ میلادی تحولاتی انقلابی شمرده می شوند؛ بنابراین، به ازای ۲۵۶ سال تحولات انقلابی در صحنه بین المللی، تنها ۲۱۲ سال تحولات غیرانقلابی وجود داشته است؟

بدین ترتیب، هرچند نباید نقش تحولات غیرانقلابی را در ساختن جهان معاصر نادیده گرفت، نقش بارز انقلابها و تحولات انقلابی در این زمینه انکارناپذیر است: وقوع حداقلشش قیام و انقلاب در قرن هفدهم در اروپا (۱۶۴۸م)، انقلاب فرانسه (۱۷۸۹م)، انقلابهای ۱۸۴۸م در اروپا و انقلابهای متعدد در قرن بیستم، مانند انقلاب روسیه (۱۹۱۷م)، انقلابهای چین (۱۹۱۱ و ۱۹۴۹م)، انقلاب کوبا (۱۹۵۹م)، انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷ش / ۱۹۷۹م)، انقلاب نیکاراگوئه (۱۹۷۹م) و انقلاب های ضد استعماری مانند انقلاب الجزایر (۱۹۶۲م) و انقلابهای ویتنام (۱۹۵۴ و ۱۹۷۵م) همگی بر این نقش تاکید می کنند. حتی برخی بر این باورند که تاریخ روابط بین الملل بعد از جنگ دوم جهانی در پاسخ و واکنش نظام بین الملل به انقلاب خلاصه می شود؛ زیرا در طی چهار دهه ای که به پایان دهه ۱۹۸۰ ختم شد، انقلاب پایه و مبنایی برای نظام دوقطبی به وجود آورد، به مسابقه تسلیحاتی دامن زد و بارها موجب رقابت بین ابرقدرتها شد و حتی ثبات سیاسی داخلی قدرتهای بزرگ را در معرض تهدید

قرار داد. 1

در این فصل آثار و بازتابهای نظری و عملی انقلاب اسلامی ایران در صحنه بین المللی در مدت ۳۲ سال گذشته در چهار گفتار بررسی می شود

گفتار اول:

بازتاب انقلاب اسلامی بر نظریه های سیاسی وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی از چند جهت بر نظریه های سیاسی تاثیر نهاد:

.. تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی، دیدگاه علمی غالب در زمینه انقلاب این بود که دستیابی به توسعه - که یکی از اهداف انقلابهای معاصر است - با دو مفهوم «سکولاریزه شدن فرهنگی» و «تمایز ساختاری» همراه است؛ و همان طور که خانم هانا آرنه در کتاب انقلاب گفته است، دنیوی بودن یکی از ویژگیهای انقلابها در دوره معاصر، است؟

بدین ترتیب، رخداد انقلاب اسلامی با ماهیت دینی، اعتبار چنین نظریه هایی را زیر سوال برد. این انقلاب، آرمان انقلابی جدیدی را که شامل مجموع نقاط مثبت سایر آرمانهای انقلابی زمانه نیز بود، یعنی مفاهیم: استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در چارچوب حکومت دینی در دنیای مادی گرای معاصر مطرح نمود و موجب غافل گیری صاحب نظران پدیدهانقلاب، دولتها و نخبگان سیاسی ای شد که تصور نمی کردند انقلابی با این ماهیت و آرمان، در دنیایی که به انقلابهای مارکسیستی یا لیبرال مسلک عادت کرده است، شکل گیرد.

۲. رخداد انقلاب اسلامی از چند جنبه انتقادات وارد بر اندیشه های مدرنیسم را تایید کرد و اندیشمندان فرامدرنیسم " آن را دلیلی بر عبور بشر از مدرنیسم دانستند. در حقیقت این انقلاب چالشی در برابر اندیشه های فوق ایجاد کرد. میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی که در زمان وقوع انقلاب اسلامی در شهرهای تهران و قم به میان تظاهرکنندگان می رفت تا دریابد «ایرانیان چه رویایی در سر دارند»، و با توجه به تاکید انقلاب ایران بر برداشتهای جدید درباره تاریخ و قدرت، آن را یک انقلاب جدید خواند. در این برداشت، قدرت، آن طور که همگان تصور می کنند، از بالا اعمال نشده، تنها در تسلیحات و نیروهای نظامی دولتها خلاصه نمی گردد؛ بلکه در همه اجزا و لایه های اجتماع نهفته است و به موقع خود را نشان میدهد. به نظر وی، در مطالعه قدرت باید از الگوی لویتان پرهیز کنیم. باید از حوزه محدود حاکمیت حقوقی و نهادهای دولتی رها شده، پایه های تحلیل خود درباره قدرت را بر مطالعه شیوه ها،

تاکتیک‌ها و راهبردها استوار سازیم. براین اساس، امام خمینی + در راستای انقلاب اسلامی توانست با بسیج این قدرت نهفته بر قدرتی کاملاً مسلح پیروز شود. همچنین، به نظر فوکو، انقلاب اسلامی بر این برداشت که «تاریخ یک مسیر واحد همه جایی ندارد»، تأیید کرد. بنابراین، این ایده که همه جوامع به سوی لیبرالیسم و دموکراسی غرب در حرکت اند، مانند آنچه فرانسیس فوکویاما در کتاب پایان تاریخ، واپسین اسطوره گفته است، تصورات و تمایلاتی نامنطبق با واقعیت است.

در اینجا باید تأکید کنیم، هر چند انقلاب اسلامی اندیشه‌های مدرنیستی را به چالش‌ی جدی کشید، نباید آرمان‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی را مساوی اندیشه‌های فرامدرنیسم در غرب دانست؛ زیرا فرامدرنیسم فقط به جهت نقد مدرنیسم، با انقلاب اسلامی شباهتهایی دارد؛ نه از جهت جهان بینی و ایدئولوژی.

۳. دو انقلاب ایران و نیکاراگوئه و به ویژه انقلاب اسلامی ایران، به دلیل ماهیت و ی‌ژه خود، یعنی نقش مذهب و سایر ویژگی‌های شاخص آنها، طلیعه پدید آمدن نسل جدیدی از نظریه‌های انقلاب شدند.

چک‌گلدستون نظریه‌های انقلاب در قرن بیستم را در سه دسته قرار داده بود:

یک. نسل اول که تقریباً تا سال ۱۹۴۰م را در بر گرفته و شامل آراء افرادی مانند لبون، الوود، سوروکین، ادواردز، لدر، پتی و بریتون میشود. این نسل بیشتر به توصیف فرایند انقلابی و بیان برخی نشانه‌های موقعیت انقلابی توجه می‌کرد. این افراد تنها توصیف انقلاب‌های مشهور گذشته مانند انقلاب فرانسه را مرکز توجه خود قرار می‌دادند و در جهت تبیین نظری پدیده انقلاب نمی‌کوشیدند.

دو. در نسل دوم که بین سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۵م را دربر می‌گیرد، فقدان شالوده‌نظری تا حدودی رفع می‌شود. در این نسل نظریه‌ها بر مبنای روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و یا علوم سیاسی بنا گردیده، از حالت توصیفی دور و تعمیمی شدند.

در تحلیل‌های روان‌شناختی، نوشته‌های جیمز دیویس، رابرت گر، فایرایند، شوارتز، گشوندر و موریسون، ریشه انقلاب را در وضع ذهنی توده‌ها جستجو مینمودند؛ در تحلیل‌های جامعه‌شناختی چالمرز جانسون، اسملسر، جساپ و هارت از پدیده انقلاب به تعادل نظام اجتماعی در اثر کارکرد خرده‌نظامها توجه می‌شد و در تحلیل‌های علوم سیاسی، چارلز تیلی، هانتینگتون، امان و استینکجامب انقلاب را گونه‌ای منازعه سیاسی میان رقبا می‌پنداشتند.

سه. نسل سوم از اواسط دهه ۱۹۷۰م شکل گرفت. این نسل شامل افرادی مانند پیچ، تریمبرگر، آیزنشتات و از همه مهم‌تر اسکاچپول بود. این نظریه پردازان متوجه نقش

انواع ساختارها، مانند ساخت دهقانی در وقوع انقلاب شده، نقش عوامل آرمانی یا ایدئولوژیک و رهبری انقلابی را نادیده می گرفتند. این نویسندگان معتقد بودند، برای وقوع انقلاب باید شرایط ساختاری ویژه‌ای مقدم بر فشارها یا تحولات اجتماعی و بین‌المللی وجود داشته باشد. |

دهه ۱۹۷۰ دهه سیطره و شیوع نظریه‌های نسل سوم بود. بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰م انقلابهایی در جهان به وقوع پیوست که بیانگر مشکلات جدی در نظریه‌های بیان شده بود. در ایران و نیکاراگوئه، در پایان دهه هفتاد میلادی، ائتلافهای فراطبقاتی در کتاتورهایی را سرنگون کرد که ابرقدرت غرب به طور گسترده از آنان حمایت می کرد. در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی، بین سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱م تغییرات بزرگی در نظام‌ها بر مبنای راهپیمایی اعتراضات و اعتصابات عمومی، نه مبارزه طبقاتی رخ دادند و رژیم‌های دیکتاتوری جهان سوم از آنگولا گرفته تا زئیر سرنگون شدند؛ به طوری که هیچ یک از آنها را نمی شد بر مبنای نظریه‌هایی که براساس موارد معدود در تاریخ اروپا و چین تنظیم شده بودند، تحلیل کرد؟

وقوع انقلاب اسلامی در پایان دهه ۱۹۷۰م، نظریه اسکاچپول در کتاب دولتها و انقلاب‌های اجتماعی را زیر سوال برد، به گونه‌ای که وی در سال ۱۹۸۲ در مقاله‌ای تحت‌عنوان «دولت تحصیلدار و اسلام شیعه در انقلاب ایران» این گفته خود در کتابش را که «انقلابها ساخته نمی شوند بلکه به وجود می آیند» درباره انقلاب ایران رد کرد و با دست کشیدن از دیدگاه کاملاً ساختاری خود و تأکید بر نقش آرمان و رهبری، نوشت:

اگر در دنیا یک انقلاب باشد که توسط یک حرکت انقلابی آگاهانه ساخته شده است، آن انقلاب، انقلاب ایران است. | مشکلات نسل سوم نظریه‌های انقلاب در تحلیل انقلاب‌های جدید، راه را برای نسل چهارم نظریه‌ها - که اکنون در آغاز راه خود است - باز کرد. بدون شک انقلاب اسلامی ایران مهمترین انقلابی بود که نظریه‌های نسل سوم را به چالش کشید.

نقش بارز فرهنگ، رهبری و آرمان در وقوع انقلاب اسلامی، مهم‌ترین افزوده این انقلاب بر مباحث انقلاب‌هاست. انقلاب اسلامی همچنین روایت‌های روشنفکری در خصوص عقل (گسترش آزادی لیبرالیستی) را به چالش کشید. انقلاب اسلامی از نظر دوری از جنگ مسلحانه و حرکت از طریق اعتراضات، راهپیمایی‌ها و اعتصابات عمومی نیز با انقلاب‌های پیشین تفاوت داشت؟

در شرایط جدید، جان فوران و جک گلدستون - که پیش از این نظریه‌های انقلاب را در سه نسل قرار داده بود - از ورود محافل علمی و دانشگاهی به نسل چهارم نظریه

های انقلاب سخن گفتند

گلدستون می گوید:

به نظر می رسد که دوره نظریه های نسل سوم انقلاب به سر آمده است، هرچند چپ رگی و تسلط نسل چهارم هنوز به وقوع نپیوسته است. این نسل ثبات را به عنوان مسئله اصلی تلقی کرده و بر شرایطی که رژیمها را در طول زمان حفظ می کنند، تمرکز می نماید. این نسل نقش برجسته مسائل هویت، ایدئولوژی، جنسیت، شبکه ها و رهبری را نشان خواهد داد و به فرایندها و برون داده ها انقلابی به عنوان برآیند تاثیر متقابل کنش گران چندجانبه خواهد پرداخت. به نظر فوران نیز رخداد دو انقلاب ایران و نیکاراگوئه راه را برای ورود به نسل چهارم نظریه های انقلاب هموار کرد؛ یعنی نسلی که خود را از دید ساختاری محض و جبرگرایی رها نموده و به عناصر متعددی مانند نقش فرهنگ و ایدئولوژی، بسیج منابع و توسعه نامتوازن بها می دهد؟

۱. پس از شکست فرانسوی ها در دین بین فر به سرزمینی در ویتنام که فرانسه برای به تله انداختن نیروهای هوشی مینه، رهبر انقلاب ویتنام، آن را انتخاب نمود. در سال ۱۹۵۴م و خروج فرانسوی ها از ویتنام و کسب استقلال ویتنام شمالی، آمریکاییها آرام آرام وارد ویتنام جنوبی شدند تا از طریق مبارزه نظامی و نبرد تبلیغاتی که نبرد روانی علیه قلبها و اذهان ویتنامی ها « نام گرفت، ضمن جلوگیری از سلطه کمونیست ها بر ویتنام جنوبی و شبه جزیره هندوچین، از گسترش نفوذ رقبای کمونیست خود در این منطقه ممانعت نماید. اما همراهی مردم با مبارزان ویتنامی و همراهی دولت های شوروی و چین با آنها، آمریکایی ها را با شکستی تلخ مواجه ساخت. آنان هرچند حدود نهمصد هزار نفر از مردم ویتنام جنوبی، چهارصد هزار نفر از مردم ویتنام شمالی و صدها هزار نفر از مردم در کامبوج و لائوس را به قتل رساندند، خود نیز، افزون بر خسارات مادی زیاد، حدود ۵۱ هزار نفر کشته داده، در نهایت در مسیر تحولات بعدی تن به شکستی تلخ و تعیین کننده دادند برای مطالعه جنگ ویتنام، به ویژه روشهای تبلیغاتی آمریکا در این جنگ، بنگرید به: چندلر، یورش های تبلیغاتی آمریکا در جنگ ویتنام، صفحات مختلف 1. در مجموع، از سال ۱۹۵۰ تا زمان سقوط شاه، ایران قراردادهای خرید تجهیزات و خدمات نظامی به ارزش حدود بیست میلیارد دلار با آمریکا امضا کرده بود. البته خریدهای گران قیمت و پیشرفته بیشتر به بعد از گران شدن قیمت نفت برمی گردد. طبق گزارش کمیته خارجی سنای آمریکا، بودجه دفاعی ایران از ۸۸۰ میلیون دلار در سال ۱۳۴۹ش / ۱۹۷۰م به ۶۸۰/۳ میلیون دلار در سال ۱۳۵۳ش / ۱۹۷۴م و ۹۴۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۶ش / ۱۹۷۷م جهش داشت.

گفتار دوم:

انقلاب اسلامی و مسائل راهبردی قدرتهای بزرگ

انقلاب اسلامی در زمان جنگ سرد بین دو بلوک شرق کمونیست به رهبری اتحاد جماهیر شوروی و غرب لیبرال به رهبری آمریکا اتفاق افتاد. در آن زمان، مسائل جهان ی و راهبردهای دولتها عموماً با توجه به این واقعیت تدوین می شد و جریان می یافت.

از این رو، بلوک غرب در راستای راهبرد مهار یا سد نفوذ اتحاد جماهیر شوروی، تعدادی پیمان زنجیره ای شامل ناتو، سنتو و سیتو در محدوده جغرافیایی اروپا تا آسیای جنوب شرقی در اطراف شوروی پدید آورده بود که ایران عضو حلقه میانی آن یعنی سنتو بود؛ و بلوک شرق نیز پیمان ورشو را برای جلوگیری از نفوذ یا حملات غرب علیه هریک از اعضای کمونیست این پیمان به وجود آورده بود.

افزون بر این، آمریکا پس از شکست در ویتنام (۱۹۷۵)، به دلیل مخالفت افکار عمومی، دیگر توان مداخله نظامی علیه حرکت‌های انقلابی را در خود نمی دید و نیکسون، رئیس جمهور آمریکا در راهبرد جدیدی که به راهبرد دو ستونی - با ستون نظامی ایران و ستون مالی عربستان سعودی - مشهور شد، در مدت اندکی، قرارداد فروش میادها دلار اسلحه با ایران را امضا و شاه ایران را ژاندارم خود در منطقه معرفی کرد. در این راستا، ایران به نیابت از آمریکا، شورشیان کمونیست ظفار در عمان را سرکوب نمود. | وقوع انقلاب اسلامی ایران موجب تغییر راهبردهای منطقه ای و جهانی دو ابرقدرت شد.

باتوجه به اینکه، انقلاب اسلامی در کشوری اتفاق افتاد که حافظ منافع آمریکا در منطقه بود موجب ایجاد یک خلا آشکار قدرت در منطقه شد. ضمناً خروج ایران از پیمان سنتو پس از پیروزی انقلاب، باعث فروپاشی آن گردید و بدین وسیله بین پیمان های ناتو و سیتو فاصله افتاد.

وقوع انقلاب در کنار چاه های نفتی منطقه، بر اهمیت این رخداد می افزود و به زودی در کشورهای منطقه - که مرکز مسلمانان و به ویژه شیعیان جهان است - انعکاس یافت و هراس از وقوع تحولات مشابه ایران، جهان غرب و دولت های منطقه را فرا گرفت.

در این شرایط، غرب و به ویژه آمریکا، برای جلوگیری از گسترش حرکت‌های انقلابی به کشورهای دیگر و حفظ منافع بین المللی خود از راهبردها و روشهای مختلف بهره

بردند.

جیمی کارتر در پایان سال ۱۹۷۹م و در ماه های پایانی دوره ریاست جمهوری خود اعلام کرد، برای حفظ منافع آمریکا یک «نیروی واکنش سریع» تشکیل میدهد، این امر به معنای روی آوردن مجدد آمریکا به مداخله مستقیم نظامی بود. |

سپس این کشور حجمی تمام نشدنی از فشارها و تحریم ها علیه ایران را آغاز کرد، از جمله: محاصره اقتصادی، حمله نظامی نافرجام به طبرس، طراحی کودتای نوژه، تحریر ک عراق به آغاز جنگ و همراهی با این کشور و نهایتاً «سیاست مهار ایران» یا «مهار دوگانه» که این سیاست یا راهبرد در پنج ماه اول ریاست جمهوری بیل کلینتون از حزب دموکرات و با طراحی لابی اسرائیل - کمیته امور عمومی آمریکا اسرائیل (IPAC) - تدوین شده

.. در این باره، کارتر در سال ۱۹۸۰م در پیامی به کنگره چنین گفت: «هر اقدامی از سوی هر قدرت خارجی برای دستیابی و کنترل منطقه خلیج فارس، به عنوان حمله به منافع حیاتی آمریکا بشمار آمده و چنین حمله ای با هر وسیله لازمی، از جمله نیروی نظامی، دفع خواهد شد». (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه (به کوشش). مجموعه مقالات سمینار بررسی خلیج فارس، ص ۸۱) ۲. برای ملاحظه نقش آمریکا در طرح ریزی کودتای نوژه، بنگرید به کودتای نوژه، ص ۲۷، ۱۰۸ و ۱۱۵، ۳. برای مطالعه نقش آمریکا در آغاز جنگ عراق علیه ایران بنگرید به: محمدی، علل و عوامل بروز جنگ تحمیلی»، در: جنگ تحمیلی (مجموعه مقالات)، ص ۱۵۱ - ۹؛ مختاری، تجزیه و تحلیل مقطع زمینه سازی جنگ ایران و عراق»، در: جنگ تحمیلی (مجموعه مقالات)، ص ۱۰۲؛ «روابط پنهانی ایالات متحده و عربستان سعودی، اسلحه، نفت، عراق، ایران»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۷۱ و ۷۲، ص ۶۴ - ۷۱. برای ملاحظه سیاست مهار ایران و محدودیت ها و نتایج آن، بنگرید به: امیری، ایران و آمریکا، نگاه دیگر»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۹۵ و ۶ متقی، دستورالعمل اجرایی کلینتون، مهار ایران یا بدیلی دیگر؟»، ماهنامه راهبرد، ش ۶: گزارش مرکز تحقیقات کنگره آمریکا، بررسی روابط ایران و ایالات متحده آمریکا: سیاست مهار دوجانبه و پیامدهایش، مجله سیاست خارجی، س ۹، ش ۱؛ متقی، محدودیت های آمریکا در روند دستیابی ایران به تکنولوژی پیشرفته»، مجله سیاست دفاعی، س ۳ و ۴ ه در حمله نظامی آمریکا به طبرس، ۱۱۸ امریکایی مجهز به شش فروند هواپیما، هشت فروند هلی کوپتر و مسلسل های دستی و موتورسیکلت شرکت داشتند. در این واقعه هشت امریکایی کشته شدند که با تلاش بورگه و ویلالون - که به وکلای فرانسوی مشهور بودند و مرتب با قطب زاده تماس داشتند. به آمریکا منتقل شدند (یکویت، ن پروی دلتا، ص ۱۴۱ - ۱۰۳؛ مازندی، ایران

آمریکا برای پر کردن خلا قدرت موجود، و به دلیل حضور روس ها در یمن جنوبی و اتیوپی و مداخله نظامی آنها در افغانستان و ترس کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس از قرار گرفتن در حلقه محاصره کمونیست ها با کشورهای وابسته به اتحاد جماهیر شوروی، شورای همکاری خلیج فارس را در سال ۱۹۸۱م تشکیل داد؛ و بنیه نظامی این کشورها به ویژه عربستان را تقویت کرد.

با به قدرت رسیدن میخائیل گورباچف به عنوان صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۵م و اعلام دو سیاست «پرسترویکا» (بازسازی اقتصادی) و «گلاسنوست» (فضای باز سیاسی) و سپس فروپاشی بلوک شرق و اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا به این تصور که فروپاشی رقیب به معنای صلابت و حقانیت بلوک غرب است، برای ورود جهان به یک نظام جهانی تک قطبی به گونه ای که خود به عنوان قدرت برتر در بالا قرار داشته و سایرین به صورت سلسله مراتبی بعد از آن قرار گیرند، به تکاپو افتاد.

اما با گذشت زمان در مسئله چشم انداز راهبردی جهانی آمریکا را تیره کرد: یکی مقاومت مراکز قدرت دیگر جهانی مانند فدراسیون روسیه، چین، اتحادیه اروپایی و تلاش آنها برای پیدایش یک نظام چندقطبی؛ و دیگری تشدید حرکت های رهایی بخش در منطقه نفت خیز خاورمیانه و خلیج فارس و تهدیدات فزاینده لبنان و فلسطینی ها علیه رژیم صهیونیستی، به ویژه از زمان آغاز حملات انتحاری؛ تهدیدات و حرکت هایی که بازتاب انقلاب اسلامی در ایجاد آنها آشکار است.

در این شرایط، با حملات بیستم شهریور ۱۳۹۰ (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م) به برجهای دوقلوی سازمان تجارت جهانی و پنتاگون در آمریکا، جرج بوش، رئیس جمهور آمریکا بهانه مناسبی به دست آورد تا با طرح و اجرای راهبرد «حمله پیشدستانه» و با بهره گیری از قدرت فناوری به ویژه اتکا به نیروی هوایی برای پیشبرد مقاصد راهبردی خود، به کشورهای دشمن خود حمله کند.

راهبرد «حمله پیشدستانه» آمریکا بر مبنای دستیابی به چند هدف تنظیم شده بود تا بتواند به سلطه جهانی آمریکا تحقق بخشد

۱. مبارزه با انقلاب اسلامی ایران و بازتابهای منطقه ای و جهانی آن

۲. ایجاد امنیت برای رژیم صهیونیستی از طریق حضور در منطقه و کنترل گروههای ضد اسرائیلی در جهان عرب به ویژه فلسطین و لبنان و حائل شدن بین سوریه و ایران؛

۳. کسب منافع حاصل از نفت عراق و کنترل بازار جهانی نفت؛ ۴. تغییر جغرافیای س

یاسی منطقه به منظور کسب اهداف راهبردی خود؛

۵. گسترش روزافزون حضور خود در مناطق اروپای شرقی، قفقاز، آسیای مرکزی و آسیای جنوبی و ایجاد فاصله بین قدرت هایی مانند فدراسیون روسیه، چین، هند و ایران، تا ضمن جلوگیری از تشکیل هرگونه اتحاد احتمالی، از ایجاد «عصر آسیایی» احتمالی ممانعت نموده، در راستای فروپاشی ارضی کشورهای بزرگی مانند روسیه و چین - که خطر بزرگ و بالقوه ای در برابر اهداف جهانی آمریکا هستند - تلاش نماید.

در این میان موارد ۱، ۲ و ۴ برای آمریکا حائز اهمیت فوری تر و بیشتری بوده اند.

درباره بازتاب انقلاب اسلامی بر مسائل راهبردی اتحاد جماهیر شوروی نیز می توان گفت، با آغاز و سپس پیروزی انقلاب، امنیت داخلی و منافع جهانی این کشور تحت الشعاع قرار گرفت. فکر انقلابی به رغم کنترل شدید سازمان های امنیتی از دیوارها ی آهین گذشت و بر جمهوری های مسلمان نشین اتحاد جماهیر شوروی تاثیر کرد. افزون بر این، انقلاب اسلامی با تغییر ایدئولوژی و ماهیت حرکت های انقلابی در جهان اسلام - که بسیاری از آنها قبلا مارکسیستی بودند یا گرایش به شوروی داشتند - از نفوذ بین المللی این کشور کاست و در دسته علل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفت.

لئونید برژنف «صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیسی»، هنگام اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ، به گسترش امواج انقلابی در مرزهای جنوبی این کشور اشاره کرده بود. مقاومت سرسختانه مردم افغانستان مقابل این هجوم، با حمایت ایران و الهام از انقلاب اسلامی صورت گرفت؛ و شکست روس ها در افغانستان در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تاثیر به سزایی داشت.

فدراسیون روسیه در سالهای گذشته برای پیشبرد اهداف جهانی خود، از یک طرف کوشید با به دست آوردن جای پای در نهادهای اروپایی، خود را به منزله کشوری اروپایی مطرح کند؛ مانند پیمان سال ۲۰۰۲م این کشور با ناتو که براساس آن روسیه به عنوان یک عضو غیر کامل فاقد حق رای به رسمیت شناخته شد. این شاید هزینه ای بود که آمریکا به دلیل همکاری روسیه در دادن اجازه گسترش نیروهای آمریکایی در آسیای مرکزی در مسئله حمله به طالبان و القاعده در افغانستان به این کشور پرداخت و از طرف دیگر، سعی کرد با بهره گیری از همکاری دولتهای دیگری مانند چین، کشورهای اروپایی و ایران، گردآوری جمعی از یاران خود در اتحاد جماهیر شوروی و تلاش در سازمانهای بین المللی، با ادامه سیاست یکجانبه گرایی آمریکا مقابله کند.

واقعیت این است که نه غرب واقعاً مایل است روسیه را به میان خود بپذیرد و نه روسها در مجموع به غرب اعتماد دارند. از زمان روی کار آمدن آقای مدودف به عنوان رئیس جمهور در روسیه، غرب به منظور همراه کردن روس ها با خود در تحریر م ایران، امتیازات جدیدی به روسیه داده است. مثلاً بعد از مقاومت روسها در دادن اجازه به غرب در استقرار سامانه سپر دفاع موشکی در چک و لهستان، کشورهای اروپایی مانند آلمان و فرانسه و مجموعه غرب مزورانه به روسیه قول داده اند که اگر در این زمینه کوتاه بیاید، حاضراند روسیه را هم در این طرح سهیم کنند. شاهد تزویر غرب همان پیمان سال ۲۰۰۲م ناتو و روسیه است که اکنون هیچ نامی از آن نیست.

گفتار سوم:

انقلاب اسلامی و طغیانها و حرکت های انقلابی در جهان اسلام

مقایسه اوضاع اجتماعی - سیاسی کنونی کشورهای اسلامی با وضعیت آنها در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، حاکی از یک تغییر آشکار در بیشتر آنهاست. اهمیت این امر در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس به دلیل موقعیت مهم جغرافیایی، وجود منابع غنی انرژی و اهمیت مسئله فلسطین، مضاعف میشود.

به دنبال وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی ایران یک فضای در حال گسترش اصول گرای اسلامی، سراسر جهان اسلام را فرا گرفت؛ تعدادی از حرکت های اسلامی پدید آمد و تعدادی که از قبل وجود داشته اما منفعل بود، فعال و انقلابی شد.

رهبران این گروهها در بسیاری از نوشته ها، سخنرانیها و بیانیه های خود بر تاثیر پذیری این حرکت ها از انقلاب اسلامی ایران تاکید نمودهاند.

هدف ما در اینجا ورود به مشروح مطالب مربوط به بازتاب در هر کشور نیست، زیرا این امر نیازمند پژوهشهای متعدد علمی است که از عهده این کتاب خارج است.

اینک با توجه به تحولات انقلابی جدید سالهای ۸۹ و ۹۰ش در جهان عرب، ابتدا سابقه بازتاب در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر کشورهای عربی را مرور می کنیم و سپس به بررسی تحولات انقلابی جدید در این کشورها می پردازیم.

الف) بازتاب سریع انقلاب اسلامی بر کشورهای عربی .. در لبنان - که بیش از هر کشور دیگری تحت تاثیر انقلاب اسلامی قرار گرفت - جنبش های شیعه «امل»، «امل اسلامی» و «حزب الله» و گروه سنی «جنبش توحید اسلامی» تحت تاثیر مستقیم انقلاب اسلامی پدید آمده با فعال شدند. به ویژه حزب الله لبنان از سال ۱۹۸۲م و

اشغال جنوب لبنان و بیروت توسط رژیم صهیونیستی، با ضربات خود که با گروه‌ها ی دیگر مقاومت نیز همکاری می کرد، توانست نیروهای این رژیم را از لبنان اخراج کند. در نبرد مشهور ۳۳ روزه در سال ۱۳۸۵ش نیز اسرائیل در مقابل مقاومت حزب الله تسلیم شد و برای اولین بار طعم ناکامی را چشید. این ناکامی تاکنون تأثیرات بزرگی در صحنه داخلی لبنان و منطقه خاورمیانه داشته است.

۲. در عراق، فعالیت «حزب الدعوه اسلامی» که آیت الله سیدمحمدباقر صدر از آن حمایت می کرد، در اثر وقوع انقلاب اسلامی شدت گرفت. افزون بر این، در سال ۱۳۶۱ش آیت الله سیدمحمدباقر حکیم با هدف مبارزه با حکومت صدام حسین «مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق» را پدید آورد که نقش انقلاب اسلامی در این امر آشکار بود.

۳. در عربستان سعودی، وقوع انقلاب اسلامی انگیزه خوبی به اخوان المسلمین داد تا به رژیم سعودی حمله کنند. سازمانی به نام اخوان المسلمین در ابتدا در دهه ۱۹۲۰م در مصر به رهبری حسن البنا تشکیل گردید و بعدها سازمان هایی به همین نام و با مواضع متفاوت در کشورهای مختلف عربی پدید آمدند. اخوان المسلمین سعودی چند ماه پس از پیروزی انقلاب ایران تحت رهبری جهیمان العتیبی مسجدالحرام را اشغال کردند. «سازمان انقلاب اسلامی شبه جزیره عربستان» که گروهی شیعه بود و رهبری شورشهای عاشورای سال ۱۹۷۹م در استان قطیف عربستان را برعهده داشت نیز، تحت تأثیر انقلاب اسلامی پدید آمد و رژیم سعودی به شدت آن را سرکوب کرد.

۴. در بحرین، «جبهه اسلامی برای آزادی بحرین» به ادعای حکومت بحرین به یک کودتای نافرجام در سال ۱۹۸۱م دست زد. نارضایتی ها تاکنون در بحرین چندبار شدی دا طغیان نموده و با سرکوبی شدید حاکمان سنی در این کشور سابق ایرانی شیعه نشین، مواجه شده است.

۵. در کویت، یک حرکت اسلامی از جمله با تلاش گروه «حزب الله کویت» به وجود آمد.

۶ و ۷. در دو کشور دیگر یعنی قطر و امارات عربی متحده، حرکت ها سازماندهی شده نبود، ولی به شکل اعتراضات اجتماعی بروز کرد.

۸. در مصر، توسل به شیوه های قهرآمیز مبارزه گسترش یافت که نمونه آن ترور انور سادات در اکتبر سال ۱۹۸۱م توسط «سازمان جماعة الاسلامیه» بود. «جنبش اخوان المسلمین» مصر نیز، در دوره سادات به دفاع از انقلاب اسلامی ایران پرداخت.

همچنین تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر ناآرامی در دانشگاه های آن کشور و شهرهای

قاهره، اسیوط و الفيوم در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تایید شده است. تا پیش از انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱م» و سقوط مبارک، تشکیل احزاب اسلامی در مصر ممنوع بود، تعدادی از اسلام گرایان از جمله اعضای «اخوان المسلمین» از طریق احزاب غیرمذهبی وارد پارلمان مصر شده بودند.

تا قبل از سقوط مبارک به دلیل اهمیت مصر در منطقه، حکومت مصر دومین دریافت کننده کمک های آمریکا بعد از رژیم صهیونیستی در جهان بود.

. در الجزایر، در اواخر دهه ۱۳۶۰ش، «جبهه نجات اسلامی» پدید آمد و توانست به سرعت نظر مردم را جلب نماید. اسلام گرایان توانستند در انتخابات شوراهای شهر پیروز شده و در مرحله نخست انتخابات پارلمانی نیز پیروز شدند و مشخص بود که در مرحله دوم نیز پیروز خواهند شد. در این شرایط، شاذلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر از قدرت کنار رفته و بوذیاف به ریاست جمهوری منصوب و نتایج دو انتخابات پیش گفته باطل و رهبران جبهه دستگیر شدند.

۱۰. در تونس، یک حرکت اسلامی تحت تاثیر مستقیم انقلاب ایران پدید آمد که مهمترین تجسم آن «جنبش گرایش اسلامی» به رهبری راشد الغنوشی بود که بعدا به دلیل مخالفت دولت به «جنبش نهضت» تغییر نام داد.

۱۱. در مراکش نیز، پس از پیروزی انقلاب اسلامی حرکت های اسلامی رشد نمود.

۱۲. در سوریه شاهد تاثیر انقلاب اسلامی بوده ایم. در سوریه، «اخوان المسلمین» تحت تاثیر انقلاب اسلامی فعالیت خود را گسترش داد، هرچند بعدا به دلیل گسترش روابط ایران و سوریه به انتقاد از ایران پرداخت.

۱۳. در فلسطین نیز شاهد تاثیر انقلاب اسلامی بودیم. در میان فلسطینی ها، در حال حاضر دو گروه اصلی «جهاد اسلامی» و «سازمان مقاومت اسلامی» یا «حماس» حضور دارند که هر دو در سال های دهه ۱۹۸۰م بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اعلام موجودیت کردند.

در این میان، جهاد اسلامی آشکارا از انقلاب اسلامی ایران دفاع می کند و خواستار الگو گرفتن فلسطینی ها از حرکت مردم ایران است. این دو سازمان توانستند در نبرد مشهور ۲۲ روزه در دی ماه سال ۱۳۸۸ش مقاومتی ستودنی مقابل تهاجم گسترده رژیم صهیونیستی به غزه به عمل آورند. فلسطینی ها با الگو گرفتن از حزب الله لبنان که مواضع کاملا مشابهی با ایران دارد، وارد انتفاضه گردیده، توان بالایی از خود بروز داده اند.

همچنین به همت انقلاب اسلامی ایران، مسئله فلسطین در حال تبدیل شدن به

مسئله تمام مسلمانان است. به عبارت دیگر، امروزه مسلمانان در نقاط مختلف جهان برای آزادسازی قدس شریف، احساس مسئولیت کرده، آن را مسئله خود می دانند. نمونه آن، حضور مسلمانان از ملیت های متفاوت در کاروان کمک رسانی به غزه در سال ۱۳۸۹ش برای شکستن محاصره اسرائیلیها بودیم. در میان کشته های حمله رژیم صهیونیستی به این کاروان نیز ملیتهای متفاوت حضور داشتند؟

.. درباره تاثیر سریع و اولیه پیروزی انقلاب اسلامی بر حرکت مردم فلسطین، روزنامه القبس در اواخر سال ۱۳۵۸ش گزارش داد که صدها تظاهر کننده در شهرهای غرب اسرائیل و نوار غزه با شعارهای الله اکبر به مکان های فروش مشروبات الکلی و سینماها حمله کردند. همچنین در اثنای یک مسابقه فوتبال، تماشاچیان هنگام شعاردهی علیه دسته اسرائیلی شرکت کننده، شعار خمینی خمینی می دادند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۸/۱۲/۱۳۵۸) در زمینه الهام گیری فلسطینی ها از انقلاب اسلامی ایران، یکی از اعضای رهبری سازمان جهاد اسلامی فلسطین در مصاحبه ای چنین گفت: پیروزی اسلام در ایران ما را مقاومت تر می سازد. ما در بیانیه ها و نشریات خود بر محور تهران - قدس تاکید کرده ایم؛ محوری که به زودی آمریکا و اسرائیل را از منطقه بیرون خواهد کرد. وی ادامه می دهد که ترور افسر امنیتی اسرائیل به نام روزنتال (Rosental)، به عنوان هدیه ای به روح شهدای مکه انجام شد، تا بر همبستگی مبارزات مردم فلسطین و ایران تاکید کنیم، (روزنامه کیهان، ۱۰/۱۲/۱۳۶۶) ۲. درباره شماره های ۱ تا ۱۳ از منابع مختلف از جمله از منبع ذیل استفاده شده است: احمدی، انقلاب اسلامی ایران و جنبشهای اسلامی در خاورمیانه عربی، مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم، ص ۱۵۵ - ۱۱۷. ۱۴. همچنین، انقلاب اسلامی باعث تغییر رژیم جعفر نمیری و به قدرت رسیدن اسلام گرایان در سودان به رهبری عمر البشیر شد.

ب) تحولات در جهان عرب: بازتاب انقلاب اسلامی، روشهای مقابله غرب و نگرشی به آینده در بهمن سال ۱۳۸۹ش / ژانویه ۲۰۱۱م با خودسوزی یک جوان تونسوی حرکتی در این کشور آغاز شد که پس از گسترش، به فرار زین العابدین بن علی، رئیس جمهور تونس و سپس با توسعه به مصر، به برکناری مهمترین دوست و یار رژیم صهیونیستی در منطقه یعنی حسنی مبارک از قدرت انجامید.

پس از مصر تقریباً تمام جهان عرب علیه دیکتاتورهای وابسته غرب در ناآرامی های گسترده فرو رفت. شدیدترین آنها تاکنون (شهریور ۱۳۹۰) در لیبی، یمن، بحرین، اردن و در درجه بعد در عربستان سعودی، مراکش، کویت، عمان و قطر به وقوع پیوسته است. این مسئله بیانگر بروز تغییرات اساسی با درجه متفاوت در نظام های سیاسی و رویکردهای داخلی و خارجی دولتهای این کشورها در آینده است. در این

اعتراضات، مردم در یکی از میدان‌های اصلی پایتخت مانند میدان التحریر قاهره یا میدان لولو منامه مستقر شده، می‌کوشند تا رسیدن به خواسته‌هایشان در آنجا بمانند.

به طور کلی می‌توان گفت، نقش انقلاب اسلامی، فراهم کردن زمینه‌های وقوع این حرکتها بوده است. انقلاب اسلامی از یک طرف با ایستادگی مقابل سلطه غرب و اثبات این نکته که ملت‌های انقلابی توانایی ایستادگی مقابل دشمنان خود، هرچند قوی، را دارند و به نمایش گذاردن ایستادگی و موفقیت مردم لبنان به رهبری حزب الله لبنان و سازمان مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) مقابل رژیم صهیونیستی، در حالی که دولت‌های وابسته عربی تسلیم خواسته‌های قدرتهای سلطه‌گر شده‌اند، و از طرف دیگر، نمایش پیشرفتهای مستقل، سریع و خیره‌کننده کشور ما در زمینه‌های علمی، فناوری، اقتصادی و به‌ویژه توسعه سیاسی و نقش ملت ایران در انقلاب اسلامی ایران (رهیافت فرهنگی) حوزه سیاست، انگیزه لازم برای حضور مردم در صحنه این کشورها را فراهم نمود.

غرب و به‌ویژه آمریکا - که در خاورمیانه عربی با واقعیت ناآرامی‌ها و انقلاب‌های مردمی مواجه شده است. برای کنترل اوضاع و حفظ منافع خود شدیداً به تکاپو افتاد. در بعضی مانند تونس و مصر به دلیل اهمیت ویژه شمال آفریقا به پشتوانه ارتش، سران کشور را وادار به استعفا کرد تا با تظاهر به طرف‌داری از مردم، از پیروزی انقلابیها و ایجاد رژیم‌های ضدعربی ممانعت کند و در ایجاد رژیمهای جدید، خود را شریک نماید. در بعضی نیز مانند بحرین و یمن زمینه مداخله خارجی - عربستان سعودی و امارات - را فراهم آورد و در دسته‌ای دیگر نیز مانند لیبی - که پیشرفت سریع انقلاب احتمال ایجاد اولین حکومت اسلامی در جهان عرب را نشان میداد - در ظاهر، به عنوان دفاع از انقلابیها به مداخله مستقیم نظامی روی آورد. به علاوه سخنان برخی از سران ترکیه مانند رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر این کشور در سفر به شمال آفریقا در شهریور ۱۳۹۰، مبنی بر اینکه کشورهای عربی نباید به دنبال تشکیل حکومت اسلامی باشند و باید رژیم‌های لائیک پدید آورند نیز در راستای تلاش غربی‌ها برای کنترل انقلابهای عربی قابل تفسیر است.

آنچه تاکنون درباره این حرکت گسترده منطقه‌ای مشخص است این است که:

۱. در حالی که غرب این حرکت‌ها را به اصطلاح بهار عربی و فقط برای مسائل اقتصادی یا آزادیهای لیبرالی می‌خواند، این حرکت‌ها را باید بیداری اسلامی و اسلام‌گرا خواند. در همه این کشورها نقش گروههای اسلام‌گرا، قاطع و پیرنگ است. مساجد و نمازهای جمعه، نقطه شروع اعتراضات بوده، شعار الله اکبر، شعار همیشگی و اصلی آنان است. در مصر، اخوان المسلمین، در تونس، جنبش رنسانس اسلامی، در

اردن، جبهه عمل اسلامی، در یمن، ائتلاف برای اصلاحات، در مراکش، حزب عدالت و توسعه و در بحرین، جنبش الوفاق فعال اند. در برخی از این کشورها اسلام گرایان، رهبری حرکت را در اختیار دارند، آنها واجد شرایط در دست گرفتن حکومت اند؛ زیرا سازمان یافته تر از دیگران و دارای تجربه اند و در بسیج عمومی قوی بوده، از طرف شبکه گسترده ای از طرفداران حمایت می شوند.

محورهای مختلف در بازتابهای نظری و عملی انقلاب اسلامی ۲۰۱۰
۲. در کشورهایی مانند مصر و تونس که با دادن وعده انتخابات، مردم تا حدودی آرام شده اند، و حتی در لیبی که غرب مزورانه خود را با قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل وارد ماجرا کرده غرب در یک سردرگمی و ترس درباره آینده فرو رفته است؛ آینه ای که ممکن است اسلام گرایان قدرت را به دست بگیرند. تسخیر سفارت رژیم صهیونیستی در قاهره، این ترس و سردرگمی را شدت بخشیده است.

۳. این انقلابها و ناآرامی ها رژیم صهیونیستی، آمریکا و اروپاییان را ترسانده است؛ زیرا در این مناطق، چهار نوع حیطة منافع برای آنها وجود دارد که همگی با مشکل مواجه شده اند:

۳- ۱. امنیت رژیم صهیونیستی؛ ۳- ۲. همسایگی اروپا با شمال آفریقا؛ ۳- ۳. نفت و انرژی؛ ۳- ۴. رژیم های طرفدار غرب.

میزان تغییرات سیاسی آینده در جهان عرب بسته به نوع کشورها، می تواند متفاوت باشد. در هر حال، در آینده، شاهد تغییراتی در جغرافیای سیاسی جهان عرب و منطقه خاورمیانه خواهیم بود که تفاوت های بسیار آشکاری با آنچه امروز می بینیم خواهد داشت. در حالی که غرب و به ویژه آمریکا نتوانست «خاورمیانه بزرگ» و جدید مورد نظر خود را به منظور سیطره بیشتر و مطمئن تر اقتصادی، سیاسی و راهبردی پدید آورد، اکنون جهانیان شاهد درس گیری مردم منطقه از انقلاب اسلامی ایران یعنی درس اسلام خواهی، استقلال و حکومت مردمی هستند و این امر نویدبخش ایجاد خاورمیانه جدید مبتنی بر اسلام می باشد.

ج) بازتاب انقلاب اسلامی در سایر مناطق و کشورها

۱. در افغانستان، به دلیل اشتراک فرهنگی و زبانی، تاثیربخشی انقلاب اسلامی حتی پیش از پیروزی آغاز شد و در مقاومت مردم در برابر کودتای کمونیستی طرفدار شوروی نورمحمد تره کی و سپس حفیظ الله امین نمود یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی، بیشتر گروههای شیعه (هشت گانه) و سنی (هفت گانه)- انقلاب اسلامی ایران (رهیافت فرهنگی)

مجاهد افغانی، با الهام از انقلاب اسلامی نام اسلام را حمل می کردند که بی تردید، تاکید این گروهها به اسلام، تحت تاثیر انقلاب اسلامی صورت گرفته بود.

۲. در پاکستان، پیروزی انقلاب اسلامی ایران باعث ارتقای سطح فکری و بینش سیاسی نسل جوان شیعه و پیدایش «نهضت اجرای فقه جعفری» گردید که دارای افق مشابهی با انقلاب اسلامی است. بیشتر جمعیت اهل تسنن پاکستان نیز به انقلاب اسلامی ایران به دیده احترام می نگرند و خود را در چنبره فرقه های وهابی مانند «سپاه صحابه» گرفتار نکرده اند. در عین حال، مسئله فرقه گرایی در پاکستان - که از سوی برخی رژیم های عرب منطقه مانند عربستان سعودی حمایت می شود - عاملی در جلوگیری از تاثیربخشی بیشتر انقلاب اسلامی در این کشور بوده است."

محورهای مختلف در بازتابهای نظری و عملی انقلاب اسلامی
۳. در کشمیر، که آن را به دلیل فرهنگی - تاریخی ایران صغیر» خوانده اند نیز، شعارهای انقلاب اسلامی در ناآرامی ها به چشم می خورد. به ویژه اهالی «کشمیر آزاد» شدیداً طرفدار انقلاب اسلامی اند.

۴. در آسیای مرکزی، از جمله در کشورهای تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان، تحت تاثیر انقلاب اسلامی حرکت هایی پدید آمد. حضور اسلام گرایان در دره فرغانه مشهور است؛ هرچند، حضور چریکهای وهابی ناشی از تاثیر حرکت طالبان نیز در این منطقه دیده شده است.؟

در سالهای ۱۹۹۴ - ۱۹۸۷م و شروع بحران فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در ازبکستان تعداد مساجد از ۸۷ به حدود سه هزار و تعداد مدارس دینی از دو به پنجاه مدرسه رسید. در همین مدت در قرقیزستان تعداد مساجد از ۳۴ به هزار مسجد رسید. صفوف متراکم نماز جماعت در ماه رمضان، برگزاری نماز عید فطر با جمعیت انبوه، فعالیت گسترده مبلغان دینی، چاپ و توزیع گسترده قرآن و کتابهای دینی و حتی نصب برچسب هایی با کلمات دینی روی اتومبیل ها از علائم گسترش تجدید حیات اسلام در این دوره است.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در پایان سال ۱۹۹۱م، فضای گرایش به اسلام را در این منطقه تسریع کرد. یکی از احزابی که در هیچ یک از پنج جمهوری آسیای مرکزی اجازه فعالیت ندارد، «جنبش احیای اسلامی» است که به دنبال تاسیس یک حکومت دینی در منطقه بود. فعالیت عمده این حزب در ازبکستان، تاجیکستان و تا حدودی قرقیزستان متمرکز است. طرفداران فعال آن تنها در ازبکستان حدود ۵۰ هزار نفراند. این حزب، مخالف گرایش ملی گرایانه و قومی است.

دو حزب اسلامی التحریر و جنبش اسلامی ازبکستان، هم اکنون فعال ترین احزاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران (رهیافت فرهنگی)

ازبکستان اند. در ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان با حزب التحریر مقابله شده است. این حزب معتقد است که جامعه نیازمند تهذیب اخلاقی است که با رجوع کامل به ارزشهای اسلامی، در چارچوب یک دولت اسلامی قابل تحقق است. مرکز عمده حزب التحریر دره فرغانه است.

در ازبکستان جنبش اسلامی ازبکستان، حزب عدالت اسلامی و حزب دموکراتیک اسلامی نسبتاً فعال اند؛ اما همه آنها غیر قانونی هستند.

قزاقستان و قرقیزستان، بیشتر تحت تاثیر مناطق جنوبی خود در مرز تاجیکستان و ازبکستان بوده، تنها حزب فعال اسلامی قرقیزستان حزب الاش با گرایشهای ترکی است که فعالیتش ممنوع است.

در ترکمنستان فعالیت گروه های اسلامی مختص منطقه خوارزم است؛ اما محدودیت های شدید و ویژگیهای قومی - فرهنگی ترکمنها، فضای زیادی برای اسلام گرایان ایجاد نکرده است.

در تاجیکستان دو حزب عمده احیای اسلامی و نهضت اسلامی فعالیت داشته اند که دومی پس از جنگ داخلی، در چارچوب قانون اساسی به رقابت پرداخته است.

۵. در قفقاز، چه قفقاز تحت حاکمیت روسیه، یعنی جمهوری های مسلمان نشین این کشور مانند چچن، داغستان، بالکاریا و اوستیای شمالی - که در مبارزه با روسها سابقه ای طولانی داشته اند. و چه قفقاز جنوبی، یعنی جمهوری آذربایجان، انقلاب اسلامی بازتاب داشت که در جمهوری آذربایجان، این حرکت در حزب اسلامی جمهوری آذربایجان تجلی یافت. مقاومت های مردمی کنونی (۱۳۹۰ش) در این کشور مقابل الزامی شدن کشف حجاب در مدارس، دانشگاهها و غیره نیز حاکی از چنین تاثیری است.

۶. در کشور نفت خیز نیجریه در غرب قاره آفریقا، انقلاب اسلامی توانسته است یک تغییر فرهنگی بزرگ ایجاد نماید؛ از جمله گرایش میلیونی مردم این کشور به مذهب شیعه که محورهای مختلف در بازتابهای نظری و عملی انقلاب اسلامی میتواند در آینده منشا تاثیرات مهم سیاسی فرهنگی در داخل نیجریه و منطقه مرکز ی و غربی آفریقا باشد.

۷. در ترکیه نیز تاثیر انقلاب اسلامی در گرایش مردم ترکیه به اسلام، ضدیت با صهی

و نایسم و رای دهی به احزاب دارای گرایش اسلامی به خوبی نشان میدهد.
گفتار چهارم:

بازتاب انقلاب اسلامی بر سایر مسائل

الف) بازتاب انقلاب اسلامی بر دولتها و نخبگان سیاسی در جهان اسلام

گسترش جو اسلام گرایی ناشی از وقوع انقلاب اسلامی ایران بر دولتها و نخبگان سیاسی در جهان اسلام تاثیر نهاده، در تغییر بعضی حکومتها و پیوند آنها با اسلام (مانند به قدرت رسیدن عمرالبشیر در سودان و اعلام تشکیل نظام اسلامی در پاکستان)، ورود اسلام گرایان به پارلمان (مانند حزب الله لبنان و اخوان المسلمین اردن و مصر)، تغییر در ایده های برخی شاهزادگان و خط مشی های سیاسی و بین المللی دولتها (مانند عربستان سعودی، قطر، کویت و غیره) و تشکیل دولت توسط احزاب اسلامگرا (مانند ترکیه نمود یافته است).

ب) بازتاب انقلاب اسلامی بر سازمانهای بین المللی

حضور و مواضع ایران انقلابی نقش به سزایی در تصمیمات و قطعنامه های سازمانهای بین المللی مانند جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان کشورهای صادر کننده نفت اوپک و اکو داشته است. نقش و تاثیر ویژه ایران در برخی ارگانهای وابسته به سازمان ملل متحد، مانند مجمع عمومی و سازمان علمی - فرهنگی ملل متحد (یونسکو) نیز، در خور توجه است.

همچنین، ایران در سالهای اخیر به عضویت ناظر برخی سازمانهای بین المللی مانند سازمان پیمان شانگهای» در آمده، تمایل خود به تبدیل عضویت ناظر به عضویت کامل را اعلام داشته است.

از سوی دیگر، غرب به ویژه آمریکا در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره سعی کرده است از نفوذ خود در سازمانهای بین المللی بر علیه ایران اسلامی استفاده نماید. نمونه آن صدور چهار قطعنامه ضدایرانی در شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره برنامه صلح آمیز هسته ای کشور ماست. همچنین، آمریکا با مواضعش مدام در تلاش برای همراهی با «اتحادیه اروپایی» - مثلا در قضیه تحریم فروش بنزین به ایران - بوده است.

رای پیاپی جنبش عدم تعهد در دفاع از برنامه صلح آمیز هسته ای ایران و پیش از آن، افزایش قیمت جهانی نفت، حاکی از تاثیر تلاش های ایران در سازمانهای بین المللی بوده است.

ج) بازتاب انقلاب اسلامی بر الهیات رهایی بخش در آمریکای لاتین

آمریکای لاتین به دلیل صدها میلیارد دلار بدهی خارجی و وابستگی اقتصادی و فقر شدید، از دهه ۱۹۶۰م شاهد پناه بردن مردم به کلیساها و سیاسی شدن کشیشان و ظهور انجمن های مسیحی بسیاری است که افکار سیاسی دارند.

وقوع انقلاب اسلامی باعث گسترش گرایش به دین در جهان و سیاسی شدن نسبی معتقدان به ادیان دیگر (غیر مسلمانان) گردید و حرکت الهیات رهایی بخش مسیحی در آمریکای لاتین را تشدید کرد.

سوموزا، دیکتاتور سرنگون شده نیکاراگوئه در انقلاب ۱۹۷۹م این کشور، ضمن تاکید بر نقش کشیشان در این انقلاب، به وجود ارتباط بین انقلابیان نیکاراگوئه و ایران اشاره نموده و گفته است، کشیش هایی که در انقلاب نیکاراگوئه نقش داشتند، پیش از پیروزی این انقلاب به ایران رفت و آمد می کردند و با امام خمینی ملاقات می نمودند؟

همچنین، فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا، در مصاحبه با فری بتو که تحت عنوان محورهای مختلف در بازتابهای نظری و عملی انقلاب اسلامی «فیدل کاسترو و مذهب» چاپ شده است، به وجود مسیحیت سیاسی شده در زمان حاضر اشاره می کند.

در چند سال گذشته، با تشدید جو ضد غربی در آمریکای لاتین، کشورهایی مانند نیکاراگوئه، ونزوئلا، برزیل، پرو، بولیوی و اکوادور روابطی بسیار دوستانه با کشور ما برقرار نموده اند. این امر بیانگر مخالفت روزافزون با آمریکا و مجموعه غرب در منطقه آمریکای لاتین (آمریکای مرکزی و جنوبی) است که زمانی حیات خلوت آمریکا تلقی می شد.

د) بازتاب انقلاب اسلامی بر چهره عمومی جوامع اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شاهد تغییرات در خور توجهی در چهره ظاهری جوامع در کشورهای اسلامی و رفتارهای عمومی آنها، و حتی در میان مسلمانان در کشورهای غیراسلامی از قبیل گسترش حجاب اسلامی، گرایش بیشتر به شرکت در مراسم مذهبی و رعایت تکالیف دینی بوده ایم. این امر را حتی در کشورهای دوردست آسیایی مانند اندونزی، مالزی و در اروپا و آمریکا نیز می توان مشاهده کرد.

در شرایط جدید ایجاد شده، مسلمانان در مناطق مختلف جهان مقابل محدودیت هایی که تعدادی از دولت ها در زمینه رعایت حجاب اسلامی ایجاد می کنند، ایستادگی نموده و این موضوع را به چالشی برای ادعاهای آزادی و دموکراسی آنها تبدیل نموده اند.

جهان غرب نیز نگرانی خود را از مشاهده این تغییر در ظاهر جوامع مختلف در اثر گرایش روزافزون به اسلام و اجرای اعتقادات اسلامی پنهان ننموده و در رسانه ها و نوشته های مختلف به انتقاد از آن پرداخته است.

براساس نوشته منابع مختلف، تنها در فرانسه که در سال ۱۹۷۰م فقط ۳۳ مسجد وجود داشت، تعداد مساجد به ۱۶۰۰ عدد رسیده و در سال ۲۰۰۸م بیش از ۲۵۰۰۰ نفر از این کشور، به حج رفته اند که از رقم مربوط به کشور اسلامی مراکش بیشتر است. همچنین وجود ۵۵۰۰۰ سایت در مورد امام خمینی در اروپا نشان میدهد ایران اسلامی ذهن غرب را به خود مشغول کرده است. تاسیس و گسترش موسسه های مذهبی همسو با انقلاب اسلامی ایران نیز در غرب به شدت افزایش یافته است. در حالی که در سال ۱۹۷۶م تنها ۲۰ موسسه اسلامی در فرانسه ثبت شده بود، اکنون در این کشور چندین حوزه علمیه و ۳۰۰۰ موسسه محلی مسلمانان وجود دارد.^۲

ه) انقلاب اسلامی و کنفرانسها و مراکز پژوهشی

وقوع غیرمنتظره انقلاب اسلامی با ماهیت دینی و بازتاب های منطقه ای و جهانی آن، باعث پیدایش مراکز پژوهشی و برگزاری همایش های متعدد برای شناخت اسلام به ویژه، مذهب تشیع، انقلاب اسلامی، امام خمینی و ایران شده است و تاکنون برای این معرفی و شناخت، هزاران اثر شامل کتاب، رساله دانشگاهی، مقاله و غیره به رشته تحریر در آمده است؛ به گونه ای که اشراف بر این حجم وسیع از نوشته ها کاری دشوار بوده، این امر برخی نویسندگان را به دسته بندی این آثار ترغیب نموده است.^۳

در این فصل به بازتابهای عینی و مشاهده پذیر انقلاب اسلامی اشاره شده است. به گونه ای دیگر، بزرگترین بازتابهای جهانی انقلاب اسلامی ایران را می توان در موارد ذیل یافت:

.. افزایش گرایش به مذهب در جهان، به طوری که اسلام به سریع ترین دین در حال گسترش در جهان از جمله در اروپا تبدیل شده است؛

۲. شکستن ابهت قدرتهای جهانی و نشان دادن عدم توانایی مقاومت قدرتها، هرچند قوی، مقابل یک ملت معتقد، مسلمان و مصمم

۳. حرکت مسلمانان از حاشیه به متن و صحنه سیاسی؛

۴. زنده شدن امید به توسعه و رشد مستقل در کشورهای جهان سوم و درک این مسئله که بازی سلطه جهانی را می توان برهم زد، چه از طریق استقلال طلبی و چه توسعه علمی فناوری مستقل و غیر وابسته.

فصل دوم:

انقلاب اسلامی؛ نظام بین الملل و

آینده غرب

گفتار اول: نظام بین المللی دو قطبی؛ از استحکام تا فروپاشی گفتار دوم: انقلاب اسلامی و آینده غرب

مقدمه رخداد و پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ نه تنها به حاکمیت یک نظام مستبد و وابسته به قدرتهای خارجی پایان داد، بلکه نظامی مردم سالار آفرید که از یک سو بر افکار عالی فرهنگی و تاریخی ملت ایران، یعنی نقش کلیدی دین در سیاست استوار است و از سوی دیگر بنا بر وظیفه دینی خود، مبارزه با قدرت های سلطه گر جهانی و دولت های وابسته به آن، و در حقیقت برهم زدن بازی سلطه جهان ی از طریق افشاگری و آگاه کردن ملتها، و تلاشهای علمی و پیشرفت های فناوری را در مرکز توجه خود قرار داده است.

این فصل بر آن است تا با نگاه به تحولات و رویدادهای ۳۲ سال گذشته و مقایسه وضعیت نظام جهانی در زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران و آنچه امروزه در این باره می بینیم، راه را برای شناخت عملی تر احتمالات منطقی آینده نظام جهانی بگشاید.

توضیح دو مفهوم

قبل از ورود به مباحث این فصل لازم است درباره دو واژه «نظام بین الملل» و «راهبرد» توضیح مختصری داده شود.

یک. نظام بین الملل واژه نظام هم برای بیان نوع نظم و ساختار داخلی کشورها، و هم در بیان شرایط بین المللیه کار می رود؛ هرچند این دو کاربرد باهم تفاوت های آشکاری دارند. نظام بین الملل دارای تعداد زیادی از بازیگران مستقل یا ظاهرا مستقل - دولت ها، سازمانهای بین المللی و غیره است که با توجه به عقیده و قدرت خود و

بر مبنای تعریف خود از منافع ملی، با یکدیگر تعامل با درگیری دارند.

بدین ترتیب، برخی صاحب نظران، مانند مورتون کاپلان انواعی از نظام های بین المللی در دوره جدید را برشمرده اند؛ مانند نظامهای چندقطبی، دوقطبی و تک قطبی. در نظام های دوقطبی و چند قطبی، استفاده از واژگانی مانند توازن قوا، جنگ سرد، تشنج زدایی با اصطلاحا دتان و غیره مرسوم است.

یکی از ویژگی های بارز نظام بین المللی در قرن های اخیر، سلطه استعماری دولت های غربی بر کشورهای جهان سوم (آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین) در نظام های بین المللی چندقطبی یا دوقطبی بوده است.

نظام های بین المللی ممکن است در اثر تغییر و تحولات سیاسی جهانی، تغییر در روابط قدرت در سطوح منطقه ای و جهانی، پیدایش قدرتهای چالش برانگیز بزرگ از طریق رخداد انقلاب و غیره، دستخوش تغییرات در ابعاد گوناگون شده، این امر پیام آور نظمی جدید مبتنی بر یک آرمان و عقیده های جدید در روابط بین الملل باشد.

یک نظام جهانی ممکن است، با توجه به قدرت منطق چالشگرانی که نقاط ضعف و آشفتگیهای نظری و عملی اندیشه حاکم بر آن نظام را به خوبی افشا می کنند و خواستار جایگزینی نظامی بهتر و کارا تر به جای نظم موجود هستند، مقبولیت خود را در افکار عمومی جهانی از دست دهند و شرایط برای تغییر کلی نظام جهانی فراهم شود.

باید تاکید کنیم که تغییر در نظام های جهانی ممکن است با تحولات و الزام هایی آغاز شود که به پذیرش تغییر در راهبرد و سیاست دولت ها و بازیگران اصلی نظام بین المللی بیانجامد و این تغییرات، در نهایت، باعث یک تغییر کلی در نظام بین المللی شده، نوع و شکل آن را تغییر دهد.
دو. راهبرد

این واژه که ابتدا در امور نظامی به کار میرفت، معادل کلمه strategy به معنای روش و راه دستیابی به هدف یا اهداف تعریف شده بوده، امروزه برای هر ساختار و سازمان با اهمیتی به ویژه در روابط بین المللی به کار میرود. دولتها و قدرت های تاثیرگذار در نظام بین المللی برای دستیابی به اهداف تعریف شده خود می کوشند کوتاه ترین و کم هزینه ترین راه را برگزینند.

راهبرد برای یک مرحله تعریف می شود و ممکن است با تغییر شرایط و ورود به مرحله دیگر دچار تغییر گردد. راهبرد دولتها و بازیگران بین المللی، با توجه به شرایط، ممکن است جهانی و یا منطقه ای باشد.

توجه به دو نکته دیگر نیز لازم است:

۱. راهبرد قدرت های جهانی در شرایط اقتدار، جهت دستکاری جهانی، فعال و در شرایط ضعف و فترت، جهت تضمین موجودیت خود، منفعل خواهد بود.

۲. چنانچه تحولات و تغییراتی که تغییر در راهبرد قدرتها را الزامی می کند، درون تمدنی باشند، ممکن است تغییر نظام جهانی زودتر از زمانی که چالش گران نظام جهانی برون تمدنی اند، اتفاق بیفتد؛ آشکار است، در این وضعیت، تغییرات ایجاد شده به معنای شکست کامل یک هویت یا تمدن نخواهد بود و تنها، تقسیم جدید درون تمدنی ایجاد خواهد کرد.

گفتار اول:

نظام بین المللی دو قطبی؛ از استحکام تا فروپاشی

الف) نظام بین المللی در زمان رخداد انقلاب اسلامی

تا پیش از جنگ جهانی دوم، تعدادی از دولتهای اروپایی قوی تر، یک نظام چند قطبی مبتنی بر استعمار قدیم پدید آورده و بر آن مسلط بودند. آنها در این نظام، بیشتر کشورهای جهان سوم را میان خود تقسیم نموده، بیشتر، با حضور نظامی مستقیم و به کارگیری افسران خود، بدون استفاده در خور توجه از افراد بومی در اداره آن کشورها، بر آن سرزمینها حکومت می کردند. به این وسیله دولتهای مزبور، تقریباً تمام قاره های آفریقا، آمریکای جنوبی و مرکزی و بخشهای وسیعی از قاره آسیا، از جمله شبه قاره هند، آسیای غربی، خلیج فارس و شرق آسیا را در اشغال مستقیم نظامی خود داشتند.

در این شرایط، در تعدادی از کشورهای جهان سوم از جمله در کشور ما، به دلیل های فرهنگی و تاریخی و رقابت استعماری بیگانگان، از جمله انگلیس و روسیه در این منطقه، سلطه بیگانه از طریق حضور مستقیم و مداوم نظامی امکان پذیر نبود؛ از این رو، استعمارگران نمیتوانستند از روش استعمار قدیمی مبتنی بر اشغال نظامی، استفاده کنند. با وقوع جنگ جهانی اول، انقلاب سال ۱۹۱۷م در روسیه و جنگ جهانی دوم، شرایط جهانی تغییر نمود؛ این حوادث زمینه ساز ورود به عصر نظام دو قطبی گردید که در یک طرف آمریکا و مجموعه کشورهای غربی و در طرف دیگر، اتحاد جماهیر شوروی نوظهور و اقمارش قرار داشتند. همچنین، رشد حرکت های رهایی بخش در بیشتر سرزمین های استعمار زده

۲۱۸ - انقلاب اسلامی ایران (رهیافت فرهنگی) پیش گفته، به استعمار قدیم پایان داد

و حکومت های مستقل یا ظاهرا مستقل پدید آمدند. در این شرایط، رقابت دو بلوک سیاسی جدید - غرب لیبرال به رهبری آمریکا و شرق کمونیست به رهبری شوروی - بسیاری از دولت های تازه استقلال یافته را به عنوان کشورهای اقماری و وابسته وارد این دو اردوگاه نمود؛ و به ویژه استعمار در تعدادی از کشورها به شکلی جدید رخنه و نفوذ نموده، آنها همچنان عقب مانده و وابسته باقی ماندند.

همزمان با جنگ سرد مسکو - واشنگتن، یک جنگ سرد شدید دیگر، بر سر رهبری رژیهای مارکسیستی بین دو قدرت اصلی کمونیست به نام جنگ سرد مسکو - پکن جریان داشت که ناشی از اختلافات ایدئولوژیک میان لنینیسم و مائوئیسم که به ترتیب به مارکسیسم روسی (مبتنی بر نقش کارگران شهری) و مارکسیسم چینی (مبتنی بر نقش روستاییان و دهقانان بر مبنای شرایط کشور خود تاکید می کردند، مسائل مرزی و علل دیگر بود. |

با مشخص شدن شکست آمریکا در ویتنام و رضایت آمریکا به دادن باجهای سیاسی بزرگ به چین در قبال میانجیگری میان آمریکای شکست خورده و مبارزان ویتنامی، به ویژه پس از مرگ مائو در سال ۱۹۷۶ و انتقال قدرت حزب کمونیست به گروه «روشنفکران با رنگ و لعاب پارسی» به رهبری آقای تنگ شیائوپینگ، (امروزه نیز همچنان این گروه در چین قدرت را در اختیار دارند روابط چین و غرب به خصوص در زمینه سرمایه گذاری غرب در بنادر آزاد اقتصادی چین مانند بندر شانگهای، با توجه به نیروی کار ارزان در چین، گسترش یافت. به رغم گسترش این روابط، چینیها و آمریکاییها از نظر راهبردی، در میان مدت و درازمدت، یکدیگر را دشمن می پندارند و در آمریکا این دیدگاه وجود دارد که چین از دههای خفته ای است که نباید بی دار شود و تقسیم چین به چند دولت عقیده خوبی است.

بدین گونه، با وجود جنگ سرد میان شرق و غرب - که مواردی مانند بحران برلین، جنگ کره و جنگ ویتنام در نقاط اوج آن قرار گرفتند به یک موازنه قدرت میان این دو بلوک پدیدار شد که تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق، در آغاز دهه ۱۹۹۰م ادامه یافت.

کشور ما در سال های جنگ سرد به دلیل غیرمردمی بودن سردمداران رژیم پهلوی و توافق غرب به شرق، به بلوک غرب و به ویژه آمریکا وابسته گردیده، بعد از شکست آمریکا در نبرد ویتنام، بر مبنای راهبرد دو ستونی نیکسون به ژاندارمی این کشور گمارده شده بود. بدین ترتیب، وظیفه ای که آمریکا برای رژیم محمدرضا شاه تعیین نموده بود، پاسداری از منافع این کشور و مجموعه غرب در منطقه، و جلوگیری از ایجاد و گسترش حرکتهای ضدغربی بود.

در این شرایط در خود ژاندارم - یعنی کشور راهبردی ایران - انقلاب اتفاق افتاد؛ اما نه یک انقلاب وابسته به بلوک مقابل، بلکه انقلابی مستقل و مخالف بازی سلطه گرانه شرق و غرب با آرمانی نوین و حاوی راهی جدید در اداره امور داخلی و روابط بین المللی با توجه به مفاد و محتوای این آرمان الهی - از جمله استقلال واقعی از قدرت های بیگانه بر مبنای سیاست نه شرقی نه غربی، توسعه سیاسی در قالب نظام مردم سالاری دینی و توسعه علمی، فناوری و اقتصادی با تکیه بر برنامه های هدف دار و زمان دار و امکانات داخلی و برقراری عدالت در روابط بین المللی - مشخص بود که یک چالش بزرگ و بنیان برافکن برای قدرتهای سلطه گر جهانی در راه است.

ب) ایران و امنیت ملی آمریکا پیش از انقلاب اسلامی

موقعیت و اهمیت راهبردی ایران در مقاطع مختلف تاریخی باعث طمع کشورها و قدرتهای بزرگ منطقه ای و جهانی برای نفوذ یا سلطه بر این کشور بوده است. دلایل این اهمیت عبارت بود از:

۱. قرار داشتن بر سر راه اروپا به شبه قاره هند که مدت ها مورد منازعه دولتهای انگلیس، روسیه و فرانسه بود؛
۲. وجود ذخایر عظیم انرژی در منطقه خلیج فارس و در داخل مرزهای کشور و قرار گرفتن ایران در سراسر سواحل شمالی خلیج فارس و تنگه هرمز؛
۳. همسایگی با اتحاد جماهیر شوروی که در زمان جنگ سرد برای صدور ایدئولوژی و انقلاب مارکسیستی تلاش می کرد.

.. ایران حدود ۱۱۰ میلیارد بشکه ذخیره نفتی دارد که

۴/۱۰ درصد از نفت جهان و ۴/۱۴ درصد از نفت منطقه است. همچنین ایران با داشتن حدود پانزده درصد از ذخایر گاز جهان دومین دارنده منابع گاز پس از روسیه در جهان است. (امیر احمدی، «جایگاه استراتژیک ایران در بازار جهانی نفت»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۹۷ و ۹۸، ص ۸۲ و ۸۳ مجتهدزاده، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک، ص ۵۳: حافظ نیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، ص ۱۰۵)

پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا با توجه به قدرت نظامی و اقتصادی خود، به عنوان قدرت برتر، جانشین اروپایی ها در بسیاری از مناطق جهان از جمله خاورمیانه و ایران شد. موقعیت راهبردی و منابع غنی معدنی ایران، آمریکایی ها را به سوی خود جذب کرد و در خط مشی ها و دکترین های امنیتی آمریکایی جایگاه وی ژهای یافت.

در ژوئیه ۱۹۴۷م / ۱۳۲۶ش، جورج کنان، مسئول ستاد سیاست گذاری وزارت خارجه آمریکا در دولت هاری ترومن (۱۹۵۳ - ۱۹۴۷م)، در مجله فارن افیرز با نام مستعار «ای کس» مقاله ای تحت عنوان «منشا رفتار شوروی» نوشت که به زودی به صورت بیانی ه نیمه رسمی سیاست خارجی آمریکا در آمد و در نهایت در سیاست سد نفوذ آمریکا تجلی یافت. به موجب این سیاست، به تدریج چند پیمان دفاعی زنجیره ای (ناتو، سنتو و سیتو) از اروپا تا آسیای جنوب شرقی در اطراف شوروی ایجاد شد که بعدا آمریکایی ها ایران را نیز به عضویت حلقه میانی آن (سنتو) در آوردند.

آمریکا در جریان ملی شدن صنعت نفت ابتدا برای شکستن انحصار نفتی انگلیس در ایران از ملی شدن نفت ایران حمایت کرد، اما بعد به دلیل منافع امنیتی منطقیهای خود و نیز اطمینان یافتن از اینکه انگلیسیها سهم این کشور از نفت ایران را خواهند داد، مقابل نهضت ایستاد. اعتراض آیت الله کاشانی به سیاست آمریکا در اواخر دوره ترومن گویای تغییر موضع آمریکا است:

ما نمی خواهیم حکومت های خارجی در امور داخلی مان دخالت کنند ... آمریکا باید پیروی از سیاست انگلیس را کنار بگذارد. از این کار چیزی جز نفرت مردم دنیا به طور اعم و مردم ایران به طور اخص نصیبش نخواهد شد. بعد از روی کار آمدن آی زنهاور، چند مقام بلند پایه آمریکایی و انگلیسی طرحی با نام رمز آژاکس» تهیه کردند که رهبری آن با کرومیت روزولت بود؛ و سازمان سیا و اینتلیجنت سرویس انگلستان برای اجرای کودتا دست به کار شدند. بدین ترتیب، روزولت در پانزدهم تیر ۱۳۳۲ش با نام مستعار جیمز اف لاکریچ مخفیانه از مرز عراق وارد ایران شد. در دهم مرداد نیز ژنرال شوار تسکف - که قبلا مستشار نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران بود - وارد تهران شد. آنها در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با همکاری عوامل داخلی، علیه دکتر مصدق کودتا کردند. پس از کودتا، آیزنهاور پیام تبریکی به محمدرضاشاه فرستاد و به سرعت به تقویت نظامی، سیاسی و اقتصادی دولت زاهدی پرداخت.

آیزنهاور، تاکید زیادی بر کشورهای پیرامون شوروی، از جمله ایران داشت. از دیدگاه آمریکاییها، جایگاه ایران در خط شمالی خاورمیانه، موقعیت این کشور را برای دفاع از این منطقه و دفاع مقدم از منطقه مدیترانه، و به عنوان پایگاهی برای حمله هوایی یا زمینی به درون شوروی حیاتی می ساخت. منابع نفت ایران و دیگر کشورهای خلیج فارس نیز برای بازسازی اروپای غربی و بالا بردن توان غرب در یک جنگ طولانی، نقش حیاتی داشت؛ از این رو در دوران حکومت آیزنهاور ایران نقش تعیین کننده ای در امنیت ملی آمریکا به دست آورده بود.

آیزنهاور در ۲۳ آذر ۱۳۳۸ش / چهاردهم دسامبر ۱۹۵۹م در دیدار شش ساعته از ایران،

سه بار بر نقش راهبردی ایران در حفظ ثبات منطقه تاکید ورزید.

تلاش آمریکا برای سهم بردن در نفت ایران با قرارداد هوارد پیچ - امینی " در ۲۸ شهریور ۱۳۳۳ - که بین دولت ایران و کنسرسیوم بین المللی نفت در تهران امضا شد - به ثمر نشست. براساس این قرارداد، ۴۰ درصد از سهام نفت ایران به شرکت انگلیسی ، ۴۰ درصد به شرکتهای آمریکایی، ۱۴ درصد به شرکت رویال داچ شل (هلندی - انگلیسی) و درصد به شرکت نفت فرانسه داده شد. اما دولت ایران کوشید این بخشش منابع ملی را پیروزی بر آمریکا و انگلیس بخواند. زاهدی، نخست وزیر کودتا، در جلسه مشترک هیئت دولت و روسای دو مجلس، ضمن دفاع از قرارداد مزبور، گفت، دولت ایران سر انگلیس و آمریکا کلاه گذاشته است؛ زیرا تا هفت هشت سال دیگر نی روی اتم جای نفت را گرفته و ذخایر نفت ایران بی مصرف خواهد ماند؛ بنابراین در این ده ساله هر چه از کنسرسیوم بگیریم وجهی بازیافتی است.

از سوی دیگر، در فوریه ۱۹۵۵م / بهمن ۱۳۳۴ش پیمان بغداد تحت عنوان قرارداد همکاری عراق و ترکیه با حمایت آمریکا و انگلیس امضا شد و پس از چندی پاکستان و سپس ایران نیز، بدان پیوستند. همان گونه که گفته آمد، این پیمان پس از وقوع کودتای ۱۹۵۸م در عراق و خروج این کشور از آن، به پیمان مرکزی یا سنتو تغییر نام داد.

جان. اف. کندی از حزب دموکرات آمریکا، از ژانویه ۱۹۶۱ تا نوامبر ۱۹۶۳م (سال ترور کندی) رئیس جمهور این کشور بود. او بر اصلاحات از بالا برای جلوگیری از وقوع انقلاب در جهان سوم و مسابقه تسلیحاتی گسترده با اتحاد جماهیر شوروی تاکید می کرد. ایران نیز در فهرست کشورهای قرار داشت که باید اصلاحات مزبور را اجرا می کرد. کندی در دکترین خود از مشاور امنیتی اش والت ویتمن روستو" و نظریه توسعه او الهام می گرفت. روستو در کتاب خود این جملات را آورده بود:

هم اکنون که این رساله را در دست تالیف دارم، نه به آمریکا بلکه به جاکارتا، رانگون، دهلی نو، کراچی، تهران، بغداد و قاهره می اندیشم. ۲. اما محمدرضا شاه در ابتدا در مقابل درخواست آمریکا برای انجام اصلاحات ایستادگی کرد. او معتقد بود، با قدرت پلیس و سازمان اطلاعاتی می توان هر حرکتی را از بین برد. وی در انقلاب اسلامی نظام بینالملل و آینده غرب انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با ارسال کمک های مالی در خور توجهی به صندوق انتخاباتی نیکسون (رقیب کندی) از او حمایت کرد

با اصرار کندی دکتر علی امینی - که به طرف داری از آمریکا شهرت داشت - به نخست وزیری رسید. از آن پس، رفت و آمدهای زیادی بین مقامات دو کشور در خصوص ادامه اصلاحات صورت گرفت. از جمله در فروردین ۱۳۴۱ش، شاه به آمریکا

سفر کرد. آمریکایی ها که از قول محمدرضا شاه با آنها در اجرای اصلاحات، راضی به نظر می رسیدند، دست او را در انتخاب نخست وزیر باز گذاردند و او یار مطمئن خویش اسدالله علم را به نخست وزیری برگزید و بدین ترتیب اصلاحات ارضی، تصویب نامه انجمنهای ایالتی و ولایتی و اصول انقلاب سفید» اجرا شد.

بعد از ترور کندی، جانشین او لیندون جانسون نیز، به موضوع اهمیت ایران در کسب منافع ملی و امنیتی آمریکا توجه زیادی داشت. احیای کاپیتولاسیون - که با واکنش شدید امام خمینی + مواجه و باعث تبعید طولانی مدت ایشان گردید. در همین زمان صورت گرفت.

پس از جانسون، ریچارد نیکسون از حزب جمهوریخواه از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴م رئیس جمهور آمریکا بود و در این سال به دنبال رسوایی واترگیت استعفا داد. قبل از به قدرت رسیدن او، تحولات بین المللی مهمی اتفاق افتاده بود که تغییر عمدهای در راهبرد امنیتی آمریکا در پی داشت؛ از جمله پیروزی های بزرگ نهضت های رهایی بخش در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، دستیابی شوروی به بمب اتمی، تصمیم انگلیس به خروج از شرق سوئز تا سال ۱۹۷۱م و از همه مهمتر، درگیری و شکست رسوایی آمریکا در جنگ ویتنام و نارضایتی مردم آن کشور از شرکت آمریکا در آن جنگ. همچنین، مجتمع های نظامی - صنعتی آمریکا برای فراهم آوردن زمینه صدور تسلیحات، به دولت فشار می آوردند

نیکسون در ۲۲ ژوئیه ۱۹۶۹م در راه سفر به فیلیپین در جزیره گوام، دکترین خود را چندین اعلام کرد:

گمان می کنم وقت آن رسیده باشد که ایالات متحده در زمینه مناسباتش با کشورهای آسیایی به دو نکته توجه کند: اولاً، ما به همه تعهدات قراردادی خود احترام خواهیم گذاشت؛ ثانیاً، تا جایی که مربوط به مسائل امنیت داخلی و مسائل دفاع نظامی باشد. صرف نظر از تهدید از جانب یک دولت بزرگ که مسلماً منجر به توسل به سلاح هسته ای خواهد شد - دولت آمریکا ملل آسیایی را تشویق می کند که مسائل امنیتی داخلی و دفاعی را بین خودشان

حل و فصل کنند و انتظار دارد خودشان این مسئولیت را به عهده بگیرند. وی در سخنرانی های بعدی خود نیز تکرار می کرد که آمریکا به کشورهای دیگر کمک خواهد نمود تا بتوانند از خودشان دفاع کنند.

براساس دکترین جدید، آمریکا دیگر در جنگ های محدود در اطراف شوروی مانند جنگ ویتنام شرکت نمی کرد و مسئولیت دفاع را به کشورهای منطقه وامی گذارد و

آنان را به انواع سلاحهای پیشرفته غیراتمی مجهز می نمود. بدین ترتیب، هم کارخانه های اسلحه سازی آمریکا رونق گرفت و هم از بدنامی شکست در جنگ ها و تلفات انسانی و مادی این امر دور ماند.

در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، نیکسون و وزیر خارجه اش کیسینجر، برای دفاع از منافع ملی و امنیتی آمریکا، بر رژیم شاه در ایران دست گذاشتند و آن را به صورت ژاندارم آمریکا در آوردند؛ البته به همان گونه که در فصل قبل آمد - ایران به عنوان ستون نظامی و عربستان به عنوان ستون مالی این دکترین در منطقه در نظر گرفته شدند.

تعدادی از علل مربوط به انتخاب ایران به عنوان ستون نظامی «راهبرد دو ستونی» عبارت بودند از: ۱. مرزهای طولانی ایران و شوروی ۲. عضویت ایران در پیمان سنتو؛ ۳. موقعیت راهبردی جغرافیایی ایران به دلیل قرار داشتن در سواحل شمالی منطقه مهم خلیج فارس و تنگه هرمز؛

۴. جمعیت زیاد ایران نسبت به سایر کشورهای منطقه؛ ۵. تنها متحد مطمئن رژیم صهیونیستی در منطقه؛ ۶. خصوصیات شخصی بلند پروازانه محمدرضا شاه.

جیمی کارتر از حزب دموکرات، آخرین رئیس جمهور آمریکا تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بود. کارتر برای ایجاد چهرهای مثبت از آمریکا و زدودن آثار مداخلات این کشور در جهان و تقویت و ایجاد ثبات در کشورهای وابسته به آمریکا، با ایده «حقوق بشر» پا به میدان گذاشت. اما همان گونه که پیش از این آمد، طرح مزورانه این مسئله از سوی آمریکا صرفاً برای اصلاح چهره جهانی اش بود که اقدامات بعدی کارتر این دروغ پردازی را افشا نمود.

کارتر نیز همانند روسای جمهور پیشین بر اهمیت ایران برای منافع ملی آمریکا تاکید می کرد. وی در دی ماه سال ۱۳۵۶ در سفر به تهران، ایران را «جزیره ثبات در یکی از پراشوب ترین نقاط دنیا» خواند و گفت: در مسائل مربوط به امنیت نظامی، دیدگاه های ما با هیچ کشوری به اندازه ایران نزدیک نیست.

همان گونه که پیش تر گفته شد، در زمان وقوع انقلاب اسلامی هر دو گروه حاضر در کاخ سفید - یعنی گروه سایروس ونس وزیرخارجه که سیاست های ملایم تری را تجویز می کرد و گروه برژینسکی، مشاور امنیت ملی کارتر که بر ایستادگی و برخورد قاطع با انقلابیان تاکید می کرد - بر منافع ملی و امنیتی آمریکا نظر داشتند و توصیه های خود را با هدف حفظ ایران در دستان آمریکا ارائه می دادند.

اما آمریکا به علتهای متعدد، نتوانست مانع پیروزی انقلاب اسلامی شود. تحلیل گران

، علت شکست آمریکا را ضعف اطلاعاتی سازمان سیا درباره ایران، درگیری آمریکا در مسئله کمپ دیوید، سیاست حقوق بشر کارتر و غیره دانسته اند؛ اما به نظر نگارنده، مهم ترین عامل شکست آمریکا را باید در نوع خاص انقلابی جستجو کرد که در ایران رخ داد؛ یعنی انقلابی اسلامی که برخلاف انقلاب های زمانه، به دلیل داشتن ماهیت مذهبی، به سرعت، با مشارکت گسترده مردمی، ابتکار عمل را از رژیم شاه و حامیان خارجی آن گرفت.

آمریکایی ها در پایان، به میانه روها در دولت موقت دل خوش کردند، اما سقوط این دولت نیز امید آنها را به یاس تبدیل کرد.

ج) انقلاب اسلامی و فروپاشی بلوک شرق

فروپاشی بلوک شرق مارکسیست در اوایل دهه ۱۹۹۰م به معنای فروپاشی نظام دوقطبی حاکم بر جهان نیز هست.

در تحلیل علل و عوامل فروپاشی بلوک شرق می توان انقلاب اسلامی و بازتابهای منطقه ای و جهانی را آن یکی از مهم ترین این علل برشمرد. انقلاب اسلامی حداقل از سه طریق در ایجاد زمینه های فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق تاثیر داشته است که عبارت اند از:

.. انقلاب اسلامی به منزله طلوعه نقش آفرینی دین در عرصه سیاسی - اجتماعی در دنیای موجود، فلسفه وجودی رژیم های مارکسیستی را - که بر چهره آنها هر مخالفت با دین نقش بسته بود - عملاً زیر سوال برد. حاکمان این رژیم ها با وقوع این انقلاب و بازتابهای آن در کشورهايشان - که این بازتاب ها به ویژه در قسمت های مسلمان نشین اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای بلوک شرق آشکارا دیده می شد - دریافته اند که نه تنها مبارزه طولانی با دین نتوانست مردم را از دین جدا نماید، بلکه با وقوع انقلاب اسلامی روح تازه ای در کالبد ملت های دیندار این مناطق دمیده شد و زنگهای خطر برای آنان به صدا درآمد.

۲. انقلاب اسلامی باعث پیدایش با فعال شدن اصول گرایی اسلامی در میان مسلمانان شد و بدین وسیله جای پای روسها و بلوک شرق در نقاط مختلف را به شدت تضعیف کرد. پیش از رخداد انقلاب اسلامی، احزاب و گروه های مبارز مارکسیستی زیادی، به ویژه در کشورهای اسلامی، در جهت دستیابی به اهداف منطقه ای روسها فعالیت می کردند که با پیروزی انقلاب اسلامی، احزاب، جنبشها و حرکت های اسلامی در نقاط مختلف، جایگزین گروه های مارکسیستی شده، قدرت و آرزوهای جهانی بلوک شرق بر باد رفت.

۳. تجربه تاریخی نشان داده است که روس ها در زمان جنگ توان مدیریتی شان به شدت کاهش می یابد و بسیار آسیب پذیراند. نمونه آن وقوع انقلاب سال ۱۹۱۷م روسیه بعد از شکست در جنگ جهانی اول است. مداخله نظامی روسیه در افغانستان نیز که اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با هدف جلوگیری از گسترش امواج این انقلاب در افغانستان، دروازه آسیای مرکزی، صورت گرفت، برای روسها نتیجه عکس داد؛ زیرا مجاهدین افغانی با الهام از انقلاب اسلامی به مقابله متهورانه با روسها پرداختند. با طولانی شدن این نبرد، این واقعه به زخم چرکین روسها تبدیل شد و آثار زیادی از خود بر جای گذارد که عبارت اند از:

۳- 1. پذیرش شکست سنگین از نوع شکست آمریکا در ویتنام که حیثیت روسها و رژیمهای مارکسیستی مدعی انقلابی و طرفدار ملل تحت استعمار غرب در جهان را بر باد داد؛

۳- ۲. تاثیر مجاهدین افغانی که خود، تحت تاثیر انقلاب اسلامی قرار گرفته بودند، بر نظامیان مسلمانی که از آسیای مرکزی و قفقاز به افغانستان آورده می شدند و گسترش و انتقال این تاثیرات با بازگشت آنها به شوروی در آن کشور؛

۳- ۳. ناتوانی اتحاد جماهیر شوروی در برآورده کردن هزینه های گزاف نبرد تسلیحاتی؛ با توجه به اینکه همزمان یک رقابت تسلیحاتی گسترده و بسیار پر هزینه میان دو بلوک جریان داشت.

همه اینها تنها در چند سال منتهی به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق مارکسیست رخ داد و بی تردید از ادله فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بوده است.

هرچند پس از فروپاشی شوروی و بلوک شرق مارکسیست، آمریکا تلاش زیادی به عمل آورد تا یک نظام جهانی تک قطبی با ویژگی قدرت مسلط نظامی، سیاسی و اقتصادی ایالاتمتحده بر جهان حاکم کند، سیاستمداران آمریکایی به زودی دریافتند، نه تنها استقرار چنین نظامی امکان پذیر نیست، بلکه شرایط بین المللی جدید و تغییرات در عرصه جهانی، در حال درگیر ساختن غرب در چالش های بزرگ اندیشه، منطق و قدرت است. آمریکا که تصور می کرد حادثه ۱۱ سپتامبر زمینه حمله نظامی و اشغال کشورها را برایش فراهم نموده است، آرام آرام به ویژه از زمان بحران اقتصادی ۲۰۰۷ که اکنون نیز ادامه دارد به ناتوانیش در استقرار نظام تک قطبی آگاه گردیده به مقابله با مشکلات خود مشغول گردید. البته این هویت استکباری همچنان به سلطه بر جهانیان فکر می کند.

گفتار دوم:

انقلاب اسلامی و آینده غرب

در گفتار قبل به فروپاشی نظام دوقطبی و تلاشهای نافرجام آمریکا برای ایجاد نظام تک قطبی اشاره گردید. اینک در این گفتار دلایل رفتارهای خشن و حجیم غرب علیه ایران اسلامی را مرور می کنیم.

تلاش های پیاپی غرب، به ویژه آمریکا علیه ایران اسلامی، بیانگر هراس آنان از اتفاق های ناخوشایند و نگران کننده ای است که ممکن است در آینده تحت تاثیر انقلاب اسلامی بر علیه ایدئولوژی، منافع و امنیت آنها به وقوع بپیوندد.

حجم بسیار گسترده و بی سابقه تبلیغات رسانه های غربی، به ویژه آمریکایی علیه ایران انقلابی، بازگو کننده همین امر است. در این راستا، آنان با استفاده از هر وسیله ای، آشکارا از کمک های اقتصادی خود به گروه های ضد انقلاب سخن گفته، خود، مستقیماً به راه اندازی رسانه ها و وسایل تبلیغاتی مانند شبکه های ماهواره ای و سایتهای اینترنتی می پردازند.

در این رابطه، هم‌نوا شدن رسانه های وابسته به آنها با یکدیگر که در کشورهای مختلف و به وسیله مراکز ظاهر متفاوت اداره می شوند، و تمرکز همزمان آنها بر موضوعات و سوژههای تبلیغاتی مشترک و همکاری در وارونه نشان دادن واقعیت ها و بزرگنمایی و کوچکنماییهای هدف دار آنها، دلیلی بر احساس ترس، ضعف و زبونی غرب و غالب شدن تصویری نامطلوب از آینده در اذهان دولت مردان غربی است.

امروزه جهان غرب بیشتر، مسیر بهره گیری از تحریم های سازمان ملل و حتی تحریم شرکتهایی که مراودات خاص و تعریف شده ای داشته باشند را مقابل ایران تعقیب کرده، در این زمینه از هیچ کوششی فروگذار نمی کند؛ هرچند، به دلیل شرایط جهانی و آگاهی دولت ها از اهداف غرب و تعارضهای راهبردی منافع آنها با منافع غرب، راه استفاده از تحریم علیه ایران برای غرب چندان هموار نبوده، تاکنون آنان نتوانسته اند پیشرفت شایان توجه ای در این باره داشته باشند.

با وجود دولتها و ملت‌های دیگری نیز در جهان که با سلطه گری و یک جانبه گراییهای آمریکا و سایر کشورهای غربی مخالفت می کنند، ایران انقلابی به عنوان استوارترین معارض این دولت‌ها ظهور نموده و غرب از اینکه بتواند با دادن امتیاز و معامله، با ایران کنار بیاید - روابطی که با دولت‌های دیگر در سالهای گذشته بارها دیده شده - ناامید شده، روند تحولات منطقه ای و جهانی آینده را نیز خوشایند نمی یابد.

در پاسخ به این سوال که آنان واقعا از چه در هراس اند، حداقل می توان با استفاده از سه دسته عوامل، به ترتیب زمانی و پیدایش و با تاکید بر تداوم نقش آفرینی آنان،

به ویژه نقش آفرینی عامل دوم، بدان پاسخ داد:

۱. نتایج از دست دادن رژیم وابسته پهلوی و کشوری راهبردی (ایران) در منطقه ای بسیار راهبردی و نفت خیز (خاورمیانه و خلیج فارس) که می توان آن را با ادله مختلف قلب جهان معاصر نامید؛ بعضی از این نتایج عبارت اند از:

ایجاد خلا امنیتی در منطقه به دلیل فروپاشی پیمان های منطقه ای سنتو و سیتو، رشد حرکت های استقلال خواه اسلام گرا و ضد غربی، تهدیدات روزافزون امنیتی برای رژیم صهیونیستی. تاکنون بخشی از نتایج اتفاق افتاده و بخش دیگر و مهم تر آن می تواند در آینده به وقوع بپیوندد.

به دلیل اهمیت راهبردی، ایران در جنگ جهانی دوم نقش بسیار مهمی در پیروزی متفقین بازی کرد و پس از پایان جنگ نیز، غرب با در اختیار داشتن ایران و حضور در این کشور تا حدود زیادی خیالش از حرکت های ضد غربی در منطقه آسوده بود.

۲. ماهیت، آرمان و بازتاب انقلاب اسلامی. برخلاف ایدئولوژی های تک بعدی در انقلاب های معاصر، مانند تاکید بر لیبرالیسم در انقلاب فرانسه، سوسیالیسم در انقلاب روسیه و ناسیونالیسم در انقلاب الجزایر، آرمان انقلاب اسلامی به دلیل دینی بودن، ابعاد گوناگونی دارد که عبارت اند از: خدایپرستی و ایمان، استقلال، برابری، آزادی و توسعه همه جانبه.

این امر که بیانگر ارائه یک راه جدید در اداره کشورها و روابط خارجی آنهاست، و از یک نظام مبتنی بر عدالت و نه سلطه قدرتهای جهانی در روابط بین المللی دفاع می کند، در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی توانست در سراسر جهان از تودهها تا نخبگان - حتی نخبگان سیاسی و در راس قدرت - طرفداران بیشماری بیابد. این امر چالشهای جدی ای در نقاط مختلف جهان برای غرب ایجاد نموده، و به مرور زمان بر شدت آن افزوده شده است.

بدین ترتیب، ماهیت، آرمان و رهبری انقلاب اسلامی توانست در نقاط مختلف جهان به ویژه جهان اسلام، حرکت های اصولگرایی اسلامی پدید آورده، یا حرکت های منفعل قبلی را فعال سازد؛ امری که اساسا با سلطه طلبی جهانی غرب در تعارض است. نگاه به ظهور و حضور جنبشهای اسلامی که در فصل قبل بیان گردید، بیانگر این واقعیت است.

در این میان، پیدایش برخی حرکتها و جنبشهای اسلامی برای غرب و وابستگانش خردکننده بود؛ مانند ظهور حرکت های اسلامی در فلسطین، لبنان و شمال آفریقا. غرب به دلیل گره زدن سرنوشت خود به سرنوشت رژیم صهیونیستی در سالیان طولانی

گذشته، با توجه به شکست های پیاپی این رژیم از گروه های اسلام گرای تحت تاثیر انقلاب اسلامی - مانند حزب الله لبنان، جنبش جهاد اسلامی فلسطین و جنبش مقاومت اسلامی «حماس» به آینده پرچالش و نامطمئنی خواهد داشت.

به این موارد باید گسترش روزافزون اسلام در مناطق جهان به ویژه جهان غرب و به طور اخص اروپا را نیز افزود.

۳. حقیقت این است که اگر از ویژگیهای غرب، توسعه علمی و فناوری را جدا کنیم، چیز با ارزشی از آن باقی نخواهد ماند. سلطه غرب بر سرزمین های دیگر تا حد بالا بی از طریق پیشرفت علمی ایجاد شده است. غرب رفاه خود را مدیون فروش کالاها و اقلام صنعتی بهدیگران است. یکی از اهداف انقلابهای معاصر و به ویژه انقلاب اسلامی ایران، استقلال و در سایه آن، رشد و توسعه علمی و فناوری بوده و امروزه پیشرفتهای علمی در کشور ما بر همگان آشکار است. ما توانسته ایم به برکت استقلال ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی به خوبی وارد روند رشد و توسعه علمی و فناوری شده، در خیلی از زمینه ها مانند فناوری فضایی، نانو، لیزر، تسلیحات، علوم پزشکی و هسته ای، دستاوردهای انکارناپذیری داشته باشیم.

پیشرفت های علمی - فناوری ایران از دو جهت برای غرب خطرناک است: اول توان تبدیل ایران به الگویی از پیشرفت بر مبنای استقلال برای جهانیان و پیروی کشورها ی دیگر از آن؛ و دوم دسترسی ملتها و کشورهای جهان سوم به دستاوردهای علمی ایران، بدون چشمداشتهای استعماری و استقبال سریع این کشورها از آن.

هر دو اینها برای غرب و آینده آن خطرناک خواهد بود. زیرا می تواند با ایجاد خلل در اهرم اصلی نفوذ غرب در جهان، یعنی سیطره از راه علم و فناوری، مانع ورود دلار نه هزاران میلیارد دلار به کشورهای غربی شود؛ درآمدی که باعث شکوفایی و رونق این کشورها میشود.

مسئله ایران هراسی نیز - که امروزه غرب در تبلیغات جهانی خود تعقیب می کند و جهانیان را از دستیابی ایران به سلاح های هسته ای و موشکهای بالستیک ایرانی می ترساند؛ موشکهایی که به گفته آنها قادر خواهد بود اروپا و سپس آمریکا را هدف قرار دهد - بسیار هدف دار، مزورانه و حساب شده است. پرواضح است که منبع اصلی سلاح های هسته ای و تهدید جهانی، خود غرب است و سلاحهای یک کشور نمی تواند تهدیدی برای همه دولتهای تا بن دندان مسلح بوده، این سلاح ها تنها به منظور بازدارندگی و نابودی مهاجمان به کشور به کار گرفته خواهد شد. دلیل تعقیب ایران هراسی توسط غرب را باید در نتایج سه عامل بیان شده دانست.

ناکامی روسای جمهور مختلف آمریکا در قبال ایران پس از انقلاب مروری بر دکتربینها و راهبردهای دولت های غربی به ویژه روسای جمهور آمریکا پس از انقلاب اسلامی، به خوبی ناکامی های پیاپی آنان را در رویارویی با ایران نشان میدهد. آنان تاکنون، با وجود اعمال انواع فشارها و تحریم ها علیه ایران انقلابی، نتوانسته اند به اهداف راهبردی خود دست یابند. موارد زیر در این باره فراموش ناشدنی است:

۱. در زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا با تشکیل نیروهای واکنش سریع، محاصره اقتصادی ایران و راه اندازی کودتای نافرجام نوژه، حمله شکست خورده به طبرس و تحریک عراق بر آغاز جنگ تحمیلی، به مقابله با ایران پرداخت که تلاش آمریکا در همه این موارد به شکست انجامید و راه را برای گسترش اصول گرایی اسلامی در جهان هموار کرد. یکی از ادله اصلی شکست کارتر در دوره دوم کاندیداتوری شکستهای پیاپی سیاست های آمریکا در قبال ایران بود. ۲. در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان، آمریکا با استفاده از راهبرد «جنگ

خفیف»، یعنی جنگی همه جانبه - اقتصادی، سیاسی، تبلیغاتی و فرهنگی - علیه دو دولت انقلابی ایران و نیکاراگوئه، شدیدترین تلاش ها را به کار گرفت؛ و هرچند به دلیل برخی مشکلات نیکاراگوئه، به طور موقتی توانست زمینه را برای پیشروی ضدانقلابیهای نیکاراگوئه به سوی قدرت باز کند، در ایران مجبور شد، رسوایی ایران گیت و التماس به ایران جهت برقراری رابطه را بپذیرد. انقلابیهای نیکاراگوئه نیز دوباره قدرت را در اختیار گرفتند؟

۳. در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون از حزب دموکرات، «راهبرد مهار دوگانه آمریکای»، یعنی مهار ایران و عراق به اجرا در آمد و وی برای ضربه زدن به حیثیت ایران، کشور ما را در کنار عراق، صدام حسین، قرار داد. |

مهمترین اهداف اعلام شده این راهبرد، تغییر در رفتار ایران در روند صلح خاورمیانه و قطع راهبردی خود دست یابند. موارد زیر در این باره فراموش ناشدنی است:

۱. در زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا با تشکیل نیروهای واکنش سریع، محاصره اقتصادی ایران و راه اندازی کودتای نافرجام نوژه، حمله شکست خورده به طبرس و تحریک عراق بر آغاز جنگ تحمیلی، به مقابله با ایران پرداخت که تلاش آمریکا در همه این موارد به شکست انجامید و راه را برای گسترش اصول گرایی اسلامی در جهان هموار کرد. یکی از ادله اصلی شکست کارتر در دوره دوم کاندیداتوری شکستهای پیاپی سیاست های آمریکا در قبال ایران بود. ۲. در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان، آمریکا با استفاده از راهبرد «جنگ

«خفیف»، یعنی جنگی همه جانبه - اقتصادی، سیاسی، تبلیغاتی و فرهنگی - علیه دو دولت انقلابی ایران و نیکاراگوئه، شدیدترین تلاش‌ها را به کار گرفت؛ و هرچند به دلیل برخی مشکلات نیکاراگوئه، به طور موقتی توانست زمینه را برای پیشروی ضدانقلابیهای نیکاراگوئه به سوی قدرت باز کند، در ایران مجبور شد، رسوایی ایران گیت و التماس به ایران جهت برقراری رابطه را بپذیرد. انقلابیهای نیکاراگوئه نیز دوباره قدرت را در اختیار گرفتند؟

۳. در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون از حزب دموکرات، «راهبرد مهار دوگانه آمریکا»، یعنی مهار ایران و عراق به اجرا درآمد و وی برای ضربه زدن به حیثیت ایران، کشور ما را در کنار عراق، صدام حسین، قرار داد. |

مهمترین اهداف اعلام شده این راهبرد، تغییر در رفتار ایران در روند صلح خاورمیانه و قطع کمک به سازمانهای فلسطینی و لبنانی مبارز، دست کشیدن از تکمیل نیروگاه هسته ای بوشهر و تعلیق فعالیت های هسته ای و ... بود. آمریکا در این زمان با تصویب «قانون داماتو» اعلام کرده شرکتهایی که بیش از ۴۰ میلیون دلار در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه گذاری کنند، تحریم خواهند شد. اما این راهبرد نیز - که در نبرد علیه ایران انقلابی شدیدتر از راهبرد قبلی بود - به رغم برخی مشکلاتی که به ویژه در زمینه اعطای وام از نهادهای بین المللی برای کشور ما ایجاد کرده راه به جایی نبرد.

۴. در دوره هشت ساله ریاست جمهوری جرج بوش از حزب جمهوریخواه آمریکا، وی از راهبرد حمله پیشدستانه «سخن گفت و ایران را در «محور شرارت» قرار داد، نبردهای افغانستان و عراق را با شعار «مبارزه با تروریسم» با هدف ترساندن دولت‌های مخالف آمریکا - در آن زمان از ۲۲ دولت نام برده می شد که مهمترین آن جمهوری اسلامی ایران بود - و زمینه سازی تبدیل نظام جهانی به یک نظام تک قطبی تحت سیطره آمریکا آغاز کرد. هرچند او توانست با دادن هدایای زیاد به کشورهای مختلف، چهار قطعنامه علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب برساند، این قطعنامه ها سودی در بر نداشت و او در دوره ریاست جمهوری اش آن قدر مشکل و رسوایی برای آمریکا به بار آورد که همگان منتظر رفتن او از کاخ سفید و خلاصی از دولت او بودند. او نیز شکست خورد و راهبرد خود را با خود برد و امروزه دیگر از نومحافظه کاران کاخ سفید به رهبری جرج بوش که شمشیر را از رو بسته و آشکارا از اینکه گزینه نظامی بر روی میز است سخن می گفتند، خبری نیست. در حالی که انقلاب اسلامی در سال های گذشته ثابت نموده که پایدار و جاودانه است.

این انقلاب توانست نقاب از چهره غرب بردارد، کارنامه غرب، از جمله نفع طلبی، خودپرستی، استعمار و سلطه بر جهان سوم را در جهان افشا کنند و روابط مبتنی بر استقلال و عدالت بین المللی را به عنوان جایگزین این روابط ظالمانه معرفی نماید.

نوشته حاضر تلاشی بود برای پاسخ گویی به دو سوال از سوال های اصلی مرتبط با انقلاب اسلامی ایران، یعنی زمینه ها، علل و عوامل وقوع و بازتاب جهانی آن. همان گونه که ملاحظه شد، رهیافت علمی در این کتاب در پاسخ گویی به هر دو سوال یک رهیافت فرهنگی است که به نقش عوامل جامعه شناختی، روان شناختی، سیاسی و اقتصادی نیز توجه کرده است. با این حال، نمی توان رهیافت این کتاب را چندعلتی خواند، زیرا در رهیافت های چندعلتی، بدون اینکه میزان نقش و اولویت هریک از عوامل مشخص گردد، تنها به این امر که چند مورد از این عوامل دارای نقش بوده اند بسنده میشود.

کتاب به دو بخش تقسیم شده است: | در بخش نخست که خود به چهار فصل تفکیک گردیده، پس از طرح رهیافت علمی کتاب، به معرفی و بررسی زمینه ها، علل و عوامل وقوع انقلاب اسلامی پرداخته شده است. در این باره، دوره حکومت صفویان به دلیل اهمیت تاریخی، فرهنگی و سیاسی در تاریخ معاصر کشور، به عنوان نقطه آغاز بررسی تاریخی برگزیده شده است. نتیجه این دوره، ورود روحانیت و نیروهای مذهبی به صحنه سیاست ایران بود که بعداً نیز به گونه های مختلف ادامه یافت.

بررسی زمینه ها و علل در دوره قاجار بیانگر آثار و نتایج ادامه دار دو حرکت قیام تنباکو و انقلاب مشروطه، بر صحنه سیاسی کشور بود. قیام تنباکو که از آن به عنوان تمرین انقلاب اسلامی یاد گردید، با نمایش قدرت علما مقابل حکومت و بیگانگان، در سراسر تاریخ بعد از خود و از جمله زمان وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی، تاثیر گذار بود. انقلاب مشروطه و به ویژه شکست آن نیز، حاوی درسهای فراموش نشدنی، به خصوص برای انقلابی های مسلمان ورهبری انقلاب اسلامی بود.

در دوره پهلوی، که در آن قدرت سیاسی و نیروی اجتماعی مقابل هم قرار گرفتند، این موارد حائز اهمیت بود:

۱. این رژیم بنابر شرایط جدید منطقه ای و منافع انگلستان پدید آمد و از ابتدا در مشروعیت خود مشکل داشت.

۲. اقدامات ضد فرهنگی پهلوی ها مانند کشف حجاب، اولین جرقه های ایستادگی مقابل آنها را شعله ور کرد.

۳. در زمینه دو حرکت ملی شدن صنعت نفت و قیام پانزده خرداد می توان گفت، شکست اولی به معنای خاموش شدن آرمانهای لیبرالی، و وقوع دومی به معنای آغاز حرکت بازگشت به فرهنگ و اعتقادات اسلامی بود که به انقلاب اسلامی انجامید.

۴. نتایج دو اقدام محمدرضا شاه در زمینه اصلاحات ارضی و بخش صنعت نیز، باعث افزایش نارضایتیها گردید. اصلاحات ارضی باعث مهاجرت گسترده به شهرها و وابستگی کشور به واردات مواد غذایی اصلی شد و برنامه های بخش صنعت نیز، به دلیل توجه به صنایع مونتاژ و مواد اولیه خارجی و نبودن نیروی انسانی بومی لا زم که ورود دهها هزار خارجی را به دنبال داشت نتوانست پیشرفتی در خور و شایسته برای کشور ایجاد نماید. این در حالی است که انقلابیهای مسلمان و رهبر کبیر انقلاب مدام از عقب ماندگی و وابستگی به واردات مواد غذایی اصلی انتقاد می کردند.

۵. ساخت استبدادی حکومت و وابستگی آن به بیگانگان نیز، به نوبه خود، در ایجاد نارضایتی نقش داشت.

۶. در انقلاب اسلامی نیروی اجتماعی را جنبه های مختلف توانایی و اقتدار منحصر به فردی از خود بروز داد.

آرمان انقلاب اسلامی از یک فرهنگ اسلامی اصیل تغذیه می کرد و دربرگیرنده همه عناصر مثبت آرمان های انقلابی دیگر بود. این آرمان از درون فرهنگ و هویت دینی مردم ایران به دست آمده بود و به سرعت، همگان را به سوی خود جذب کرد.

نتیجه

، حضرت امام +، با عمل بر مبنای تکلیف الهی و تاکید بر نقش مرجعیت عامه، با قاطعیت و اراده ای پولادین و راهبرد بهره گیری از همایش های میلیونی و عدم بهره گیری از سلاح، در فراهم کردن شرایط، وقوع، پیروزی و ثبات پس از پیروزی انقلاب نقش برجسته ای داشت.

به دلیل اسلامی بودن آرمان انقلاب و نقش رهبری امام خمینی + و نقش روحانیت سراسر کشور و تاثیر مسجد و مراسم و نهادهای مذهبی و شرایط دیگر، یک روحیه انقلابی عمومی عمیق و شدید و دربرگیرنده بیشتر ملت پدید آمد و انقلاب را تا پیروزی پیش برد. این روحیه بعد از پیروزی انقلاب هم تداوم یافت و در زمان جنگ تحمیلی بار دیگر به میدان آمده دشمن را ناامید ساخت. تداوم روحیه انقلابی همواره یکی از عوامل مهم بازتاب انقلاب اسلامی بوده است.

در رویارویی «قدرت سیاسی» و «نیروی اجتماعی» در زمان وقوع انقلاب، نیروی اجتماعی توانست، به رغم قوی بودن قدرت سیاسی از نظر اقتصادی، نظامی و حمایت بین المللی، ضمن به دست آوردن برتری بسیار قاطع، انقلاب را به پیروزی برساند.

فرهنگ در وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی، حداقل از شش جنبه تاثیرگذار بوده

است که عبارت اند از:

۱. ایجاد تصویری از حکومت حق و عدل در مسیر تاریخ، با توجه به اسطوره های دینی و آموزه های مذهبی؛

۲. تربیت رهبری آرمانی، معتقد و با اراده؛

۳. نقد شرایط و اوضاع نابسامان فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با توجه به آنچه قبلا از آن تحت عنوان ملاط دربرگیرنده آجرهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ساخت دیوار نارضایتی منجر به انقلاب یاد شد؛

۴. مقاومت مقابل تلاشهای ضدفرهنگی حکومت؛

۵- نقش مفهومی و تربیتی فرهنگ که در شهادت طلبی و فداکاری در راه آرمان بروز کرده است؛

۶. نقش مسجد، مراسم مذهبی و روزهای تاریخی و نقش تشکل های روحانیت. بدین ترتیب، با توجه به نقش های شش گانه فرهنگ، حرکتی مقتدر آفریده شد که رژیم شاه و حامیان خارجی اش را ناامید و در برابر حرکت انقلابی منفعل ساخته، تسلیم نمود.

بخش دوم کتاب به بازتاب جهانی انقلاب اسلامی اختصاص یافت و در دو فصل، وارد بحث بازتابهای انقلاب اسلامی گردید: نخست، با ورود نسبی به جزئیات، یعنی ورود نسبی به کشورها، سازمانها و افراد؛ و به صورت جهانی در این بخش نیز ضمن توجه به نقش رهیافت فرهنگی، بیان شد که انقلاب اسلامی در حیطه ها و قلمروها ی مختلف، از نظریه های سیاسی گرفته تا جنبش های آزادی بخش و راهبرد قدرتها و تغییر در نظام بین الملل، بر جهان معاصر تاثیر نهاده است و علت اصلی برخوردهای خشن کشورهای غربی به ویژه آمریکا با ایران اسلامی در سال های پس از پیروزی انقلاب تاکنون را باید در واکنش آنها به این تاثیرات جستجو کرد.

فرهنگ اسلامی و محتویات آن خود را در آرمان های انقلاب و رهبری شایسته امام راحل + و پس از ایشان رهبری حکیمانه حضرت آیت الله خامنه ای - مدظله العالی - نشان داده است.

آرمان، هدف، شعار و برنامه های انقلاب اسلامی که برای دنیای معاصر جذاب اند عبارت اند از: بازگشت به اسلام در سیاست، جامعه و زندگی، بنای دوباره تمدن اسلام ی، دوری از مادی گرایی و زندگی تک بعدی غربی، مبارزه با سلطه طلبی قدرت های جهانی، برقراری روابط عادلانه بین المللی، استقلال واقعی، توسعه غیروابسته، کمک به مظلومان و مستضعفان جهان و غیره.

با توجه به این موارد و رفتارهای منفعل غرب در سالهای گذشته، به نظر می رسد، امروزه غرب دریافته که دیگر مسیر آینده برایش هموار نیست و روند قضایا ناخوشایند خواهد بود. به عبارت دیگر، غرب توانا و دارای اعتماد به نفس گذشته دیگر وجود خارجی نداشته، می کوشند با حفظ وضع موجود، از ورود به مرحله ای بدتر که می تواند مشکلات شدید امنیتی و موجودیتی برای آنها پدید آورد، جلوگیری کنند.

موضوع این صفحات بررسی خاستگاه، زمینه ها و عوامل، نیروها، حوادث مهم، ماهیت و ایدئولوژی و برخی تمایزهایی است میان آنچه که امروزه به نام انقلاب های رنگی یا مخملی خوانده میشوند و اساسا در تعدادی از کشورهای جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی رخ داده اند و انقلابهای واقعی. در این بررسی با اشاره به مهم ترین تحولات بین المللی در قرن بیستم و حوادث پایانی این قرن، زمینه های داخلی این رخداد، متن بین المللی در زمان وقوع این حرکات بازگو شده، به نقش عوامل و تلاشهای خارجی در وقوع آنها اشاره می شود. سپس با معرفی نمونه های آشکار این انقلابها به طور خلاصه، به نقاط مشترک و تمایز آنها با انقلابهای واقعی توجه می شود.

الف) زمینه های بین المللی وقوع انقلاب های رنگی

قرن بیستم قرن جنگ و انقلاب نام گرفته است. نگاهی به فهرست رخدادهای این سده بیانگر وقوع پیایی این دو پدیده است: انقلاب مشروطه در ایران و ترکیه در آغاز قرن، انقلابهای ۱۹۱۱م در مکزیک و چین، انقلابهای ۱۹۱۷م در روسیه، جنگ های جهانی اول و دوم، جنگ کره، جنگ های متعدد رهایی بخش ضد استعماری در جهان سوم، از جمله در شبه قاره هند و شمال آفریقا و انقلابهای ۱۹۴۹، ۱۹۵۲، ۱۹۵۹، ۱۹۶۲، ۱۹۷۵ و ۱۹۷۹م، به ترتیب، در چین، مصر، کوبا، الجزایر، ویتنام، ایران و نیکاراگوئه. انقلاب ۱۹۱۷م در روسیه که سه عامل استبداد رومانفها، نابسامانی اقتصادی - اجتماع و نتایج نامساعد جنگها در وقوع آن موثر بودند، یکی از مهم ترین تحولات قرن بیستم بشمار میرود.

پیروزی ارتش شوروی همراه با سایر متفقین در جنگ دوم جهانی، پیش زمینه ای بود برای تبدیل این کشور به ابر قدرت و شکل دهی نظام بین المللی پس از جنگ. شوروی که در ابتدا از ارتش آلمان شکست خورده و بخش وسیعی از قلمروش به اشغال در آمده بود، با تمسک به بسیج عمومی و کمک متفقین توانست ضمن پیروزی بر آلمان ها در کشور خود و در هشت کشور اروپای شرقی، با بیرون راندن ارتش آلمان، نیروهای مسلح خود را مستقر و زمینه را برای تغییر رژیم آنها و استقرار رژیم مارکسیستی هموار نماید.

بدین ترتیب، مهم ترین مسئله بین المللی غرب بعد از پایان جنگ، جلوگیری از افزایش قدرت و مناطق نفوذ روسها بود. دو بلوک در یک جنگ سرد گسترده درگیر شدند و پیمان های دفاعی ناتو، سنتو، سیتو و ورشو ایجاد شدند و مواردی مانند مسئله برلن، ماجرای موشکی کوبا و جنگ ویتنام در نقاط اوج جنگ سرد قرار گرفتند. از این زمان تا زمان به قدرت رسیدن گورباچف در اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۸۵م)، رقابت گسترده تسلیحاتی بسیار پرهزینه ای بین دو بلوک ایجاد و ادامه یافت.

یکی از حوادث مهم و تعیین کننده در این دوره، شکست آمریکا در نبرد ویتنام (۱۹۷۵ - ۱۹۶۵م) بود که آن را «نبرد اذهان و قلبهای ویتنامی ها» نام نهاده بودند. این شکست که با قربانی شدن حدود ۵۱۰۰۰ آمریکایی و البته صدها هزار ویتنامی (و اهالی کامبوج و لائوس و خسارات زیاد پایان یافت، تاثیری فراموش نشدنی بر افکار عمومی آمریکا گذارد و شکست یک قدرت بزرگ از اراده ملی کشوری کوچک (ویتنام) را آشکار کرد و ضمن بستن راه دخالت دولتمردان این کشور در کشورهای دیگر، راهبرد مداخله نظامی آمریکا را به نتیجه راهبرد بهره گیری از ژاندارمهای منطقه ای تبدیل نمود؛ یعنی همان راهبردی که بر مبنای آن محمدرضا شاه نقش ژاندارمی آمریکا در منطقه را برعهده گرفت و توانست با کمک های آمریکا و برخی حکومت های منطقه، یک حرکت مارکسیستی ضد دولتی در ظفار، در آن سوی تنگه هرمز را از میان بردارد.

اما این راهبرد نتوانست خود ژاندارم را از خطر سقوط برهاند، به گونه ای که وقوع انقلاب اسلامی ایران بلوک غرب را کاملاً غافلگیر کرد. پیروزی این انقلاب با شعار نه شرقی نه غربی و نتایج و بازتابهای بعدی آن، نقش قاطع ای در تحولات دهه های پایانی قرن بیستم و آغاز قرن ۲۱ داشت.

انقلاب اسلامی از یک سو، بر جمهوری های جنوبی مسلمان نشین شوروی تاثیر نهاد و به ویژه در مقاومت مجاهدین افغانستان علیه نیروهای مداخله گر شوروی و شکست شوروی ها، نقشی قاطع ایفا کرد و از سوی دیگر، با کمک به بیداری اسلامی، باعث تشکیل حرکت های آزادی بخش اسلامی در کشورهای مسلمان نشین گردید که قبلاً با حرکت های مارکسیستی مواجه بودند. در نتیجه با به حاشیه راندن مارکسیست ها در مبارزه، جای پای روسها را تضعیف نمود و همراه با سایر زمینه ها و عوامل، یعنی دیوارهای آهنین استبداد، عقب ماندن از رقیب غربی در زمینه دانش فنی و تکنولوژی آن طور که میخائیل گورباچف در کتاب دومین انقلاب روسیه: پراستر ویکا گفته است، در گروه علل و عوامل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق مارکسیست قرار گرفت. همچنین با تشویق استقلال طلبی بر مبنای نقش مذهب، منافع غرب به ویژه آمریکا را در مناطق حساسی از جهان از جمله خلیج فارس،

شمال آفریقا، شرق مدیترانه و ... به چالش کشید و زنگ تهدید امنیت رژیم صهیونیستی که پل اصلی حضور غرب به ویژه آمریکا در منطقه است را به صدا در آورد.

در شرایط پس از فروپاشی بلوک شرق و اتحاد جماهیر شوروی، مشکلات و مسائل متعدد اقتصادی، قومی و سیاسی جمهوری های جدا شده از شوروی، زمینه مناسبی برای نفوذ غربی به خصوص آمریکا پدید آورد؛ بدین ترتیب، این مناطق شاهد مجموعه ای از حوادث و تحولات سیاسی و نفوذهای خارجی گردید؛ به ویژه که اکتشافات از وجود ذخایر بزرگ نفت و گاز طبیعی در دریای خزر حکایت داشت.

آمریکا با وقوع حادثه یازدهم سپتامبر، بهانه مناسبی برای گسترش حضور نظامی خود در خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز به دست آورد و تحت عنوان «مبارزه با تروریسم» و در راستای «راهبرد حمله پیشدستانه»، به اشغال کشورهای افغانستان و عراق پرداخت. همزمان، با تلاش های گسترده تبلیغاتی و رسانه ای برای چیره شدن بر قلبها و اذهان مردم در این مناطق و استفاده از سازمانهای خصوصی (NGOs) برای تبدیل این کشورها به زائده مطمئن غرب کوشید.

به طور خلاصه، آمریکا پس از فروپاشی شوروی با هدف تشکیل نظام بین المللی تک قطبی به رهبری خود، راهبردهای ویژه ای برگزیده است که عبارت اند از:

.. تلاش همه جانبه برای کنترل انقلاب اسلامی ایران و حرکت های آزادی بخش اسلامی، به ویژه در منطقه نفت خیز خلیج فارس (با توجه به اهمیت نفت در اقتصاد جهانی و امکان استخراج نفت خلیج فارس تا حدود یکصد سال آینده، برخلاف نفت سایر مناطق) و منطقه شرق مدیترانه و شمال آفریقا به منظور تداوم و گسترش سلطه سیاسی - اقتصادی خود و تأمین امنیت رژیم صهیونیستی

۲. حضور در کنار مرزهای دولت های بزرگ و بالقوه خطرناک برای منافع غرب مانند روسیه، چین، ایران و هند؛ و حتی تلاش برای فروپاشی مجدد روسیه؛ به ویژه که غرب از واقعی شدن برخی دیدگاه ها درباره اتحاد احتمالی قدرتهای نامبرده و نقش چنین اتحادی، در ممانعت از دستیابی به اهداف خود، هراس دارد.

۳. تلاش گسترده سیاسی و رسانه ای برای ایجاد تصویر مطلوب از خود، فریب افکار عمومی و زمینه سازی برای ایجاد تغییرات سیاسی دلخواه و تغییر جغرافیای سیاسی نتیجه

این مناطق، از جمله سلطه بر آسیای مرکزی و قفقاز که این تلاشها در گرجستان، اوکراین و قرقیزستان به وقوع «انقلاب های رنگی» انجامید.

فراهم کردن زمینه های گسترش ناتو به شرق (منطقه قفقاز، از طریق گرجستان، آسیا

ی مرکزی، افغانستان و پاکستان) نیز، در برنامه آمریکا وجود داشت. بدین ترتیب جمهوری اسلامی ایران از شمال و شرق توسط ناتو محاصره میشد.

اینک با آگاهی از این نکته که در عمل «انقلاب رنگی» در سه کشور نامبرده به نتایجی که تحریک کنندگان غربی امید داشتند، نینجامید، و تحولات مناطق فوق به دلیل وجود بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای متعدد پیچیده است، به تشریح «انقلاب های رنگی» در این کشورها می پردازیم.

یک. انقلاب گل رز گرجستان

در انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۰۳م در گرجستان «ائتلاف برای گرجستان نو» به رهبری ادوارد شوارد نادره و «ائتلاف تروئیکای گرجستان» شامل میخائل ساکاشویلی، زوراب ژاوانیا رئیس قبلی پارلمان و نینو بورجا نادره رئیس پارلمان، که به مثلث قدرت گرجستان شهرت یافته اند، مقابل یکدیگر قرار گرفتند.

با اعلام نتایج اولیه انتخابات، حدود ۱۵ هزار نفر از افراد گروههای مخالف به نتیجه اعتراض کرده، گروه حاکم و پیروز را به تقلب در انتخابات متهم نمودند و از طریق «جنبش کمارا» سر به طغیان برداشتند. آنها چند روز مقابل ساختمانهای دولتی، از جمله ریاست جمهوری تجمع نموده، مردم را به مخالفت فراخواندند و به نیروهای ارتش و پلیس گل رز می دادند. در روز افتتاح مجلس، در حالی که شوارد نادره مشغول سخنرانی بود، مخالفان به رهبری ساکاشویلی، بدون مقاومت پلیس، وارد مجلس شده و با ورود ایوانف روسی به تفلیس و ترغیب شوارد نادره به استعفاء انقلا ب گل رز» به پیروزی رسید.

نقش عوامل و تلاشهای خارجی

هرچند در بروز انقلاب گل رز» گرجستان زمینه ها و عوامل داخلی، از قبیل بحران اقلیتها و استقلال خواهی برخی جمهوری های داخلی گرجستان، مشکلات اقتصادی و کسری شدید بودجه نقش داشتند، در وقوع آن نقش قاطع آمریکا و سازمانهای وابسته به آن و سپس، نقش اتحادیه اروپایی دیده می شد. ریچارد مایلز، سفیر آمریکا در گرجستان که قبلا در فعالیتهای براندازی در صربستان در برکناری میلوشویچ)، بلغارستان و آذربایجان (سرنگونی ایلچی بیگ در ۱۹۹۳م)، ایفای نقش کرده بود، پس از وقوع انقلاب گل رز»، سفیر برانداز نام گرفت.

اما مهم ترین سازمان ظاهر غیردولتی غربی ای که در این حرکت نقش داشت، بنیاد سورس بود. جورج سورس، یهودی مجاری الاصل، که اکنون رئیس «انستیتو جامعه باز»، و رئیس شورای روابط خارجی «آمریکاست»، در سال ۱۹۹۸م با طرح خروج میلی

اردها دلار از کشورهای اندونزی و مالزی، فشارهای خردکننده اقتصادی و سیاسی به آنها وارد کرد. شورای روابط خارجی آمریکا، حدود ۴۰۰۰ عضو، شامل اعضای سابق سازمان سیا، نمایندگان رسانه ها، سیاستمداران و اشخاص سرشناس دانشگاهی دارد. بنیاد سورس ۴۰ نفر از همکاران خود و بودجه سالانه کافی در اختیار الکساندر لومایان نتیجه قرارداد تا شرایط را برای «انقلاب گل رز» فراهم کند. این بنیاد یک ایستگاه تلویزیونی نیز در اختیار «جنبش کمارا» قرار داد.

به جز بنیاد سورس، تعداد دیگری از موسسات آمریکایی که از بودجه فدرال بهره می گیرند نیز، در این حرکت نقش داشتند.

نقش اتحادیه اروپایی و موسسات مالی اروپا نیز در انقلاب گل رز گرجستان» دیده می شود؛ به ویژه که ۴۲۷ نماینده از سازمان امنیت و همکاری اروپا بر انتخابات پارلمانی گرجستان نظارت می کردند و اروپایی ها همواره بر تمایل خود به گسترش دموکراسی غربی در کشورهای همسایه تاکید می کنند.

نکته پایانی در این باره اینکه، فدراسیون روسیه در زمان وقوع حرکت مزبور در موضعی نبود که بتواند در جلوگیری از پیروزی آن نقش فعالی داشته باشد؛ بنابراین، برای دستیابی به منافع کوتاه مدت جهانی خود توسط غربیها، از شوارد نادره خواست استعفا داده و از نیروهای نظامی برای سرکوبی تظاهرات بهره گیری نکند.

دو. انقلاب نارنجی اوکراین

در مرحله نخست انتخابات ریاست جمهوری اوکراین در اکتبر ۲۰۰۴م، هیچ یک از نامزدها نتوانستند حد نصاب لازم را کسب نمایند؛ بدین ترتیب، یانوکوویچ نخست وزیر وقت و هوادار روسیه ۳۹۸۸ درصد و ویکتور یوشچنکو هوادار و تحت حمایت غرب

۲۲/۳۹ درصد آرا را به دست آورده، به دور دوم انتخابات راه یافتند. در دور دوم انتخابات در ۲۱ نوامبر، بنابر اعلام غیررسمی نتایج، مشخص شد که یانوکوویچ با کسب ۴۶/۴۹ درصد آرا بر یوشچنکو که ۶۱/۴۶ درصد را کسب کرده پیروز شده است. اما این نتیجه از سوی یوشچنکو و طرفدارانش پذیرفته نشد و آنها دولت را به هواداری از بانو کوویچ و تقلب در انتخابات متهم نمودند.

از این رو، افرادی که «جنبش پارا» آنان را سازماندهی و بسیج کرده بود، در خیابان های کیف تحصن نموده، از کمیسیون انتخابات خواستند پیروزی یوشچنکو را اعلام نماید.

سرانجام دادگاه عالی اوکراین در هفتم دسامبر، نتیجه انتخابات را باطل و ۲۶ دسامبر را تاریخ برگزاری انتخابات مجدد اعلام نمود.

با برگزاری دوباره انتخابات، که به دنبال تلاشها، تبلیغات و کمکهای گسترده غرب در طرفداری از یوشچنکو و در شرایط تضعیف تدریجی دولت به دلیل کنار کشیدن نیروهای مسلح و ایجاد تفرقه در گروه حاکم و حضور ۱۲۰۰۰ ناظر بین المللی صورت گرفت و

۲۲/۷۷ درصد از واجدین شرایط در آن شرکت کردند، یوشچنکو با به دست آوردن

۶۲/۵۲ درصد بر یانوکوویچ که ۶/۴۳ درصد آرا را کسب کرده بود پیشی گرفت و اوضاع به حالت عادی در آمد. اوکراین مدتی بعد دوباره دستخوش ناآرامی و درگیری میان گروه های سیاسی شد که پرداختن به آن از موضوع این پژوهش خارج است.

نقش عوامل و تلاشهای خارجی

در وقوع انقلاب نارنجی اوکراین» گرچه زمینه ها و علل داخلی مانند عدم یکدستی سیستم سیاسی، اتهام بروز مشکلات اوکراین به دلیل پیروی یانوکوویچ از مسکو، انشقاق شرقی - غربی کشور و مشکلات اقتصادی وجود داشت، نقش مستقیم نهادها، شخصیتها و رسانه های غربی، به ویژه آمریکایی، در تحریک، تبلیغ و کمک مالی دیده می شد. روسها نیز در مخالفت با آن و کمک به یانوکوویچ حضور فعال داشتند و پیروزی آن باعث تحقیر چهره پوتین رئیس جمهور روسیه گردید.

اوکراین که بعد از فدراسیون روسیه بزرگترین کشور اروپایی و همسایه جنوب غربی روسیه است، در میان چند منطقه مهم، یعنی اروپای شرقی، قفقاز و خاورمیانه موقعیت کلیدی نتیجه داشته، حضور آمریکا در آن برای کنترل روسیه - که همچنان برای غرب خطرناک شمرده می شود - از یک سو و دستیابی به بازارها و منابع نفت و گاز منطقه از سوی دیگر، حائز اهمیت است. افزون بر آن، اوکراین مرکز عبور لوله های نفت و گاز روسیه و دریای خزر است که برای شرکتهای نفتی آمریکایی مسئله مهمی است.

بنابراین، آمریکایی ها برای دستیابی به اهداف خود به شدت در اوکراین تلاش کردند که به نقل از نیویورک تایمز: «انقلاب نارنجی اوکراین از مدتها پیش تدارک دیده شده بود. دولت بوش دست کم ۶۵ میلیون دلار برای این انقلاب سازماندهی شده، خرج کرد». گزارش های بسیار دیگری نیز در دست است که بیانگر کمکهای گسترده مالی سازمانهای ظاهرا خصوصی آمریکایی به پروژه براندازی در اوکراین است؛ از جمله

هزینه کردن ۳۴۰ هزار دلار توسط موسسه های وابسته به «بنیاد ملی برای دموکراسی»؛ یعنی، «موسسه بین المللی جمهوری خواه»، «موسسه دموکراتیک ملی برای امور بین المللی»، «مرکز بین المللی بنگاههای خصوصی» و «مرکز آمریکایی برای کار بین المللی». حتی نیکلاس برنز، معاون سیاسی وزارت خارجه آمریکا به کمک مالی این کشور به گروههای مخالف در گرجستان و اوکراین اشاره نموده است.

به جز کمک های مالی، باید از نقش مستقیم سفرای غربی، به ویژه سفیر آمریکا در کیف در ناآرامیها و حمایت گسترده تبلیغاتی غرب از مخالفان، یاد کرد. اتحادیه اروپایی پیایی تاکید می کرد که نتیجه انتخابات بر پیشرفت اوکراین و ثبات اروپا تاثیر دارد و رسانه های غربی به تمجید از شخصیت و دیدگاههای لیبرالی یوشچنکو می پرداختند؛ و هرگونه تظاهرات در طرفداری از او و سخنرانیهای وی را به طور زنده پخش می کردند. همچنین شخصیتهای سیاسی غربی بارها با او ملاقات کرده، از وی طرفداری می کردند. شبکه های تلویزیونی غربی از جمله بی.بی.سی، سی.ان.ان و به ویژه یورو نیوز، نقش بارزی در تصویر چهره مطلوب از یوشچنکو و چهره نامطلوب از یانوکوویچ داشتند و کانال پنج تلویزیون اوکراین و سایتهای اینترنتی، جنگ روانی گسترده ای به راه انداخته بودند.

در مقابل، با توجه به اهمیت راهبردی اوکراین برای روسیه و نیازهای این کشور به مازاد تولیدات کشاورزی اوکراین، و استقرار صنایع نظامی و هوافضای شوروی سابق در این کشور و نیاز روسیه به آنها، روسها به دفاع از یانوکوویچ پرداخته به او کمک نمودند. از جمله پوتین رئیس جمهور روسیه دوبار برای اعلام حمایت از بانو کوویچ به کیف رفت و مبلغ درخور توجهی نیز به وی کمک نمود؟

سه. انقلاب لاله ای قرقیزستان

در مرحله نخست انتخابات شوراهای محلی و استانی قرقیزستان که در اکتبر ۲۰۰۴م برگزار شد، حزب برمت وابسته به دختر عسگر آقایف، رئیس جمهور، ۶۰ درصد آرا را به دست آورد. در این شرایط، با توجه به عملکردهای گذشته حکومت و برنامه های سیاسی آینده آن، جنوبی های کشور احساس کردند که با تشکیل پارلمان آینده، از دایره قدرت دور خواهند ماند.

در این زمان دو مخالف آقایف (کولوف، وزیر امنیت پیشین از اهالی شمال و باقی اف، نماینده پارلمان از جنوب که هردو برکنار شده بودند با یکدیگر متحد شده، همراه با ۵۰ هزار نفر از طرفداران خانم آتونبایا؟ (هوادار «جنبش آتایورت» به معنی سرزمین پدری) در ژانویه ۲۰۰۵م در حالی که پارچه های نارنجی و قرمز به دست داشتند، مقابل پارلمان به اعتراض پرداختند."

با اعلام نتایج دور نخست انتخابات پارلمانی در فوریه ۲۰۰۵م و متهم شدن دولت به نتیجه

تقلب، جنوب کشور کاملاً متشنج شد و گروهی از مردم به سوی بیشکک، پایتخت، روانه شدند. بابرگزاری مرحله دوم انتخابات در سیزدهم مارس، خشونت و غارت علیه ساختمان های دولتی رخ داد و در ۲۴ مارس تعداد کمی از مخالفان که پلیس نیز از آنان حمایت می کرد، وارد کاخ ریاست جمهوری شدند. در این شرایط، آقایف از مرز قزاقستان خارج و به مسکو پناهنده شد و باقی اف به صورت موقت به رئیس جمهوری رسید.

نقش عوامل و تلاشهای خارجی

هرچند عوامل و زمینه های داخلی، مانند انشقاق فرهنگی و اختلافات شمال - جنوب و مشکلات سیاسی - اقتصادی در انقلاب لالهای قرقیزستان نیز، موثر بودند، نقش عوامل خارجی، از جمله سازمان های خصوصی، مراکز سیاسی و نهادهای مالی آمریکایی و سپس اروپایی بسیار آشکار بود. در مقابل، روسها با این حرکت مخالفت می کردند؛ هرچند شاهدی بر کمک های اقتصادی روسیه در دست نیست.

سازمان های آمریکایی در ایجاد تعدادی کافی نت در قرقیزستان و دادن آنها به «جنبش مقاومت جوانان کلکل» که به سرعت، خبرها را به نقاط مختلف قرقیزستان پراکنده می کرد و به تبلیغات می پرداخت، نقش داشتند. حتی کاندالیزا رایس، وزیر امور خارجه دولت بوش، به «کمک آمریکا به گروه های سیاسی برای توسعه جامعه مدنی» اشاره کرده است. همچنین مشخص شد که خانم روزا اتو نبایا از رهبران «انقلاب لاله ای» با بنیاد سورس در ارتباط بود و کمک های مالی دریافت می کرد.

گزارش محرمانه، استفان. ام. یانگ، سفیر آمریکا در قرقیزستان نیز، بیانگر همکاری سفیر با سازمانهای «انستیتو دموکراتیک ملی»، «انستیتو بین المللی جمهوری خواه»، «خانه آزادی»، «شبکه مصاحبه» و «بنیاد اوراسیا» در هدایت نتایج رای گیری عمومی است.

سفیر می گوید: افزایش مبلغ کمک به احزاب مخالف، به ۳۰ میلیون دلار لازم است. همچنین دولت آمریکا و یک سازمان ظاهراً خصوصی آمریکایی یک کمک ۳۱۷ هزار دلاری با عنوان کمک رسانی به آسیب دیدگان حوادث ۲۴ مارس ارسال کردند. آمریکا همچنین به دلیل اهمیت قرقیزستان، یعنی نزدیکی به روسیه و چین، به ویژه در زمانی که به دلیل حساس شدن روسیه، چین و اعضای پیمان شانگهای خودش نمی

تواند در ازبکستان حضور مداوم داشته باشد، به اعطای کمکهای زیاد اقتصادی و نظامی به حکومت جدید قرقیزستان روی آورده

ب) تمایز انقلاب های رنگی و انقلابهای واقعی آنچه به ترتیب در سالهای ۲۰۰۳، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ در کشورهای گرجستان، اوکراین و نتیجه قرقیزستان روی داد و به «انقلاب رنگی» مشهور شد، با انقلاب در معنای واقعی آن تفاوتی آشکاری دارد؛ به گونه ای که بعضی نویسندگان آنها را رفرم یا کودتای دولتی با بهره برداری وسیع از فناوری اطلاعات دانسته اند.

پدیده انقلاب حداقل با این ویژگی ها همراه است:

نقش رهبری و ساختارها در برانگیختن و بسیج عمومی، گسترش آرمان یا ایدئولوژی (های) جدید جایگزین، نقش توده ها، گسترش روحیه انقلابی و تغییرات ساختاری سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، که بر مبنای نوع انقلاب، یعنی انقلاب سیاسی یا انقلاب اجتماعی متفاوت خواهد بود.

با مطالعه «انقلابهای رنگی» که پیش از این آمد، در می یابیم که نقش رهبری و ساختارها در آنها، بسیار کم رنگ تر از انقلابهای واقعی بود. در قرقیزستان این نقش حتی کمتر از دو انقلاب دیگر بود. در هر صورت، اساسا محرک اصلی این اعتراضها رسانه ها و نهادهای غربی و به ویژه آمریکایی بودند.

ایدئولوژی جدید جایگزین، ایدئولوژی لیبرالیسم غربی و اساسا وارداتی و فاقد عمق فرهنگی بود، و بیشتر در گروهی از روشنفکران گسترش یافت. از این رو، مدتی پس از پیروزی معترضان مجددا بی ثباتی و درگیری ها آغاز شده «انقلاب های رنگی» از موجودیت ساقط شدند.

همچنین تعداد و نقش توده های شرکت کننده بسیار کم بود و گسترش روحیه انقلابی به معنای واقعی وجود نداشت. از این رو با توجه به عدم وجود این روحیه، جمعیت نسبی کم مخالفان و سایر شرایطی که در بالا آمد، در صورت بهره گیری کامل و قاطعانه حکومت ها از نیروهای مسلح، به احتمال زیاد، اعتراضات سرکوب میشدند.

نکته پایانی اینکه پس از پیروزی، تنها گروه حاکم و گرایش سیاست خارجی تغییر کرد، ولی تغییری در نوع رژیم سیاسی و ساختار اقتصادی و فرهنگی، به گونه ای که در انقلابهای واقعی اجتماعی روی می دهد، صورت نگرفت.

بررسی بالا نشان میدهد آنچه در سه کشور مزبور اتفاق افتاد، یک انقلاب نیست، بلکه حرکتی است با منشا خارجی و برونزا که تنها در راستای تلاش غرب برای پر

کردن خلا قدرت ایجاد شده بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در آسیای مرکزی و قفقاز، و اجرای راهبرد جهانی آمریکا تحلیل شدنی بوده، انقلاب نامیدن آنها بیشتر با اغراض و اهداف سیاسی و به منظور مخفی کردن نقش بیگانگان در آن بوده است. یک انقلاب واقعی حرکتی است با زمینه ها و علل عمیق داخلی که در برگی رنده بخش بزرگی از توده ها و نخبگانی است که به روحیه انقلابی عمیق و آرمان انقلابی پیوند خورده اند و اساسا از رهبر یا رهبران داخلی خود اطاعت می کنند. بنابراین، حرکت های واکنشی و کوتاه مدت مزبور را نمی توان انقلاب نامید.

نتیجه

آنچه در سه کشور گرجستان، اوکراین و قرقیزستان در دهه اول قرن ۲۱ میلادی اتفاق افتاد و به «انقلاب رنگی» مشهور شد، هر چند واجد زمینه ها و عوامل داخلی بود اما اساسا به دلیل تلاش قدرتهای برون منطقه ای، به ویژه آمریکا با بهره گیری از مسائل خاص این کشورها و برای پر کردن خلا قدرت ایجادشده در اروپای شرقی، آسیای مرکزی و قفقاز و اجرای راهبردهای جهانی و منطقه ای آنان رخ داد.

در این حرکت ها، برخلاف انقلابهای اصیل و واقعی کمک های گسترده اقتصادی و تبلیغاتی غرب، به ویژه آمریکا، در بسیج و به صحنه آوردن معترضان، نقش اساسی داشت و رهبران معترضان شدیداً و مزورانه از سوی دولت ها و رسانه های غربی به عنوان نجات دهندگان این جوامع تبلیغ شدند.

در عین حال، این جوامع پس از به قدرت رسیدن سران گروههای معترض، راه ثبات و توسعه را نپیمودند و مشکلاتشان ادامه یافت.

به مرور زمان «انقلابهای رنگی» مقابل امواج تند مخالف از پای درآمدند و تقریباً امروزه دیگر نام و سخنی از آنها برجای نمانده است و واقعیت های داخلی و منطقه ای جای پای خود را محکم کرده اند.

نکته آخر در این باره اینکه انقلاب های رنگی « در کشورهایی رخ دادند که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دارای دولتی بسیار ضعیف و ناتوان بوده، از نظر اقتصادی عقب مانده و نیازمند بود و مردم در نظام سیاسی نقشی نداشته، از ایستادگی و نشان دادن قاطعیت مقابل دشمنان ناتوان بودند؛ کشورهایی که در آنها ملت به شرقی - غربی یا شمالی - جنوبی تقسیم شده، از نظر مایحتاج زندگی اساسا به روسیه تکیه داشتند. در این شرایط، غرب و به ویژه آمریکا برای کسب اهداف راهبردی خود، با پرداخت هزینه های هنگفت و تبلیغات حجیم و فراوان، به بهره برداری پرداخت.

آشکار است که وقوع این حرکت ها در کشوری مانند ایران اسلامی غیرممکن است، کشوری که واجد نظامی کاملاً مستقر و قانونی، برآمده از انقلابی اصیل و مردمی بوده و واجد رهبری مقتدر و وحدت بخش و دولتی قوی و توانا و قاطع بوده، و اقتصاد شدیداً در حال رشد و مطلوبی دارد و واجد نقش عامه مردم در سیاست و متکی بر حمایت مردمی معتقد، با روحیه و حاضر به فداکاری، مصمم و قاطع در دفاع از نظام، مقابل دشمنان است و وحدت ملی و جغرافیایی منحصر به فرد داشته، متکی به خود و نه بیگانگان است.